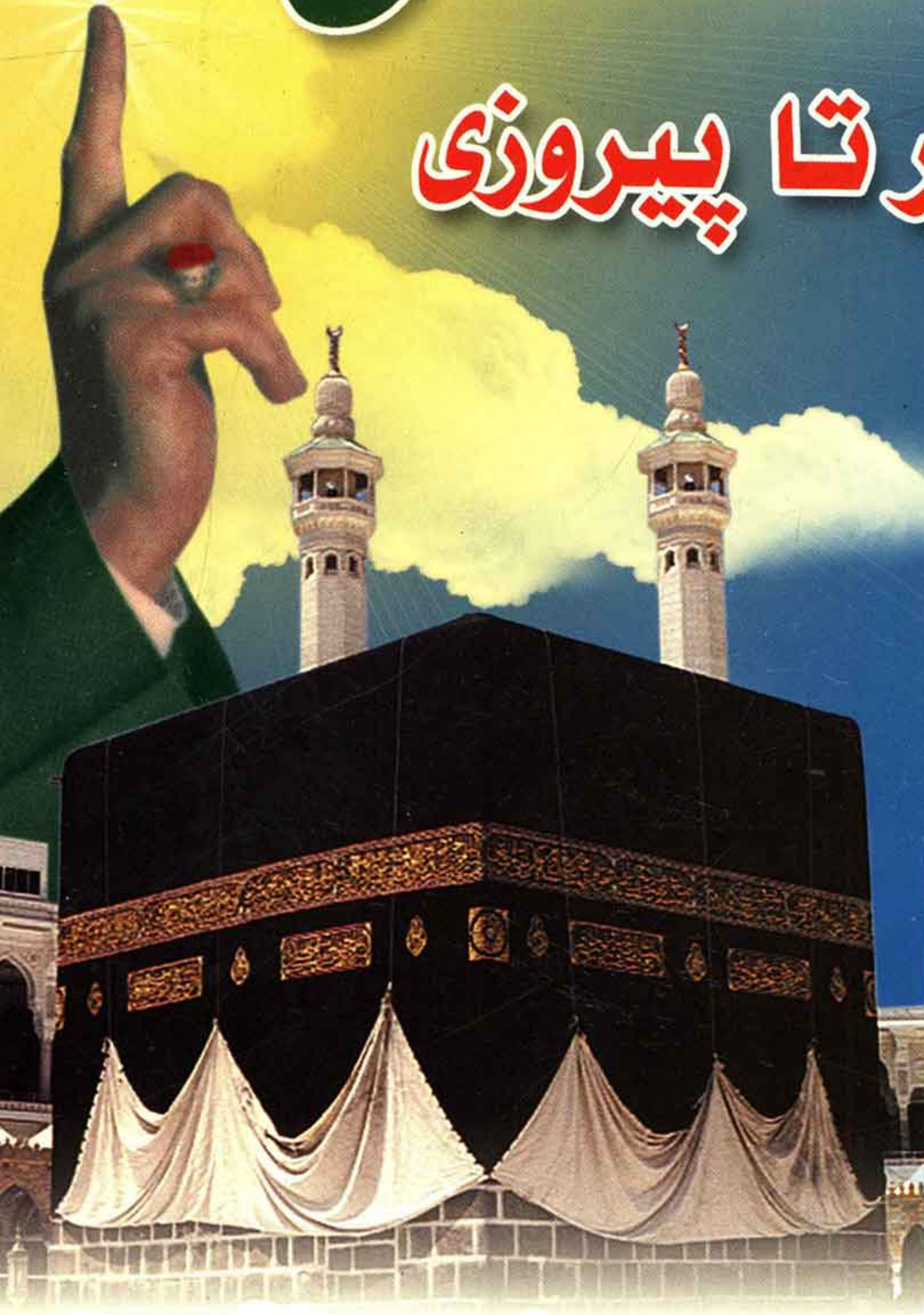


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
انا

# حضرت محمد مصدق

از ظهور تا پیروزی



سید حسین تقوی

چاپ دوم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت مهدی

از

ظهور تا پیروزی

نگارش:

سید حسین تقوی



زمستان ۱۳۸۱

تقوی، سید حسین، ۱۳۳۹ -

حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی / نگارش سید حسین تقوی. -

قم: بنیاد پژوهش‌های علمی و فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۸۱.

۴۳۲ ص.

کتابخانه. ص [۴۲۵] - ۴۳۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

شابک: ۹۶۴-۵۹۲۷-۳۱-۵

شابک:

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق - ۲. مهدویت

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / ت ۸ ج ۶

الف. عنوان



## حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی

مؤلف: سید حسین تقوی

ناشر: کتابسرای اصفیاء (نورالاصفیاء)

چاپ: دوم، زمستان ۱۳۸۱

۴۳۲ صفحه، وزیری ۰ تیراژ ۳۰۰۰ جلد ۰ چاپ امین

«همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است»

مراکز پخش:

تهران صندوق پستی ۱۶۵۷-۱۴۱۵۵

قم: خ صفائیه - پاساژ امام مهدی شماره ۱۲۹ تلفن ۷۷۲۳۳۶۶

شابک ۹۶۴-۵۹۲۷-۳۱-۵ ISBN 964-5927-31-5

قیمت: جلد شومیز ۱۷۰۰ تومان، جلد گالینگور ۳۰۰۰ تومان



سلام بر محمد مصطفی؛ خاتم الانبیاء!

سلام بر مهدی؛ خاتم الاوصیاء!

سلام بر وارث انبیاء!

سلام بر خورشید فروزنده!

سلام بر ذخیره خدا!

سلام بر متمم نور الهی!

سلام بر انقلابی بزرگ!

سلام بر مکمل دین!

سلام بر عزت بخش اولیاء!

سلام بر مذلّ اعداء!

سلام بر بقیّة الله!

سلام بر بهار انسان ها!

سلام بر موعود همه ملت ها!

سلام بر مهدی زهرا علیها السلام!



## فهرست مطالب کتاب

سخن ناشر ..... ۱۸

پیش‌گفتار ..... ۲۲

### فصل اول

مقدمه ..... ۲۹

ارتباط انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۹

چشم‌اندازی به چگونگی ظهور و پیروزی ..... ۳۵

تبیین و تفسیر حدیث ..... ۳۸

لشکری که در زمین فرو می‌رود ..... ۵۶

فروود آمدن مسیح از آسمان ..... ۶۷

### فصل دوم

مقدمه ..... ۸۱

اعتقاد به نجات بخش بزرگ، در بین ملل و نحل ..... ۸۳

انتظار ظهور، در کتاب‌های ملل و مذاهب ..... ۸۵

انتظار فرج در منابع اسلامی ..... ۹۳

حضرت مهدی علیه السلام در میان اهل سنت ..... ۱۰۵

۱- نظریه و قایبان ..... ۱۰۵

۲- نظریه دو تن از علمای شافعی ..... ۱۰۷

۳- نظریه علمای حنبلی ..... ۱۰۷

۴- نظریه یکی از علمای مالکی ..... ۱۰۸

۵- نظریه یکی از علمای حنفی ..... ۱۰۸

۶- نظریه یکی از علمای معتزلی ..... ۱۰۹

۷- نظریه یکی از عرفای بزرگ جهان اسلام ..... ۱۱۰

امام عصر در اشعار سرایندگان شعر فارسی ..... ۱۱۱

حافظ شیرازی ..... ۱۱۱

سنایی غزنوی ..... ۱۱۳



- ۱۱۳ ..... خاقانی شروانی
- ۱۱۴ ..... خواجوی کرمانی
- ۱۱۴ ..... ابن یمین
- ۱۱۴ ..... شاه نعمت الله ولی
- ۱۱۴ ..... فیض کاشانی
- ۱۱۵ ..... عراقی همدانی
- ۱۱۵ ..... فروغی بسطامی
- ۱۱۶ ..... استاد شهریار
- ۱۱۶ ..... آیه الله العظمی خامنه‌ای
- ۱۱۷ ..... چه تفاوتی در انتظار ظهور مصلح، بین شیعه و سایر ادیان وجود دارد؟
- ۱۱۸ ..... مهدی‌های دروغین یا مدعیان مهدویت
- ۱۱۸ ..... مقدمه
- ۱۲۰ ..... مهدویت و فرقه‌های انحرافی مهدویت
- ۱۲۴ ..... مهدی‌های دروغین در کشورهای اسلامی
- ۱۳۱ ..... بزرگ‌ترین رویداد سیاسی در رابطه با مهدویت، در عصر حاضر
- ۱۳۲ ..... مهدویت و جلوگیری از سوء استفاده
- ۱۳۲ ..... راه تشخیص مهدی‌های دروغین

### فصل سوم

- ۱۳۷ ..... وحشت استکبار
- ۱۳۷ ..... الف - فیلم‌سازان آمریکایی مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند
- ۱۳۹ ..... ب - سیاست‌مداران آمریکا و اسرائیل و تهاجم به مسأله مهدی باوری
- ۱۴۱ ..... نظریه صهیونیست‌ها در زمینه اعتقادات آخرالزمانی
- ۱۴۴ ..... یأس و امید
- ۱۵۰ ..... اهمیت انتظار
- ۱۵۰ ..... انتظار چیست؟
- ۱۵۲ ..... آثار انتظار
- ۱۵۴ ..... انتظار از نظر مستشرقان
- ۱۵۵ ..... اهمیت انتظار فرج، در احادیث



- ۱۶۰ ..... ردّ انجمن حجّتیّه از سوی امام خمینی علیه السلام
- ۱۶۲ ..... معنای دقیق انتظار از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
- ۱۶۳ ..... امام خمینی علیه السلام و ردّ نظریات انحرافی در باب انتظار
- ۱۶۵ ..... هدف‌های تحقیق
- ۱۶۶ ..... روش تحقیق
- ۱۶۸ ..... تعریف واژه‌ها و اصطلاحات
- ۱۶۹ ..... انواع روایات و اخبار

### فصل چهارم

- ۱۷۳ ..... آشنایی با مشخصات ظاهری حضرت
- ۱۷۳ ..... دلیل کثرت القاب حضرت مهدی چیست؟
- ۱۷۴ ..... معانی القاب و اسامی مبارک مهدی منتظر علیه السلام
- ۱۷۴ ..... چرا «مهدی» نامیده شده است؟
- ۱۷۴ ..... چرا «منصور» نامیده شده است؟
- ۱۷۵ ..... چرا «منتظر» نامیده شد؟
- ۱۷۵ ..... چرا «بقیة الله» نامیده شد؟
- ۱۷۵ ..... چرا «حجة الله» است؟
- ۱۷۵ ..... چرا به حضرت «قائم» می‌گویند؟
- ۱۷۷ ..... آشنایی با خاندان گرامی حضرت
- ۱۷۷ ..... پدر و اجداد حضرت
- ۱۷۹ ..... چگونگی هنگامه میلاد حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۲ ..... صفات بدنی حضرت
- ۱۸۲ ..... آیا ملاقات و دیدار با امام زمان، امکان دارد؟
- ۱۸۵ ..... نشانه‌هایی از وجود حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۵ ..... ۱- روایات متواتر
- ۱۸۷ ..... ۲- غیبت صغری
- ۱۸۹ ..... ۳- نامه‌ها و توقیعات حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۹۱ ..... نمونه‌هایی از توقیعات
- ۱۹۶ ..... چگونه حضرت مهدی عمر غیرطبیعی و طولانی دارد؟

- ۱۹۸ ..... غیبت طولانی چرا؟
- ۱۹۹ ..... ۴- کسانی که امام را دیده‌اند
- ۱۹۹ ..... آشنایی با کتاب‌های شرح حال تشریف‌یافتگان
- ۲۰۲ ..... حضرت مهدی در دوران غیبت چه می‌کنند؟
- ۲۰۳ ..... کسانی که حضرت مهدی را دیده‌اند و از آنها دستگیری شده است؟
- ۲۰۳ ..... شرط دیدار حضرت مهدی علیه السلام از نظر بزرگان
- ۲۰۴ ..... چرا به صابونی اجازه ملاقات ندادند؟
- ۲۰۵ ..... حکایت تشریف‌یافتگان
- ۲۰۵ ..... ۱- اسماعیل هرقلی
- ۲۰۸ ..... ۲- مقدس اردبیلی
- ۲۰۹ ..... ۳- ابو راجح
- ۲۱۱ ..... ۴- علامه حلی در حضور حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۱۲ ..... ۵- سید مهدی بحر العلوم، در محضر حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۱۴ ..... ۶- امام خمینی علیه السلام و دستور امام زمان
- ۲۱۷ ..... ۷- آیه الله العظمی گلپایگانی و یاری امام زمان علیه السلام
- ۲۱۸ ..... ۸- آخوند ملا علی معصومی و دستور دستگیری از محرومان
- ۲۲۰ ..... ۹- آیه الله بهاء‌الدینی
- ۲۲۰ ..... شیوه‌های حضرت برای ناشناس ماندن
- ۲۲۱ ..... تعویض لباس و وسیله نقلیه
- ۲۲۲ ..... چه اهدافی بر دیدارهای حضرت مهدی مترتب است؟
- ۲۲۳ ..... آیا امام زمان، زن و فرزند دارد؟
- ۲۲۵ ..... مشخصات معنوی حضرت مهدی علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

### فصل پنجم

- ۲۳۰ ..... نشانه‌های انقلاب حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۳۰ ..... مقدمه
- ۲۳۶ ..... نشانه‌های حتمی ظهور
- ۲۳۷ ..... فرقی میان شرایط با نشانه‌های ظهور
- ۲۳۸ ..... تقسیم بندی نشانه‌ها



- ۲۳۸ ..... فایده نشانه‌ها چیست؟
- ۲۴۰ ..... وقایع و حوادث قبل از ظهور
- ۲۴۰ ..... وقایع عمومی
- ۲۴۰ ..... چشم‌اندازی به وضع جهان در آخرالزمان در پرتو سخنان پیامبر ﷺ
- ۲۴۲ ..... وضع زمامداران مسلمانان در آخرالزمان از نظر پیامبر گرامی ﷺ
- ۲۴۳ ..... وضع اسلام در آخرالزمان از دیدگاه نبی اکرم ﷺ
- ۲۴۴ ..... وضع قرآن در آخرالزمان
- ۲۴۴ ..... وضع مساجد در آخرالزمان
- ۲۴۴ ..... وضع علماء و دانشمندان آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی ﷺ
- ۲۴۴ ..... وضع مؤمنان آخرالزمان از نظر حضرت رسول ﷺ
- ۲۴۶ ..... اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی ﷺ
- ۲۴۸ ..... اوضاع اقتصادی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام
- ۲۴۹ ..... اوضاع اخلاقی، اعتقادی مردم، در آخرالزمان از دیدگاه امام صادق علیه السلام
- ۲۵۰ ..... فراگیر شدن ظلم و جور
- ۲۵۱ ..... وقایع خصوصی
- ۲۵۲ ..... ۱- قطع حج و خرابی مسجد براء
- ۲۵۲ ..... ۲- منع طعام و درهم از عراق
- ۲۵۳ ..... ۳- زندیق قزوین
- ۲۵۳ ..... ۴- ظهور آتشی در حجاز و آب در نجف
- ۲۵۴ ..... ۵- خراب شدن بصره
- ۲۵۴ ..... ۶- انقراض حکومت بنی عباس
- ۲۵۵ ..... ۷- قبه غبراء
- ۲۵۶ ..... ۸- فرود آمدن ترکان در جزیره
- ۲۵۶ ..... ۹- آزاد شدن عرب از حکمرانی عجم
- ۲۵۷ ..... ۱۰- اختلاف دو صنف از عجم
- ۲۵۷ ..... ۱۱- برپایی پلی مقابل کرخ در بغداد
- ۲۵۷ ..... ۱۲- فرود آمدن روم در رمله
- ۲۵۷ ..... ۱۳- ظهور مغربی در مصر و تصاحب شام

- ۱۴- فتح قسطنطنیه ..... ۲۵۷
- ۱۵- جنگ‌های صلیبی ..... ۲۵۷
- ۱۶- قیام صاحب زنج ..... ۲۵۷
- ۱۷- ادعای نبوت و امامت ..... ۲۵۷
- ۱۸- خرابی دیوار مسجد کوفه ..... ۲۵۷
- نشانه‌های قبل از ظهور ..... ۲۵۸
- الف- نشانه‌های نزدیکی ظهور ..... ۲۵۸
- آیا ظهور نزدیک است؟ ..... ۲۵۸
- ۱- وقتی که قم مرکز علم و دانش شود ..... ۲۵۸
- ۲- وقتی اهل مشرق قیام کنند ..... ۲۵۹
- ۳- وقتی که اهمیت قدس و مسأله اراضی فلسطین زیاد شود ..... ۲۶۱
- ۴- آنگاه که فتنه فلسطین طولانی گردد ..... ۲۶۱
- ۵- وقتی که بین ماه‌های جمادی و رجب، ملت‌های مختلف، علیه عراق هجوم آورند ..... ۲۶۱
- ۶- وقتی که همه ایدئولوژی‌ها و مکتب‌های بشری - پس از حکومت بر مردم به بن بست برسند ..... ۲۶۵
- ۷- وقتی که ظلم و فساد زیاد شود ..... ۲۶۶
- ۸- وقتی که مرگ سرخ و سفید، عده زیادی را از پای درآورد ..... ۲۶۷
- ۹- وقتی که سال‌های فریبنده پیش آید ..... ۲۶۸
- ۱۰- ظهور یأس و نومیدی ..... ۲۶۹
- ۱۱- کشف هیکل سلیمان (معبد سلیمان) که بوسیله اسرائیل صورت گرفته است ..... ۲۶۹
- ۱۲- هرج و مرج ..... ۲۶۹
- ۱۳- اختلاف و تزلزل و اضطراب مردم ..... ۲۶۹
- ۱۴- سرعت زوال حکومت‌ها ..... ۲۶۹
- ۱۵- ملخ سرخ در دو موقع ..... ۲۶۹
- ب- نشانه‌های دوران یک سال قبل از ظهور ..... ۲۶۹
- ۱- شروع جنگی از صفر تا صفر ..... ۲۶۹
- ۲- جاری شدن فرات در کوفه ..... ۲۶۹
- ۳- ظهور آتشی در آسمان ..... ۲۶۹
- ۴- ظهور دست و صورتی در ماه ..... ۲۷۰



- ۲۷۱ ..... ۵- خورشید و ماه گرفتگی، در ماه‌های رمضان و رجب آن سال
- ۲۷۱ ..... ۶- در آن سال، بیست و چهار باران می‌بارد
- ۲۷۲ ..... ج- فتنه‌ها و جنگ‌های سال ظهور
- ۲۷۳ ..... نشانه‌هایی از هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۷۳ ..... مقدمه
- ۲۷۳ ..... ممنوعیت تعیین زمان، در روایات
- ۲۷۴ ..... چرا زمان ظهور، نامعلوم است؟
- ۲۷۵ ..... چگونگی ظهور امام زمان علیه السلام
- ۲۷۶ ..... دو حادثه بسیار مهم نزدیک ظهور
- ۲۷۸ ..... محتوای صیحه آسمانی چیست؟
- ۲۷۸ ..... زمان و مکان ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۸۰ ..... یاران امام، چه کسانی هستند؟
- ۲۸۱ ..... الف- اصحاب و یاران حضرت چند نفرند؟
- ۲۸۲ ..... فرق اصحاب و انصار
- ۲۸۲ ..... ب- یاران، از چه کشورهایی هستند؟
- ۲۸۲ ..... یاران حضرت، از چه شهرهایی هستند؟
- ۲۸۹ ..... تعداد انصار حضرت، دوازده هزار تن می‌باشند
- ۲۸۹ ..... آن حضرت، سی و شش هزار تن، محافظ دارد
- ۲۹۰ ..... ج- شخصیت‌های مشهوری که حضرت را یاری می‌کنند
- ۲۹۰ ..... ۱- هاشمی خراسانی
- ۲۹۰ ..... ۲- شعیب بن صالح
- ۲۹۱ ..... آیا نام خراسانی و شعیب، دو نام سمبلیک است یا حقیقی؟
- ۲۹۲ ..... ۳- سید حسنی
- ۲۹۴ ..... ۴- یمنی
- ۲۹۵ ..... ۵- مصری
- ۲۹۶ ..... ۶- حضرت خضر علیه السلام
- ۲۹۶ ..... ۷- حضرت مسیح علیه السلام
- ۲۹۷ ..... ۸- نفس زکیه

- ۹- حاکم آفریقا ..... ۲۹۷
- ۱۰- اصحاب کهف ..... ۲۹۷
- ۱۱- الیاس پیامبر ..... ۲۹۷
- ۱۲- ملائکه الهی و امدادهای غیبی ..... ۲۹۷
- د- صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۹۷
- ۱- جوانی ..... ۲۹۷
- ۲- عجمی ..... ۲۹۸
- ۳- قدرت بی نظیر ..... ۲۹۹
- ۴- پارسایان شب و شیران روز ..... ۳۰۰
- ۵- عاشق و مطیع رهبری ..... ۳۰۰
- ه- شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام ..... ۳۰۱
- دشمنان حضرت ..... ۳۰۱
- ۱- یهود ..... ۳۰۱
- ۲- جنبش سفیانی ..... ۳۰۴
- کوتاهی عمر حکومت سفیانی ..... ۳۰۵
- درگیری ابقع و اصبه با سفیانی ..... ۳۰۵
- سفیانی کیست؟ ..... ۳۰۶
- قساوت سفیانی ..... ۳۰۷
- کینه سفیانی نسبت به شیعیان ..... ۳۰۸
- سفیانی، از ظهور تا سقوط ..... ۳۰۸
- ۳- ترکان (روس‌ها) ..... ۳۱۰
- ۴- رومیان (غربی‌ها) ..... ۳۱۱
- ارتباط و همسویی غربی‌ها با سفیانی ..... ۳۱۳
- دو معجزه حضرت مهدی علیه السلام ..... ۳۱۴
- خیانت غرب به قرارداد صلح بین مسلمانان و مسیحیان ..... ۳۱۵
- ۵- دجال ..... ۳۱۶
- اهمیت دجال ..... ۳۱۶
- زمان خروج دجال ..... ۳۱۷



- ۳۱۷ ..... مکان خروج دجال
- ۳۱۸ ..... مشخصات دجال
- ۳۱۹ ..... آیا دجال واقعی است یا سمبلیک و کنایی؟
- ۳۲۰ ..... روش های دجال در گمراه کردن مردم
- ۳۲۲ ..... آیا دجال، نام شخص معینی است؟
- ۳۲۳ ..... حامیان دجال
- ۳۲۳ ..... ۱- یهود
- ۳۲۴ ..... ۲- افراد سفیه و بی خرد
- ۳۲۴ ..... ۳- عرب
- ۳۲۵ ..... ۴- زنازادگان، شراب خواران، آوازه خوانان و شیطان ها
- ۳۲۵ ..... نابودی دجال به دست حضرت مهدی علیه السلام

## فصل ششم

- ۳۲۹ ..... غلبه و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟
- ۳۲۹ ..... چگونگی پیروزی
- ۳۳۰ ..... چه کسانی اکنون همراه حضرت مهدی هستند؟
- ۳۳۲ ..... چگونه با ۳۱۳ نفر، بر عالم پیروز می شود؟
- ۳۳۳ ..... سلاح های مورد استفاده
- ۳۳۴ ..... آیا مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند؟
- ۳۳۵ ..... نیروهای امام، از چه سلاح هایی برخوردار هستند؟
- ۳۳۶ ..... ۱- کشتی ها
- ۳۳۶ ..... ۲- وسایل فوق العاده سریع السیر فضایی و هواپیمایی
- ۳۳۷ ..... ۳- ایجاد رعب و ترس در دل دشمنان
- ۳۳۸ ..... ۴- حضرت مهدی، محبوب و معشوق مردم می شود
- ۳۳۹ ..... ۵- عصای موسی، با مهدی است
- ۳۴۰ ..... ۶- ملائکه الهی او را یاری می کنند
- ۳۴۱ ..... ۷- انواع سلاح های جنگی
- ۳۴۱ ..... چگونگی پیروزی علمی
- ۳۴۲ ..... چگونگی پیروزی، از نظر وضعیت زمانی

- ۳۴۳ ..... پذیرش حکومت واحد جهانی
- ۳۴۴ ..... دانشمندان و نظریه حکومت واحد جهانی
- ۳۴۶ ..... جنگ جهانی و نابودی دو سوم مردم
- ۳۴۶ ..... آیا واقعاً دو سوم مردم جهان، از بین می‌روند؟
- ۳۵۱ ..... چگونگی پیروزی دینی
- ۳۵۱ ..... حضرت مسیح، سبب مسلمانی مسیحیان
- ۳۵۳ ..... پیروزی حضرت مهدی علیه السلام از راه اسباب طبیعی است یا معجزه؟
- ۳۵۴ ..... نظریه مورد قبول
- ۳۵۷ ..... سیر طبیعی حوادث ظهور، در روایات
- ۳۵۸ ..... سیر اعجاز‌آمیز حوادث ظهور، در روایات
- ۳۵۸ ..... ۱- ایجاد دلهره و ترس در دل دشمن
- ۳۵۹ ..... ۲- یاری فرشتگان
- ۳۵۹ ..... ۳- عصای موسی با مهدی است
- ۳۶۰ ..... ۴- مسیح به یاری مهدی، از آسمان فرود می‌آید
- ۳۶۰ ..... ۵- سایر امور اعجاز‌آمیز
- ۳۶۳ ..... راه و روش حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور
- ۳۶۵ ..... تکرار بهشت
- ۳۶۷ ..... از نظر اخلاقی
- ۳۶۷ ..... از نظر اجتماعی
- ۳۶۸ ..... از نظر سیاسی
- ۳۶۹ ..... از نظر اقتصادی
- ۳۶۹ ..... از نظر علمی
- ۳۶۹ ..... از نظر قضایی
- ۳۷۰ ..... از نظر فردی
- ۳۷۰ ..... از نظر مدیریتی

### فصل هفتم

- ۳۷۵ ..... پاسخ به چند پرسش
- ۳۷۵ ..... ۱- آثار وجودی حضرت، در زمان غیبت چیست؟



- ۳۷۵ ..... غیبت، از اسرار نهانی است
- ۳۷۸ ..... آثار و برکات دیگر امام غایب
- ۳۷۸ ..... امام واسطه فیض است
- ۳۸۰ ..... ۲- وظیفه دینی، در دوران پیش از ظهور چیست؟
- ۳۸۰ ..... مراجعه به عالمان دین شناس
- ۳۸۰ ..... چگونگی نصب ولی فقیه از طرف حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۸۲ ..... ۳- چه قرائتی از دین، صحیح است؟
- ۳۸۲ ..... ۴- سکولارها چه می گویند و چرا با ولایت فقیه مخالفند؟
- ۳۸۵ ..... ۵- چه وظیفه‌ای نسبت به حضرت مهدی داریم؟
- ۳۸۵ ..... الف. نگهداری ایمان و دین؛ با وجود دشواری‌های راه
- ۳۸۹ ..... ب. در خواست معرفت امام
- ۳۹۰ ..... ج. دعا نمودن برای سلامتی امام
- ۳۹۰ ..... د. قرائت قرآن و نماز به نیابت حضرت و صدقه دادن برای سلامتی ایشان
- ۳۹۱ ..... ه. خواندن زیارت امام
- ۳۹۲ ..... و. رعایت حقوق امام و پرداخت خمس
- ۳۹۲ ..... ز. قیام، هنگام ذکر نام «قائم»
- ۳۹۳ ..... ۶- بهترین دعا در ارتباط با حضرت مهدی کدام است؟
- ۳۹۴ ..... ۷- آیا با ظهور حضرت مهدی، همه چیز به سرعت درست می شود؟
- ۳۹۵ ..... ۸- حضرت مهدی در چه مکان‌هایی بیشتر حضور دارند؟
- ۳۹۶ ..... ۱. حضور همه ساله در مراسم حج
- ۳۹۶ ..... ۲. حضور در کربلا
- ۳۹۷ ..... ۳. نجف، مسجد کوفه و سهله
- ۳۹۷ ..... ۴. مدینه النبی صلی الله علیه و آله
- ۳۹۸ ..... ۵. مسجد جمکران قم
- ۳۹۹ ..... ۶. مشهد مقدس
- ۴۰۰ ..... ۷. سرداب غیبت، در سامرا
- ۴۰۰ ..... ۹- جزیره خضرا افسانه است یا واقعیت؟
- ۴۰۰ ..... داستان جزیره خضرا

- ۴۰۷ ..... بررسی داستان .....  
 ۴۱۰ ..... ۱۰- آیا مثلث برمودا، همان جزیره خضراست؟ .....  
 ۴۱۱ ..... ۱۱- مثلث برمودا چیست و در کجاست؟ .....  
 ۴۱۴ ..... جنبه‌های مشابهت جزیره خضراء و مثلث برمودا .....  
 ۴۱۵ ..... نقد نظریه انطباق .....  
 ۴۱۵ ..... تضادهای موجود، بین مثلث برمودا و جزیره خضرا .....  
 ۴۱۶ ..... ۱۲- بشقاب پرنده، افسانه است یا واقعیت دارد؟ .....  
 ۴۱۷ ..... نجوا با مهدی علیه السلام .....  
 ۴۲۰ ..... سوالات .....  
 ۴۲۵ ..... فهرست منابع کتاب .....

## سخن ناشر

بشر به رغم همه ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی‌اش که زمینه‌ساز ره‌پویی وی به هر یک از راه‌های تعالی و انحطاط، تکامل و پس‌ماندگی، تقوی و فجور و... می‌باشد، همواره یک ویژگی ثابت و لایتغیر داشته و هرچند که در تعیین هدف‌ها و ابزارهای جزئی‌اش اشتباه کند ولی در اصل از آن تخطی نخواهد داشت و آن آرمان‌گرایی و جستجوی او به دنبال برتری و بلندی است؛ روح دمیده شده در بشر که از سوی آفریدگار بلندمرتبه‌اش عنایت گشته، همواره او را به سوی بلندی و برتری می‌خواند و این «فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله» می‌باشد.<sup>۱</sup>

ممکن است انسان راه بلندی و کمال را گم کرده و نتواند مسیر هدایت و نور را درست بشناسد، اما هیچگاه آگاهانه به سوی تاریکی و جهل و گمراهی قدم بر نمی‌دارد، و این مسیر فطری بشر در تمام زوایای فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... ساری و جاری است و با اندک تأملی قابل دریافت است.

نکته‌ای دیگر که توجه خواننده محترم را بدان جلب می‌کنیم نقش حکومت‌ها و نخبگان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل بخشیدن به وضعیت سطوح پایین‌تر طبقات جامعه است، روشن است که هرگاه بزرگان و تأثیرگذاران جامعه‌ای از زمره صالح‌ترین و سالم‌ترین اقشار آن جامعه باشند، آن جامعه کمترین حد ظلم و فساد و



فقر و بی‌هویتی را تجربه می‌کند و هرگاه ایشان به زیبایی‌های روانی و اخلاقی و دینی، کمتر آراسته باشند، انعکاس اجتماعی آن در سطوح پایین‌تر نیز همان‌گونه خواهد بود، و این است نکته مهم فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «الناس علی دین ملوکهم؛ عملکرد مردمان همواره به روش حاکمان آن می‌باشد».

و البته روشن است این تأثیر و تأثر در هر جامعه کوچک و بزرگی از محیط خانواده و کار گرفته تا روستا و شهر و کشور و حتی پهنه گسترده گیتی، وجود داشته و خواهد داشت و این تعامل اجتناب‌ناپذیر و ضروری است.

نتیجه طبیعی توجه به این دو نکته که مختصراً تقدیم گردید ضرورت اصلاح سطوح و طبقات جوامع گوناگون بشری از طریق اصلاح حاکمان و به قدرت رسیدن نخبگان و بزرگانی درست‌کردار و صالح و سالم می‌باشد که البته آن نیز در سطح گسترده و جهانی‌اش جز با بیداری گسترده بشر و درک ضرورت تکیه بر خدا و راههای تعیین شده او میسر نخواهد بود و البته با وجود عوامل گوناگون و رنگین گمراهی و دل‌بستگی‌های گمراه‌کننده‌ای که سر راه بشر قرار گرفته است، پناه بردن و چنگ زدن بشر به ریسمان استوار الهی میسر نخواهد بود جز پس از لمس استیصال و درماندگی در برپایی عدل و داد و عقلانیت؛ امری که از تجربه‌های سنگین و شکست‌خوردن‌های گوناگون و بن‌بست‌های فراوان در کوره‌راههای ساخته و عرضه شده به دست بشر قابل دسترسی می‌باشد.

همه به دنبال تعالی و تکامل هستند، اما از کدامین مسیر می‌توان بدان دست یافت؟ عقل و اندیشه مغرورانه بشر و نیز کلاه‌برداران کلان سیاست و اجتماع هرگز راههای تعیین شده او را نمی‌روند، مگر آن‌که از فراوانی بیداد و گردنکشی به ستوه آمده باشد و خسته از تاریکی‌ها، سوسوی روشنایی مهجور جلب توجه کند و با گام برداشتن در مسیر او خود را به خورشید تابان الهی متوجه ساخته و از انوار پرتوافکن آن بهره‌گیرند و این راز آن حدیث معروف در بیان هنگامه ظهور است که فرموده‌اند: «یملأ الله به الارض قسطاً و

عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛ خداوند پس از آن که سر تا سر کوره خاک راستم و بیداد فرا گرفت، به وسیله او از، عدالت و انصاف سرشارش خواهد ساخت»

آری عدالت آنگاه عملی است که همگان در پی آن باشند و در جستجوی خویش نیز راه درست را تشخیص بدهند و گمراهی را هدایت، تاریکی را روشنایی و بیداد را عدالت میندارند و البته رسیدن به آن جایگاه، مسیر سخت و درازی است که بشریت برای وصول به هدف غایی از آفرینش، بایستی از آن گذر کند و پختگی لازم برای آن را به دست آورد. آنچه ما در ادیان و آموزه‌های الهی تحت نام مهدویت و اصلاحگر آسمانی جهان می‌بینیم، چراغی است که خداوند برای متوجه ساختن اندیشه‌های بشر فرا راه او نهاده است و در هر دوران از طریق نزول ادیان به صورت‌ها و ویژگی‌های قابل فهم در فرهنگ اجتماعی وقت، تبیین گردیده است و جستجوی در این زمینه نیز گام برداشتن در راه دستیابی به نور و سرور و انصاف، و جستجویی برای نجات بشریت از منجلاب تباهی‌ها و تاریکی‌هاست، تلاشی که همواره اندیشمندان فرهیخته بدان دست زده و برای بازگشودن راهی فرا راه انسانها اندیشیده‌اند.

کتاب حاضر که توسط یکی از محققان حوزه و دانشگاه تدوین گردیده، فراهم آمده از پژوهشی متدیک برای شناخت هرچه بهتر و روشمندتر مسأله مهدویت و امام عصر -عجل الله تعالی فرجه الشریف- است که در فصل‌هایی متعدد به تجزیه مباحث مربوط به آن حضرت پرداخته و هر یک از مسایل مهم -از شناسایی شخصی و شخصیتی حضرت گرفته تا معنای غیبت و وظایف مؤمنان در آن دوران، نایبان و مرزهای نیابت، نشانه‌های دور و نزدیک ظهور در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، چگونگی ظهور و زمینه‌های ضروری برای آن، روش‌ها و عملکرد حضرت پس از ظهور، دشمنان و گروه‌های متخاصم و دیگر مسایل- را مورد بررسی قرار داده است. و در یک کلام، تلاش دارد تا هر آنچه به امام عصر علیه السلام ارتباط می‌یابد را به گونه‌ای منظم و سامان یافته در

اختیار خوانندگان قرار دهد، و البته نظم و انسجام موضوعی و مطالبی و فراگیری مطالب این مجموعه از ویژگی‌های کم نظیری است که در کتابهای تدوین یافته در این موضوع، به ندرت یافت می‌شود و جای قدردانی فراوان دارد، می‌توان گفت که این امتیاز، نشأت گرفته از زمینه آغازین تدوین این کتاب باشد که نخست در سال ۱۳۷۱ به عنوان پایان‌نامه دوره فوق لیسانس دانشگاه تربیت مدرس جمع‌آوری شده و البته با گذشت ده سال از تدوین نخستین، با تکامل تدریجی و نکات فراوانی که به آن افزوده شده به جامیعت امروزین در آمده است؛ امیدوارم این تلاش گرانقدر از مؤلف محترم - جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین تقوی زیده عزه - که در سنگر امامت جمعه شهرستان دزفول به میهن اسلامی خدمت می‌نمایند در درگاه حضرت احدیت و اولیای معصوم علیهم السلام مورد پذیرش قرار گرفته و در خاتمه توفیقات هرچه بیشتر ایشان و نیز همکاران را در احیای امر اهل بیت علیهم السلام از خدای منان خواستاریم.

والسلام علی عباده الله الصالحین

علی لسان الدین رستگار

## پیش‌گفتار

خدایا! به سبب ظهور مهدی منتظر علیه السلام دین خودت و سنت پیغمبرت را آشکار کن؛ به گونه‌ای که - از بیم مردم - چیزی از حق، پنهان نگردد و حق‌گویی و حق‌پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد.<sup>۱</sup>

خدایا! از تو دولت کریمه‌ای می‌خواهیم؛ که به آن اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی و نفاق و اهل نفاق را خوار سازی و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت و بزرگواری دنیا و آخرت را روزیمان گردانی.<sup>۲</sup>

پروردگارا! تو را شکر می‌کنیم؛ که در قرآن کریم وعده داده‌ای که مستضعفان را پیشوایان و وارثان زمین قرار می‌دهی و مستکبران و طاغوتیان را نابود می‌گردانی.<sup>۳</sup>

پروردگارا! تو را شکر می‌گوییم؛ که بر ما - ملت مسلمان ایران - منت نهادی و ما را زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار دادی.<sup>۴</sup>

خدایا! تو را شکر می‌کنیم؛ که امت و امام ما را فریادگر برائت از شرق و غرب، از کفر و نفاق، از آمریکا و اسرائیل و ارتجاع قرار دادی.

آفریدگارا! تو آگاهی که چگونه یک مشت یهودی صهیونیست به کمک

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۳. سوره قصص، آیه ۵.

۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۸۷.



آمریکای جهان خوار، خون ده‌ها هزار مسلمان بی‌پناه فلسطین را ریخته و «فتنه فلسطین» را در قلب دنیای اسلام و قبله اول مسلمین به وجود آورده و صدها هزار مسلمان مستضعف را از خانه و کاشانه خود، آواره بیابان ساخته و هر روز به جنایات خود ادامه می‌دهند و برای تصاحب سرزمین لبنان و سایر بلاد اسلامی تلاش می‌کنند!

معبودا! تو شاهدی که هر روز بیشتر از فاجعه خون‌بار غصب فلسطین می‌گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای به ظاهر اسلامی بیشتر می‌شود؛ تا آن‌جا که اکنون بر سر میز مذاکره با رژیم اشغال‌گر قدس نشسته‌اند؛ غافل از آن‌که این چاره‌اندیشی‌ها سودمند واقع نخواهد شد<sup>۱</sup> و این مبارزه حق طلبانه و مقاومت اسلامی ادامه خواهد داشت تا ظهور مهدی علیه السلام.

خدایا! تو شاهدی که چگونه سران کشورهای اسلامی - این سرسپردگان به غرب - در الجزایر، مصر، عراق، افغانستان، حجاز و... به دستور شیطان بزرگ، فریاد اسلام‌خواهی را سرکوب می‌کنند؛ غافل از آن‌که نور خدا خاموش نمی‌شود.<sup>۲</sup>

خداوند! تو را شکر می‌کنیم؛ که ملت مسلمان ایران را در جنگ تحمیلی هشت ساله، پیروز نمودی و رژیم جنگ‌افروز عراق - که به وسیله دبیرکل از بلندگوی جهانی سازمان ملل، به عنوان متجاوز معرفی شد - را خوار و ذلیل ساختی و همچنین رژیم هفتاد و چهار ساله الحادی کمونیسم - که بر نیمی از دنیا حکومت می‌کرد - را نابود کردی.

این مجموعه که با نام «چگونگی غلبه و ظهور حضرت مهدی علیه السلام» موضوع پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد نویسنده بوده، در اسفند ماه ۱۳۷۰ هـ ش

۲. سوره صف، آیه ۸.

۱. الملاحم والفتن، ص ۴۷.

در چند نسخه ارائه گردیده است.

اکنون تحت عنوان «حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی» و با اندکی تغییر و تحقیق، به زینت طبع آراسته می‌گردد.

لازم می‌دانم تشکر وافر خود از استاد راهنمایم آیه‌الله معرفت و همچنین از استاد مشاورم جناب حجة الاسلام و المسلمین توفیقی را اعلام نمایم؛ توفیقات روزافزون ایشان را در پناه حضرت ولی عصر علیه السلام از خداوند حکیم خواستارم.

ثواب این رساله را به روح ملکوتی و مطهر امام خمینی علیه السلام و بسیجیان دلباخته او و برادران شهیدم سید مهدی، سید علی و سید ابوالفضل تقوی و مادر مرحومه‌ام - که از خداوند خواسته بود که پسرانش را از سربازان صاحب الزمان قرار دهد - تقدیم می‌نمایم.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِيضَاعٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ﴾<sup>۱</sup>

عزیزا! ما و خاندان ما را احتیاج و درماندگی فرا گرفته و با سرمایه‌ای اندک به سوی تو رو آورده‌ایم؛ پس پیمانۀ ما را لبریز فرما.

حوزه علمیه قم، سید حسین تقوی

تایستان ۱۳۸۱ هـ ش

# فصل اول

چشم اندازی به چگونگی ظهور

## مقدمه

### ارتباط انقلاب اسلامی ایران و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشانه‌های اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام، در میان ملل جهان اسلام و حتی غیراسلام از جهت پرسش و سخن پیرامون آن حضرت و مطالعه و تألیف درباره ایشان، به اوج خود رسیده است؛ چون نهضتی که در ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام در آغاز قرن پانزدهم هجری قمری به وقوع پیوست - چنانچه از روایات شریفه استفاده می‌شود - زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

دهه انقلاب را دهه فجر نامیده‌اند چرا که فجر به شب خاتمه می‌دهد و در پی آن، روز آغاز می‌گردد، پس از این که همه جا را سپیده فراگرفت خورشید ظاهر می‌شود؛ به بیانی دیگر پیش از طلوع خورشید فجر ظاهر می‌شود و پس از لحظاتی خورشید ظهور می‌کند؛ امام خمینی علیه السلام می‌فرمود: «ما منتظر طلوع خورشیدیم»؛ پس امام، سپیده آن خورشید و انقلاب اسلامی مطلع فجر و نویدبخش ظهور حضرت مهدی است که نام و یاد آن عزیز را در دنیا زنده کرده، توجه و علاقه جهانیان را به ظهور آن حضرت افزایش داده است؛ چرا که رهبر انقلاب خود را نایب مهدی علیه السلام خواند و این مملکت را متعلق به



امام زمان دانست؛ در نتیجه مردم در پی تحقق مقدمات ظهورند.

چنان که امام خمینی علیه السلام فرمود:

«ایران یک مملکتی است مال امام زمان - سلام الله علیه - مملکت از آن

وجود مقدّس، و ما همه پاسدار آن هستیم».<sup>۱</sup>

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است؛ ما باید کوشش کنیم تا قدرت

اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور - ان شاء الله - تهیه شود».<sup>۲</sup>

از طرف دیگر، این رهبر الهی به فراخوانی جهانیان در برابر قدرت‌های

شیطانی پرداخته و می‌فرماید:

«نه شوروی، نه آمریکا، نه سایر قدرت‌ها با ملت‌ها نمی‌توانند مقابله

کنند؛ دنیا از آمریکای لاتین گرفته تا کشور شوروی، آمریکای مرکزی و

همه جا، تمام دنیا، مظلومین دنیا بیدار شده‌اند... مظلومین باید برخیزند

از جا و مظلومین باید داد خودشان را از ستمکار بگیرند».<sup>۳</sup>

این در حالی است که دشمنان انقلاب اسلامی که منافع مادی خود را در

خطر نابودی می‌بینند؛ سعی در دمیدن روح یأس و بدبینی نسبت به آینده

دارند.

مسأله مهدویت پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای آمریکا به طور جدی

مطرح شد و این مهم در حالی بود که رئیس سازمان سیا گفته بود: «در مورد

انقلاب ایران غافل‌گیر شدیم».

امروز، تلاش آمریکا - خصوصاً بعد از فروپاشی شوروی - در این است که

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۷۴.

۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۵.

خود را یگانه تاز میدان کند و جهان را به سوی تک قطبی شدن و نظم نوین جهانی پیش برد و هرگونه ندای مخالف و قدرت دیگر را سرکوب کند.

لشکرکشی به خلیج فارس، جنگ در این منطقه و طرح خلع سلاح خاورمیانه، همگی برای پدید آوردن این باور که هیچ کس توان مقابله با شیطان بزرگ را ندارد و همگی باید تسلیم و مطیع او بوده و از دل بستن به انقلاب و بهبودی اوضاع ناامید باشند صورت گرفته است.

ولی ما نباید فراموش کنیم که شرایط نامساعد کنونی، حملات وحشیانه دشمنان، سرکوبی جنبش های اسلامی در عراق، الجزایر، بوسنی، حجاز، فلسطین، لبنان و... نباید ما را متزلزل سازد؛ چرا که پیروزی نهایی از آن حق است و در این میان، آنچه نابودشدنی خواهد بود، باطل است.<sup>۱</sup>

خدای بزرگ در قرآن کریم همواره روح امید و اطمینان و انتظار را به مؤمنین می بخشد و یأس را از کفر می داند<sup>۲</sup>؛ امید را برای مؤمنین رقم زده است<sup>۳</sup> و بهبودی شرایط و اوضاع<sup>۴</sup> و ایجاد محیط سالم و برقراری عدالت را در گرو سعی و کوشش مردم می داند<sup>۵</sup> و در چندین آیه، آینده درخشان پیروزی مؤمنین<sup>۶</sup> و حاکمیت مستضعفین بر زمین<sup>۷</sup> و برقراری حکومت جهانی اسلام و پیروزی دین اسلام بر سایر ادیان را نوید می دهد.<sup>۸</sup>

امروز، جنبش های اسلامی - به تاسی از ایران - در کشورهای عراق، الجزایر، حجاز، فلسطین، لبنان، سودان، افغانستان و... اوج گرفته است و

۲. سوره یوسف، آیه ۸۷.

۴. سوره رعد، آیه ۱۱.

۶. سوره روم، آیه ۴۷.

۸. سوره فتح، آیه ۲۸.

۱. سوره اسراء، ص ۸۱.

۳. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۵. سوره نجم، آیه ۳۸.

۷. سوره قصص، آیه ۵.

می‌رود تا - ان شاء الله - پایه‌های پوسیده تمدن مادی را فروریزد و پرچم حق و عدالت را در سراسر جهان به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام به اهتزاز درآورد و وعده **«لَيُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»** - یعنی پیروزی بر تمام ادیان عالم - را محقق سازد. ما امیدواریم که این انقلاب اسلامی به نهضت آن حضرت متصل شود چنان که امام خمینی رحمه الله فرمودند:

«من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل شود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن، نهضت ولی عصر - سلام الله علیه - است.»<sup>۱</sup>  
از آن جایی که هیچ انقلابی بدون نشانه‌های قبلی صورت نمی‌گیرد، در احادیث اسلامی نیز علائمی برای نزدیکی آن رستاخیز عظیم ذکر کرده‌اند. اکنون مسلمانان و شیفتگان آن حضرت، مایلند که نشانه‌ها و زمان و مکان ظهور، چگونگی حرکت، مناطق درگیری، دوستان و دشمنان، مدت و اهداف حکومت آن بزرگوار را بدانند.

ما در مقام جستجو، نشانه‌های توجه به حضرت مهدی علیه السلام را تنها در بین دوستان نمی‌بینیم؛ بلکه در بین دشمنان نیز، بزرگترین فعالیت‌ها را مشاهده می‌کنیم؛ نظیر بازی کامپیوتری مشهور «یا مهدی» که اسم اصلی‌اش جهنم خلیج فارس است! و فیلمی به نام «نوسترا داموس» که در چند سال قبل (۱۳۶۱ هـ ش) به مدت سه ماه متوالی در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا به نمایش گذاشته شد.

این فیلم سرگذشت زندگی یک ستاره‌شناس و پزشک فرانسوی به نام میشل نوسترا داموس (Nostra damus) است که نزدیک به پانصد سال قبل

۱. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۷۵.

می زیسته؛ وی پیش گویی های خود را درباره آینده به رشته تحریر درآورده که مهم ترین آنها، پیش گویی او درباره ظهور نواده پیامبر ﷺ در مکه مکرمه و وحدت بخشیدن به مسلمانان و به زیر پرچم درآوردن آنها و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهر یا شهرهای بزرگ سرزمین آمریکا است.

به نظر می رسد که لوبی صهیونیست و سازمان اطلاعات آمریکا در ساختن این فیلم دست داشته باشند و هدف آنان از تهیه این فیلم، بسیج نمودن مردم آمریکا و اروپا علیه انقلاب اسلامی ایران و مسلمانان است. همچنین پیام این فیلم این است که آمریکا و نظام حاکم بر غرب تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که در آینده رخ می دهد، حفظ می کند؛ زیرا آن را خطری می پندارند که غرب و تمدن آن را تهدید می کند، به ویژه وقتی که اضافات آنها را بر پیش گویی نوسترا داموس مورد توجه قرار دهیم.

شرح داستان از این قرار است که بعد از شکست اروپا به دست حضرت مهدی عج و نابودی موشک های غول پیکر و اشنگتن و دیگر شهرهای آمریکا، رهبران آمریکا جهت رویارویی با آن حضرت، اقدام به بستن یک پیمان همکاری با روسیه می نمایند و سرانجام، آمریکا پیروز می گردد.

آن کتاب، مجموعه ای از پیش گویی هایی است که نویسنده اش به زبان قدیم فرانسه - لاتین - و با شیوه های رمزی و ابهام آمیز نوشته است و احتمالاً بر پاره ای از منابع اسلامی در مورد حضرت مهدی عج آگاهی یافته و یا با بعضی از علمای اسلام ملاقات نموده و ریاضت های باطنی را نیز تحمل کرده است؛ چنان که وی در نامه خویش به فرزندش می نویسد:

«پدرت به واسطه مکاشفه و الهام ربانی و محاسبات دقیق، توانست



پیش‌گویی‌های خود را مطرح سازد».<sup>۱</sup>

کتاب او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سرعت منتشر شد و تیراژ چاپ‌های آن با شرح‌ها و تفسیرهای متعدد به صدها هزار و حتی گفته‌اند به میلیون‌ها نسخه رسیده است؛ آنگاه تبدیل به فیلم شد و در سینماها و شبکه‌های تلویزیونی در معرض دید میلیون‌ها تماشاگر اروپایی و آمریکایی قرار گرفت.

جالب این که، آنان به دلیل ترس و وحشتی که در درون خود از آن حضرت دارند؛ زمینه را برای او مهیا می‌نمایند؛ به گونه‌ای که شوق ما را نیز به دیدار نواده پیامبر صلی الله علیه و آله - که در کنار کعبه ظهور می‌کند - برمی‌انگیزد.

زمانی که یک مسلمان، حضرت مهدی علیه السلام را در فیلم نوسترا داموس می‌بیند که چگونه از اتاق عملیات به کمک ژنرال‌های بزرگ خود - به تعبیر فیلم - صحنه جنگ را اداره کرده و با سردمداران کفر مبارزه می‌نماید و با پرتاب موشک‌های غول‌پیکر از قلب صحرای حجاز به پایگاه‌های کفر و استکبار در آمریکا و اروپا، آنها را در هم می‌کوبد؛ چقدر سرشار از امید و اشتیاق می‌گردد!

بنابراین ما در پی پاسخ‌گویی به اشتیاق انبوه مسلمانان و غیرمسلمانان که خواستار اطلاع و آگاهی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در مورد چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر دشمنان هستند، این نوشته را پی می‌گیریم. البته ابتدا تصویری کلی از سرگذشت حضرت را به صورتی پیوسته و روان و دور از خلاصه‌گویی مضر و تفصیل ملال‌انگیز، ارائه

۱. پیش‌گویی‌ها، نوسترا داموس، ص ۲۸.

می‌دهیم و سپس به تفصیل در این باره بحث خواهیم کرد. امیدوارم خداوند به وسیله آگاهی از این نشانه‌ها و مقدمات ظهور، دل‌های مؤمنان و شیفتگان آن حضرت را سراسر امیدوار و خوش‌بین و دل‌های کفار و منافقان را مملو از ترس و هراس و یأس از آینده، قرار دهد؛ اینه قریب مجیب.



### چشم اندازی به چگونگی ظهور و پیروزی

در این بخش سعی بر آن است که تصویری کلی و پیوسته از سرگذشت حضرت مهدی علیه السلام ارائه گردد. از اخبار و احادیث پیامبر گرامی و امامان معصوم استفاده می‌شود که ظهور و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام - بعد از فراهم شدن مقدمات منطقه‌ای و جهانی - از مکه آغاز می‌شود؛ بدین گونه که شهر مقدس قم، معدن فضل و دانش و مرکز نشر و تبلیغ اسلام می‌شود و قم و ایران، حجت بر ملت‌های مسلمان و سایر ملل جهان می‌شود و کسی نمی‌ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد و این دوران، نزدیک به ظهور قائم است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد؛ به گونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود علم نیز این چنین از کوفه رخت برمی‌بندد و از شهری به نام قم آشکار می‌شود و آن سامان معدن فضل و دانش می‌گردد؛ به نحوی که در زمین کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد؛ حتی

نوعروسان در حجله گاه خویش. و این قضایا نزدیک ظهور قائم به وقوع می پیوند.

خداوند سبحان، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت حجّت می گرداند؛ اگر چنین نشود، زمین اهل خودش را فرو می برد و در زمین، حجّتی باقی نمی ماند.

دانش از این شهر به شرق و غرب جهان منتشر می گردد؛ بدین سان بر مردم اتمام حجّت می شود و کسی باقی نمی ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد؛ آنگاه قائم علیه السلام ظهور می کند و ظهور وی باعث خشم و غضب خداوند بر بندگان می شود؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر بعد از آن که آنان وجود مقدّس حضرت حجّت را انکار نمایند.<sup>۱</sup>

البته اجرای این نقش اطلاع رسانی، نیاز به برپایی حکومتی شامل دستگاه های تبلیغاتی قوی دارد؛ که متوقف بر انقلاب اسلامی و نابودی رژیم طاغوتی و همکاری مردمی است که اطراف رهبر حقی که به سوی خداوند دعوت می کند، جمع شوند.

چنان که امام کاظم علیه السلام فرمود:

«مردمی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می کنند؛ افرادی گرد او جمع می شوند که قلب هایشان همچون پاره های آهن ستر است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی لغزاند؛ از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند؛ اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزگاران است.»<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

برقراری جمهوری اسلامی با قیام همه ملت به رهبری امام راحل، علیه شاه صورت پذیرفت و این انقلاب اسلامی - ان شاء الله - تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام تداوم می یابد و پرچم را به دست توانای صاحب اصلی آن - حضرت مهدی علیه السلام - می سپارند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویا می بینیم گروهی از مشرق زمین خروج می کنند و طالب حقند اما آنها را اجابت نمی کنند؛ مجدداً برخواسته هایشان پافشاری می کنند اما مخالفان نمی پذیرند و وقتی چنین وضعی را مشاهده می کنند، شمشیرها را به دوش کشیده، در مقابل دشمن می ایستند؛ این جاست که پاسخ مثبت می گیرند اما این بار نمی پذیرند؛ تا این که همگی قیام می کنند و درفش هدایت را جز به دست توانای صاحب شما - حضرت مهدی علیه السلام - به کسی دیگر نمی سپرند.

کشته های آنها شهید محسوب می شوند؛ اما اگر من آن زمان را درک می کردم، خویشان را برای یاری صاحب این امر، نگه می داشتم»<sup>۱</sup>.

متن این حدیث، به نقل علامه نعمانی - از محدثین قرن سوم که در مقدمه کتاب الغیبه متعهد شده روایاتی را نقل کند که به صحت آنها اطمینان داشته و از اساتید مورد وثوق خود شنیده باشد - این است:

«عن أبي جعفر علیه السلام، أنه قال: کأني بقوم قد خرجوا بالمشرق؛ يطلبون الحق فلا يعطونه، ثم يطلبونه فلا يعطونه، فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم، فيعطون ما سألوا فلا يقبلونه حتى يقوموا

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ غیبت، نعمانی، ص ۱۴۵-۱۴۶.



ولا يدفعونها إلا إلى صاحبكم. قتلهم شهداء، أمّا إني لو ادركت ذلك  
لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الامر»<sup>۱</sup>.

این حدیث با اندکی تفاوت، از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با سندهای متعدّد در ۴۳  
کتاب روایی شیعه و سنی نقل شده است.<sup>۲</sup>



### تبیین و تفسیر حدیث

این حدیث، در واقع یکی از معجزات امام باقر علیه السلام است؛ چون در آن، چند  
امر پیش‌گویی شده است؛

- ۱- قیام ملت ایران در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲؛
- ۲- قیام ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷؛
- ۳- اظهار ندامت و توبه رژیم در آخرین لحظات حیات تنگین خود و  
تسلیم در برابر خواست مردم؛
- ۴- سرنگونی رژیم، تنها خواسته مردم؛
- ۵- پیروزی قیام ملت ایران علیه شاه؛
- ۶- تحقق جمهوری اسلامی؛
- ۷- تداوم این جمهوری تا انقلاب جهانی ولی عصر علیه السلام؛
- ۸- حقانیت این نظام و شهید نامیده شدن کشته‌های آن؛
- ۹- تحقق پیروزی انقلاب اسلامی در نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ غیبت، نعمانی، ص ۱۴۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۸۱؛ ج ۳، ص ۴۶۹.

أما جمالات امام باقر علیه السلام و استفادۀ مطالب فوق از حدیث:  
 نخست امام می فرماید: «کأنتی بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق»؛  
 این جمله خبر از تحقق یک قیام اسلامی در شرق می دهد که هدف آنها طلب  
 حق است؛ بدیهی است که معیار حق، نزد امام علیه السلام چیزی جز اسلام نیست.  
 مراد از شرق - با توجه به دور روایت قبلی که درباره قیام و قیام مردی از قم که  
 به سوی خدا دعوت می کند و پیروز می شود و این که دانش از قم به شرق و  
 غرب عالم منتشر می شود - ایران است.

«فلا يعطونه»؛ رژیم از دادن حق مردم که برای آن قیام کرده، خودداری  
 می کند. این جمله منطبق است بر قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ که ملت  
 مسلمان به رهبری امام خمینی علیه السلام قیام کرد و هدف از این قیام، وادار کردن  
 رژیم، در عمل کردن به دستورات اسلام بود؛ در آن موقع مسأله سرنگونی  
 رژیم مطرح نبود.

امام، در یکی از سخنرانی های خود خطاب به شاه فرمود:  
 «ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می کنم، دست بردار از  
 این کارها؛ آقا! اغفال دارند می کنند تو را، من میل ندارم که یک روز اگر  
 بخواهند تو بروی همه شکر بکنند».<sup>۱</sup>  
 در جای دیگر، امام خمینی علیه السلام می فرماید:  
 «من نمی گویم تو مباحث؛ باش ولی تو کرب نباش؛ آقا باش!»

سخنان امام، در حد نصیحت بود و عمل کردن به قانون اساسی، لغو لوایح  
 ضد اسلامی و تعویض دولت مردان فاسد، در آن دیده می شد؛ ولی رژیم به

خواسته‌های به حق امام، اعتنا نکرد و با دستگیری ایشان، قبل از جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و آن کشتار وسیع - لا اقل برای مدت کوتاهی - نفس را در سینه‌های مردم حبس کرد.

«ثم یطلبونه فلا یعطونه»؛ ثم، در ادبیات عرب، اشاره به تأخیر دارد؛ پس از گذشت مدتی از قیام نخست، دوباره این مردم قیام می‌کنند که این بار نیز در ابتداء، سردمداران رژیم، تسلیم خواسته‌های مردم نمی‌شوند. این جمله اشاره دارد به قیام ۱۹ دی در قم و ۱۷ شهریور در تهران و چهارم‌های متعدد و برپایی مجالس اربعین شهدای قیام در شهرهایی نظیر قم، اصفهان، تبریز و یزد و... که در جریان این حرکت‌ها نیز مردم را به خاک و خون کشیدند و حق مردم را ندادند.

«فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم»؛ ولی این بار ملت به رهبری امام، بر آن شدند که رژیم را ساقط کنند و جمهوری اسلامی تحقق یابد و ملت، با تأیید الهی، در برابر رژیم تا دندان مسلح ایستاد.

«فیعطون ما سألوا»؛ رژیم، که تصمیم ملت بر سرنگونی نظام شاهنشاهی را دید، چاره‌ای جز تسلیم نیافت؛ این جا بود که شاه، توبه‌نامه خود را از رسانه‌های همگانی پخش کرد و قول داد که اشتباهاتش تکرار نشود و آنچه مردم خواسته‌اند - از عدالت و آزادی و اسلام - به آنها عطا کند.

«فلا یقبلونه حتی یقوموا»؛ ملت، فریب توبه‌گرگ را نمی‌خورند و لبه تیز حمله، همواره متوجه نظام شاهنشاهی است و بالاخره انقلاب، در ۲۲ بهمن پس از نابودی رژیم طاغوت، به پیروزی می‌رسد.

«فلا یدفعونها إلاّ الی صاحبکم»؛ این جمله اشاره به تداوم انقلاب تا

حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت بقیة الله دارد؛ چون امام باقر علیه السلام در این جمله می فرماید:

«پس از ساقط شدن طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی، ملتی که این قیام را به ثمر رسانده، آن را جز به صاحب شما - حضرت مهدی علیه السلام - تحویل نمی دهد.»

«قتلاهم شهداء»؛ در این جمله، امام پیش بینی کردند که درگیری هایی که از ابتدای قیام تا ظهور مهدی علیه السلام با مخالفین روی می دهد، برای خداست و جنبه الهی دارد؛ به همین دلیل کشته های آنان شهیدند؛ مانند شهدای صدر اسلام.

«أما إني لو أدركت ذلك لاستبقت نفسي لصاحب هذا الامر»؛ این جمله دلالت دارد بر این نکته که پیروزی انقلاب مذکور، در زمانی نزدیک به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اتفاق می افتد؛ چرا که امام می فرماید:

«اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر، حفظ می کنم؛ تا هم رزم او در تشکیل حکومت جهانی اسلام باشم.»

این جمله گویای این نکته است که شاید فاصله نهضت ایرانیان تا ظهور آن حضرت، از مدت عمر یک انسان بیشتر نخواهد بود و چون ظاهر گفته امام باقر علیه السلام این است که اگر نهضت آنها را درک کند، خویش را حفظ کند و این به طور طبیعی است نه به سبب معجزه؛ در نتیجه، هم اکنون ما وارد دوران ظهور و نزدیکی مقدمات آن شده ایم.

آغاز مقدمات ظهور را از احادیث امام صادق علیه السلام - که قبلاً نقل کردیم - نیز می توان دریافت؛ چون در حدیثی که درباره معدن فضل و دانش شدن قم و

فضیلت اهلش آمده بود، این جمله جلب توجه می کرد که «و ذلک عند قرب ظهور قائمنا؛ و این قضایا نزدیک ظهور قائم ما به وقوع می پیوندد»<sup>۱</sup>.

سپس این حکومت اسلامی، نام و یاد مهدی علیه السلام را در جهان زنده می کند و زمینه ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام می شود؛ چون رهبران این حکومت، خود را نایب و امانت دار مهدی علیه السلام می دانند.

چنان که پیامبر گرامی فرمود:

«مردمی از مشرق (ایران)، قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی

مهدی علیه السلام فراهم می سازند»<sup>۲</sup>.

این حدیث از پیامبر گرامی در سی کتاب از کتب حدیثی شیعه و سنی با سندهای گوناگون نقل شده است.

همچنین از روایات استفاده می شود که برقراری حکومت اسلامی و به دست گرفتن رهبری جهان اسلام و تشکیل هسته های مقاومت حزب الله، با مخالفت شرق و غرب همراه است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که پرچم حق برافراشته می شود، شرقی ها و غربی ها آن را لعن و

نقرین می کنند! آیا می دانی برای چه؟ عرض شد: خیر؛ حضرت فرمود:

برای آنچه که مردم با آن روبرو می شوند؛ از اهل بیت و فرزندان آن

حضرت، پیش از ظهور وی»<sup>۳</sup>.

آمادگی های جهانی - مضافاً بر آنچه گذشت - برای پذیرش مهدی علیه السلام، پس

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۶۰، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۳.



از شکست انواع ایسم‌ها و حکومت‌های مدّعی برقراری عدالت و برابری و دموکراسی، حاصل خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در رابطه با فلسفه تأخیر تحقق حکومت اسلام می‌فرماید: «این امر (حکومت خاندان رسالت) تحقق نمی‌یابد مگر پس از گذشت زمانی که طرفداران انواع مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها بر مردم حکومت کنند؛ تا هیچ گوینده‌ای نتواند بگوید که اگر ما بر مردم حکومت می‌کردیم، قسط و عدالت را در جامعه پیاده می‌نمودیم! سپس حضرت قائم علیه السلام به حق و عدالت، قیام می‌کند»<sup>۱</sup>.

شاید یکی از رازهای غیبت همین است که جامعه درک کند که هیچ آیین و نظامی غیر از مکتب اسلام، قادر به رهایی انسان از قید ظلم و ستم و بی‌عدالتی و جهل و هواپرستی نیست.

طبق بیان روایات، نبردی سخت در سطح جهانی، میان رومیان (غربی‌ها) و ترکان (روسی‌ها) به وجود می‌آید؛ تا جایی که به جنگ جهانی منجر می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«حکومت اهل بیت پیامبر شما صلی الله علیه و آله که دارای علامات و نشانه‌هایی است، در آخر الزمان پدید می‌آید... از جمله آن نشانه‌ها جنگ بین رومیان و ترکان است؛ زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج گردند... و ترک‌ها با رومیان به مخالفت برخاسته و جنگ و درگیری در روی زمین افزایش یابد»<sup>۲</sup>.

۲. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۱. ر.ک: غیبت، نعمانی.

از جمله «تكثر الحروب في الارض؛ جنگ و درگیری در زمین فزونی می یابد» استفاده می شود که هیچ قاره ای در روی زمین از جنگ و ستیز ایمن نیست و هیچ جنگی آرامش نمی یابد مگر این که جنگ و درگیری دیگری آغاز می شود.

در مورد جنگ جهانی، جملاتی از خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام که در این زمینه است، نقل می کنیم؛ حضرت فرمود:

«آگاه باشید ای مردم! از من پرسید پیش از آن که فتنه و فساد - مانند شتری که در اثر رم کردن، مهارش زیر شمش او قرار گیرد و بر ترس و اضطرابش افزوده شود - سرزمین شما را پایمال نماید و یا این که در مغرب زمین، آتش، جنگ بزرگی را با موادی قابل اشتعال دامن زند و...»<sup>۱</sup>

از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود:

«نزدیک زمان قائم علیه السلام دو نوع مرگ سرخ و سفید و ملخ هایی که به رنگ خون بوده و گاه و بی گاه آشکار می شوند، پدیدار می گردد؛ اما مرگ سرخ، یعنی شمشیر و مرگ سفید، طاعون است»<sup>۲</sup>.

در سطح منطقه، دو حکومت طرفدار حضرت مهدی علیه السلام - در ایران و یمن - تشکیل می شود و اندکی پیش از ظهور آن بزرگوار، در بین ایرانیان دو شخصیت مطرح و ظاهر می شوند؛ یکی سید خراسانی به عنوان مرجع و مجتهد و رهبر سیاسی و دیگری شعیب بن صالح به عنوان رهبر نظامی.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۲-۸۳.

۲. ارشاد شیخ مفید، ص ۴۰۵ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۷.

البته ظهور سید خراسانی همزمان با خروج سفیانی است؛ چنان که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«خروج سفیانی و خراسانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع می شود»<sup>۱</sup>.

و از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«خروج سفیانی و یمنی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است؛ مانند نظم و ترتیب دانه های تسبیح که یکی بعد از دیگری است، جنگ از هر طرف روی می آورد»<sup>۲</sup>.

در جنگی که به وسیله سفیانی، برای نابودی نیروهای طرفدار حضرت مهدی علیه السلام در سرزمین خراسان به پا می شود و طولانی می گردد، مردم با سید خراسانی بیعت می کنند و او را به عنوان رهبر خود قرار می دهند و ایشان فردی را به نام شعیب بن صالح به فرماندهی نیروهای مسلح خویش برمی گزینند و آنان نیروهای سفیانی را شکست می دهند و مقدمات حکومت حضرت مهدی علیه السلام را فراهم می کنند که این زمینه سازی، متصل به ظهور حضرت است و از خروج او تا تسلیم زمام امور به دست با کفایت حضرت مهدی علیه السلام، شش سال طول می کشد.

از محمد بن حنفیه نقل شده که فرمود:<sup>۳</sup>

«پرچم های سیاهی از بنی عباس و پس از آن پرچم های سیاه دیگری از خراسان خروج می کنند که حاملان آنها کلاه سیاه و سفید بر سر دارند؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۳۲.

۳. نسخه خطی ابن حماد، ص ۸۴.

پیشاپیش آنان مردی است که وی را شعیب بن صالح می نامند؛ او از قبیله بنی تمیم است؛ آنان نیروهای سفیانی را شکست داده و در بیت المقدس فرود می آیند تا مقدمه حکومت حضرت مهدی علیه السلام را فراهم آورند؛ تعداد سیصد تن دیگر، از شام به او می پیوندند. فاصله خروج او تا تقدیم زمام امور به حضرت مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه می باشد.<sup>۱</sup>

نشانه های دیگر روزگاری که این حوادث در آن رخ می دهد، از زبان روایات، چنین است:

نخست، فتنه ای بر امت اسلامی وارد می شود که تنها با ظهور امام برطرف می گردد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«آنگاه فتنه ای پدید می آید و هر زمان صحبت از پایان آن می شود؛ ولی همچنان ادامه می یابد؛ به گونه ای که خانه ای نیست که آن فتنه داخل آن نشده باشد و مسلمانی نیست که سیلی آن را بر صورت خود، لمس نکرده باشد؛ تا آن که مردی از خاندان من ظهور نماید.»<sup>۲</sup>

این فتنه در زمانی است که کافران پرکشورهای اسلامی، حکومت می کنند؛ چنان که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«در این هنگام، گروهی از مشرق و جمعی از مغرب آمده و بر امت من فرمانروایی می کنند.»<sup>۳</sup>

از این فتنه، در زبان روایات، به نام «فتنه فلسطین» یاد شده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. ر. ک. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۷ و ص ۴۰۲.  
 ۲. نسخة ابن حماد، ص ۱۰.  
 ۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵.

«زمانی که فتنه فلسطین رخ دهد، وضع شما همچون برهم خوردن آب در مشک، آشفته می شود و چون وقت پایش فرا رسد، پایان پذیرفته و گروه اندکی از شما پشیمان خواهید شد.»<sup>۱</sup>

به وجود آورندگان این فتنه و آشوب، رومیان (غرب) و ترکان (روسیه) می باشند و زمانی که حوادث بزرگ در سال ظهور را شرح می دهیم، نقش آنان را نیز بیان خواهیم نمود. ولی اکنون، تنها به یادآوری روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که در صفحات پیشین نقل کردیم، بسنده می کنیم؛

«حکومت اهل بیت پیامبر شما که دارای علامات و نشانه های است، در آخر الزمان پدید می آید؛ از جمله نشانه ها آن است که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج گردند.»<sup>۲</sup>

این فتنه فلسطین که به وسیله کفار ایجاد شده است طولانی خواهد بود؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«این فتنه فلسطین طولانی خواهد بود؛ هر وقت می گویند تمام شد، طولانی می گردد و از آن، راه فراری می جویند، اما نمی یابند»<sup>۳</sup> از ناحیه ای در صدد رفع آن بر نمی آیند مگر این که از سوی دیگر آشکار می شود.»<sup>۴</sup>

همچنین روایات، از حرکتی یاد می کند که در سوریه توسط عثمان سفیانی - که از هواداران رومیان و هم پیمان با یهود است - بر پا می شود و او سوریه و لبنان را یک پارچه در قلمرو حکومت خویش در می آورد؛

امام صادق علیه السلام فرمود:

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۴. الملاحم و الفتن، ص ۴۷.

۱. نسخه خطی ابن خماد، ص ۶۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.



«سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام پانزده ماه به طول می‌انجامد؛ وی شش ماه کارزار می‌کند؛ همین که بر پنج شهر دست یافت، نه ماه فرمانروایی می‌کند»<sup>۱</sup>.

علاوه بر سوریه، بر مناطق دیگری نظیر عراق، لبنان و... چنان که از حدیث قبل استفاده می‌شود - تسلط می‌یابد و در واقع یک خط دفاعی برای اسرائیل می‌سازد و پایگاهی برای رویارویی با ایرانیان - که زمینه‌سازان ظهور حضرت مهدی هستند - قرار می‌دهد؛ از این رو اقدام به تصرف عراق نموده و نیروهای وی وارد آن می‌گردند؛ امام باقر فرمود:

«گویا که من، سفیانی (یا رفیق او) را می‌بینم که در زمین‌های سرسبز شما در کوفه، اقامت گزیده و منادی او ندا می‌دهد؛ هر کس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست؛ در این هنگام، همسایه بر همسایه حمله برده و می‌گوید: این شخص از آن‌هاست؛ گردن او را می‌زنند و هزار درهم جایزه می‌گیرد. آگاه باشید که در آن روز فرمانروایی شما به دست حرام‌زادگان خواهد بود...»<sup>۲</sup>.

از روایات استفاده می‌شود که پس از ورود نیروهای سفیانی به کوفه و گشتار وسیعی که به راه می‌اندازند، نیروهای خراسانی برای مقابله و جنگ با آنها وارد کوفه می‌شوند و نیروهای سفیانی فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند؛ امام می‌فرماید:

«سفیانی وارد کوفه می‌گردد و آن شهر را سه روز بر همه مباح می‌گرداند؛ شصت هزار نفر از مردم این شهر را کشته و هیجده شب در آن جا

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

می ماند... و یارانِ درفش های سیاه (خراسانی) نیز به آن جا روی آورده تا در نزدیکی آب، منزل می گزینند؛ خبر رسیدن آنها در شهر کوفه پیچیده و به گوش نیروهای سفیانی می رسد؛ آنان با شنیدن این خبر، فرار را بر قرار ترجیح می دهند.<sup>۱</sup>

در خبر دیگری از امام باقر علیه السلام، نحوه ورود نیروهای خراسانی به عراق بیان شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«تا این که خراسانی و سفیانی بر آنان (اهل عراق) خروج نموده و هر دو مانند دو اسب مسابقه، یکی از این جا و دیگری از آن جا به سوی کوفه حرکت می نمایند».<sup>۲</sup>

از این که تشبیه به مسابقه شده است، معلوم می شود که تابع شرایط مناسب سیاسی و نظامی است؛ یعنی نیروهای ایرانی، منتظر جو سیاسی مناسبی برای ورود به کشور عراق هستند.

نیروهای ایرانی، منتظر ظهور قریب الوقوع حضرتند که پس از ظهور، برای تجدید بیعت به محضر ایشان می رسند؛

«پرچم های سیاهی که از خراسان خروج می کنند، به سوی کوفه فرود می آیند و با ظاهر شدن آن حضرت، برای تجدید بیعت، حضور ایشان شرف یاب می شوند».<sup>۳</sup>

در این هنگام نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار شده و شاید بزرگ ترین آنها ندای آسمانی است که به نام او در بیست و سوم ماه رمضان

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۸۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

شنیده می‌شود؛ از عبدالله بن سنان نقل شده که گفت:

«خدمت امام صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به امام می‌گوید که عامه (اهل سنت) ما را نکوهش می‌کنند و می‌گویند شما عقیده دارید که نداکننده‌ای از آسمان ندا می‌کند و صاحب این امر را به نام معرفی می‌نماید! حضرت نشستند، آنگاه فرمودند: این مطلب را از من روایت نکن بلکه از پدرم نقل نما، و از این بابت بر شما ایرادی نیست؛ شهادت می‌دهم که پدرم فرمود: سوگند به خدا این مطلب در کتاب خدا آشکار است که می‌فرماید: اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنها فرو فرستیم که در برابر آن، سر تسلیم فرو آورند»<sup>۱</sup>.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ندای از آسمان، نام صاحب این امر را بانگ می‌زند که فرمانروایی از آن فلان فرزند فلان است؛ پس کشتار برای چیست؟»<sup>۲</sup>.

البته روایات ندای آسمانی، به حدّ تواتر معنوی می‌رسد که در ادامه بحث مطرح خواهد شد.

بر اساس روایات، پیش از ندای آسمانی، حضرت مهدی علیه السلام به طور سری با برخی از یاران و هواداران خود ارتباط برقرار می‌کند؛ اما معروف و عمومی شدن نام و یاد آن حضرت و جای گرفتن محبت ایشان در دل‌های مردم، پس از ندای آسمانی است؛ از سعید بن مسیب نقل شده که گفت:

«چون نداکننده‌ای از آسمان بانگ زند که حق با آل محمد علیهم السلام است، در آن هنگام نام مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها جاری شود و محبت او در دل‌ها

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۶.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۲.

قرار گیرد؛ در این ایام، مردم اندیشه‌ای جز او ندارند.<sup>۱</sup>

دشمنان، از شنیدن صیحه آسمانی و شیوع اخبار مهدی علیه السلام در بین مردم، سخت بیمناک می‌شوند؛ مضافاً که در مکه خلا سیاسی پدید می‌آید و این هم به خاطر کشته شدن آخرین پادشاه حجاز است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس مرگ عبدالله (حاکم حجاز) را برای من تضمین کند؛ من ظهور قائم را برای او ضمانت می‌کنم. سپس فرمود: وقتی عبدالله درگذشت، مردم بعد از او با کسی برای حکومت توافق نمی‌کنند و این اختلاف و درگیری تا ظهور صاحب‌الامر ادامه می‌یابد و فرمانروایی‌های چند ساله، پایان یافته و حکومت چند ماهه و چند روزه فرامی‌رسد؛ سؤال کردم: آیا این ماجرا به طول می‌انجامد؟ فرمود: هرگز»<sup>۲</sup>.

با مرگ حاکم حجاز و اختلاف بین قبایل و نزاع‌ها بر سر تاج و تخت و روی کار آمدن حکومت‌های چند ماهه و چند روز، زمینه خوبی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایجاد می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«از جمله نشانه‌های فرج، حادثه‌ای است که بین حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد؛ پرسیدم: آن حادثه چیست؟ فرمود: تعصب قبیله‌ای بین دو حرم به وجود می‌آید و فلانی از خاندان فلان، پانزده رئیس قبیله را به قتل می‌رساند»<sup>۳</sup>.

۲. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۲.

۳. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

با شیوع اخبار مهدی علیه السلام در عالم، واکنش استکبار جهانی به رهبری سفیانی، در سروسامان دادن به مناطق خیزش اسلامی، نظیر عراق و حجاز که حکومت‌های ضعیفی دارند متمرکز می‌شود؛ علت ضعف عراق، وجود حاکم فاسد و نفوذی است و علت ضعف حجاز، خلأ سیاسی و درگیری‌های قبیله‌ای و نفوذ نیروهای یمنی است.

مسأله مهم در حجاز، چشم دوختن مسلمین به مکه است که مهدی علیه السلام از آن جا ظهور می‌کند و چون خبر سکونت مهدی علیه السلام در مدینه و شروع نهضت از مکه در بین مردم منتشر شده است، احتمالاً حکومت رو به زوال حجاز، از سفیانی تقاضای کمک می‌نماید یا این که نیروهای خارجی، جهت کنترل اوضاع حجاز و سرکوب قبایل، به سوی مدینه لشکرکشی می‌کنند؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی، گروهی را به مدینه می‌فرستد و آنها مردی را در آن جا به قتل می‌رسانند؛ مهدی و منصور از آن جا می‌گریزند و کوچک و بزرگ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دستگیر می‌شوند و کسی نمی‌ماند مگر آن که زندانی می‌گردد و لشکر سفیانی به تعقیب آن دو مرد می‌پردازند»<sup>۱</sup>.

ابن حماد از عبدالسلام بن مسلمه نقل می‌کند:

«سفیانی، لشکری را به سوی مدینه می‌فرستد و فرمان قتل همه بنی هاشم - حتی زنان باردار - را صادر می‌کند... آنها آن قدر از بنی هاشم می‌کشند تا این که احدی از آنها در مدینه نمی‌ماند؛ چون یا کشته شده‌اند و یا به کوه‌ها و بیابان‌ها و مکه فرار کرده‌اند؛ تا این که امر مهدی علیه السلام ظاهر



می شود و همگی دور او جمع می شوند»<sup>۱</sup>.

حضرت مهدی که سپاه سفیانی برای دستگیری ایشان به مدینه آمده بودند - با اضطراب - از مدینه خارج می شود؛ از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«سفیانی، گروهی را رهسپار مدینه می کند و آنها مردی را در آن جا به قتل می رسانند و مهدی و منصور از آن جا می گریزند... سپاه وی به جستجوی آن دو می پردازد و مهدی علیه السلام، بنا به روش موسی علیه السلام - نگران و با اضطراب - بیرون می آید؛ تا آن که وارد مکه می شود»<sup>۲</sup>.

به نظر می رسد که منصور یاد شده در روایت، که با حضرت مهدی علیه السلام خارج می شود، همان محمد - نفس زکیه - است که از یاوران امام مهدی علیه السلام است و حضرت، او را به مسجد الحرام می فرستد تا پیام آن بزرگوار را به گوش جهانیان برساند؛ اما او را به قتل می رسانند.

حضرت، در مکه با یاران خود تماس می گیرد تا این که قیام و حرکت خود را در شب دهم محرم، بعد از نماز مغرب و عشاء، از حرم شریف آغاز می کند؛ نخست، سخنرانی می کند.

روایات، در مورد چگونگی آغاز نهضت، ظهور و زمان آن، اندکی با هم تفاوت دارند؛ ولی آنچه بهتر به نظر می رسد، این است که امام علیه السلام، نخست در میان سید و سیزده تن از یاران خود ظهور می کند؛ آنگاه در غروب نهم محرم، یک یک داخل مسجد الحرام شده و نهضت مقدس خود را بعد از نماز

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.

عشاء، با ارسال پیام برای اهل مکه آغاز می‌کند؛ سپس یاران ایشان در آن شب، بر حرم و شهر مکه مسلط می‌شوند... و در روز دوازدهم محرم، پیام خود را متوجه جهانیان - به زبان و لغت آنان - می‌نماید...؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«همانا قائم علیه السلام، از راه کوه ذی طوی، با سیصد و سیزده مرد - به عدد رزمندگان جنگ بدر - فرود می‌آید؛ تا این‌که به حجر الاسود تکیه داده و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را برمی‌دارد»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام در مورد زمان همایش یاران مهدی علیه السلام فرموده است:

«خداوند سبحان، آنان را در شب جمعه، جملگی در مسجد الحرام گرد هم می‌آورد؛ با آن حضرت دست بیعت و وفاداری می‌دهند و هیچ یک از آنان سرپیچی نمی‌کند»<sup>۲</sup>.

فرازهایی از خطابه حضرت مهدی علیه السلام در روایات آمده است. اکنون قسمتی از نخستین پیام آن حضرت، برای اهل مکه - که از زبان امام باقر علیه السلام این‌گونه نقل شده است - را یاد آور می‌شویم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام، هنگام نماز عشاء ظهور می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است؛ وقتی نماز عشاء را به جای آورد، با صدای رسا و بلند خود می‌فرماید:

ای مردم! خدا را به یاد شما می‌آورم؛ شما اینک در پیشگاه خدا ایستاده‌اید؛ او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۱۰.

آسمانی فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و اطاعت و فرمان برداری خدا و رسول او را بنمایید و زنده نگه دارید آنچه را قرآن زنده نگاه داشته و بمیرانید آنچه را که میرانده است. طرفداران راستی و هدایت و پشتیبان تقوا باشید؛ زیرا نابودی و زوال دنیا، نزدیک شده و اعلان وداع نموده است... و من، شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و احیای سنت او و ترک باطل، دعوت می‌کنم.

پس او به همراه سیصد و سیزده مرد - به شمار یاران بدر - که همچون ابر پاییزی پراکنده‌اند و زاهدان شب و شیران روزند - بدون قرار قبلی - ظهور می‌کند و خداوند، سرزمین حجاز را بر سر مهدی علیه السلام می‌گشاید؛ وی، هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می‌برد آزاد می‌سازد؛ آنگاه درفش‌های سیاه، در کوفه فرود می‌آید (اهل خراسان) و گروهی را جهت بیعت، به سوی مهدی علیه السلام گسیل می‌دارند و آن حضرت، لشکریان خود را به سراسر جهان می‌فرستد و ستم‌پیشگان را از میان برمی‌دارد و همه سرزمین‌ها به واسطه او به عدالت و درست‌کاری در می‌آیند.<sup>۱</sup>

تعبیر «ابره‌ای پاییزی» برای این است که این ابرها در آسمان پراکنده شده و سپس به هم متصل می‌گردند؛ این تشبیه، نخستین بار توسط حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۶۶ نهج البلاغه، در مورد یاران مهدی علیه السلام به کار رفته است و این احتمال نیز بعید نیست که ظهور حضرت مهدی علیه السلام در فصل پاییز باشد. پس از سخنرانی برای مردم مکه و تصرف حرم و تسلط بر مواضع حساس مکه که بدون خونریزی صورت می‌گیرد، در روز عاشورا - که به مضمون

۱. رک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۹۶.

روایات، روز شنبه است - حضرت مهدی علیه السلام، بر جهانی بودن نهضت خویش تأکید می‌کند و تمام ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان جهان را به زبان خودشان، مورد خطاب قرار می‌هد و از آنان علیه کافران و ستمگران، یاری می‌طلبد؛ امام باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم علیه السلام، روز شنبه، که روز عاشورا است - روزی که امام حسین علیه السلام در آن روز به شهادت رسید - ظهور می‌کند».<sup>۱</sup>

مستکبرین شرق و غرب، در برابر پیروزی امام و اشتهار جهانی حضرت، واکنش شدیدی از خود نشان می‌دهند؛ آن‌چنان به خشم می‌آیند که به بدگویی و لعن و نفرین می‌پردازند؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی درفش حق آشکار گردد، اهل شرق و غرب بر آن نفرین کنند. پرسیدم: چرا؟ فرمود: به سبب آنچه که از بنی‌هاشم می‌بینند».<sup>۲</sup>

### لشکری که در زمین فرو می‌رود

در این هنگام، سفیانی، سپاهی به سوی مکه - برای دستگیری امام پناهنده به کعبه - می‌فرستد که ناگهان در بین راه، معجزه موعود الهی، در مورد سپاه سفیانی اتفاق می‌افتد؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پناهنده‌ای به خانه خدا پناه می‌برد؛ آنگاه لشکری به سوی او فرستاده می‌شود تا آن‌که به بیابان مدینه می‌رسند و آن‌جا در زمین فرو می‌روند».<sup>۳</sup>

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«به زودی پناهنده‌ای به مکه خواهد آمد؛ هفتاد هزار سرباز، تحت فرمان

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵. ۲. همان، ص ۳۶۳.

۳. مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

مردی از قیس به آن جا فرستاده می شود؛ همین که آنها به محلّ ثنیه می رسند، آخرین فرد آنها وارد شده و اولین نفر آنان از آن جا خارج نمی شود؛ آنگاه جبرئیل ندا سر می دهد به گونه ای که صدایش به شرق و غرب می رسد: (ای بیابان!، ای بیابان!) بگیر آنها را که خیری در آنها نیست!

هیچ کس از نابودی آنها آگاه نمی شود مگر چوپانی در کوهستان که آنها را در حین هلاکت، نظاره می کند و از ماجرای آنها خبر می دهد؛ پس وقتی پناهنده به کعبه (مهدی)، داستان آنها را بشنود، بیرون می رود.<sup>۱</sup>

پس از معجزه فرورفتن سپاه سفیانی، اخبار این حادثه به حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی می رسد.

حضرت، پس از شنیدن جریان، با سپاهی متشکل از دوازده هزار نفر، از مکه خارج می شود<sup>۲</sup> و آهنگ مدینه می کند؛ وقتی به محل هلاکت لشکر سفیانی می رسند، این آیه را تلاوت می کنند:

«آیا توطئه گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فرو برد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟! \* یا به هنگامی که (برای کسب مال و ثروت افزون تر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند».<sup>۳</sup>

در بین راه به حضرت خبر می رسد که فرماندار منصوب برای شهر مکه، به وسیله دشمنان وی گشته شده است؛ امام مجدداً به مکه باز می گردند؛ امام

۱. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. همان، ج ۱، صص ۵۰۳ و ۵۰۵. ۳. سوره نحل، آیه ۴۵ - ۴۶.

باقر علیه السلام فرمود:

«با قائم، بر اساس کتاب خدا و سنت رسول، در مکه بیعت می‌کنند و امام، فرمانروایی را از ناحیه خود در مکه می‌گمارد و آنگاه راهی مدینه می‌شود. در بین راه، به وی خبر می‌رسد که نماینده او را کشته‌اند؛ امام به مکه باز می‌گردد و فقط قاتل یا قاتلان او را به هلاکت می‌رساند»<sup>۱</sup>.  
از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«وقتی امام به مکه باز می‌گردد، آنان (مکئیانی که در قتل نماینده امام شرکت داشتند) سرافکنده و گریان و زاری‌کنان، نزد امام می‌شتابند و می‌گویند: ای مهدی آل محمد! توبه؛ توبه! در این وقت، امام آنها را موعظه نموده و اعلان خطر می‌نماید و از تبهکاری‌ها بر حذر می‌دارد و نماینده دیگری را انتخاب نموده و سپس راهی مدینه می‌گردد»<sup>۲</sup>.

بنا بر بعضی روایات، امام - برخلاف مکه - در مدینه، درگیر چندین نبرد خواهد شد که احتمالاً با بقایای نیروهای سفیانی و نیروهای حکومت و قریش صورت می‌پذیرد؛ خصوصاً آن که بعد از خراب کردن مسجدالنبی و محل قبر پیامبر<sup>۳</sup> و بازسازی آنها، بهانه‌ای برای تحریک مردم، علیه امام وجود دارد؛ در این نبردها امام صدها تن را می‌کشد و بر آنها پیروز می‌گردد؛ امام باقر علیه السلام - در روایتی طولانی - چنین فرموده است:

«آنگاه که وارد مدینه می‌شوند، قریش از آنها پنهان می‌گردند؛ این گفته علی علیه السلام درباره آنهاست که فرمود: به خدا سوگند! (در آن زمان) قریش

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۰۶.



آرزو می‌کنند که کاش من زمان کوتاهی - هر چند به اندازه زمان کشتن شتری - در میان آنان می‌بودم در برابر کلّ دارایی آنها...

سپس در پی اقدامات امام، حادثه‌ای به وقوع می‌پیوندد؛ چون حادثه پدید آمد، قریش گوید: ما را نزد این طاغی ببرید، سوگند به خدا! اگر او محمدی و علوی و فاطمی بود، دست به این کار نمی‌زد. آنگاه خداوند، قریشیان را تسلیم حضرت مهدی علیه السلام می‌گرداند و حضرت، قاتلان را به هلاکت رسانده و وابستگان آنها را به اسارت می‌گیرد. سپس حرکت نموده تا در شقره<sup>۱</sup> فرود می‌آید؛ در آن جا خبر می‌رسد که نماینده او را در مدینه کشته‌اند؛ به سوی آنها باز می‌گردد و آن چنان نزاعی به راه می‌افتد که کشتار حرّه<sup>۲</sup> پیش آن ناچیز است... آنگاه رفته و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کند.<sup>۳</sup>

پس از پیروزی بر حجاز و نابودی حکومت عربستان و قراردادن نمایندگانی از جانب خود در شهرهای آن، امام همراه سپاه خود به سوی جنوب ایران حرکت می‌کند؛ چون عمده سپاه امام را - در جنگ بصره و خلیج فارس - ایرانیان تشکیل می‌دهند؛ بدین جهت و به خاطر بیعتی از ناحیه فرمانده نظامی نیروهای ایرانی - شعیب بن صالح و هاشمی - و همچنین برآوردن تمنای مشتاقان دیدار مهدی علیه السلام و ایجاد آمادگی در نیروها - برای جنگ بزرگ و سرنوشت ساز بصره - این سفر صورت می‌گیرد؛ چنان که امام

۱. نام محلی در حجاز، از سمت ایران و عراق.

۲. شمار کشتگان حرّه - در صدر اسلام، بر اساس منابع تاریخی - هفتصد تن بوده و مزار آنان اکنون

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

در بقیع می‌باشد.

باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی بعد از ورود به کوفه و بغداد، سپاهیان خود را در سراسر جهان پراکنده می‌سازد. در این برهه، احساس ترس و وحشتی از ناحیه ماوراءالنهر و اهالی خراسان به او دست می‌دهد؛ چراکه اهل مشرق برای هلاکت آنان یورش می‌آورند. وقتی این خبر به سفیانی می‌رسد، لشکر سترگی به فرماندهی مردی از بنی امیه به سوی اصطخر<sup>۱</sup> می‌فرستد؛ در ناحیه قومس<sup>۲</sup> و ری نبردهایی رخ می‌دهد. در این زمان سفیانی دستور قتل عام مردم کوفه و مدینه را صادر می‌کند و در همین هنگام، یاران پرچم‌های سیاه و پیشاپیش همه، مرد جوانی از بنی هاشم، که خود پرچمی در دست دارد روی می‌آورند که خداوند کارها را بر او آسان می‌گرداند. در مرز خراسان برخوردی پیش می‌آید؛ هاشمی در سر راه خود به سوی ری، مردی از بنی تمیم - که از موالیان (ایرانیان) است، به نام شعیب بن صالح - را به سوی اصطخر برای رویارویی با سفیانی فرامی‌خواند؛ سپاه حق در بیضای اصطخر یکدیگر را ملاقات می‌کنند. آنگاه بین سفیانی و آنان جنگی بزرگ رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که خون در روی زمین تا ساق پای اسبان می‌رسد. در این لحظه نیروی بسیاری از ناحیه سیستان، به فرماندهی فردی از بنی عُدی به آنجا می‌رسند و بدین سان خداوند، یاران و سپاهیان حق را پیروز می‌گرداند... و آنگاه قومی از روستاییان، بر اُخَوْض خروج می‌نمایند - آنها گروه‌هایی هستند

۱. شهری قدیمی در جنوب ایران، حوالی اهواز.

۲. قومس به منطقه دامغان و سمنان اطلاق می‌شود.

که عموماً اهل کوفه و بصره می باشند - تا این که اسرای کوفه را رهایی می بخشند.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که اصطخر مذکور در روایت، شهری قدیمی در جنوب ایران - در منطقه اهواز - است و در صدر اسلام، آباد بوده و آثار آن در نزدیکی شهر مسجد سلیمان، هنوز دیده می شود. گفته می شود که شهر اصطخر را حضرت سلیمان بنا نموده و در فصل زمستان، در آن جا حکمرانی می کرده و گویا مسجد سلیمان هم مسجدی بوده که حضرت سلیمان علیه السلام آن را ساخته است.

مسألة بیعت با امام در حدیثی این گونه بیان شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«یاران پرچم های سیاه، از خراسان به سوی کوفه می آیند و چون مهدی علیه السلام ظهور می کند، گروهی را جهت بیعت به سوی او می فرستند».<sup>۲</sup>

این حدیث کنایه از ورود نیروهای ایرانی به عراق و تجدید بیعت با امام می باشد.

پس از ملاقات هاشمی خراسانی و شعیب بن صالح (رهبران سیاسی و نظامی ایران) و بیعت نیروها با حضرت مهدی علیه السلام و پیروزی در جنگ بزرگ بصره، امام وارد کوفه می شود؛ در این زمان، درگیری بین سه گروه وجود دارد که ظاهراً گروه اول، طرفداران آن حضرتند و گروه دوم، پیروان سفیانی و دسته سوم، شورشیانند؛

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«وارد کوفه می شود؛ در حالی که سه جناح دارای پرچم، شهر را آشفته نموده اند و پس از آن، زمینه برای ورود حضرت، مهیاست و شرایط کاملاً آماده پذیرش اوست؛ آن حضرت وارد شده و با قرار گرفتن بر فراز منبر، لب به سخن می گشاید؛ ولی مردم از شدت گریه (شوق)، متوجه گفتار وی نمی شوند»<sup>۱</sup>.

البته وجود سه گروه پرچم دار در عراق، با روایاتی که بر تسلط نظامی ایرانیان - بعد از شکست سفیانی - در آن کشور دلالت دارد، منافاتی ندارد؛ مانند حدیث بعدی، که این روایت در منابع شیعه و سنی به نحو مستفیض از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«درفش های سیاهی که در خراسان خارج می شود، در کوفه فرود می آید و زمانی که مهدی علیه السلام ظاهر شد - جهت بیعت مجدد - حضور آن بزرگوار، شرف یاب می شوند»<sup>۲</sup>.

حضرت پس از پاکسازی عراق از نیروهای شورشی و معاند، آن را به مناطق تحت فرمان ضمیمه می کند و با مرکزیت بخشیدن به عراق، کوفه را پایتخت خویش قرار می دهد و بدین سان دامنه فرمانروایی و حکومت وی، شامل مناطق یمن، حجاز، ایران و عراق به اضافه کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد شد و به این ترتیب، حضرت مهدی علیه السلام با خاطری آسوده از اوضاع داخل، به اوضاع خارجی و جنگ با دشمنان خود می پردازد که ابتدا با ترکان (روسی ها) درگیر می شود؛ چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده که

۱. ارشاد مفید، ص ۳۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

فرمود:

«نخستین سپاهی که حضرت مهدی علیه السلام تدارک می بیند، به سوی ترکان (روسی ها) گسیل می دارد و پس از شکست و به اسارت در آوردن آنها و به غنیمت گرفتن اموالشان، راهی شام گردیده و آن جا را فتح می کند»<sup>۱</sup>.

سفیانی، پس از شکست از ایرانیان و اهل یمن در عراق و شکست از حضرت مهدی علیه السلام در حجاز (به واسطه معجزه فرو رفتن در زمین) عقب نشینی می کند و به جمع آوری و بازسازی نیروهای خود در داخل کشور شام جهت رویارویی با امام علیه السلام که با سپاه خویش راهی دمشق و قدس می باشد، می پردازد.

با پیروزی های پی در پی که برای حضرت مهدی علیه السلام حاصل شده، اوضاع عمومی منطقه، به نفع حضرت تغییر می کند و نهضت گسترده مردمی، در سوریه، اردن، لبنان و فلسطین برپا می شود؛ حضرت مهدی علیه السلام به سوی شام لشکرکشی می کند و در مرج عذرا - ناحیه ای در سی کیلومتری دمشق - اردو می زند؛ این امر، حکایت از این دارد که سفیانی از نگهداری مرزهای خود و ایستادگی در پیش روی سپاه حضرت مهدی علیه السلام، عاجز است و در پی این ناتوانی، پایتخت خود در دمشق را تخلیه می کند و به منطقه رمله - در داخل فلسطین؛ محل فرود نیروهای رومی (غربی) - تغییر مکان می دهد؛ از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«آنگاه وی (حضرت مهدی علیه السلام) به کوفه می آید و در آن جا تا هر زمان که خدا بخواهد، می ماند تا آن که ظهور نماید. سپس او و همراهانش به مرج

عذراء می آیند؛ در حالی که بسیاری از مردم به آن حضرت پیوسته اند و در این هنگام، سفیانی در منطقه رمله به سر می برد... تا این که یکدیگر را ملاقات می کنند و آن روز، روز شناخت مؤمنان واقعی است؛ مردمی که با سفیانی هستند از پیروی خاندان پیامبر، سر باز می زنند و عده ای از مردم که با آل پیامبر هستند به سوی سفیانی می گروند؛ آنها از پیروان او بوده، می روند تا به وی بپیوندند.

هر کس در آن روز به سوی درفش خود می شتابد... و آن روز، روز شناخت مؤمنان واقعی و ممتاز است.<sup>۱</sup>

امام علیه السلام با سفیانی مذاکره می کند و وی تسلیم می شود و با امام علیه السلام بیعت می کند، ولی پس از بازگشت به نزد حامیان یهودی و رومی خود، مورد سرزنش قرار می گیرد و مجدداً به مبارزه ترغیب می شود.  
ابن حماد در کتاب خود، روایتی را نقل می کند:

«حضرت مهدی علیه السلام می گوید: پسر عموی مرا<sup>۲</sup> نزد من آورید تا با وی سخن گویم؛ پس او نزد حضرت آمده و با ایشان گفتگو می کند؛ وی زمام امر را به امام علیه السلام تسلیم و با او بیعت می کند؛ چون نزد یاران خود باز می گردد، قبیله کلب، او را نادم و پشیمان می کند و به همین جهت، او برمی گردد و تقاضای فسخ پیمان می کند؛ امام نیز بیعت وی را فسخ می کند؛ آنگاه سفیانی لشکریان خود را برای جنگ با امام، بسیج می کند؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

۲. امام علیه السلام و سفیانی از ناحیه اجداد به امیه و هاشم - که دو برادر بودند - می رسند، به همین جهت و بنا در نظر گرفتن چندین نسل قبل، پسر عموی یکدیگر به شمار می روند.



ولی (امام علیؑ) او را شکست می دهد و خداوند، رومیان را نیز به دست آن حضرت نابود می سازد»<sup>۱</sup>.

شبهه روایت فوق - با اندکی تفاوت - در منابع گوناگون آمده است.<sup>۲</sup> به هر حال، سفیانی از فرصتی که حضرت مهدیؑ به او داده، استفاده نمی کند و مسلمانان هم موفق به ساقط کردن حکومت سفیانی نمی شوند و از این رو، وی و هم پیمانانش، نیروهای خود را برای جنگ بزرگی آماده می کنند؛ جنگی که محورهای آن - به گفته روایات - از عکا تا صور و از آن جا تا انطاکیه در ساحل دریا و از دمشق تا طبریه و داخل قدس را فرا می گیرد. امیرالمؤمنین علیؑ نبرد را این گونه توصیف می کند که:

«خداوند، به سفیانی غضب می کند و بندگان خدا نیز به سبب خشم الهی، بر او خشمگین می شوند؛ پرندگان با بال های خود؛ کوه ها با صخره ها؛ فرشتگان با صداهایشان بر آنها صدمه می زنند و ساعتی نمی گذرد که خداوند، تمام یاران سفیانی را هلاک می سازد و جز او (سفیانی) کسی از دشمنان، در زمین باقی نمی ماند و امام مهدیؑ وی را دستگیر نموده و در زیر درختی به قتل می رساند»<sup>۳</sup>.

در روایت الزام الناصب<sup>۴</sup> آمده است:

«یکی از فرماندهان سپاه مهدیؑ به نام صیاح خود را به سفیانی رسانده، او را دستگیر می کند و هنگام نماز عشاء او را نزد حضرت

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۵ و ۵۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۱۲۳. ۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۰۴.

می آورد؛ حضرت درباره وی با یاران خود به مشورت می پردازد و آنان قتل او را مصلحت می دانند؛ آنگاه او را زیر سایه درختی که شاخه هایش آویخته است - مانند گوسفندی - سر می برند».

در این جنگ، یهودیان نیز شکست می خورند و شاید مراد از آیه **وَبَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ** به دلیل روایتی که در تفسیر این آیه آمده و به امام مهدی علیه السلام و یاران او تعبیر شده، همین نبرد است که مسلمانان با یهود در آخر الزمان خواهند داشت.

در منابع اهل سنت، روایاتی در این زمینه وجود دارد که یکی از آنها روایتی است که از مسلم و احمد و ترمذی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود:

«قیامت برپا نمی شود، مگر آن که بین مسلمانان و یهود، کارزاری رخ دهد؛ به گونه ای که مسلمانان، آنها را به هلاکت می رسانند. تا جایی که اگر شخص یهودی (محارب)، در پشت صخره و یا درخت پنهان شود، آن سنگ و درخت به صدا در آید و گوید: ای مسلمان! این یهودی (محارب) است که در پناه من مخفی شده؛ او را هلاک کن!»<sup>۱</sup>

با شکست سقیانی و یهودیان، حضرت مهدی علیه السلام پیروز مندانه وارد قدس می شود؛ در آن روز علاوه بر یاران ایرانی، عراقی و یمنی، تعداد زیادی از مردم، به امام ملحق می شوند و با سپاهی متجاوز از یک میلیون نفر، وارد بیت المقدس می شود؛ در روایات، تعداد محافظان حضرت را دوازده هزار نفر ذکر کرده اند؛ ابن حماد در کتاب خود می گوید:

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۱۷.

«مردی از بنی هاشم در بیت المقدس وارد می شود که پاسداران وی دوازده هزار تن هستند».

با پیروزی شگفت انگیز و قاطع امام علیه السلام و ورود ایشان به بیت المقدس شریف، گویا صاعقه‌ای آسمانی بر سر غربیان فرود می آید؛ طبیعی به نظر می رسد که آنها به جهت شکست هم پیمانان یهودی خود و از دست دادن هستی خود و از بین رفتن منافع حیاتی شان، گرفتار جنون و حالت روانی شوند و بر طبق محاسبات سیاسی و شناختی که ما از وضع کنونی آنها داریم (هر کجا که اوضاع را بر وفق مرادشان نیابند، دست به حمله نظامی می زنند)، از طریق هوا و دریا به امام و سپاه وی حمله ور شوند؛ بلکه از جنگ افزارهای شیمیایی خطرناک و سلاح های اتمی نیز استفاده کنند!

اما چنان که از روایات استفاده می شود، چند عامل اطمینان بخش در آن هنگام وجود خواهد داشت که شاید مهم ترین آنها فرود آمدن حضرت مسیح علیه السلام به بیت المقدس باشد پس از آن حالت اضطراب و ترسی که غربی ها از رویارویی با حضرت مهدی علیه السلام در عمق جان خویش احساس می کنند. علاوه بر این قبیل امدادهای باطنی و غیبی، امام علیه السلام از امداد ظاهری الهی نیز برخوردار است؛ مضافاً که از سلاح های مدرن و پیشرفته - که با سلاح های غربی برابری کند - در اختیار دارند.

### فرود آمدن مسیح از آسمان

مسلمانان در مسأله فرود آمدن حضرت مسیح علیه السلام از آسمان به زمین در آخر الزمان اتفاق نظر دارند و بیشتر مفسران، این آیه را که خداوند فرمود:

«هیچ کس از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگ، به وی (عیسی)

ایمان خواهد آورد و روز قیامت، او بر نیک و بد آنان، گواه خواهد بود.<sup>۱</sup>  
 به همین معنای فرود عیسی علیه السلام از آسمان تفسیر کرده‌اند؛ از جمله صاحب  
 مجمع‌البیان، این تفسیر را از ابن عباس و ابن زید و قتاده نقل کرده است و  
 علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار، آیه را به همین معنی تفسیر کرده  
 است و از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«پیش از قیامت، عیسی به دنیا فرود می‌آید و هیچ کس از ملت یهود و  
 مسیحی نمی‌ماند مگر آن‌که قبل از مرگ، به او ایمان می‌آورد و آن  
 حضرت، پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد».<sup>۲</sup>

راجع به فرود آمدن حضرت مسیح، از منابع شیعه و سنی احادیث فراوانی  
 آمده است؛ از جمله این روایت مشهور که در ۳۸ منبع حدیثی شیعی و سنی  
 آمده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه خواهید بود، آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و  
 پیشوای شما از خود شما باشد؟».<sup>۳</sup>

و دیگر، حدیثی که در منابع مختلف اهل سنت به طرق متعدد به نحو  
 تواتر معنوی - از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«سوگند به آن‌که جانم به دست اوست! به طور یقین، عیسی بن مریم به  
 عنوان داور عادل و پیشوایی دادگر، در میان شما فرود خواهد آمد و  
 صلیب را شکسته و خوک را می‌کشد و مالیات (جزیه) وضع می‌کند و

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۹. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

۳. رک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۱۹.

آنقدر مال می بخشید که دیگر کسی نمی پذیرد».<sup>۱</sup>

حدیث فوق که در ۱۹ کتاب حدیثی اهل سنت نقل شده است، می فرماید: جزیه وضع می کند؛ یعنی از اهل کتاب (یهود و نصاری)، جز اسلام یا گشته شدن را قبول نمی کند مگر این که جزیه بپردازند؛ که این حکم هم برای مدتی محدود است و پس از مدتی حکم جزیه لغو می شود و تنها راه رهایی از مرگ، برای اهل کتاب، پذیرش اسلام خواهد بود.

فرود آمدن حضرت مسیح، موجب خوشحالی مسلمانان و مسیحیان جهان می شود؛ چرا که همگی منتظر فرود حضرت بوده اند.

در این میان، مسیحیان و غربی هایی که - به خاطر شکست هم پیمانان خود (سفیانی و یهود) در فلسطین و شام، از حضرت مهدی عج - در صدد جنگ با حضرت برآمده بودند، با فرود حضرت مسیح و حکمیت ایشان، به قرارداد صلح هفت ساله ای رضایت می دهند؛ چنان که پیامبر اکرم ص فرمود: «بین شما و رومیان (غربی ها) چهار پیمان صلح برقرار می شود که چهارمین آن، به دست مردی از خاندان هرقل انجام می پذیرد و هفت سال به طول می انجامد.

مردی از عبدالقیس - به نام مستور بن غیلان - پرسید: ای پیامبر خدا! پیشوای مردم در آن روز چه کسی خواهد بود؟ فرمود: مهدی از فرزندانم که مردی چهل ساله به نظر می رسد؛ چهره اش چون ستاره تابان می درخشد؛ برگونه راست او خالی وجود دارد؛ در حالی که دو قیای

قطوانی به تن دارد، همچون مردان بنی اسرائیل جلوه می‌کند؛ وی گنجینه‌های زمین را استخراج نموده و شهرهای شرک آلود را آزاد می‌سازد.<sup>۲</sup>

بنابر آنچه که در بعضی روایات آمده است، غربی‌ها پس از دو سال، پیمان صلح را می‌شکنند. شاید انگیزه پیمان‌شکنی آنان، ترس و وحشتی است که حضرت مسیح - در اثر ایجاد موج هم‌پستگی مردمی، در بین ملت‌های آنان - برایشان به وجود می‌آورد و در پی دعوت آن حضرت، بسیاری از غربی‌ها به آیین اسلام می‌گروند و حضرت مهدی علیه السلام را مورد تأیید خویش قرار می‌دهند. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که در پی انتقام برآیند؛ لذا روایات بیان می‌کند که رومیان (غربی‌ها) در یک هجوم ناگهانی - با نزدیک به یک میلیون سرباز - به سرزمین شام و فلسطین یورش می‌آورند؛ ذی‌مخمر - که از یاران پیامبر است - می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که فرمود:

«ثُمَّ يَأْتِيكُمْ فِي ثَمَانِينَ غَايَةً تَحْتَ كُلِّ غَايَةٍ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا؛ بِأَرْتَشِي مَشْكَلٍ مِنْ هَشْتَادِ لَشْكَرٍ وَ هَر لَشْكَرٍ بِأَدْوَاذِهِ هَزَارٌ سَرْبَازٌ بِه سَوِي شَمَا حَمَلَهُ مِي كَنْتَد.»<sup>۳</sup>

نیروهای اسلام، رویاروی آنها قرار می‌گیرند و حضرت مسیح، موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می‌گذارد و آیینی را به جز اسلام نمی‌پذیرد؛ یهود و مسیحیت و افراد آنان را

۱. یعنی شبیه فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام است.

۲. رک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۰ و معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۱.



تکذیب می کند و خود را به عنوان وزیر امام علیه السلام معرفی می کند؛ نه امیر مسلمین.<sup>۱</sup>

نبرد با رومیان (غربی ها) در همان محورهای نبرد آزادی قدس، از عکا تا انطاکیه و از دمشق تا قدس و مرج دابق روی خواهد داد که شکست سختی متوجه رومیان و پیروزی بزرگ و آشکاری نصیب مسلمین می گردد.  
ابن حماد در روایتی نقل کرده است:

«بین مهدی و فرمانروای طغیانگر روم - پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت در آمدن هستی قبیله کلب - صلحی برقرار می شود؛ به گونه ای که بازرگانان شما و آنها به کشورهای یکدیگر رفت و آمد می کنند؛ در این میان، آنها سه سال به ساختن کشتی های خود می پردازند (نیروی دریایی خود را مجهز می کنند)؛ تا آن که کشتی های رومیان، در سواحل بین صور تا عکا لنگر می اندازد و آن جا صحنه کارزار می شود».<sup>۲</sup>

حدیفة بن یمان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«بین شما و بنی اصفیر، صلحی برقرار می شود... آنها به شما خیانت می کنند و با هشتاد لشکر، از راه زمین و دریا به شما حمله ور می شوند که هر لشکر، شامل دوازده هزار سرباز است و بین یافا و عکا فرود می آیند. فرمانده آنها کشتی هایشان را به آتش می کشد و به یاران خود دستور می دهد که از سرزمین و کشورتان دفاع کنید! آنگاه جنگ و کشتار، از دو طرف آغاز می شود و سربازان به کمک یکدیگر می شتابند؛ حتی کسانی

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

۲. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۳.

که در حضرموت یمن هستند، به یاری شما می آیند. در آن روز، خداوند با نیزه و شمشیر و تیر خود به آنها ضربه می زند و به سبب آن، در میان آنها بزرگترین کشتار واقع می گردد»<sup>۱</sup>.

مشابه روایت فوق و با اندکی فزونی در مجامع روایی ما به چشم می خورد: «... خداوند در آن روز به وسیله باد، قوای حضرت مهدی علیه السلام را یاری می کند؛ به گونه ای که چند هزار کشتی دشمنان را نابود می کند و جز تعداد اندکی از آنها باقی نمی ماند و آنان مسلمانان را تعقیب می کنند تا به قسطنطنیه می رسند»<sup>۲</sup>.

پس از این کارزار، دروازه های پیروزی جهت فتح اروپا و آمریکا به روی حضرت مهدی علیه السلام گشوده می شود و ظاهراً بسیاری از کشورها به وسیله انقلاب درونی توسط ملت های خودشان فتح می شود و حکومت های طرفدار حضرت مهدی علیه السلام بر سر کار می آید؛ در منابع شیعه و سنی آمده است که: «حضرت مهدی علیه السلام به همراه سپاه خود، رهسپار روم (غرب) می شوند و شهرهای آن را با گرفتن تکبیر و حملات برق آسا، آزاد می نمایند».

کسانی در قصص الانبیاء نقل کرده است:

«حضرت مهدی علیه السلام با نیروی صد هزار نفری خود، رهسپار شهرهای روم (غرب) می شوند؛ حضرت، حاکم روم را دعوت به ایمان می کند؛ او از پذیرش اسلام، سرباز می زند. پس از جنگ دو ماهه، خداوند، حضرت مهدی علیه السلام را یاری می کند. در این جنگ عده زیادی از یاران

۱. ر.ک: نسخه خطی ابن حماد، ص ۱۴۱.

۲. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۵-۳۷۰.

حضرت، به شهادت می‌رسند».

با تکبیرهای حضرت، در دروازه‌های (دژهای) هفت‌گانه شهر، گشوده می‌شود و شهر به تصرف حضرت درمی‌آید و تعداد زیادی از رومیان کشته و بسیاری نیز تسلیم می‌شوند.<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«آنگاه رومیان به دست آن حضرت، اسلام می‌آورند؛ برای آنان مسجدی بنا می‌کند و مردی از یارانش را جانشین و نماینده خود قرار می‌دهد و باز می‌گردد».<sup>۲</sup>

نعیم بن حماد روایت کرده است که حضرت مهدی علیه السلام بر کشور هند و آنچه که بین شرق و غرب عالم، وجود دارد، تسلط پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

حدیفة بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

«خداوند، حضرت مهدی علیه السلام را بر عالم، پیروز می‌گرداند؛ به گونه‌ای که در روی زمین، احدی نمی‌ماند مگر این که لا اله الا الله می‌گوید».<sup>۴</sup>

پس از فتح عالم و یک‌پارچگی تمام دولت‌های جهان به صورت یک حکومت اسلامی، امام جهت تحقق بخشیدن به اهداف الهی - در ابعاد گوناگون - در میان ملت‌های جهان، اقدام می‌کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و معنوی و رفاه همگانی و گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم، می‌کوشد.

۱. همان، ص ۲۴۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۵۱؛ به نقل از بحار الانوار.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۸۱.

۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۵۵.

طبق برخی روایات، میزان افزایش دانش بشر در دوران حکومت آن حضرت، نسبت به دانسته‌های مردم در عصر قبل از ظهور، به نسبت ۲۷ به ۲ است؛ یعنی افزون بر دو جزء علمی که قبلاً تحصیل کرده‌اند، ۲۵ جزء دیگر خواهند آموخت؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دانش، بیست و هفت شاخه است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند، دو شاخه است و مردم تا آن روز بیش از دو شاخه را نمی‌دانند؛ و چون قائم قیام کند، بیست و پنج شاخه دیگر را برون آورده و در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین سان بیست و هفت جزء دانش را گسترش می‌دهد».<sup>۱</sup>

پس از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر شرق و غرب عالم و فتح قسطنطنیه (روم شرقی) و پیدایش عشق و علاقه به آن حضرت در دل‌های آزاده، یک فتنه و آشوب و حرکت انحرافی به وسیله دجال یک چشم و همراهی هفتاد هزار یهودی - از یهودیه اصفهان یا مرو و یا عراق برای فریب انسان‌ها - آغاز می‌شود؛

از پیامبر گرامی نقل شده که فرمود:

«دجال، از یهودیه اصفهان خارج می‌شود و با او هفتاد هزار نفر یهودی است».<sup>۲</sup>

جالب این که در تعبیر روایات، از لفظ «ثم» استفاده شده است؛ مثلاً در حدیثی از محمد بن حنفیه آمده است:

«تكون هدنة الروم... ثم يغدرون به... ثم تكون هزيمتهم و فتح

۱. بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۲۲.

القسطنطنیة... ثمّ یسیر إلى رومیة فیفتحها... ثمّ یرجع إلى بیت المقدس و یشرف الدّجال؛ قرار داد صلح بسته می شود؛ سپس آنها پیمان را می شکنند و پس از پیمان شکنی، در اثر جنگ، نابود می شوند و قسطنطنیه آزاد می شود؛ سپس به بیت المقدس بر می گردند و پس از آن، دجال خروج می کند»<sup>۱</sup>.

چندین حدیث دیگر نیز شبیه این روایت نقل شده است که در صفحات ۳۴۷ تا ۳۵۴ جلد اول معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام به چشم می خورد؛ این روایات، تسلسل زمانی موارد فوق را بیان کرده است.

حرکت انحرافی دجال، با بهره گیری از روش های پیشرفته علوم و چشم بندی، برای فریب جوانان و زنان - که بیشترین پیروان او را تشکیل می دهند - صورت می گیرد و موجی به وجود می آورد؛ او همه تلاش خود را صرف این می کند که مردم، فریب کاری او را باور کنند تا شاید بتواند بدین وسیله، با تبلیغات جذاب حضرت مهدی علیه السلام مقابله می کند.

ولی دیری نمی پاید که حضرت مهدی علیه السلام، نیزنگ وی را آشکار می سازد و این فتنه - که توسط یهودیانی که بعد از نابودی اسرائیل، از فلسطین به غرب فرار کرده بودند، به وجود آمده است - نقش بر آب می شود و حضرت، فتنه و فتنه گران، که در رأس آنها دجال است را نابود می کند و دجال را به قتل می رساند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی، چهارده نور را قبل از آفرینش سایر مردم به

چهارده هزار سال آفرید؛ و آن، روح ما می باشد؛ از ایشان پرسیدند: آن چهارده نور، چه کسانی هستند؟ فرمود: محمد صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و ائمه ای که از ذریه حسین هستند؛ آخرین آنها قائم است که بعد از غیبت، قیام می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند.<sup>۱</sup>

و بدین ترتیب، خداوند بزرگ، مستضعفان را حاکمان زمین قرار می دهد و در پی آن، امنیت و آرامش را در سراسر جهان مستقر می نماید و زندگی بشریت را به وسیله مهدی علیه السلام دگرگون می سازد و فصل نوینی از حیات طیبه را به روی انسانیت می گشاید.

مأموریت آن حضرت، تنها منحصر به از نو زنده کردن اسلام و برپایی تمدن عادلانه و الهی و پرتوافشانی آن بر جهان نمی باشد؛ بلکه علاوه بر این همه، آن حکومت بزرگ، ترقی و تکامل زندگی بشر را از لحاظ مادی و طبیعی نیز موجب می شود؛ به گونه ای که با مراحل گذشته - هرچند که مترقی و پیشرفته بوده - قابل مقایسه نخواهد بود.

در سراسر کره زمین، عدل و داد به پا خواهد کرد و اختلافات را از بین خواهد برد و منادی آسمان، پایان حکومت و دولت ستمگران و جباران و منافقان و طرفداران آنان را اعلام خواهد نمود.<sup>۲</sup>

در روزگار مهدی علیه السلام، درهای عالم غیب بر روی این جهان مادی گشوده می شود.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۰۶.



در دوران ظهور آن عزیز و بعد از آن، شماری از پیامبران، به زمین باز خواهند گشت و تا هر زمان که اراده حق تعالی باشد، فرمانروایی خواهند کرد. امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه‌ای از قرآن کریم که می‌فرماید:

«آن خدایی که قرآن را بر تو فرض گردانید، البته تو را به جایگاه خود باز می‌گرداند»، فرمود: «پیامبر شما به سویتان رجعت نموده و باز می‌گردد».<sup>۱</sup>

در برخی از روایات آمده است که رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رجعت امامان است و نخستین کسی که از آنان، دوباره به دنیا برمی‌گردد، امام حسین علیه السلام است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«نخستین کسی که به دنیا بازگشت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است و آنقدر حکومت و فرمانروایی می‌کند که - در اثر پیری - ابروانش بر روی چشم‌هایش فرو می‌افتد».<sup>۲</sup>

تاکنون، تصویر کلی مقدمات، دوران ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و پس از آن، به طور اجمالی بیان گردید؛ به خواست خداوند حکیم، این مسأله را با شرح و بسط بیشتری بررسی خواهیم کرد.



## **فصل دوم:**

### **تاریخچه انتظار**

## مقدمه

در این مورد که تاکنون موضوعی تحت عنوان «ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام» نوشته شده باشد، من با مراجعه به چند کتابخانه و بررسی فیش‌ها، چنین عنوانی را نیافتم و فکر می‌کنم تاکنون چنین پژوهشی که مباحث ظهور و پیروزی حضرت را در یک سلسله و نظم قرار داده و کاملاً مستند باشد - حداقل به فارسی - نوشته نشده باشد و اگر هم هست، من نیافتم.

کتبی که به فارسی در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده، هر کدام جهتی از مباحث مربوط به حضرت را در بر می‌گیرد؛ مثل کتاب‌های انتظار فرج، علائم ظهور، اصالت مهدویت، مهدی در قرآن، سیری در سیره ائمه، مسأله انتظار، یاوران حضرت مهدی و ده‌ها کتاب دیگر. البته آقای کامل سلیمان، کتابی تحت عنوان یوم الخلاص نوشته که به فارسی نیز به نام روزگار‌هایی ترجمه شده که کار بسیار خوبی است؛ ولی متأسفانه مؤلف به خود اجازه داده که اسناد و منابع و مآخذ را حذف کند و در مواردی تقطیع کرده که این کار، از ارزش علمی کتاب و مستند بودن آن، می‌کاهد.

اخیراً، کتابی تحت عنوان معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام توسط مؤسسه اسلامیة چاپ شده است که در نوع خود، کار تحقیقی بسیار جالبی است. این کتاب احادیثی که در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام در منابع شیعه و سنی نقل شده را از چهارصد و هشت منبع جمع آوری کرده است.<sup>۱</sup>

البته کتاب فوق در پی جمع آوری کلیه روایات مربوط به حضرت است و چنین نیست که به طور تسلسل منطقی به موضوع پرداخته باشد؛ بنابراین با آن که در جمع آوری و دسته بندی مطالب مجموعه حاضر از کتاب فوق نهایت بهره برداری شده است، لکن این کوشش در حد خود تحقیقی تازه و نو محسوب می شود.

اخیراً کتابی به نام در جستجوی قائم به چاپ رسیده که به معرفی یک هزار و هشتصد و پنجاه اثر - اعم از کتاب و مقاله - در مورد حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است؛ کتاب های فوق، شامل کتبی است که تا کنون از طریق شیعه و سنی به زبان فارسی و عربی - به نظم و نشر - نگاشته شده و بحث در مورد حضرت مهدی علیه السلام همه یا بخشی از کتب مذکور را به خود اختصاص داده است. ولی بهتر از آن، کاری است که مؤلف کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام انجام داده که در دو جلد، تدوین شده و به معرفی بیش از دو هزار اثر مستقل، پیرامون حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است.

آنچه گفته شد، مربوط بود به سابقه موضوع، از نظر کتاب هایی که در این

۱. برای اطلاع بیشتر، به جلد دوم معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، صفحات ۴۶۰-۴۷۹ مراجعه کنید.

زمینه تدوین شده، اما سابقه موضوع ظهور و پیروزی مصلح کل، در بین اقوام و ملل و ادیان مختلف، مسأله مهمی است که در این فصل، به آن می پردازیم.

### اعتقاد به نجات بخش بزرگ، در بین ملل و نحل

ظهور یک نجات بخش بزرگ، داشتن رهبری پاک، حاکمیت قانون، تشکیل حکومت جهانی واحد، برقراری عدالت، مرهم گذاری بر زخم های جان کاه بشریت، نابودی ظلم، اصلاح جامعه بشری - همه و همه - مطالبی است که از دوران کهن تا کنون، آرزوی فلاسفه، مصلحان، انقلابیون و همه اقوام و ملل دینی و غیر دینی بوده است.

این اعتقاد و آرزو حتی منحصر به مذاهب شرقی و اسلامی نیست، بلکه اسناد و مدارک، نشان می دهد که این یک اعتقاد عمومی و قدیمی در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است؛ اگرچه در دین اسلام تأکید بیشتری روی آن شده است؛ همه اقوام - هر کدام - او را به نام خاصی می شناسند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول اعتقادی برنامه های انقلابی او اتفاق نظر دارند. این موعود در بین مسلمین، مهدی، قائم، منتظر، صاحب الزمان و بقیة الله خوانده شده است و در زبان های دیگر به گرزاسیه، وشینو، مهمید، ارتور و نام های دیگری موسوم است. در کتاب النجم الثاقب بیش از یکصد وهشتاد اسم و لقب برای آن حضرت ذکر شده است. در کتب اقوام و ادیان دیگر - مثل کتاب های دید، باسک، پاتیکل، دداتک، صفنیه نبی، اشعیاء نبی، زند، جاماسب، شاکمونی، وشن جوک، حگی نبی، مکاشفات، یوحنای لاهوتی، دانیال، انجیل متی، انجیل لوقا و انجیل مرقس - بشارت به آمدن منجی و عدالت گستر و مصلح آمده است که از آن عبارات و مضامین، اصالت اعتقاد به

«مهدویت» تأیید می‌شود و این موضوع به عنوان یک اصل عام مورد قبول همه ملل و اقوام و انبیا و ادیان، معرفی می‌شود؛ برای شناخت کتاب‌های فوق و بشارات آنها - به طور تفصیل - به کتاب‌هایی که در این زمینه تألیف شده است، مراجعه شود.<sup>۱</sup>

مؤید این مطالب، آیه یکصد و پنجم سوره مبارکه انبیاء است که خداوند فرموده:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ «تحقیقاً ما در زبور - بعد از ذکر - نوشتیم که البته بنندگان صالح من، وارث زمین می‌گردند».

﴿الْأَرْضُ﴾ می‌رساند که مراد، همه زمین است.

مراد از زبور که در آن، این بشارت نوشته شده، کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت داود علیه السلام است.

مراد از ذکر - به قول مفسرین قرآن - کتاب تورات است؛ ممکن است «ال» در «الذکر» برای جنس باشد نه عهد؛ که در آن صورت، مطلق کتاب‌های آسمانی پیش از زبور را شامل می‌شود. در هر صورت، در این دو کتاب عهد قدیم (تورات و زبور) این وعده مطرح شده است.

﴿مَعْرِفَةٌ﴾



## انتظار ظهور، در کتاب‌های ملل و مذاهب

### ۱- در کتاب‌های زرتشتیان<sup>۱</sup>

الف: در کتاب معروف زند - کتاب مذهبی زرتشتیان - پس از ذکر مبارزه همیشگی یزدان و اهریمنان، می‌خوانیم:

«... آنگاه پیروزی بزرگ، از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند. پس از پیروزی ایزدان و براندازی تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک‌بختی خواهند نشست»<sup>۲</sup>

ب: جاماسب<sup>۳</sup> در کتاب جاماسب نامه از زرتشت نقل می‌کند که می‌گوید:

«مردی بیرون می‌آید از بین تازیان؛ مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ سان، به آیین جد خویش و با سپاه بزرگ؛ روی به ایران می‌نهد و آبادانی می‌کند و زمین را پر داد کند»<sup>۴</sup>.

### ۲- در کتاب هندویان و برهمنیان

الف: در کتاب وشن جوک از کتب هندوها آمده است:

«سرانجام نیکو، به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص

۱. زرتشت یا زردشت؛ زردهشت؛ پیغمبر ایرانی که در حدود قرن هفتم قبل از میلاد، ظهور کرد... برخی از محققین معتقدند که دوران زندگی او در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد؛ یعنی دوره فرمانروایی مادها و پیش از اقتدار هخامنشیان بوده؛ آیین زرتشتی در اواخر دوره هخامنشیان در پارس شیوع پیدا کرد و در زمان ساسانیان، مذهب رسمی ایران بود و کتاب مذهبی او «اوستا» است؛ فرهنگ عمید، ص ۱۱۳۰.

۲. ر.ک: بشارات عهدین، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۳. جاماسب (به سکون سین): نام مردی دانا و خردمند که گفته‌اند داماد زرتشت و وزیر گشتاسب

بوده است؛ فرهنگ عمید، ص ۱۱۱۵. ۴. بشارات عهدین، ص ۱۴۳-۲۴۴.

او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد».

ب: در کتاب دید که در نزد هندویان از کتب آسمانی است، آمده است:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلاق

باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود آورد».<sup>۱</sup>

ج: در کتاب دداتک از کتب مقدسه برهمنیان آمده است:

«... دست حق درآید و جانشین آخر ممتا ظهور کند و مشرق و مغرب

عالم را بگیرد؛ همه جا، و همه خلاق را هدایت کند».

د: در کتاب باسک از کتب هندوها آمده است:

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر زمان، که پیشوای فرشتگان و

پریان و آدمیان باشد و به راستی حق با او باشد و آنچه در دریاها و زمین‌ها

و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و آنچه از آسمان و زمین باشد،

خبر می‌دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید».<sup>۲</sup>

### ۳- در میان چینیان و مصریان

در کتاب علائم ظهور آمده است:

«در همه قرون و اعصار، آرزوی (پیدایش) یک مصلح بزرگ جهانی، در

دل‌های خداپرستان وجود داشته و این آرزو نه تنها در میان پیروان

مذاهب بزرگ، مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمانان، سابقه دارد

بلکه آثار آن را در کتاب‌های قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین

اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی

۱. رک: بشارات عهدین، ص ۲۴۵ - ۲۴۶. ۲. همان، ص ۲۴۶.

مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت»<sup>۱</sup>.

#### ۴- در میان اقوام مغول، سرخ پوستان، بابلیان و...

«گلدزیهر» - خاورشناس نامی (۱۹۲۱ - ۱۸۵۰) که وی را بنیان‌گذار علم اسلام‌شناسی در اروپا می‌دانند - در پاییز سال ۱۹۰۸ توسط یک کمیته آمریکایی برای سخنرانی‌هایی در رابطه با تاریخ ادیان دعوت می‌شود تا درباره اسلام، در آمریکا سخنرانی کند؛ متن آن سخنرانی‌ها در سال ۱۹۱۰ منتشر شده است. گلدزیهر - در سخنرانی‌های اسلامی خود - مسأله مهدویت را مورد بررسی قرار داده، در مورد جنبه عمومی و جهانی انتظار اقوام مختلف، برای ظهور یک منجی بزرگ به هنگام فشار و مصیبت، می‌گوید:

«اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود، اختصاصی به اسلام ندارد... پندارهای مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگر نیز، به فراوانی یافت؛ بنا بر اعتقاد هندوایسم، ویشنو - در حالی که بر آسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش به دست دارد - در پایان دوره کنونی جهان، به عنوان کال کی ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران غاصب‌رهایی خواهد بخشید...

در میان اقوام مغول، تا امروز (۱۹۱۰)، این عقیده شایع است که چنگیزخان - پس از مرگ خود - وعده کرده است که در هشت یا نه قرن دیگر از نو، باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ چینیان،

۱. علامت ظهور، ص ۴۷؛ لازم به یادآوری است که کتاب «زند و هومن سن» و چند کتاب زرتشتی دیگر که راجع به موعود آخر زمان، توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی برگردانده شده، به وسیله قائمیان - دوست هدایت - به نام علامت ظهور، منتشر شده است.

نجات خواهد داد...

در شرایط مشابه، در میان اقوام شرقی و غربی - حتی در میان سرخ پوستان آمریکا - پندارهای مشابهی درباره بازگشت یا ظهور منجی موعود، پدید آمده است...

همچنین کوشش شده است که منابع قدیمی تری برای اعتقاد به بازگشت و قیام منجی بزرگ بیابند؛ چنان که پینجز، بر اساس متن‌های میخی بابلی، نتیجه گرفته است که بابلیان باستان نیز در انتظار بازگشت مجدد شهریار خویش - سارگون دوم - بوده‌اند، تا شکوه گذشته را تجدید کنند و عظمت از دست رفته را از نو، باز مستقر سازند.<sup>۱</sup>

## ۵- در میان یهودیان؛ در تورات و ملحقات آن

الف: در تورات - در پاراش لخلخا، فصل ۱۷ از آیه ۲۰ از سفر تکوین از قول خداوند به ابراهیم خلیل - آمده است:

«وَلْ يَسْمَاعِيلَ شَمْعَائِيلًا بِيْرَحْتِي أُوتُو هُفُوَيْتِي أُوتُو بِمِأْدَمِيَّادُ سِنْسِيمِ  
عَاشَارُ نَسِيئِمِ يُولِيدُ وَ ان تَبِيئُو لَعُوِي كَأَدْلُ»<sup>۲</sup>؛ «در خصوص اسماعیل به تو شنوادم و اجابت کردم و او را برکت دادم و نسلش را - مثل خاک - زیاد کردم به وسیله محمد و دوازده امام، و امّی عظیم از وی به وجود خواهم آورد».

مؤلف انیس الأعلام - علاوه بر این متن عبری - متن این کلمات را از سریانی عتیق و سریانی جدید و ترجمه عربی آن را از ترجمه منتشر شده

۱. دیباچه‌ای بر رهبری، ص ۱۰۶-۱۰۸. ۲. رک: انیس الأعلام، ج ۷، ص ۳۸۳-۳۸۵.

سال ۱۸۷۰ در بیروت و ترجمه فارسی آن را از ترجمه منتشر شده سال ۱۸۹۵ در لندن آورده است و سخن را ادامه می دهد تا می گوید: چون معنی الفاظ را دانستی، اکنون می گوئیم که خداوند جلیل، پس از این که هفده بشارت به حضرت خلیل علیه السلام داد - چنان که در پاراش مذکور، مسطور است - حضرت ابراهیم، بعد از استماع بشارت مذکور، به سجده در افتاد و تمنا کرد: کاش اسماعیل در حضور تو زیست کند! پس خداوند عالم فرمود: دعای تو را در حق اسماعیل به اجابت رساندم؛ او را برکت داده و فرزندان او را زیاد خواهم کرد؛ قبیله بزرگ - که عبارت از قبیله عرب است - از نسل او خواهد بود و او را بزرگ خواهم گرداند؛ به سبب این که محمد صلی الله علیه و آله و دوازده امام، که اوصیای محمد صلی الله علیه و آله هستند را از نسل او پدید خواهم آورد.

کلمه عبری «شَمَعْتِيخَا» به معنی «أَسْمَعْتُكَ» در عربی است؛ یعنی شنواتیدم و اجابت کردم، «مِأْدُمِأْدُ»؛ یعنی محمد و از نظر عدد - در اعداد یهود - مثل هم و معادل عدد ۹۲ هستند، «سِنِيمُ عَاشَار» به معنی «اثنی عشر»؛ یعنی دوازده امام می باشد.

ب: در زبور حضرت داود علیه السلام:

در ترجمه فارسی زبور ۳۷، از مزامیر داود - که چهل آیه است و در آخر تورات آمده - چنین مطالبی به چشم می خورد:

«۹- زیرا که شیران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.

۱۰- و حال، اندک است که شیر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی تا پیدا خواهد بود.

- ۱۱- اما متواضعان، وارث زمین شده، از کثرت سلامتی لذت می برند.
- ۱۷- چون بازوهای شیران، شکسته می شود و خداوند، صدیقان را تکیه گاه است.
- ۱۸- خداوند، روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان، ابدی خواهد شد.
- ۱۹- زیرا متبرکان، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی (خداوند) منقطع خواهند شد.
- ۲۳- خداوند، عدالت را دوست می دارد و مقدّسان خود را و انمی گذارد؛ ابداً محفوظ می شوند؛ در حالی که ذرّیه شیران منقطع است.
- ۲۹- صالحان، وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند بود.
- ۳۰- برهان صدیق به حکمت، متکلم خواهد بود و زیانش به حکم گویاست.
- ۳۱- شریعت خدا در قلبش بوده؛ قدم هایش نخواهد لغزید.
- این بشارت - کاملاً - مطابق آیه قرآن است، آن جا که می فرماید:
- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ «و ما بعد از تورات، در زبور داود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من، زمین را وارث و متصرف خواهند شد».
- و مراد از صدیق - که در بشارت ۳۰ آمده و صفات او بیان شده بود - حضرت مهدی علیه السلام است.
- ج: در کتاب حقوق نبی، فصل ۷، آمده است:

«و اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خویش جمع می‌کند».

د: در کتاب اشعیاى نبی، فصل ۱۱، آمده است:

«و نهالی از تنه یسی<sup>۱</sup> (پدر داود) برآمده<sup>۲</sup>؛ شاخه‌ای از شاخه‌هایش قد خواهد کشید... برای ذلیلان به عدالت حکم می‌کند و برای مسکینان زمین - به راستی - مایه بیداری خواهد بود... کمر بند کمرش عدالت است و وفا نطق میانش؛ (دنیا به صورتی درمی‌آید) که گرگ و بزّه در کنار هم سکونت کنند و... و در تمامی کوه مقدّس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد بود؛ زیرا که زمین، از دانش خداوند، مثل آب‌هایی که دریا را فرامی‌گیرد، پُر خواهد شد».

## ۶- در میان مسیحیان

الف: در انجیل مرقس، باب ۱۳، آیه ۳۳:

«پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید؛ زیرا که نمی‌دانید آن وقت، کسی می‌شود».

آیه ۳۵: «بیدار باشید؛ زیرا که نمی‌دانید که صاحب خانه<sup>۳</sup> کی می‌آید؛ در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح».

آیه ۳۶: «مبادا ناگهان آمده و شما را خفته یابد».

۱. یسی به معنای قوی؛ نام پدر داود علیه السلام می‌باشد.

۲. منظور این است که آن منجی موعود از نسل انبیاء خواهد بود.

۳. لقب «صاحب خانه» که در انجیل مسیح علیه السلام به حضرت مهدی اطلاق شده، در روایات اسلامی هم برای آن حضرت تحت عنوان «صاحب الدار» به کار رفته است.



ب: در انجیل لوقا، باب ۱۲، آیه ۳۵:

«کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید!».

آیه ۳۶: «شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می‌کشید؛ تا هر

وقت بیاید و در را بکوبد - بی درنگ - برای او باز کنید!».

ج: در انجیل متا، باب ۲۴، آیه ۲۷:

«چون برقی که از مشرق بیرون می‌آید تا مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن

فرزند انسان<sup>۱</sup> نیز، چنین خواهد بود».

آیه ۳۰: «خواهید دید فرزندان انسان را، بر ابرهای آسمان که می‌آید با

قدرت و جلال عظیم».

آیه ۳۱: «و فرشته‌های خود (یاران) را خواهد فرستاد - با صور بلند آواز

- و آنها برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه؛ از اقصای

فلک تا به طرف دیگر».

آیه ۴۴: «شما هم برای آمدن ناگهانی من آماده باشید تا غافل‌گیر

نشوید!».



۱. مراد از فرزندان انسان، حضرت مهدی علیه السلام است؛ نه حضرت مسیح؛ چون بشارت‌دهنده، خود

مسیح علیه السلام است و خیر می‌دهد که در آینده این‌طور خواهد شد.

## انتظار فرج در منابع اسلامی

## الف: قرآن

بعضی از افراد که اطلاعی در این زمینه ندارند، خیال می‌کنند که سابقه اعتقاد به مهدویت، از نیمه قرن سوم - که دوران ولادت حضرت مهدی علیه السلام است - پیدا شده ولی حقیقت این است که سابقه این موضوع - در اسلام - از قرآن شروع می‌شود که مطالب را به صورت یک نوید کلی، مطرح کرده است؛ یعنی خبر از نتیجه‌ای که بر وجود مقدس آن حضرت، مترتب می‌شود و آن یک حکومت عدل جهانی است، داده است. ما از مجموع ۱۰۶ آیه‌ای که به عنوان تفسیر یا تنزیل یا تطبیق یا تشبیه، درباره حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است،<sup>۱</sup> تنها به ذکر سه آیه اکتفا می‌نماییم:

۱- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۲</sup>؛ یعنی «ما در کتاب زبور - پس از تورات - نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته من، در اختیار خواهند گرفت».

## لغات آیه:

«الأرض»: سخن از منطقه و محل و شهر و کشور نیست؛ سخن از همه کره زمین است و این حکومت صالحان، سراسر زمین را می‌گیرد.  
«ارث»: چیزی که بدون معامله و داد و ستد به دست کسی افتد، ولی در بعضی موارد در قرآن از ارث به عنوان تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر ناصالح و در اختیار گرفتن امکانات آنان، استفاده شده است.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱. رک: امام مهدی در قرآن.

«زبور»: در اصل، به معنای هرگونه کتاب و نوشته است، ولی معمولاً به کتاب داود علیه السلام که در عهد عتیق، از آن به مزامیر تعبیر شده است، اطلاق گردیده و آن مجموعه‌ای از مناجات‌ها و نیایش‌ها و آندرزهای داود پیامبر است که یکصد و پنجاه باب دارد.<sup>۱</sup>

«ذکر»: در اصل، به معنی هر چیزی است که مایه تذکر باشد و در آیه فوق، به کتاب آسمانی موسی علیه السلام (تورات) اطلاق شده؛ به قرینه این که قبل از زبور، معرفی شده است.

«صالح»: به معنی شایسته و صلاحیت‌دار است و هنگامی که به‌طور مطلق گفته شود، صلاحیت و شایستگی نسبت به تمام چیزها را شامل می‌شود؛ شایستگی علمی، اخلاقی، دینی، مدیریتی و...

در روایاتی که در تفسیر آیه فوق آمده، مراد از «عباد صالح» را، یاران حضرت مهدی علیه السلام دانسته است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هم أصحاب المهدی علیه السلام فی آخر الزمان؛ یعنی آنان اصحاب مهدی در آخر الزمان هستند».<sup>۲</sup>

قندوزی به سند خود، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام در تفسیر آیه «ویرثها عبادي الصالحون» فرمودند:

۱. به مجموع کتاب‌های مذهبی یهودی‌ها و مسیحی‌ها، عهدین یا کتاب مقدس می‌گویند، که دارای دو بخش است: بخش بزرگ آن، عهد عتیق و بخش کوچک‌تر آن، عهد جدید است؛ قسم اول عهد عتیق که ۵ بخش است، تورات می‌باشد و قسم دوم عهد عتیق، ملحقات تورات است که برای انبیای مروج مذهب موسی می‌باشد؛ مثل حضرت دانیال و حضرت داود و در مجموع، عهد عتیق، شامل ۳۹ قسمت است و عهد جدید، شامل ۲۷ قسمت؛ که مجموعاً ۶۶ قسمت می‌شود.

۲. رک: مجمع البیان، ذیل تفسیر آیه مذکور.

«بندگان صالح خدا، قائم و اصحاب او هستند».<sup>۱</sup>

جالب این است که در مزامیر حضرت داود، عین این موضوع آمده است؛ چنان که گذشت.

۲- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۲</sup>؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند».

در هر وعده، سه رکن وجود دارد:

۱- وعده دهنده، که در این جا خداست؛ ۲- وعده گیرنده، که مؤمنان صالح هستند؛ ۳- مواد وعده، که در این آیه، سه مورد است:

۱- استخلاف فی الارض؛ حکومت روی زمین، به عنوان خلیفه الله؛ یعنی حکومت حق و عدالت.

۲- تمکین دین؛ نفوذ معنوی حکومت و قوانین الهی بر تمام عرصه زندگی.

۳- تبدیل خوف به امنیت؛ برطرف شدن تمام عوامل ناامنی و ترس، و

۲. سوره نورا، آیه ۵۵.

۱. امام مهدی در قرآن، ص ۹۸.

برقراری امنیت و آرامش، در همه روی زمین.

البته در اواخر عمر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله قسمتی از مفهوم آیه، جامه عمل به خود پوشید، اما تمامی مفهوم آیه و استخلاف در سراسر زمین، هنوز واقع نشده و جهان در انتظار آن است.

آیه شریفه بشارت می دهد که سرانجام، حکومت جهانی از آن شایستگان خواهد بود و زندگی اینان برای همیشه، بازیچه خود خواهان نخواهد بود. در روایات نیز آیه فوق به قیام حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده؛ چنان که از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود:

«این گروه، همان پیروان ما هستند که خداوند، به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می بخشد و او مهدی این امت است». همین مضمون، از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.<sup>۱</sup>

۳- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾<sup>۲</sup>؛ «خداوند، کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان، پیروز گرداند».

این آیه که در سه سوره تکرار شده است، از چند جهت قابل بحث است:

۱- ضمیر «لِيُظْهِرَهُ» آیا به «دین الحق» بر می گردد یا به پیامبر صلی الله علیه و آله؟ در صورتی که به پیامبر برگردد، یعنی پیروزی پیامبر بر همه ادیان و در صورتی که به «دین الحق» برگردد، یعنی پیروزی آیین اسلام، بر همه ادیان. طبق قوانین ادبی، چون «دین الحق» نزدیک تر به ضمیر است، رجوع

۱. رک: مجمع البیان، ذیل همین آیه.

۲. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۲۹؛ سوره فتح، آیه ۲۸.

ضمیر، به آن بهتر است؛ هرچند که در نتیجه، تفاوت چندانی نیست.

۲- مراد از ظهور، غلبه و پیروزی است؛ نه بروز و آشکار شدن؛ به دو دلیل:

الف: در کتاب لغت قاموس چنین آمده است: «ظَهَرَ بِهِ وَ عَلِيَهُ = عَلِيَهُ».

ب: در قرآن، در آیات متعددی، کلمه ظهور به معنی پیروزی آمده است:

در آیه هشتم سوره توبه می فرماید:

﴿كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا ذِمَّةً﴾؛ «چگونه

(پیمان مشرکان ارزش دارد؟) در حالی که اگر بر شما پیروز شوند،

خویشاوندی و پیمانی را رعایت نخواهند کرد».

در آیه بیستم سوره کهف می فرماید:

﴿إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ﴾؛ «اگر آنها بر شما (اصحاب کهف)

پیروز شوند، سنگ باران تن می کنند».

مراد از پیروزی، غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تمامی روی زمین

است که شامل پیروزی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی می شود؛ به سه

دلیل:

۱- در مواردی که «ظهور» استعمال شده، مراد پیروزی خارجی است نه

فکری.

۲- کلمه «كُلَّهُ» تأکید دارد که پیروزی، جنبه منطقه‌ای ندارد؛ بلکه شامل

همه ادیان و مذاهب جهان می شود که جز از طریق فراگیری اسلام در سطح

جهان، ممکن نیست.

۳- روایاتی که در تفسیر آیه فوق، به ما رسیده است.

## تفسیر آیه «لیظهره علی الدین کله» به واسطه روایات

الف: عیاشی به اسناد خود از عمران بن میثم از عبایه نقل می‌کند که:

«امیرالمؤمنین علی علیه السلام هنگامی که آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ...» را تلاوت فرمود، از یاران خود پرسید: أَظْهَرَ ذَلِكَ؟ آیا این پیروزی حاصل شد؟ عرض کردند: بلی.

حضرت فرمود: کلاً نه، سوگند به کسی که جانم به دست اوست، این پیروزی آشکار نمی‌شود مگر آن‌که هیچ منطقه آبادی روی زمین باقی نماند، مگر آن‌که - صبح و شام - بانگ لا اله الا الله از آن به گوش رسد.<sup>۱</sup>  
ب: در حدیث دیگری، قندوزی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در مورد آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ» فرمود:

«به خدا سوگند، تاویل آن محقق نمی‌شود، تا مهدی قائم علیه السلام ظهور کند؛ هنگامی که ظهور کرد، هیچ مشرکی نیست، مگر از ظهور وی کراهت دارد و هیچ کافری نیست، مگر آن‌که کشته می‌شود. حتی اگر کافری در دل صخره‌ای قرار گرفته باشد، صخره می‌گوید: ای مؤمن! در دل من، کافری هست؛ مرا بکش و او را بکش!»<sup>۲</sup>

ج: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«این پیروزی، به هنگام قیام مهدی از آل محمد علیهم السلام خواهد بود؛ چنان‌که هیچ‌کس در جهان باقی نمی‌ماند، مگر این‌که اقرار به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهد کرد»<sup>۳</sup>.

۱. مجمع البیان؛ ذیل آیه ۹ سوره صف. ۲. رک: ینابیع المودة، ص ۵۰۸.

۳. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱.



از مجموعه مباحث مطرح شده، نتیجه گرفتیم که این آیه و آیات متعدّد دیگر، بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و درخشندگی آینده عالم، دلالت دارد که بر حسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث، به تحوّل بی سابقه و انقلابی که به رهبری حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهد گرفت، تفسیر شده است. تعداد زیادی از این احادیث، در کتاب‌های اهل سنت - همچون شواهد التنزیل حاکم حسکانی که در آن، دوپست و ده آیه از آیاتی که در شأن اهل بیت عصمت علیهم السلام نازل شده را جمع آوری کرده و متجاوز از هزار و صد و شصت روایت، در رابطه با این موضوع بیان نموده است - به چشم می خورد.

سید هاشم بحرانی - از محدّثین نامدار شیعه - در جمع آوری آیاتی که مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است، کتابی تألیف کرده به نام المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة؛ وی در این کتاب، متجاوز از یکصد آیه با احادیثی که در تفسیر هر یک وارد شده را ذکر نموده است.

### ب: روایات

انتظار ظهور مصلح جهانی، در روایات، به حدّی زیاد است که کمتر موضوعی را نظیر آن، سراغ داریم. مهدویت، موضوعی است که علما و محدّثین بزرگ - از شیعه و سنی - پیرامون آن همراه با جمع احادیث مربوط به آن، صدها کتاب نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

شهید سید محمد باقر صدر، مجموع اخبار رسیده از شیعه و سنی را در

۱. برای اطلاع بیشتر از نام کتاب‌های اهل سنت و مؤلفان آن، که احادیث مهدی علیه السلام را روایت کرده‌اند، به این کتاب‌ها رجوع کنید: النجم الثاقب؛ منتخب الاثر؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۳۶۰ - ۳۹۷.

مورد حضرت مهدی علیه السلام بیش از شش هزار روایت شمرده‌اند و این آمار بزرگی است که کمتر مسأله‌ای نظیر آن، در قضایای اسلامی می‌یابیم؛ به طوری که اصلاً وقوع آن، قابل شک و تردید نیست.<sup>۱</sup>

در باب احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام شمار راویان از صحابه و تابعین و اهل سنت، کمتر از راویان شیعه نیست. شاید کهن‌ترین کتابی که از اهل سنت، درباره حضرت مهدی علیه السلام به دست ما رسیده است، کتاب الفتن از حافظ نعیم بن حماد مروزی (متوفای ۲۲۷ هـ ق) باشد که مؤلف آن، از اساتید بخاری و دیگران بوده است و از علمای بزرگ اهل سنت به شمار می‌رود و یکی از منابع ما در کتاب حاضر - که از آن روایت نقل کرده‌ایم - همین کتاب است. استاد علی محمد دخیل در کتاب خود - الامام المهدی - اسامی ۲۰۵ نفر از علمای سنی را آورده است که تعداد ۳۰ نفر از آنها، مستقلاً درباره حضرت مهدی علیه السلام کتاب نوشته‌اند و ۳۱ نفر، فصلی از کتاب خود را به آن بزرگوار اختصاص داده‌اند؛ تعداد ۱۴۴ نفر هم به تناسب‌های مختلف، روایت‌هایی در مورد حضرت مهدی علیه السلام را در کتاب خود آورده‌اند.<sup>۲</sup>

در صفحات ۳۲۲-۳۴۱ کتاب منتخب الاثر، نام ۶۵ نفر از علمای سنی که با شیعه توافق رأی دارند به همراه کتاب‌هایشان ذکر شده است.

عقیده به مصلحی جهانی - به نام مهدی علیه السلام - در بین شیعه، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اگرچه اهل سنت آن را به عنوان یک مسأله فرعی مسلم پذیرفته‌اند، ولی شیعه آن را جزء اصلی دین می‌داند؛ به همین دلیل، دانشمندان شیعه

۱. هفت سؤال پیرامون حضرت مهدی؛ ترجمه بحث حول المهدی علیه السلام، ص ۲۳-۲۴.

۲. رک: او خواهد آمد، تشریح دارالتبلیغ اسلامی، ص ۹۵.

بیشتر از دانشمندان اهل سنت، در این زمینه به تألیف کتاب و جمع‌آوری احادیث پرداخته‌اند.

قدیمی‌ترین اثر شیعی درباره عقیده به مهدی علیه السلام که به دست ما رسیده، کتاب غیبت یا کتاب قائم، از فضل بن شاذان نیشابوری است که کتاب خود را قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف نموده است.

نسخه‌های این کتاب، در قرون گذشته در دسترس علمای ما بود، ولی متأسفانه در این قرن، از آن خبری نیست؛ تنها مقداری از این اثر در ضمن تألیفات و کتاب‌های دانشمندانی که از آن کتاب استفاده کرده‌اند، بر جای مانده است؛ به‌ویژه علامه مجلسی، روایاتی از آن کتاب را در بحارالانوار آورده است.

برای اطلاع از کتاب‌های قدیمی شیعه در این زمینه، تنها نام بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم: الغیبة شیخ طوسی، الغیبة نعمانی، کافی شیخ کلینی، کمال‌الدین شیخ صدوق و ارشاد شیخ مفید علیه السلام در ضمن، احادیث امام مهدی علیه السلام در جلد ۵۱ تا ۵۳ بحارالانوار علامه مجلسی آمده است.

در این زمینه از محققان معاصر نیز مجموعه‌های ارزشمندی به زینت طبع آراسته گردیده که به مواردی اشاره می‌شود:

کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام که تاکنون پنج جلد آن چاپ شده است؛ در این مجموعه بیش از ۱۶۰۰ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که احتمالاً جلد دیگری نیز به آن افزوده خواهد شد.

کتاب منتخب الأثر: در این کتاب، قسمتی از روایات شیعه و سنی که درباره

مهدی موعود رسیده است، شماره شده که مانیز بخشی از آن را ذکر می‌کنیم؛  
مجموع احادیث مذکور ۲۹۵۱ روایت می‌باشد؛

۱- روایاتی که می‌گویند: «مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است»، ۳۸۹ حدیث.

۲- روایاتی که می‌گویند: «ائمّه، دوازده تن هستند؛ اول آنها علی علیه السلام و آخر آنها مهدی علیه السلام است»، ۹۱ حدیث.

۳- روایاتی که می‌گویند: «مهدی علیه السلام از دودمان علی علیه السلام است»، ۲۱۴ حدیث.

۴- روایاتی که «او را از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام می‌داند»، ۱۹۲ حدیث.

۵- روایاتی که «او را نهمین فرزند امام حسین علیه السلام می‌داند»، ۱۴۸ حدیث.

۶- روایاتی که «او را از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام می‌داند»، ۱۸۵ حدیث.

۷- روایاتی که «او را پسر امام حسن عسکری علیه السلام دانسته است»، ۱۴۶ حدیث.

۸- روایاتی که «او را امام دوازدهم و آخرین امام می‌داند»، ۱۳۶ حدیث.

۹- روایاتی که «درباره ولادت آن حضرت» رسیده است، ۲۱۴ حدیث.

۱۰- روایاتی که «درباره عمر طولانی او» رسیده است، ۳۱۸ حدیث.

۱۱- روایاتی که می‌گویند: «او دارای غیبت طولانی است»، ۹۱ حدیث.

۱۲- روایاتی که «مبشر ظهور آن عزیز» است، ۶۵۷ حدیث.

۱۳- روایاتی که می‌گویند: «شخص امام مهدی علیه السلام جهان را پر از عدل و داد می‌کند»، ۱۲۳ حدیث.

۱۴- روایاتی که می‌گویند: «دین اسلام به وسیله او جهان گیر می‌شود»، ۴۷ حدیث.

ج: اتفاق علمای شیعه و سنی در اعتقاد به مهدی علیه السلام

همه فرق اسلامی از شیعه و سنی - بدون استثناء - در انتظار قیام یک مصلح بزرگ، از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام مهدی علیه السلام به سر می‌برند و این اعتقاد چنان که از مصادر معتبر تاریخ و حدیث برمی آید، در تمام دوران، یک عقیده عمومی امت اسلام بوده است و همه بر آن اعتقاد داشته‌اند و در این راستا مدعیان دروغین را به لحاظ این که واجد صفات و نشانی‌های مهدی موعود نیستند، رد می‌کنند.

حتی این اتفاق نظر به حدی است که تندروترین گروه‌های اهل سنت (وهابیان) نیز این موضوع را پذیرفته‌اند و نه تنها پذیرفته‌اند که به‌طور جدی از آن دفاع می‌کنند و از عقاید مسلم اسلامی می‌دانند.

عبدالرحمن بن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ هـ.ق) که گروهی از خاورشناسان او را پدر فلسفه تاریخ، و پاره‌ای دیگر او را پدر جامعه‌شناسی خوانده‌اند و مقدمه مشهور او را یکی از شاهکارهای اندیشه بشری تلقی کرده‌اند، در قرن هشتم هجری - برابر با چهاردهم میلادی - فصلی بالغ بر چهل صفحه را به بحث درباره مهدویت و انتظار مردم درباره منجی موعود، اختصاص داده است و چنین می‌گوید که اعتقاد به مهدی علیه السلام در تمام اعصار و قرون بوده است؛ کلام ابن خلدون چنین است:

«بدان که بین همه مسلمانان، مشهور است که باگذشت روزگار، ناگزیر در آخر زمان، مردی از اهل بیت پیامبر، ظهور می‌کند که دین را یاری و عدالت را آشکار می‌سازد و مسلمانان از او پیروی می‌کنند؛ وی بر ممالک اسلامی استیلاء می‌یابد و مهدی نامیده می‌شود».<sup>۱</sup>

۱. ر.ک. مقدمه ابن خلدون، ص ۳۱۱.

اتفاق مسلمین بر اصل ظهور مهدی علیه السلام و برخی از صفات و خصوصیات آن حضرت، همیشه مقبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت هم آن را مورد تصریح و تأکید قرار داده‌اند<sup>۱</sup> و چنان که قبلاً نقل کردیم، استاد علی محمد دخیل در کتاب خود، اسامی ۲۰۵ نفر از علمای اهل سنت را که احادیث امام مهدی علیه السلام را آورده‌اند، نقل کرده است.

دانشمند بزرگ و معاصر اهل سنت، شیخ منصور علی ناصف، نویسنده کتاب التاج الجامع للأصول، می‌نویسد:

«در میان همه دانشمندان امروز و گذشته، مشهور است که سرانجام، مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد و مسلمانان از او پیروی می‌کنند و... احادیث مهدی را بسیاری از بزرگان صحابه و محدثین، نقل کرده‌اند».

سپس بحث مشروحی درباره تواتر احادیث مربوط به مهدی علیه السلام طرح کرده و می‌گوید:

«هذا يكفي لمن كان عنده ذرة من الإيمان و قليل من الإنصاف؛ یعنی آنچه گفته شد، برای کسانی که یک ذره ایمان و یک جو انصاف دارند، کافی به نظر می‌رسد».<sup>۲</sup>



۱. رک: نوید امن و امان و منتخب الأثر. در منتخب الأثر ص ۳۲۲ - ۳۲۱ نام ۶۵ نفر از علمای سنی و کتاب‌هایشان را که با شیعه توافق رأی دارند، ذکر کرده است و در احقاق الحق قاضی سید نورالله تستری، ج ۱۳، ص ۸۸ - ۹۷ نیز توافق علمای سنی با شیعه موجود است.

۲. رک: التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۱۰ - ۳۲۷؛ این کتاب اخیراً تألیف شده است و جمعی از علمای بزرگ دانشگاه الازهر مصر بر آن تقریظ‌های مهمی نگاشته‌اند؛ در مقدمه کتاب ذکر شده که به منظور جمع‌آوری مجموعه قابل اطمینانی از اصول پنجگانه حدیث - که بهترین کتب اهل تسنن است - تألیف گردیده است.

## حضرت مهدی علیه السلام در میان اهل سنت

از مباحث گذشته، روشن شد که مسأله انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در بین اهل تسنن و تشیع، امری اجماعی و مورد اتفاق است؛ اکنون برای نمونه، کلماتی از علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت و قبل از همه، نظریه فرقه افراطی وهابی که پیرو مذهب حنبلی هستند را نقل می‌کنیم.

### ۱- نظریه وهابیان

شخصی به نام ابومحمد از کنیا، درباره ظهور مهدی منتظر، از مرکز دینی رابطه العالم الاسلامی - که از بانفوذترین مراکز مذهبی حجاز و مکه است - سؤال کرده است؛ دبیر کل رابطه - مجهر صالح القزاز - در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن تصریح به این که ابن تیمیّه - مؤسس فرقه وهابیت - نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز، در این زمینه تهیه کرده‌اند، برای او ارسال داشته است؛ در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او - یعنی مکه - چنین می‌خوانیم:

«... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی)، جهان را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

او از آخرین خلفای راشدین دوازده‌گانه است که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها در کتب صحاح، خبر داده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند؛ از جمله: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمن



بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابوامامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و أم سلمه. اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده‌اند و به غیر از آنها، افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند...

احادیث فوق که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و شهادت و گواهی صحابه - که در این جا در حکم حدیث است - در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله اعم از سنن و معاجم و مسانید، آمده است از جمله: سنن ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر و الدانی، مسند احمد و ابی لیلی و برار، صحیح حاکم و معاجم طبرانی و دارقطنی، اخبار المهدی ابونعیم، تاریخ بغداد خطیب و تاریخ دمشق ابن عساکر و غیر اینها...

بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه، کتاب‌های مخصوصی تألیف کرده‌اند؛ از جمله:

ابونعیم کتاب اخبار المهدی را، ابن حجر هیثمی القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، شوکانی التوضیح فی تواریخ ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح، ادیس عراقی مغربی، المهدی و ابوالعباس بن عبد المؤمن المغربی کتاب الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون را به رشته تحریر درآورده‌اند و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره از

مجلات دانشگاه مزبور، این مباحث را به میان آورده است. عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام، از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود، تصریح کرده‌اند که احادیث، در زمینه مهدی در سرحّد تواتر است و به هیچ عنوان، قابل انکار نیست...؛ بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی، بر هر مسلمانی واجب است و این عقاید اهل سنت و جماعت، محسوب می‌شود. و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گذار، آن را انکار نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

## ۲- نظریه دو تن از علمای شافعی

محمد بن یوسف گنجی (متوفی ۶۵۸ هـ.ق) در باب ۲۵ کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان می‌گوید:

«مهدی، ممکن است تا زمان ظهورش زنده بماند؛ و هیچ مانعی در این

امر نیست؛ همچنان‌که عیسی و خضر زنده می‌باشند».<sup>۲</sup>

احمد بن حجر هیثمی شافعی (متوفی ۹۷۴ هـ.ق) در کتاب خود، به نام

الصواعق المحرقة از ابوالحسن امری، چنین نقل می‌کند:

«اخبار متواتر و فراوان از پیامبر ﷺ نقل شده که سرانجام، مهدی ظهور

می‌کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد

کرد».<sup>۳</sup>

## ۳- نظریه علمای حنبلی

نظریه ابن تیمیّه که فقیه حنبلی و از اعلام آنها بود، گذشت؛ ابن قیم

۱. رک: مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۴۶-۱۵۵.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۹۹.

۳. منتخب الاثر، ص ۳۲۴.

جوزی حنبلی (متوفی ۷۵۱ هـ ق) در کتاب خود به نام المنار المنیف فی الصبیح و الضعیف، می گوید:

«دیدگاه سوم: این که مهدی مردی از خاندان پیامبر و از فرزندان حسین بن علی است و در آخر الزمان - وقتی که زمین آکنده از ظلم و جور شده باشد - ظهور کرده و آن را سرشار از عدل و داد می نماید که بیشتر روایات، بر این قول دلالت دارد»<sup>۱</sup>

#### ۴- نظریه یکی از علمای مالکی

ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵ هـ ق) در کتاب خود به نام الفصول المهمه فی معرفة احوال الائمة علیهم السلام می گوید:

«ابوالقاسم، محمد، الحجة بن الحسن الخالص، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ ق در شهر سامرا به دنیا آمد؛ کنیه اش ابوالقاسم و القاب او حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان و مشهورترین لقبش، مهدی است»<sup>۲</sup>

#### ۵- نظریه یکی از علمای حنفی

سلیمان قندوزی در کتاب خود به نام ینابیع المودّة که دهها حدیث در تطبیق آیات قرآن با حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است - و ما تنها به نقل یک مورد اکتفا می کنیم - به سند خود از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

۱. الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. الفصول المهمه، ص ۲۹۲.

«چهارمین فرزند من... که خداوند به وسیله او زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می‌کند؛ او همان کسی است که منادی برای او از آسمان - به طوری که تمامی اهل زمین بشنوند - ندا می‌کند: آگاه باشید که حجت خدا نزد خانه خدا ظهور کرده؛ از او پیروی کنید؛ زیرا حق در مسیر او و با اوست».

پس امام فرمود: «همین است سخن پروردگار ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ اگر می‌خواستیم، از آسمان آیه‌ای بر آنان نازل می‌کردیم که در برابر آن خاضع گردند و سر تسلیم فرود آورند».<sup>۲</sup>

## ۶- نظریه یکی از علمای معتزلی

ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه در شرح کلام امام علی علیه السلام که می‌فرمایند: «بنا یختم لا بکم» می‌گوید:

«این گفته، اشاره به مهدی علیه السلام است که در آخر زمان ظهور می‌کند و بیشتر محدثان بر آنند که وی از فرزندان فاطمه می‌باشد و پیروان معتزله، این نظر را انکار نمی‌کنند؛ بلکه در کتاب‌های خود، به بیان آن تصریح کرده و اساتید و بزرگان‌شان به این امر، اعتراف نموده‌اند».<sup>۳</sup>

ابن ابی‌الحدید در شرح این جمله امام علی علیه السلام که فرمود:

«لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ نِشْمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرْوِسِ عَلَى وَلَدِهَا؛ دنیا با ما نرم‌خویی خواهد کرد بعد از آن‌که جموشی کرد».

۲. ینابیع المودة، ص ۴۴۸.

۱. سوره شعراء، آیه ۴.

۳. رک: الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۱، ص ۱۶۴.

سپس امام آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا» را تلاوت کرد. ابن ابی الحدید گفته است که:

«شیعه می گویند: این جمله دلالت بر امام غایب دارد که مالک زمین در آخر الزمان می شود، ولی اهل سنت می گویند: این جمله، وعده به امامی است که مالک زمین می شود، ولی لازم نیست که الآن موجود باشد»<sup>۱</sup>.

### ۷- نظریه یکی از عرفای بزرگ جهان اسلام

محمی الدین عربی (متوفی ۶۳۸ هـ ق) در کتاب خود به نام الفتوحات المکیه می نویسد:

«آگاه باش! خداوند ما را یاری گرداند که پروردگار را خلیفه‌ای است؛ ظهور می کند در حالی که زمین پر از ظلم و بیداد شده باشد و آن را از عدل، سرشار خواهد ساخت؛ و اگر از عمر جهان، تنها یک روز مانده باشد، خدای سبحان، آن روز را به حدی طولانی نماید تا خلیفه‌اش از خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه علیها السلام و هم نام با پیامبر خدا، بر جهان حکمرانی کند، او در کارزار بزرگ در مرج عکا حاضر می شود؛ ستم و ستم‌پیشگان را نابود می کند و دین را برپا داشته و جان تازه بر کالبد اسلام می دهد؛ اسلام - بعد از خواری - به سبب او عزیز می گردد و...»<sup>۲</sup>.

همچنین، دو بیت شعر نیز از محمی الدین در فتوحات آمده است:

«هو السید المهدی من آل احمد      هو الصارم الهندی حين یبید

۲. الفتوحات المکیه، باب ۳۶۶، ص ۳۲۷-۳۲۹.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۷۴.

هو الشمس یجلو کلب غمّ و ظلمة هو الوابل الوسمی حین یجود»<sup>۱</sup>

\*\*\*

### امام عصر در اشعار سرایندگان شعر فارسی

بسیاری از شعرای فارسی زبان، نام مبارک حضرت مهدی عج را همراه با القاب مختلفی در اشعار خود ذکر کرده و او را به عنوان مرشد راه و انسان کامل و یگانه منجی بشریت نام برده و در غزل‌های خود، حدیث عشق و عاشقی گفته و آن حضرت را معشوق خویش قرار داده و عواطف و احساسات سرکش خود را بیان نموده‌اند که نمونه‌هایی از آنها را ذکر می‌کنیم:

#### حافظ شیرازی

بخشی از غزل عزیز مصر

بیا که زایت منصور پادشاه رسید

نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت

کمال عدل به فریاد داد خواه رسید

سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد

جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید

ز قاطعان طریق این زمان شوید ایمن

قوافل دل و دانش که سر راه رسید

عزیز مصر به رغم برادران غیور

ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

#### بخشی از غزل منزلتگاه عشاق

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انقباس خوشش بوی کسی می آید

از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش

زده ام فکالی و فریاد رسی می آید

#### بخشی از غزل نوبهار

زهی خجسته زمانی که یاز باز آید

به کام غم زدگان غم گسار باز آید

به پیش خیل خیالش کشید ابلق چشم

بدان امید که آن شهسوار باز آید

چه جورها که کشیدند بلبلان از دی

به بوی آنکه دگر نوبهار باز آید

#### بخشی از غزل شوق کعبه

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور



این دل غم دیده حالش به شود دل بد مکن  
 وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور  
 در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم  
 سرزنش ها گر کند خسار مغلان غم مخور  
 هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب  
 باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور  
 ای دل از سبیل قنا بشیاد هستی برگردد  
 چون تو را نوح است کشتی بان ز طوفان غم مخور

## بخشی از غزل یوسف ثانی

گفتند خلائق که تویی یوسف ثانی  
 چون نیک بدیدم به حقیقت به از آنی  
 شیرین تر از آنی به شکر خنده که گویم  
 ای خسرو خوبان که تو شیرین زمانی  
 چون اشک بیندازیش از دیده مردم  
 آن را که دمی از نظر خویش برانی

## سنایی غزنوی

اندرین روزگار بدعهدی  
 چیست جز عدل هدیه مهدی<sup>۱</sup>

## خاقانی شروانی

مهدی دجال کش آدم شیطان شکن  
 موسی دریا شکاف احمد جبریل دم<sup>۲</sup>

۲. دیوان خاقانی، ص ۲۶۱.

۱. حدیقة الشیعه، ص ۵۸۱.

## خواجهوی کرمانی

به مقدم خلف منتظر امام همام  
شعب مدین تحقیق حجة القائم  
مسیح خضر قدوم و خلیل کعبه مقام  
عزیز مصر هدی مهدی سپهر غلام<sup>۱</sup>

## ابن یمین

بعد از او صاحب زمان کز سال های دیرباز

دیده ها در انتظار روی آن فرخ لقا است<sup>۲</sup>

## شاه نعمت الله ولی

میم و حاء، میم و دال می خوانم  
صورت و سیرتش چو پیغمبر  
تمام آن نامدار می بینم  
علم و حلمش شعار می بینم  
دین و دنیا از او شود معمور  
خلق ازو بسخت یار می بینم<sup>۳</sup>

## فیض کاشانی

بخشی از غزل ملازمان مهدی

به ملازمان مهدی که رساند این دعا را

که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را

چو قیامتی دهد رو که به دوستان نمایی

برکات مصطفی را، حرکات مرتضی را

بخشی از غزل صبح حضور

«نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد»

۲. دیوان ابن یمین، ص ۳۹.

۱. دیوان خواجهوی کرمانی، ص ۴۱۸.

۳. دیوان شاه نعمت الله ولی، ص ۲۳.

یعنی این تیره شب غیبت مهدی روزی

از دم صبح حضورش لمعان خواهد شد

عالم آر پیر شد از جور و ستم پاکی نیست

از قدوم شه دین امن و امان خواهد شد

### عراقی همدانی

بخشی از غزل «تو باشی»

خوشا راهی که پایانش تو باشی

خوشا دردی که درمانش تو باشی

خوشا ملکی که سلطانش تو باشی

خوشا چشمی که رخسار تو بیند

خوشا جانی که جانانش تو باشی

خوشا آن دل که دلدارش تو گردی

### بخشی از غزل کجایی

به جان می جویمت جانا کجایی

شدم از عشق تو شیدا کجایی

همی جویم تو را هر جا کجایی

همی پیوم به سویت گرد عالم

ز که پرسم؟ که دانند؟ تا کجایی

چو آنجا که تویی کس را گذر نیست

وگر پنهان نه ای پیدا چرایی

تو پیدایی و لکن جمله پنهان

چه دانم تا در این غوغا کجایی

ز عشقت عالمی پر شور و غوغاست

بماندم بی کسی و تنها کجایی

در این وادی خونخوار غم تو

نشانی در ره می بسنما کجایی

دل سرگشته حیران ما را

### فروغی بسطامی

بخشی از غزل خورشید کعبه

کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را

پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را

غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را  
خواهم شبی نقاب ز رویت برافکنم خورشید کعبه ماه کلیسا کنم تو را

### استاد شهریار

#### بخشی از غزل در انتظار

دلم شکستی و جانم هنوز چشم به راهت  
شبی سیاهم و در آرزوی طلعت ماهت  
در انتظار تو چشم سپید گشت و غمی نیست  
اگر قبول تو افتد فدای چشم سیاهت  
در انتظار تو می میرم و در این دم آخر  
دلم خوش است که دیدم به خواب گاه به گاهت

#### بخشی از غزل یوسف گم گشته

یارب آن یوسف گم گشته به من باز رسان  
تا طرب خانه کنی بیت حزن باز رسان  
ای خدایی که به یعقوب رساندی یوسف  
این زمان یوسف من نیز به من باز رسان

#### آیه الله العظمی خامنه ای

#### بخشی از غزل بانگ جرس

دل را ز پی خودی سر از خود رمیدن است

جان را هوای از قفس بیرون پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده‌ام فغان  
 بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است  
 دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم  
 باری علاج شوق، گریبان دریدن است  
 شامم سیه‌تر است ز گیسوی سرکشت  
 خورشید من برای که وقت دمیدن است  
 سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی  
 مرغ نگره در آرزوی پیریدن است  
 با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم  
 تقدیر قصه دل من ناشنیدن است

### چه تفاوتی در انتظار ظهور مصلح، بین شیعه و سایر ادیان وجود دارد؟

انتظار اگر واقعی باشد، انسان را می‌سازد؛ یک عقیده قلبی است که آثارش در اندیشه و اعمال، مشهود است؛ زیرا امیدواری به آینده زمانی خوب است که او را به کار و تلاش وادارد و اگر امید نباشد انسان از حرکت می‌ایستد؛ پس امید واقعی کجاست؟ در سایر ادیان می‌گویند: نجات بخش خواهد آمد؛ مثلاً یهود می‌گویند: مشیا می‌آید؛ ولی در پاسخ به این سؤال که هویت او چیست؟ می‌گویند: نمی‌دانیم. و یا انجیل می‌گوید: عیسی خواهد آمد؛ ولی چه خواهد کرد؟ می‌گویند: نمی‌دانیم و حتی آنها می‌گویند: طبق نوشته انجیل، وقتی عیسی بیاید، قیامت برپا می‌شود؛ بنابراین مسیحیان، نسبت به آینده، حیرت زده‌اند. پس انتظار واقعی نیست؛ انتظار مرگ است؛ چون قیامت به پا می‌شود. اکثر اهل سنت هم می‌گویند: مهدی خواهد آمد؛ ولی هنوز متولد

نشده است. اما این که هویت او چیست؟ چه کسی او را انتخاب می‌کند؟ پاسخ درستی نمی‌دهند؛ پس منتظر واقعی نیستند و متحیرند. ولی شیعه او را مشخص می‌کند؛ می‌گوید: او به دنیا آمده، پدر و مادرش معلوم است، اکنون در غیبت کبری است، خداوند او را حفظ کرده و کسانی او را دیده‌اند؛ بنابراین، انتظار شیعه یک انتظار واقعی و سازنده است.



## مهدی‌های دروغین یا مدعیان مهدویت

### مقدمه

روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در مورد مهدی موعود (عج) وارد شده است و در آنها بشارت ظهور آن حضرت و فراگیر شدن عدالت توسط ایشان و علائم و نشانه‌های آن وجود مبارک آمده است، با وجود آن که از معجزات و مفاخر پیامبر گرامی و اهل بیت به حساب می‌آید ولی متأسفانه، از همان قرن اول برخی نابخردان ماجراجو از این روایات سوء استفاده کردند؛ بدین نحو که با گذاشتن نام مهدی موعود، بر خود یا چسبانیدن این عنوان به دیگران، موجب اشتباه و فریب برای بعضی از مردم می‌شدند، و چون در پاره‌ای از موارد قیام مهدی‌ها علیه حکام جور و ظلم و ستم بوده است، مردم نادانسته و بدون در نظر گرفتن تمامی صفات و علائم و نشانه‌های ظهور، به طرفداری از آنان برخاسته و موجب گرفتاری خود و دیگران می‌شدند که در بعضی موارد، جنگ‌های طولانی و لشکرکشی‌هایی به راه می‌انداختند که ذکر خواهیم کرد.

البته این حوادث (ظهور افراد متعددی به عنوان مهدی موعود) خود، دلیلی بر شیوع و گسترش اخبار مهدی علیه السلام در بین مسلمین است. این که بعضی افراد، سوء استفاده از مسأله مهدویت را توجیهی برای کنار گذاردن این تفکر قرار داده‌اند، مردود است؛ زیرا صرف سوء استفاده کردن از مسأله‌ای نمی‌تواند دلیل قابل قبولی برای وا گذاشتن آن باشد؛ چه پسا اشخاصی دعوی خدایی و پیامبری کرده‌اند، آیا باید اعتقاد به توحید و نبوت را هم کنار بگذاریم؟

### مدعیان مسیحایی

قبل از ذکر مدعیان مهدویت در تاریخ اسلام، نگاهی به مدعیان مسیحایی در تاریخ مسیحیت و غرب می‌کنیم؛ چون همان طور که قبلاً در بحث «انتظار ظهور مصلح در کتاب‌های ملل و مذاهب» بیان شد، همه ملت‌ها - از جمله مسیحیت - در انتظار ظهور منجی و عدالت‌گستر هستند؛ در پی آن، عده‌ای شیاد از این اعتقاد مقدس، سوء استفاده کرده و به عنوان مسیح موعود، به فریب و فرقه‌سازی در بین مردم پرداختند که ما تنها به ذکر اسامی بعضی از آنها بسنده می‌کنیم. برای اطلاع بیشتر از شرح حال آنان به کتاب‌هایی که در این زمینه تألیف شده است، مراجعه کنید.<sup>۱</sup>

۱- جیمز نایلور (۱۶۶۰-۱۶۱۸)

۲- یوحنا سوٲ کات (۱۸۱۴-۱۷۵۰)

۳- ریچارد براذرز (۱۸۲۴-۱۷۵۷)



۴- جان نیکولز تام (۱۸۳۸-۱۷۹۹)

۵- هنری جیمز پرنیس (۱۸۹۹-۱۸۱۱)



## مهدویت و فرقه‌های انحرافی مهدویت

### ۱- قیام مختار و مذهب کیسانیه

شاید نخستین کسی که نام مهدی بر او گذاشتند - هرچند راضی نبود - محمد بن حنفیه، فرزند علی علیه السلام بود. مختار ثقفی که مردی سیاستمدار بود، در جریان انتقام‌گرفتن از قاتلان سیدالشهداء چون می‌دانست که مردم تحت رهبری او، حاضر به قیام نیستند، مسأله مهدی موعود را که پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده بود، به نام محمد بن حنفیه مطرح کرد؛ چون اسمش محمد بود و پیامبر صلی الله علیه و آله هم فرموده بود که مهدی، هم نام من است.

مختار گفت:

«ایها الناس! من نایب مهدی زمانم؛ آن مهدی که پیامبر، خبر داده است».

وی مدتی به نام نیابت از مهدی زمان، بازی سیاسی خودش را انجام داد. حال آیا محمد بن حنفیه، واقعاً خودش هم قبول می‌کرد که من مهدی موعود هستم یا خیر؟ بعضی می‌گویند: قبول می‌کرد؛ برای این که بتوانند انتقام بگیرند؛ ولی این نظر ثابت نیست.

بعدها - از همین جا - مذهب کیسانیه پیدا شد؛ یعنی در سال ۸۰ یا ۸۱ هـ که محمد بن حنفیه وفات کرد و در قبرستان بقیع دفن شد، گفتند: مهدی موعود که نمی‌میرد مگر این که زمین را پر از عدل و داد کند؛ پس محمد بن حنفیه نمرده و در کوه رضوی غایب شده و او مهدی موعود است و

ما منتظر او هستیم.<sup>۱</sup>

## ۲- قیام نفس زکیه

امام حسن مجتبی علیه السلام پسری دارد به نام حسن مثنی؛ یعنی حسن دوم، وی داماد امام حسین علیه السلام است یعنی؛ فاطمه بنت الحسین همسر اوست؛ از این دو بزرگوار، فرزندی به نام عبدالله متولد شد و چون از جانب پدر و مادر به حضرت امیر علیه السلام و زهرا علیهما السلام می رسید، به او عبدالله محض (خالص) می گفتند. عبدالله محض، پسرانی دارد به نام های محمد و ابراهیم که در دوره خلافت بنی امیه - حدود سال ۱۳۰ هـ ق - زندگی می کردند. این محمد که مرد شریفی بود، به نفس زکیه معروف شد.

در آخر عهد اموی، سادات حسنی قیام کردند، و در این قیام حتی عباسی ها هم با محمد بن عبدالله محض بیعت کردند؛ از امام صادق علیه السلام هم در مجلسی خواستند که بیعت کند، امام فرمود:

«هدفان از این کار چیست؟ اگر محمد به عنوان امر به معروف قیام می کند، من با او همراهی می کنم، اما اگر می خواهد قیام کند به این عنوان که او مهدی است، اشتباه می کند؛ مهدی امت، او نیست؛ کس دیگری است، من هرگز تأیید نمی کنم.»

شاید مطلب، برای خود محمد بن عبدالله هم اشتباه شده بود؛ زیرا اسم او، اسم پیامبر بود، یک خالی هم در شانهاش داشت، بسیاری از کسانی که با او بیعت کردند، به عنوان مهدی امت، بیعت کردند. از این جریان نیز معلوم

می‌شود که مسأله مهدی امت آنقدر در میان مسلمین، قطعی بوده که هر کس آدم صالحی بود و اندک شباهتی هم به آن حضرت داشت، می‌گفتند: این همان مهدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله گفته‌اند.

در مورد نام‌گذاری محمد پسر عبدالله محض، به مهدی، ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبین، بحث مفصّلی دارد.<sup>۱</sup>

در این‌که این ادعا موجب اشتباه برای عدّه زیادی از عوام شد، شکی نیست،<sup>۲</sup> اما نکته مهم این است که موجب اشتباه برخی از علما و فقها نیز شده است که ما برای نمونه، فریب خوردن یکی از فقهای مدینه را ذکر می‌کنیم:

محمد بن عجلان با محمد بن عبدالله محض بیعت کرد، بنی‌العبّاس که ابتدا حامی محمد بن عبدالله محض بودند وقتی مسأله خلافت پیش آمد، خلافت را گرفتند و سادات حسنی را کشتند.

حاکم مدینه، محمد بن عجلان را هم احضار کرد و گفت: تو با محمد بن عبدالله محض همکاری کردی؛ سپس دستور داد که دست او را قطع کنند؛ در این هنگام فقهای مدینه شفاعت کردند و در شفاعتشان گفتند: ای امیر! محمد بن عجلان، فقیه اهل مدینه است، تقصیر ندارد؛ او خیال می‌کرد که محمد بن عبدالله محض، همان مهدی امت است. عین جمله فقهای مدینه، در کتاب مقاتل الطالبین، این‌گونه نقل شده است: «إِنَّمَا شَبَّهَ عَلَيْهِ وَظَنَّ أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ».<sup>۳</sup>

۱. رک: مقاتل الطالبین، ص ۱۶۰-۱۶۵.

۲. رک: الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۵۵۷.

۳. مقاتل الطالبین، ص ۱۹۳.

موارد دیگری، از جمله آمدن مردم بصره و درخواست ملاقات با محمد بن عبدالله نیز از مطالبی است که ابوالفرج نقل کرده است.<sup>۱</sup>

### ۳- مذهب اسماعیلیه

منشأ پیدایش این مذهب نیز، اعتقاد به ظهور مهدی موعود بوده است. اساساً بسیاری از ائمه شیعه که از دنیا می‌رفتند، عده‌ای از پیروان آنها، به خاطر جهات سیاسی یا اقتصادی یا اعتقادی، می‌گفتند: «امام نمرده است، شاید غایب شده، شاید مهدی امت، اوست و او ظهور خواهد نمود». این اعتقاد در مورد امام باقر، امام صادق، امام موسی کاظم و امام حسن عسکری علیهم‌السلام نیز وجود دارد.

امام صادق علیه‌السلام پسری داشت به نام اسماعیل، او فرزند ارشد امام بود که امام، وی را جانشین خود قرار داد، اما اسماعیل قبل از امام وفات کرد؛ امام صادق علیه‌السلام پسر دوم خود؛ یعنی امام موسی کاظم علیه‌السلام را به جانشینی نصب کرد؛ توده علویان و شیعیان این موضوع را پذیرفتند، لکن فرقه مقتدری، تبعیت نکرده و نسبت به اسماعیل و اولاد او، وفادار ماندند؛ مرگ او را باور نکردند و گفتند: او مهدی موعود و غایب است و اگرچه قرن‌ها بگذرد، عاقبت ظهور خواهد کرد؛ لذا به امام دیگری معتقد شدند.<sup>۲</sup>

### ۴- فرقه ناووسیه

طرفداران مردی به نام ناووس، یا از قریه‌ای به نام ناووس هستند. این فرقه معتقدند که امام صادق علیه‌السلام زنده است و هرگز نمی‌میرد تا ظهور کند و جهان را

۲. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱. همان، ص ۱۸۶-۲۰۰.

پراز عدل و داد نماید و مهدی قائم، اوست.<sup>۱</sup>

### ۵- فرقه واقفیه

گروهی هستند که در امام موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند و گفتند: او از دنیا نرفته و اکنون غایب است و به زودی ظهور می کند.<sup>۲</sup>

بعضی از مدعیان، تنها به ارتباط خود با مهدی علیه السلام به عنوان «باب» و نایب خاص او قناعت کردند تا از این راه، به منافع پست مادی خود برسند؛ افرادی مانند شلمغانی، نمیری، بلالی و... از این دسته اند. برای آگاهی از شرح حال آنها به منابع مربوطه مراجعه شود.<sup>۳</sup>

لازم به یادآوری است که فرقه های دیگری نیز در این زمینه پدید آمدند ولی همگی منقرض شدند که ما تنها به ذکر نام آنها بسنده می کنیم:

باقریه، محمدیه، حوازیه، هاشمیه، مبارکه، یزیدیه، قرامطه، فرقه ابومسلم خراسانی و فرقه ای که عمر بن عبدالعزیز را مهدی می دانستند.



### مهدی های دروغین در کشورهای اسلامی

دارمستر - خاورشناس نامی قرن نوزدهم فرانسه - در کتاب خود، جریان مهدی های تکراری را در کشورهای اسلامی آورده است که ما با تلخیص از آن کتاب ذکر می کنیم.

۲. همان، ص ۱۶۹.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۳. همان، ص ۶۹۷-۷۱۸.

**الف: مهدی در کشور عثمانی**

فردی به نام اسحاق سبتی زوی، در سال ۱۶۶۶ میلادی - در زمان سلطنت سلطان محمد چهارم - ظهور کرد و نام خود را مهدی گذارد و بدون این که کاری از پیش ببرد، کشته شد.

**ب: مهدی در کشور مصر**

در سال ۱۷۹۹ میلادی، فردی که خود را مهدی می نامید، به همراه یارانش در مقابل فرانسویان که به قصد تسخیر مصر رفته بودند، قیام کرد؛ وی خود را به فاطمیان مصر منسوب می کرد، دولت عثمانی هم از او حمایت می کرد.

تنها در یک حمله، شصت هزار نفر دریاورد فرانسوی را کشتند؛ لغبور - یکی از فرماندهان فرانسوی - همراه با چهارصد سرباز، مأمور نابودی آنها شد و در یکی از حملات، مهدی مصری و عده‌ای از یارانش را کشتند.

**ج: مهدی در آفریقا**

ابو محمد عبدالله مهدی، در سال ۲۹۷ هجری در آفریقا، سگه حجت الله به نام خود زد.

عبدالله - نوه عبدالله بن میمون - در قرن دهم هجری یکی از داعیان و مبلغان ابو عبدالله بود که بشارت به نزدیکی ظهور مهدی می داد و با ظهور ابو عبدالله به نام مهدی توانستند تونس و فلسطین را بگیرند و شهری به نام مهدیه تأسیس کردند - که اکنون نیز به همین نام موسوم است - و بر تمام شمال آفریقا تا اقیانوس اطلس، مسلط شدند و مصر را نیز فتح کردند و

سلسله فاطمیّه را بنا نهادند که سیصد سال دوام پیدا کرد، ولی آنها نیز منقرض شدند.

### د: مهدی در سودان

شخصی به نام محمد احمد، در سال ۱۲۶۰ هـ ق در سودان متولد شد، نام پدرش عبدالله بود؛ پس از تحصیلات - با توجه به مناسب بودن شرایط اجتماعی و ظلم و ستم حکام منطقه و سلطه انگلیس بر سودان - خود را مهدی موعود نامید و عده زیادی با او بیعت کردند و در سال ۱۳۰۳ هـ ق پس از درگیری های زیادی توانستند شهر العبید سودان را آزاد کنند و به عنوان پایتخت خود قرار دهند و به لشکر هیکس پاشا تلفات زیادی وارد آورند؛ ضمناً گوردون - سردار انگلیس - را در سودان کشتند. جنگ او با انگلیس و پیروزی شگفت انگیز و ادعای شگفت انگیز ترش، صفحات اول روزنامه های اروپا و انگلیس را به خود اختصاص داد.

در سال ۱۳۰۵ هـ ق مهدی سودانی نیز - مانند سایر مهدی ها - قبل از این که حتی منطقه خود را پر از عدل و داد کند، ستاره اش برای همیشه غروب کرد.<sup>۱</sup>

البته ناگفته پیداست که انقلاب مهدی کبیر در سودان و سایر مهدی ها در مصر و الجزایر و آفریقا، یکی از اهداف اصلیش، خارج کردن این کشورها از سلطه استعمارگران فرانسوی و انگلیسی بوده است و بنا بر نظریه ای به وجود آورندگان این انقلاب ها، هدفی جز بیرون راندن اجنبی نداشتند.

۱. رک: مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، ص ۴۱ - ۶۳.



**ه: مهدی در هند**

- ۱- سید محمد جونیوری هندی، در سال ۹۰۱ هـ ق ادعای مهدویت کرد و خلق کثیری با او بیعت کردند.
- ۲- غلام احمد قادیانی، قبل از جنگ جهانی، در هندوستان خروج کرد و ادعای مهدویت نمود.<sup>۱</sup>

**و: مهدی در اسلامبول**

میرزا طاهر حاکم اصفهانی - از شاگردان سید کاظم رشتی - در اسلامبول ابتدا ادعای نمایندگی انبیاء نمود و به نصیحت و موعظه سلاطین پرداخت، وقتی کارش بالا گرفت، خود را مهدی خواند و در حدود سال ۱۳۰۰ هـ ق مسموم و کشته شد.<sup>۲</sup>

**ز: مهدی در حجاز**

چنان که قبلاً گفتیم، طرفداران محمد حنفیه به او لقب مهدی دادند و همچنین ابواسحاق ابو عبیده ثقفی و نفس زکیه؛ یعنی محمد بن عبدالله محض در قرن اول و دوم ادعای مهدویت نمودند. همچنین در قرن دوم هجری ابوالحسن زید بن علی که علیه امویّه قیام کرد و کشته شد؛ پیروان او بعداً قائل به مهدویت و ظهور مجدد او شدند.<sup>۳</sup>

**ح. مهدی در ایران**

- ۱- ابومسلم خراسانی که در سال ۱۲۷ هـ ق در خراسان، علیه بنی امیه قیام کرد، ادعای مهدویت نمود.

۲. رک: همان کتاب.

۱. رک: ادیان و مهدویت.

۳. رک: همان کتاب.

۲- موسی الگردی از کردستان - معاصر سلطان محمد خدابنده - و ابوالکرم الدرانی در بخارا، که اتباع او به شصت هزار نفر رسیدند و در حمله مغول، کشته شدند.

### ۳- میرزا علی محمد شیرازی و فرقه بهائیت

در زمانی که ایران، صحنه تاخت و تاز سیاست‌های روس و انگلیس از شمال و جنوب بود و تنها چند سال از شکست فتحعلی شاه از روسیه و از دست دادن شهرهای قفقاز می‌گذشت، و فقط دو سال بود که به واسطه تهدید و فشار دولت انگلیس - در زمان محمد شاه - افغانستان را از ایران جدا کرده بودند، دولت روس و انگلیس، برای دست اندازی به ایران و تأمین منافع استعماری خود، شدیداً به رقابت پرداخته بودند.

در این دوران که بیشتر مردم ایران، بر اثر از دست دادن قسمتی از کشور خود و سلطه اجانب و شیوع ظلم و فساد و تعدی درباریان بی‌رحم و حگام سنگ‌دل و فقر و پریشانی عمومی به ستوه آمده بودند و در هر شهری علم مخالفت با دولت برافراشته شده بود، زمینه برای ظهور حرکت‌هایی تحت عنوان مهدویت از هر جهت آماده بود.

یک خارجی به نام کینیاز دالگورکی - منشی سفارت روسیه در تهران - میرزا علی محمد را - که بعضی از علائم، مثل سیادت، روحانیت، جوانی و هم‌نامی با پیامبر را دارا بود - فرد مناسبی برای ادعای مهدویت تشخیص داد و بدین صورت، عمال خارجی به مذهب‌سازی برای ایجاد اختلاف در بین مسلمین، اقدام کردند.

اجرای این نقش به کارگردانی دالگورکی و چگونگی صید او، داستان

خواندنی و جالبی است که برای اطلاع بیشتر، به این کتاب مراجعه کنید.<sup>۱</sup>  
 میرزا علی محمد که ابتدا خود را باب؛ یعنی نایب خاص امام زمان  
 می‌دانست، چون کارش بالا گرفت، خود را امام زمان خواند و بعد به هم  
 قناعت نکرد و ادعای پیغمبری و سپس ادعای خدایی کرد.  
 البته خود او در آغاز، جرأت چنین ادعایی را نداشت و طبق اسناد موجود  
 و گواهی سخنان خودش، او به همین مقدار قانع بود که او را باب بدانند ولی با  
 گذشت زمان و جمع شدن عده‌ای در اطراف او و تحریک کسانی که در پشت  
 صحنه، سر نخ این ماجرا را در دست داشتند، ادعای خود را به قائمیت و  
 مهدویت تغییر داد.

در کتاب ظهور الحق که مورد قبول فرقه بهائیت است، ص ۱۷۳ می‌خوانیم:

«باب در اواسط سال ۱۲۶۵ هـ ق در زندان ماکو طی نامه‌ای به ملا

عبدالخالق نوشت: أنا القائم الحقّ الذی أنتم بظهوره توعدون؛ من آن

قائم حقّی هستم که شما به آمدن او، بشارت داده شده‌اید».

قرائن و اسنادی که در تاریخ زندگی او جمع آوری شده، نشان می‌دهد که

ادعای «امام زمانی» او از سه ناحیه سرچشمه می‌گیرد:

۱. از ناحیه دولت استعماری روسیه تزاری در آغاز.

۲. از ناحیه دولت استعماری انگلیس در تحریک او و ادامه راه.

۳. از ناحیه جاه‌طلبی که بر او مستولی بود.

به هر حال، با اعلام این که امام زمان ظهور کرده - آن هم از ایران نه مکه و  
 کنار کعبه که محل ظهور اوست - صدها نفر از افرادی که فریب خورده بودند،

همراه با علمای شیخیّه، به تحریک و تبلیغ انگلیس، به سوی او شتافتند، این امر باعث زد و خوردهایی در کشور شد.

سید علی محمد باب، از شیراز به اصفهان منتقل شد و شش ماه در آن جا در خانه معتمدالدوله گرجی - حاکم اصفهان که یک ارمنی تازه مسلمان بود - جای گرفت؛ در این مدّت، تبلیغات وسیعی کرد، سپس او را به ماکو فرستادند و در قلعه چهریق زندانی کردند، در آن جا توبه نامه‌ای به خط خود نوشت و از امام زمانی استعفا داد.

در زمان ناصرالدین شاه قاجار، با روی کار آمدن امیرکبیر، آن مرد دین و سیاست و غیرت، بود که امیر، دستور اعدام میرزا علی محمد را داد و او را در میدان مشق تبریز، تیر باران کردند و بدین وسیله صدای فتنه و فریب، برای مدّتی خاموش شد.

اما سران معروف بایته از ایران گریختند و به عکای فلسطین رفتند و یکی از سران آنها به نام میرزا حسینعلی که خود را بهاء الله معرفی می کرد، به ریاست این فرقه رسید و آنها به نام بهائی معروف گردیدند و مبلغ همان خط و راه میرزا علی محمد شدند؛ البتّه همه اینها در سایه حمایت بی دریغ انگلستان از این فرقه بود.

پس از چندی، عباس افندی - پسر میرزا حسینعلی - به پاس خدمات صادقانه خود و پدرش به انگلستان، به لقب «سِر» (sir) که یکی از القاب مهمّ انگلیسی است مفتخر شدند! <sup>۱</sup>

۱. لقب «سِر» عنوانی است که تنها به نخست وزیران انگلیس و یا کسانی که کار بسیار مهمی کرده باشند، توسط ملکه انگلیس داده می شود. ۲. رک: مهدی موعود، ص ۱۵۰-۱۵۵.

آری فرقه بهائیت در ایران، مذهبی دست‌ساخته انگلیس بود و افراد این فرقه نیز عامل اجرای سیاست‌های انگلیس، تا سال ۱۳۳۲ و سپس مجری سیاست‌های آمریکا در ایران بودند. حتی در حدود یک قرن بعد از تأسیس بهائیت، دیدیم که باکمال تأسف افراد این گروه در دوران سلطنت محمد رضا پهلوی به عالی‌ترین مقامات مملکتی رسیدند و حتی نخست وزیر ایران - امیر عباس هویدا که ۱۳ سال در این سمت بود - بر اساس اسناد باقی مانده از سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) یک بهائی بود.<sup>۱</sup>



### بزرگ‌ترین رویداد سیاسی در رابطه با مهدویت، در عصر حاضر

شاید بزرگ‌ترین رویداد سیاسی در رابطه با مهدویت در این دوره، واقعه‌ای است که در سال ۱۴۰۰ هـ.ق برابر با ۱۳۵۹ هـ.ش به رهبری محمد عبدالله قرشی در حرم الهی - مکه مکرمه - اتفاق افتاد؛ به گونه‌ای که یاران او به حرم مسلط شدند و معاون وی - جهیمان - از داخل حرم اعلامیه‌ای پخش نمود و مسلمان‌ها را به بیعت با قرشی دعوت کرد به اعتبار این که او همان مهدی منتظر است که پیامبر، ظهورش را بشارت داده است.

اشغال حرم توسط آنها و مقاومت پیروزمندانه آنان، چندین روز به طول انجامید که حکومت سعودی به پیروزی بر آنان دست نیافت مگر بعد از درخواست نیروی ویژه کماندویی از فرانسه!

۱. رک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۹۱.

### مهدویت و جلوگیری از سوء استفاده

سؤال می شود که آیا بهتر نیست که مسأله مهدی موعود علیه السلام که موجب این همه سوء استفاده شده، مطرح نشود؟ در این زمینه می توان گفت: مگر تنها همین مسأله است که از آن سوء استفاده شده است؟ آیا از عنوان نبوت، سوء استفاده نشده؟ مگر تاریخ، این همه مدعیان دروغین پیامبری را به ما نشان نمی دهد؟ مگر از قرآن، خدا، دین و... سوء استفاده نمی شود؟ آیا باید به کلی منکر وجود پیامبر شد به خاطر این که پیامبران دروغین آمده اند؟ آیا از عناوین دکتر، مهندس، پلیس و... به طور قلابی - سوء استفاده نمی کنند؟ آیا می توان گفت: حالا که عنوان طبیب و پلیس و... مورد بهره برداری نامشروع قرار گرفته، باید به کلی منکر طبیب و پلیس و... شد؟ پاسخ روشن است؛ البته که نه، هرگز کسی نمی گوید که باید از ترویج و تبلیغ این عناوین، به خاطر سوء استفاده عده ای صرف نظر کرده و منکر آنها شد.

### راه تشخیص مهدی های دروغین

بهترین دلیل بر دروغین بودن مدعیان مهدویت، همین است که رسالت مهدی علیه السلام برچیدن هرگونه ظلم و فساد از محیط زندگی انسان ها و برقراری حکومت عدل اسلامی در سراسر جهان است که این مدعیان، حتی در محدوده منطقه، روستا یا شهر یا کشور خود، نتوانستند ظلم و ستم را نابود ساخته و عدالت را برقرار نمایند و حکومت اسلامی تشکیل دهند، چه رسد به جهان!

دلیل دیگری که می توان مطرح کرد این است که: در بطلان عقاید فرقه های مذکور، همین قدر بس است که بگوییم: همه آن فرقه ها منقرض

شده‌اند و اگر بر حق بودند، منقرض نمی‌شدند؛ مضافاً که روایات متواتر ائمه شیعه، مخالف اندیشه‌های آنان است که فهرست آن روایات را در همین کتاب آورده‌ایم؛ برای اطلاع بیشتر از دلیل بطلان فرقه‌های مزبور، به منابع مربوطه مراجعه کنید.<sup>۱</sup>

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: سابقه موضوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام، امری است که از همان صدر اول، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام در بین مردم پخش و منتشر بوده است و وجود مدعیان مهدویت هم دلیلی بر این مطلب است که مردم، منتظر مصلح و قائم هستند.

چنان‌که بیان شد، این انتظارها تنها در امت اسلامی نیست، بلکه در ادیان و ملل مختلف دنیا نیز این انتظار رسیدن روز رهایی و آمدن خسرو خوبان، جان جانان، مهدی صاحب زمان، به چشم می‌خورد.

البته اصل اساسی‌ای که می‌توان برای شناخت مدعیان دروغگوی مهدویت به آن استناد کرد، امداد الهی است که توسط مدعی راستگوی مهدویت، نمایان می‌شود؛ امداد الهی با ظهور عیسی بن مریم و نشانه‌های حتمی ظهور، به همگان نشان داده می‌شود.





## **فصل سوم:**

### **اهمیت و ثمرات مهدی باوری**

۱- وحشت استکبار

۲- یأس و امید

۳- انتظار

## وحشت استکبار

اهمیت تحقیق در موضوع چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام را می‌توان از وحشتی که به این وسیله در دل مستکبران عالم ایجاد می‌شود، فهمید؛ چرا که امروزه تلاش استکبار جهانی، به سرگردگی آمریکا - خصوصاً بعد از فروپاشی نظام شوروی - در این است که خود را یگانه‌تاز میدان قرار دهد و هرگونه ندای مخالف را سرکوب کند و در دل انسان‌های آزاده عالم و مشتاقان عدالت، تخم یأس و پژمردگی بپاشد و افراد را از بهبودی اوضاع و دل بستن به انقلاب، ناامید کند. مسأله مهدویت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در راستای رسیدن به این اهداف، مطرح شد.

### الف - فیلم‌سازان آمریکایی مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند:

از آن جا که جهان امروز، جهان تصویر است و عمده‌ترین بخش فعال در این میدان، سینما و صنعت فیلم‌سازی است و از این طریق می‌توان بر افکار عمومی تأثیر فراوانی گذاشت، فیلم‌سازان آمریکایی، مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند.

مسأله آینده (فیوچرسم)، برای بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛

آمریکا با نشان دادن آینده‌ای تاریک و خونبار برای بشر، در فیلم‌هایی که به وسیله هالیوود<sup>۱</sup> (مرکز فیلم‌سازی آمریکا) به تصویر کشیده می‌شود، سعی کرده است که خود را منجی بشریت معرفی کند.

در دهه ۱۹۹۰ دو نظریه جدی پیرامون مدینه فاضله یا آرمان شهر، مطرح شد؛ یکی، «نظم نوین جهانی» که توسط جرج بوش ابراز شد و دیگری، «پایان تاریخ» که از سوی فوکو یاما مطرح شد. این دو نظریه به نحوی از نیت سیاسی غرب، در ایجاد یک فرهنگ جهانی و تحمیل آن بر جهان، پرده برمی‌دارد.

اهداف آنها در مجموعه فیلم‌هایی که ساخته‌اند به وضوح دیده می‌شود؛ در فیلم‌هایی مثل «روز استقلال» که در مورد آن تبلیغات گسترده‌ای به راه انداختند؛ داستان فیلم از این قرار است که یک گروه فضایی به زمین حمله می‌کنند و آمریکایی‌ها دفاع می‌کنند و در نهایت، در روز استقلال آمریکا، اینها دشمن را دفع می‌کنند.

پیام این‌گونه فیلم‌ها این است که آمریکا، تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که در آینده رخ می‌دهد، حفظ می‌کند.

در فیلم نوسترا داموس نیز این آمریکا است که در مقابل مسلمانان می‌ایستد و همین‌طور در بازی کامپیوتری مشهور «یا مهدی» که اسم اصلیش «جهنم خلیج فارس» است، خلیج فارس را مرکز حرکت‌های تروریستی جهان جلوه می‌دهد و خود را سردمدار مبارزه با آن معرفی می‌کند.

۱. در هر سال تقریباً ۷۰۰ فیلم تولید می‌کند و سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار، سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸ درصد سینماها و شبکه‌های تلویزیونی جهان، از آن تغذیه می‌کنند.

از بُعد روان‌شناسی، این بازی، افراد را نسبت به امام زمان و لفظ «یا مهدی» شرطی می‌کند؛ ولی باطن قضیه، تلاش برای توجیه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس است.

چنان‌که در فیلم نوسترا داموس آمده، این مطلب را به مخاطب القاء می‌کنند که «امام عصر علیه السلام فردی بی‌رحم و خون‌ریز است و در اثر جنگ، تعداد زیادی بیوه و یتیم بر جای می‌گذارد؛ آن حضرت را با لباس‌های عربی نشان می‌دهند که هر کاری بخواهد می‌تواند با فشار دادن یک کلید انجام دهد؛ ولی ما باید متحد شویم و جلوی او را بگیریم؛ دنیا باید مانع قیام او شود؛ زیرا او برای مردم جز بلا و مصیبت چیزی به ارمغان نمی‌آورد. باید کاری کرد که مردم از او متنفر شوند».

آنان می‌خواهند چهره فردی که مظهر رحمت و اسعۀ الهی است را خشن و خون‌ریز جلوه دهند تا مردم از آن بزرگوار فاصله بگیرند و زمینه ظهور فراهم نشود.

### ب - سیاست‌مداران آمریکا و اسرائیل و تهاجم به مسأله مهدی باوری

بحث‌های آخرالزمان که توسط افرادی چون تافلر، فوکو یاما، هانتینگتون برژینسکی و... مطرح می‌شود، خیلی جدی‌تر از فضای پیرامون ماست؛ آینده‌نگری در غرب، ریشه در روش تجربی علم دارد که به پیش‌بینی پدیده‌ها می‌پردازد. در تمدن‌های علم‌گرا، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست نیز آینده‌نگر می‌شوند و به دنبال سیستم‌هایی می‌گردند که به آینده نفوذ کنند؛ فیلم «شبح» می‌خواهد بگوید: انسان معاصر، شیدای

شکستن دیوار تاریخ است و چون قدرت علمی دارد، می‌خواهد آینده خودش را بسازد؛ و از بعد سیاسی هم می‌گوید: حتی اگر پیش‌بینی‌های نوسترا داموس هم اتفاق بیفتند، اما ما که قدرت حاکم هستیم، می‌توانیم تغییرش دهیم.

گاسپاروان برگر - وزیر دفاع سابق آمریکا - کتاب «جنگ بعدی» را می‌نویسد و بخشی از آن را به سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ و بخشی از آن را به ظهور محمد منتظر در ایران، اختصاص می‌دهد.

در کنفرانس تل آویو، افرادی مثل برنارد لوئیس، مایکل ام. جی. جنشر، بروبزگ، مارتین کرامر، میشل فوکو و کلب بریر، بر این نکته - در تحلیل انقلاب اسلامی ایران - تکیه می‌کنند که شیعیان دارای دو نگاه هستند: یکی «نگاه سرخ»؛ یعنی عاشورا و شهادت و دیگری «نگاه سبز»؛ یعنی انتظار.

جمله مشهوری که دارند، این است که «آینها به اسم امام حسین قیام می‌کنند و به اسم امام زمان، قیامشان را حفظ می‌کنند»؛ و یکی از نتایج بحث آنها این است که انتظار سبز شیعیان را باید سیاه کرد و تصویری سیاه از آن به جهان عرضه کرد و آن را منفور جلوه داد که پس از این کنفرانس، ساختن فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای که به نحوی با مسأله امام زمان ارتباط دارد، گسترش یافت؛ آنها نمی‌توانند امام زمان را انکار کنند، لکن کتاب‌ها و فیلم‌هایی که عرضه کرده‌اند - نظیر فیلم صهیون، آرماگدون\* و... - همه در پی

\* یعنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان؛ همچنین نام شهری است در منطقه عمومی شام که

اثبات برتری غربیان، در زمینه آینده جهان است.

### نظریه صهیونیست‌ها در زمینه اعتقادات آخرالزمانی

به نظر صهیونیست‌ها - در زمینه اعتقادات آخرالزمانی و موعودگرایانه - محل این نبرد در ۲۰ مایلی جنوب شرقی حیفا و ۱۵ مایلی دریای مدیترانه - میان مرز اردن و فلسطین اشغالی - است؛ در این منطقه ارتشی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از شرق و غرب عالم، در محل شهر باستانی میگدون در منطقه آرماگدون گردمی آیند تا مسیحای موعود را شکست دهند به فرماندهی دجال، ولی شکست خواهند خورد و پیروزی از آن یهودیان خواهد بود.

صهیونیست‌ها مؤسسات زیادی به راه انداخته‌اند و کتاب‌های زیادی در این باره نوشته‌اند؛ کتاب‌هایی مانند:

۱- زمین، سیاره بزرگ مرحوم؛

۲- جهان نوبتی در حال فرار رسیدن است؛

۳- شما و سال ۲۰۰۰؛

۴- چه بر سر ما می‌آید؟

بنا به آنچه در باب ۱۶ مکاشفات یوحنا آمده، جنگ عظیمی در آنجا رخ خواهد داد؛ این همان حادثه عظیمی است که در کلام المته مابین به نام قرقیسا آمده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «در این جنگ بزرگ که میلیون‌ها نظامی از روم (غرب) و خاورمیانه (ایران، سوریه، لبنان و عراق) گردمی آیند، سفیانی پس از آن که نیروها را چون کشتزاری درو کرده و درهم می‌کوبد و از صحنه نبرد پیروز بیرون می‌آید، خود را برای کشتن آل محمد و شیعیان آماده می‌کند و سپاهانش وارد قرقیسا (آرماگدون) می‌شوند و جنگی سخت به راه می‌اندازد که صدها هزار نفر در آن کشته می‌شوند و خداوند سفره‌ای عالی در قرقیسا می‌گستراند که منادی آسمان بانگ می‌زند: هان ای پرندگان زمین بشتابید و از گوشت ستمگران، شکمی سیر نمایند!».

۵- آمادگی‌های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰؛

ایستگاه‌های ماهواره‌ای، جنگ آرماگدون را در آمریکا و اسرائیل تبلیغ می‌کنند؛ شبکه چهارم تلویزیون اسرائیل، دائماً از آرماگدون و جنگ آینده خبر می‌دهد.

(گرس - هال - سل) در کتاب تدارک جنگ بزرگ می‌نویسد: «شبکه چهارم تلویزیون اسرائیل همواره می‌کوشد مردم را متقاعد سازد که لازم نیست در راه اصلاح بکوشند؛ بلکه باید به جای آن، جنگ را بخواهند؛ زیرا خواست خداست؛ آن را چنین توجیه می‌کنند که خداوند در ازل مقدر فرموده که دقیقاً همین ما مردمانی که در این نسل زندگی می‌کنیم، باید به این جنگ هسته‌ای دست بزنیم؛ آیاتی از انجیل و گوشه‌هایی از کتاب حزقیال و دانیال نبی را نقل می‌کنند تا اثبات کنند که ما در دوره آخرالزمان هستیم؛ آنان هیچ‌گاه به یاد مردم نمی‌آورند که مسیح، پیام صلح به همراه داشت و از جنگ و خون‌ریزی متنفر بود».

سناریوی استراتژیست‌های صهیونیسم بین‌المللی در جنگ آرماگدون یک آینده خونین و سراسر بحران برای بشریت ترسیم می‌کند و دلیل این جنگ هسته‌ای را آیه ۱۲ باب ۱۴ سفر زکریای نبی (تورات) می‌داند؛ آن‌جا که آمده «گوشت ایشان در حالی که بر پاهای خود ایستاده‌اند کاهیده خواهد شد و چشمانشان از حدقه گداخته خواهد گردید و زبانشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت».

مسیح همچون ژنرالی که ارتش خیری را رهبری می‌کند، نخست کسانی که شهر اورشلیم را غارت کرده‌اند، تارومار خواهد کرد؛ سپس ارتش‌هایی را که



در دره میگردون و منطقه آرماگدون جمع گشته‌اند به هلاکت خواهد رسانید. وی با سلاح‌های هسته‌ای، ارتش دجال را خواهد کشت؛ به گونه‌ای که تا فاصله ۲۰۰ مایلی اورشلیم، خون تا دهان اسبان بالامی آید؛ تمام مرغانی که در آسمان پرواز می‌کنند، می‌آیند به جهت ضیافت عظیم و بخورند گوشت پادشاهان و سپهسالاران و جباران و اسبان و همگان؛ تمامی شهرها - مانند لندن، پاریس، توکیو، نیویورک، لوس آنجلس - با خاک یکسان خواهد شد؛  $\frac{2}{3}$  یهودیان کشته خواهند شد؛ باران‌های سیل آسا و تگرگ سخت، آتش و گوگرد، تکان‌های سختی در زمین پدید خواهد آورد؛ کوه‌ها سرنگون خواهد شد؛ خاندان اسرائیل مدت ۸ ماه کشتگان آرماگدون را دفن خواهند کرد تا زمین از وجودشان پاک گردد.

میدان نبرد آرماگدون از میگردون در شمال تا ادوم در جنوب - در فاصله ۲۰ مایلی - کشیده شده است و از دریای مدیترانه در غرب تا تپه‌های موآب در شرق خواهد بود.

از نظر صهیونیست‌ها جبهه متحدین دجال عبارتند از روسیه، ایران، مناطق جنوبی و شمالی آفریقا و عراق؛ اینک مسیحای یهود (مشیا) در هیبت ژنرال پنج ستاره به عنوان سرفرماندهی کل نیروهای خیر، فاتحانه از دره میگردون گذشته و از دروازه اصلی، وارد شهر اورشلیم (بیت المقدس) می‌شود؛ تمامی ساکنان زمین جز پیروان حقیقی مسیح، مرده‌اند و از این پس، حکومت ملکوت مسیح بر زمین، به مرکزیت اورشلیم برقرار خواهد شد؛ جالب این است که ریگان - رئیس جمهور اسبق آمریکا - همواره تأکید می‌کرده که «برای یک آرماگدون واقعی مسلح شویم»؛ او در سال ۱۹۸۳ قاش

کرد که آرماگدون همواره ذهن وی را به خود مشغول ساخته است. مؤسسه مذهبی «تل سن» طی یک نظرسنجی در مورد جنگ آرماگدون اعلام داشت که «۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعی آرماگدون می‌باشند و بدین ترتیب مسیحیان آمریکایی و یهودیان اسرائیلی خود را برای جنگ آخرالزمان (آرماگدون) آماده می‌کنند».

ولی با همه تلاش دشمن، آنچه روشن و قطعی است این است که امروزه انقلاب اسلامی ایران که زمینه‌ساز ظهور می‌باشد به رغم توطئه‌های بی‌شمار شرق و غرب، به پیروزی رسیده و طلیعه ظهور، نمایان شده و اکنون ناقوس مرگ تمدن مادی را به صدا درآورده است و مقدمات و زمینه‌های ظهور را فراهم می‌کند و فریاد دفاع از فلسطین و همه محرومان و مستضعفان عالم و نابودی اسرائیل و همه ظالمان و ستمگران را شعار خود قرار داده و می‌رود تا با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله، در سراسر عالم، در برابر همه کسانی که مقابل دین ما ایستاده‌اند، بایستند و عرصه را بر آنان تنگ کند و مسلمین را به عنوان اولین ابرقدرت جهانی معرفی کند؛ ان شاء الله.

## یأس و امید

چنان‌که بیان شد، سعی استکبار، در جهت از بین بردن روح امید مسلمین و مستضعفین می‌باشد؛ چراکه یأس و بدبینی، نظام زندگی را مختل می‌کند؛ اگر روح یأس در اجتماعی رسوخ کند، آن لحظه زمان مرگ آن جامعه است؛ همه حیثیت‌های انسانی بر باد می‌رود؛ اخلاق زایل می‌گردد؛ فضیلت‌ها کشته می‌شود؛ نوع دوستی و فلسفه خدمت به خلق، از میان می‌رود و جای خود را به خودپرستی می‌دهد؛ گوشش‌ها برای جلب منافع و

لذا ید شخص‌ی صرف می‌شود، هر چند که به ضرر دیگران باشد و همه فقط در اندیشه حفظ و ابقای خود هستند و دیگر هیچ.

انسان ناامید، در هیچ میدانی موفق نیست و این انسان ناامید است که در پی ناکامی‌ها، حتی به خودکشی دست می‌زند.

از نتایج بد یأس از آینده، تن دادن به وضع موجود است؛ چون همه تلاش‌ها برای فردای بهتر است و اگر مسلم‌انگاشته شد که فردای بهتری در پیش نیست، دیگر تلاش‌ها بی‌ثمر جلوه می‌کند؛ و اگر بر مغزها این اندیشه استعماری و شیطنی - که راهی به خوش‌بختی و نجات نیست - حکومت کند، همه راه‌ها به بن‌بست می‌رسد و باید کنار رفت و دست بردست گذاشت؛ آن‌که می‌گوید «از من کاری ساخته نیست» می‌گریزد و باگریز خود، وضع موجود را استحکام می‌بخشد. آن‌که می‌گوید «امکان رستگاری نیست» خود و دیگران را از میدان به در می‌کند؛ در نتیجه، نظام ستمگرانه مستقر، ادامه می‌یابد.

حتماً دیده‌اید فردی که دچار یأس می‌شود، همه چیز را کنار می‌گذارد حتی وظایف فردی را؛ و با دم سرد خود، زندگی را سرد می‌کند؛ اگر این اندیشه به جامعه راه یابد، به همه کارها سرایت می‌کند؛ در این‌گونه اجتماعات - خواه ناخواه - تکلیف و مسؤولیت مفهوم ندارد و سرانجام، اجتماعی سرخورده و ویران پدید می‌آید؛ پیوندها از هم گسسته و راه برای هرگونه سیاهی و پلیدی باز می‌شود؛ چون هرکس سربه‌گریبان خود فرو برده است و در نتیجه سررشته‌داران امور، از این وضع نهایت استفاده را می‌برند.

از همه دردناک‌تر این است که در چنین اجتماعی، آنچه هست، گرایش به فساد و ردیلت است؛ چون هنگامی که فرد از پدید آوردن راستی و درستی

سرخورده شد و احساس و خواسته‌های او کشته شد، ناگزیر احساس و نیاز دیگری جای آن را می‌گیرد و حس رضای بدلی به وجود می‌آید و آن نیازها در جای دیگر اشباع می‌شود که عبارت است از فساد، لایالی‌گری، پشت پا زدن به اصول زندگی، فرصت‌طلبی، نهیلیسم و پوچ‌گرایی و...

درست به خاطر همین نتایج است که استکبار و طرفدارانش، روح یأس و ناامیدی را در بین مسلمانان و آزادی‌خواهان اشاعه می‌دهند؛ ولی قرآن کریم به جنگ ناامیدی می‌رود و با همه نشانه‌ها به مردم امید می‌دهد؛ انسان مؤمن هیچ‌گاه درها را به روی خود، بسته نمی‌بیند.

خداوند کریم، امید و پیروزی را به مؤمنین نوید داده و یأس و ناامیدی را برای کافرین می‌داند که برای نمونه، چند آیه را ذکر می‌کنیم:

۱- ﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛

«نباید در تعقیب کردن دشمنان، گاهلی کنید که اگر شما از آنان به رنج و زحمت می‌افتید، آنها نیز از دست شما رنج می‌کشند؛ ولی شما به لطف خدا امید دارید و آنها امید می‌ندارند و خداوند دانا و حکیم است».

۲- ﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنْ اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ «خداوند، مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چرا که خداوند، قوی و شکست‌ناپذیر است».

۳- ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛ «تنها، لشکر خدا (در دو عالم)

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۲. سوره مجادله، آیه ۲۱.

۳. سوره مائده، آیه ۵۶.

پیروز و غالب خواهند بود».

۴- ﴿وَلَا تَيْئَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ «از رحمت خدا نومید و مأیوس نشوید که جز کافران، از رحمت خدا نومید نیستند».

امام خمینی علیه السلام می فرماید:

«وقتی این فکر، در یک ملت پیدا شد و این اراده در یک ملت پیدا شد، کوشش می کند و دنبال کوشش، این مطلب (نظام اسلامی) حاصل می شود.

یأس، از جنود ابلیس است؛ یعنی شیطان ها انسان را به یأس وامی دارند؛ همین ابلیس هایی که در طول تاریخ، ملت های ضعیف را مأیوس کرده اند؛ همین هایی که به ملت های ضعیف، تزریق کردند که ما هیچ نمی دانیم و هیچ نمی توانیم؛ همین هایی که به ملت های ضعیف - به واسطه وابستگی شان به خارج - گفتند که ما باید غربی باشیم؛ ما ارتشمان هم باید از غرب برایش یک کسی بیاید...

ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید، که از جنود الله است، در خودمان زنده بکنیم؛ به خودمان امیدوار باشیم؛ تکیه به اراده خودمان بکنیم؛ تبع اراده دیگران نباشیم».<sup>۲</sup>

امام خمینی علیه السلام در مورد این که در هیچ زمان و مکانی یأس به خود راه

نداده و همواره در طول نهضت، امیدوار بوده، چنین فرموده است:

«یکی از جنود ابلیس، یأس است در اموری که انسان باید با امید و

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

۲. ر.ک: صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۸۶.

طمأنینه و تسلیم، عمل بکند و شیاطین ایجاد یأس می کنند و با این ایجاد یأس، جوانان را در آن مسائلی که باید با تصمیم جدی پیش ببرند، گاهی سست می کنند.

من آن قدری که یاد دارم، از اول نهضت تا حالا که این جا نشسته ام - چه آن وقتی که در حبس بودم و چه آن وقتی که در تبعید به ترکیه بودم و چه وقتی که در عراق بودم و چه آن وقتی که به پاریس آمدم و چه آن وقتی که شاه، با آن طمطراق ها و قدرت ها بود و چه آن وقت که او رفت و بختیار شروع کرد - من هیچ وقت مأیوس از مسائل نبودم و اعتقاد این بوده است که این ملت، وقتی که چیزی را بخواهد، می شود.

خداوند، حافظ ملت های اسلام خواه، در برابر تعدی قدرت های بزرگ است»<sup>۱</sup>.

بنابراین اهمیت موضوع چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام در این است که به مسلمانان و آزادی خواهان، امید و نشاط می دهد و به استکبار و منافقان، یأس و پژمردگی و اضطراب، و بدین وسیله می توانیم شگرد استعمار - که دمیدن روح یأس، در بین انقلابیون و مسلمانان است - را خنثی کنیم؛ چون در حقیقت، هنگامی شکست خورده ایم که باور کنیم که شکست خورده ایم؛ زیرا شکست، از درون شروع می شود و از طرز تفکر و اراده شخصی ناشی می شود؛ هنگامی که درماندگی و یأس را به درون راه دادیم، به بیرون نیز راه پیدا می کند؛ به گفته مشهور:

«از کوزه برون همان تراود، که در اوست».

در صفحه ۵۳ کتاب راز کام یابی مردان بزرگ، آمده است:

«کمتر کسی از خود شکست، شکست خورده است؛ اغلب، قبول شکست است که منجر به شکست می شود».

چون شکست و پیروزی، بیشتر نتیجه روانی دارد؛ در جنگ‌های دنیای امروز نیز شایعاتی انتشار می دهند - برای تضعیف روحیه - تا فکر دشمن ضعیف و خاطرش پریشان گردد و احتیاج به جنگ خونین در میدان مبارزه، به حداقل برسد.

اهمیت دیگری که این موضوع دارد، این است که نوید دهنده آینده‌ای درخشان و ایجاد کننده روح امید و مقاومت و تلاش برای امت اسلامی در برابر دشمنان اسلام است و همگی را موظف به آمادگی جهت ظهور حضرت و کوشش برای اصلاح جامعه مطلوب می نماید؛ چراکه بر اساس روایات، مدیران و کارگزاران و نیروهای رزمی حضرت، از کشورهای مختلف می باشند؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«قائم روی می آورد با چهل و پنج مرد از نه منطقه».<sup>۱</sup>

همچنان که در روایات زیادی آمده است که در میان یاران مهدی علیه السلام افرادی شایسته از مصر و مؤمنانی واقعی از شام و افراد نیکوکاری از عراق وجود دارند.<sup>۲</sup> و همچنین در روایاتی سخن از افراد شایسته‌ای از مصر، یمن، ایران، حاکم بلاد مشرق و حاکم بلاد آفریقا و علمایی از نقاط مختلف عالم به

۱. خصال صدوق، ص ۴۲۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۴.



میان آمده است، و در مجموع، بنابر حدیثی که در این زمینه آمده است، یاران او، نیکان امت هستند.<sup>۱</sup>

زنان نیز در زمره یاوران حضرت قرار دارند؛ از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«در میان یاران مهدی علیه السلام پنجاه نفر زن وجود دارد».<sup>۲</sup>

### اهمیت انتظار

یکی از ادله اهمیت و ضرورت تحقیق در مورد چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام، انتظار فرج است؛ بدیهی است که انتظار فرج - که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را افضل عبادات شمرده -<sup>۳</sup> تنها یک امر ذهنی نیست؛ بلکه اضافه بر آمادگی ذهنی، باید در کتابها و جامعه نیز مطرح باشد؛ این تحقیق در پی طرح مسائلی است که جملگی، حکایت از انتظار علمی و عملی می نمایند.

### انتظار چیست؟

گفتم که روی خوبت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی و نه رخ عیان است

گفتم که از که پرسم جانا نشان رویت

گفتا نشان چه پرسی آن گوی بی نشان است<sup>۴</sup>

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۴. فیض کاشانی.

انتظار به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است؛ انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است.

زمانی می‌توانیم حقیقت انتظار را درک کنیم که بدانیم امام زمان را برای چه می‌خواهیم؛ در واقع تا تشنه نشویم، به آن حقیقت دسترسی نخواهیم داشت؛ مادامی که عطش انتظار و این احساس نیاز و حالت اضطرار و افتقار به حجت و امام عصر، در وجود ما شکل نگیرد، به دنبال حضرت نخواهیم رفت.

آب کم جو تشنگی آور به دست      تا بجوشد آیت از بالا و پست

شاخصه اعتقاد به مهدی عج انتظار و آمادگی مداوم برای ظهور امامی است که در صدد نابودی ظلم و ستم، فساد، تباهی، بی‌دینی، و انحراف از جهان است.

به گفته شهید سید محمد باقر صدر: «مهدویت تبلور یک الهام فطری است؛ تفکر نفی هر نوع ظلم و ستم، اینک تجسم یافته در شخصیتی که به همه «نه» می‌گوید و تعهدی نسبت به هیچ ستمگری ندارد».<sup>۱</sup>

انتظار، روح حیات سیاسی شیعیان و اساس باورهای آنان و الهام‌بخش حرکت‌های دینی و اصلاح طلبانه به شمار می‌رود.

شیعه، بالندگی خود را مدیون انتظار می‌داند و با آن نفس می‌کشد.

شیعه‌ای که شیفته تجدد و مدرنیته است، شیعه‌ای که نه تنها منتقد نظام ظالمانه حاکم بر دنیای امروز نیست بلکه مجذوب آن است، شیعه‌ای که تسلیم فرهنگ غرب است، از افق‌های متعالی ظهور امام زمان غافل است؛ «شیعه بودن» و «در تب و تاب وضع مطلوب نبودن» مگر با هم جمع می‌شود؟!

انتظار و امیدورای به وعده الهی، نمی‌گذارد که چشمه معنویت و غیب‌اندیشی در ما بخشکد؛ کسانی که در کثرت تودرتوی زمین گرفتارند، زندگی‌شان سردرگم می‌شود.

نی صفا می‌ماندش نی کز و فر  
نی به سوی آسمان راه سفر

انتظار بقیة الله انسان را از صحنه تنگ عالم کثرت، به گستره بی‌نهایت عالم وحدت و مقام حضور می‌کشاند؛ در فرهنگ مدرنیسم، از بقای با حق، به تزلزل با زمین گرفتار آمدیم؛ یعنی حکم زمین گرفتار حرکت، بر جان ما سرایت کرده؛ چون جهت جان را از خدایی که عین بقا و قرار است، به زمینی که عین حرکت و بی‌قراری است انداختیم و برای تسلط بر زمین، همواره ابزارهایی که خود نیز عین بی‌قراری است ساختیم؛ از آسمان و غیب و قرار و انس و ایمان واماندیم.

انتظار، جهت قلب را از زمین، به آسمان می‌کند و از گرفتاری هبوط در زمین می‌رهاند.

### آثار انتظار

انتظار دارای آثار زیادی است از جمله:

۱- نفی وضع موجود (فساد، ظلم، بی‌عدالتی و تباهی)؛

۲- عدم پذیرش حکومت‌های ظالم؛

۳- اصلاح طلبی و امید به زندگی بهتر؛

۴- تلاش و کوشش برای پیشرفت؛

۵- تشکیل حکومت‌های مشروع؛

انتظار فرج، یکی از عقاید انسان‌ساز و انقلاب‌آفرین و منبع مهم شوق‌دهی

و زمینه‌سازی حکومت عدل و ایمان است.

انتظار، جنبش‌آفرین و تحرک‌بخش و سرچشمه شور و مقاومت و ایثار و قیام است.

به گفته دکتر علی وردی (استاد دانشگاه بغداد): «تشیع آتشفشان خاموش کوهسار اسلام است که گاه و بی‌گاه، دود، بخار، لرزه و تکان اندکی پدید می‌آورد و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است»<sup>۱</sup>.

شیعه یعنی شوق یعنی انتظار

صاحب آیینه تا صبح بهار

شیعه یعنی صاحب پا در رکاب

تا که خورشید افکند از رخ نقاب

هانری گربن - اسلام شناس فرانسوی - می‌گوید:

«مفهوم غیبت، هرگز در چهارچوب درخواست‌های دنیای امروز، در معرض تفکر قرار نگرفت؛ این امر - به عقیده این جانب - چشمه‌ای بی‌نهایت و ابدی از معنا و حقایق است؛ مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه‌ای نو احساس می‌کنم و چنین به دلم الهام می‌شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته می‌دانم»<sup>۲</sup>.

وی می‌گوید: «سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار است؛ قلمروی که در آن، امام غایب، دست‌اندرکار فرارساندن ساعت موعود در زمان غیبت است».

این نظریه را بیگانگان و مستشرقان نیز، از امتیازات شیعه ذکر کرده‌اند.

۱. فصل نامه، انتظار، ش ۲.

۲. همان.

## انتظار از نظر مستشرقان

جان دی استمپل: «از نظر تاریخی، شیعه معتقد است که هر دولت غیر مذهبی، ذاتاً فاسد است و سرانجام هنگام ظهور مهدی علیه السلام - امام دوازدهم شیعیان - [آن دولت] باید سرنگون شود و به جای آن، حکومت عدل الهی در جهان مستقر گردد...»<sup>۱</sup>

جیمز دارمستر - شرق شناس معروف فرانسوی -

«در حله که نزدیک بغداد است، همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ می ستاندند و... فریاد می زدند که: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! بیرون بیا». وی می گوید: «قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می توان کشتار کرد، اما مطیع نمی توان ساخت».<sup>۲</sup>

مارین محقق آلمانی: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه می باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است».<sup>۳</sup>

برنارد لویس - در مقاله خود به نام شیعه در تاریخ اسلام - می نویسد: «سرکوبی بسیاری از قیام ها و ناپدید شدن رهبران آنها، باعث ظهور ویژگی دیگری در دکتترین شیعی شد و مسائلی چون غیبت و رجعت حضرت مهدی - آخرین امام شیعیان - به وجود آمد. پیروان وی معتقدند که وی نمرده؛ بلکه مخفی شده و به زودی از مخفی گاه خویش باز خواهد گشت و این از اساسی ترین قسمت های این اعتقاد به شمار می رود... این منجی گری تبدیل

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشیع شد.<sup>۱</sup>

ویلیام وات - محقق دانشگاه ادین بورگ - در کتاب اصول گرایبی اسلام و مدرنیسم می‌گوید: «اعتقاد به امامت و انتظار از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشه‌های سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند».<sup>۲</sup>

مارتین کرام: «طرفداران پرشور امام خمینی، او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می‌دانند؛ چنین عنوانی به این معنی است که پیروان امام خمینی، قدرت او را الهی و مشروع می‌دانند. جاذبه امام خمینی و علماء، بازتابی از ستایش ائمه است».<sup>۳</sup>

### اهمیت انتظار فرج، در احادیث

۱- حدیث معروفی که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ۳۸ منبع شیعی و سنی نقل شده که فرموده‌اند:

«أفضل العبادة انتظار الفرج؛ یعنی با فضیلت‌ترین عبادت، انتظار فرج است».<sup>۴</sup>

البته از پیامبر گرامی، ۲۲ حدیث دیگر در ارزش انتظار فرج - در کتاب منتخب‌الآثر - نقل شده است.

۲- امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام از اهل هر زمان، فاضل‌ترند».<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۸.

۵. منتخب‌الآثر، ف ۲، ب ۲۴، ح ۱.

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«به تحقیق، برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست، آن را می آورد؛ هرکس دوست دارد که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید عمل به پارسایی و اخلاق نیک کند»<sup>۱</sup>.

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کسانی که در انتظار دولت قائم از دنیا بروند، چون آنانند که در خدمت قائم باشند».

امام علیه السلام پس از این سخن، مکشی کرده و سپس فرمودند:

«بلکه چون آنانند که در رکاب مهدی، شمشیر زده باشند».

سپس فرمودند:

«نه، به خدا سوگند! اینان چون آن کسانی که در خدمت پیامبر، به شهادت رسیده باشند»<sup>۲</sup>.

شهید مطهری رحمته الله علیه که به مقایسه دو دیدگاه درباره انتظار پرداخته، چنین می گوید:

«انتظار فرج، دو گونه است:

الف- انتظاری که سازنده است؛ تحرک بخش است؛ تعهدآور است.

ب- انتظاری که ویرانگر است؛ بازدارنده است؛ فلج کننده است و نوعی

اباحی گری محسوب می شود».

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۴۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.



### ۱- انتظار ویران گر

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود علیه السلام این است که صرفاً ماهیت انفجار دارد؛ فقط و فقط، از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود؛ آنگاه که صلاح، به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یگانه‌تاز میدان گردد و جز نیروی باطل، نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل آن؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید.

بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن است؛ تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب، ظاهر نمی‌شود. برعکس، هر گناه و فساد و ظلم و تبعیض و حق‌کشی و پلیدی - به حکم این که مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند - رواست؛ زیرا هدف‌ها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کند؛ پس بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است! این جا است که گناه، هم فال است و هم تماشا؛ هم لذت و کام‌جویی است، هم کمک به انقلاب مقدس نهایی.

این گروه، طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند؛ زیرا آنان را از اسباب تأخیر ظهور و قیام مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌شمرند. برعکس اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه، با نوعی رضایت به گناه‌کاران و عاملان فساد می‌نگرند؛ زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم

می نمایند.

## ۲- انتظار سازنده

آیات قرآن، در جهت عکس برداشت بالاست؛ از آیات، استفاده می شود که ظهور مهدی موعود، حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهم بودن یک فرد در این مهم موقوف به این است که آن فرد، عملاً در زمره اهل حق باشد. آیاتی که در روایات به آنها اشاره شده است، نشان می دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است؛

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup>؛ «خداوند، به مؤمنان و شایسته کاران، وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد».

ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال، در کتب آسمانی به صالحان و متقین داده است که زمین متعلق به آنان است و سرانجام کار، تنها به نفع پرهیزگاران است؛

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup>.

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۳</sup>.

و نیز حدیث معروفی که ذکر می گردد، شاهد مناسبی برای مدعای ما

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

می باشد نه مدّعی مخالفان اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر؛

«یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛ خداوند، زمین را به وسیله مهدی علیه السلام پر از عدل و انصاف می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.»

در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود مظلوم می باشد و می رساند که قیام مهدی علیه السلام برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند و در روایت، صحبتی از پرشدن زمین از فساد و گناه نشده است.

در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام، به آن حضرت ملحق می شوند؛ بدیهی است که این گروه، ابتدا به ساکن، خلق نمی شوند و به قول معروف، از پای بوته هیزم، سبز نمی شوند. معلوم می شود که در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه های عالی و مناسبی وجود دارد که چنین گروه زبده ای را پرورش می دهد؛ این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه قرضاً اگر اهل حق، از نظر کمیت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیت، ارزشمندترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء می باشند.

از نظر روایات اسلامی، در مقدمه قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام های دیگر از طرف اهل حق صورت می گیرد؛ آنچه به نام قیام یمانی، هاشمی و خراسانی در دوران قبل از ظهور بیان شده، نمونه ای از این سلسله قیام هاست؛ این جریان ها نیز، ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی دهد. در برخی از روایات اسلامی، سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام

مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ادامه پیدا می کند و استنباط علمای شیعه، از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی علیه السلام این نیست که جناح حق و عدل و ایمان یکسره درهم شکنند و نابود شود و اثری از صالحان و پرهیزگاران باقی نماند تا دولت مهدی علیه السلام ظاهر شود؛ بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی بندوباری تلقی کرده اند؛ یعنی گروه صالحان نیز با تمام قوا در راستای اهداف بر حق خود در صحنه های گوناگون، ایفای نقش می کنند تا زمان موعود فرارسد و آنان به پیروزی نهایی دست یابند.

از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است؛ مهدی موعود، تحقق بخش خواسته های ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است.<sup>۱</sup>



### ردّ انجمن حجّتیّه از سوی امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام در ردّ انجمن حجّتیّه - که بر این عقیده اند که بگذارید معصیت زیاد شود تا حضرت حجّت بیاید - چنین می فرماید:

«و یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید؛ حضرت صاحب، مگر برای چی می آید؟ حضرت صاحب می آید معصیت را بردارد؛ معصیت کنیم که او بیاید؟!»

۱. ر.ک: قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۱-۶۸.

این اعوجاجات را بردارید؛ این دسته‌بندی‌ها را - برای خاطر خدا - اگر مسلمید و - برای خاطر کشورتان - اگر ملی هستید این دسته‌بندی‌ها را بردارید؛ و این موجی که الآن این ملت را به پیش دارد می‌برد، در این موج، خودتان را وارد و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست»<sup>۱</sup>.

به دنبال این حمله تند و صریح امام خمینی علیه السلام، انجمن حجّتیّه، طی اطلاعیه‌ای که در اول مرداد ماه سال شصت و دو منتشر کرد، کلیه جلسه‌ها و برنامه‌های خود را تعطیل اعلان نمود؛ متن اطلاعیه بدین شرح است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اعضای محترم انجمن حجّتیّه مهدویّه

با ابلاغ سلام و تقدیم مراتب موذت، به اطلاع می‌رساند، روز سه شنبه بیست و یک تیرماه شصت دو (عید سعید فطر) حضرت نایب الامام آیه الله العظمی امام خمینی در بخشی از بیانات مبسوط خویش فرمودند:

«یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید... برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست».

در پی این فرمایش، شایع شد که طرف خطاب و امر مبارک، این انجمن است؛ در مقام استفسار برآمدیم، البته تماس مستقیم میسر نگشت، لکن با تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت‌های محترمه موثقه و بنابر قرائن کافیه،

محرز شد که مخاطب امر معظم له، این انجمن می باشد؛ لذا کلیه جلسه ها و برنامه ها باید تعطیل شود»<sup>۱</sup>.



### معنای دقیق انتظار از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام، معنای دقیق انتظار فرج را این گونه بیان فرمودند:

«سیره انبیاء بر این بوده است، سیره بزرگان بر این بوده است که معارضه می کردند با طاغوت؛ ولو این که زمین بخورند؛ ولو این که کشته بشوند و یا کشته بدهند؛ ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد؛ در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود؛ این ارزش دارد؛ ما تکلیف داریم آقا!

این طور نیست که حالا که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، پس دیگر بنشینیم در خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: عجل علی فرجه. عجل، با کار شما باید تعجیل بشود؛ شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید همه با هم بشوید؛ ان شاء الله - ظهور می کند ایشان»<sup>۲</sup>.

انتظار، آمادگی است؛ حالت آماده باش داشتن و تهیه مقدمات برای آنچه که انتظار داریم؛ چنان که در زیارت مخصوص حضرت مهدی علیه السلام، هر صبح و شام می خوانیم: «و نصرتی لکم معدة؛ یعنی من برای یاری شما آماده ام».

امام خمینی علیه السلام می فرماید:

۱. رک: در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۴-۵.

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

«همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود؛

بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر نفر از شما (شیعیان) برای ظهور قائم، اگر چه یک تیر هم که باشد،

باید آماده کند»<sup>۲</sup>.

آنان که به پستی و سازش با ظلم و فساد گرایش دارند، باید بدانند که مهدی علیه السلام مبلغ حماسه و سربلندی و مبارزه با ظلم است؛ او مرد شورش و قیام و پامردی است که برای نجات مظلوم می آید.

و فرق است بین انظلام (پذیرش ظلم) و مظلومیت (مورد ستم قرار گرفتن)؛ انظلام، گناه است؛ ستم پذیری، گناه است.

امام زمان علیه السلام برای نجات یک عده ستم پذیر و راحت طلب، ظهور نخواهد کرد. اگر بنا باشد که مسأله ظهور مهدی موعود، مسأله راحت طلبی باشد، تمام مبارزات انبیا و امامان - در طول تاریخ - اشتباه بوده است!

### امام خمینی علیه السلام و ردّ نظریات انحرافی در باب انتظار

امام خمینی علیه السلام، در ردّ سخنان کسانی که با تمسک به احادیث، می گویند: «هر علمی که قبل از قیام قائم، بلند شود، باطل است و بنابراین نیاید هیچ اقدامی نمود؛ زیرا هر اقدامی حرام و محکوم به شکست است» می فرماید:

«یک دسته دیگری بودند که می گفتند: هر حکومتی اگر در زمان غیبت، محقق شود، این حکومت باطل است؛ آنها مغرور بودند؛ آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند؛ خیال کرده بودند... که هر کس علم بلند کند

۱. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۶.



علم مهدی به عنوان مهدویت، بلند کند؛ حالا ما فرض می‌کنیم که همچون روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که ما تکلیفمان ساقط است؛ یعنی خلاف ضرورت اسلام!؟<sup>۱</sup>

و نیز می‌فرمود:

«یک دسته دیگر می‌گفتند: باید عالم پر از معصیت شود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم؛ امر به معروف نکنیم... گناه‌ها زیاد شود که فرج نزدیک شود. یک دسته‌ای از این بالاتر بودند؛ می‌گفتند: باید دامن زد به گناه‌ها؛ دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت تشریف بیاورند... این معنی که ما دیگر معصیت کنیم تا حضرت صاحب بیاید؛ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند، برای چی می‌آیند؟ برای این که گسترش بدهند عدالت را؛ برای این که حکومت را تقویت کنند؛ برای این که فساد را از بین ببرند. ما بر خلاف آیات شریف قرآن، دست از نهی از منکر برداریم؛ دست از امر به معروف برداریم؛ توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند!؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد؟ بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد و حسب رأی این جمعیت - که بعضی شان بازیگرند و بعضی شان نادان - این است که ما باید بنشینیم، دعا کنیم به صدام؛ هر کس نفرین به صدام کند، خلاف کرده است؛ برای این که حضرت دیر می‌آیند!؟»<sup>۲</sup>



۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

### اهداف تحقیق

اهداف بررسی موضوع «چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام» بدین قرار است:

- ۱- بیان چگونگی ظهور، از نظر شرایط زمانی و مکانی.
- ۲- بیان چگونگی نشانه‌ها و علائم قبل و هنگام ظهور.
- ۳- چگونگی شخصیت کسی که ظهور می‌کند؛ از نظر اسم، کنیه، لقب، صفات ظاهری و باطنی.
- ۴- چگونگی یاران؛ از نظر تعداد، صفات، شهرها، کشورها، افراد مشهور حمایت‌کننده.
- ۵- چگونگی دشمنان؛ از نظر تعداد، افراد شاخص، صفات، برنامه‌ها و کشورهای آنان.
- ۶- چگونگی اوضاع جهانی، قبل از ظهور.
- ۷- چگونگی اوضاع حکام اسلامی، قبل از ظهور.
- ۸- چگونگی وضعیت و حالت مسلمین، قبل از ظهور.
- ۹- چگونگی حرکت و خط سیر حضرت از ابتدا تا انتها.
- ۱۰- چگونگی غلبه و پیروزی در جنگ‌ها؛ با شمشیر یا معجزه یا هر دو؟
- ۱۱- چگونگی زندگی کنونی از حیث همراهان، هدایت عامه، تشرّف یافتگان و دستگیری‌ها.
- ۱۲- چگونگی آثار و برکات وجود حضرت مهدی در دوران غیبت.
- ۱۳- چگونگی وظیفه دینی، پیش از ظهور حضرت مهدی.
- ۱۴- چگونگی راه و روش حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور.

جامع همه اهداف گذشته، ارائه سیمایی کلی از سرگذشت آن حضرت به صورتی پیوسته، ساده، منظم و مستند می باشد؛ تا بدین وسیله بتوانیم به آرزوی دیرینه مشتاقان آن وجود شریف و همه مسلمانان جهان، جامه عمل بپوشانیم؛ و من الله التوفیق.

### روش تحقیق

از آن جا که در این تحقیق، درصدد بیان چگونگی ظهور و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام هستیم؛ با مراجعه به کتب و منابع تاریخی شیعه و سنی و روایات مختلفی که در رابطه با حضرتش از طریق فریقین، نقل شده است، آنها را با توجه به اولویت سندی، دلالتی و - در صورت امکان - از اخبار متواتر، گزینش کرده ایم و سعی شده است که همگی را در یک تسلسل و نظم منطقی و طبیعی قرار دهیم و درصدد کشف و بررسی روابط موجود، بین عوامل و شرایط و علائم ظهور هستیم و به عبارت دیگر: این پژوهش، در پی بررسی امکان وجود روابط علت و معلولی از طریق عقلی و مطالعه نتایج موجود و زمینه قبلی آنها، به امید یافتن علت وقوع پدیده، یا عمل است؛ به این لحاظ، نوع تحقیق را می توان علی نامید؛ با توجه به این که این نوع تحقیق، دارای نکات مثبت و منفی می باشد.

### نکات مثبت موجود در تحقیق علی

۱- در این نوع تحقیق، پژوهشگر - تنها - علل وقوع حادثه را جمع آوری می نماید و هیچ گونه دخالتی در بروز حادثه ندارد.

۲- این نوع تحقیق، وقتی صورت می‌گیرد که کنترل تجربی و آزمایشگاهی برای انجام هدف‌های تحقیق، غیر عملی و پرخرج و از نظر فرهنگی و قومی خوش آیند نباشد.

۳- این نوع تحقیق، هنگامی است که گزینش، کنترل و دست‌کاری عوامل لازم برای بررسی و مطالعه مستقیم و روابط علی - معلولی، مقدور نیست.

۴- در این نوع پژوهش، در مورد کیفیت پدیده‌ها یا متغیرها، اطلاعات مفیدی ارائه می‌شود؛ مانند چگونگی ارتباط متغیرها، چگونگی شرایط وقوع آنها و خلاصه، چگونگی نظام و پیامدهای متغیرهایی که این وقایع، حاصل آنهاست.

### نارسایی‌های تحقیق علی

۱- عدم توانایی کنترل متغیرهای مستقل.

۲- عدم اطمینان کامل به این که عامل یا عوامل علی واقعی که سبب وقوع عمل یا اثر مورد مطالعه شده است، جزء آن دسته از عواملند که در این پژوهش ویژه، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- آگاهی به این که هیچ‌گاه فقط یک عامل، یک نتیجه را سبب نمی‌شود؛ بلکه ترکیبی از عوامل و همچنین کنش و واکنش‌های بین این عوامل - همه با هم - تحت شرایطی معین، نتیجه‌ای ویژه را سبب می‌شود که این امر، خود موجب ابهام برای پژوهشگر خواهد بود.

۴- اگرچه ممکن است دو یا چند عامل به هم مربوط باشند، ولی الزاماً این به هم پیوستگی، رابطه علت و معلولی را بین آنها مشخص نمی‌کند و این ابهام

نیز، یکی دیگر از نکات ضعف این دسته تحقیقات است؛ زیرا ممکن است همه آن عوامل، معلول یا علت عامل دیگری باشد که محقق، آن را تشخیص نداده است.<sup>۱</sup>



### تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

#### چگونگی؛ وضع و حالت و کیفیت چیزی<sup>۲</sup>

چگونگی، همان کیفیت است که در فلسفه، آن را تحت عنوان «مقوله کیفیت» بررسی کرده‌اند و به چهار قسم، تقسیم کرده‌اند.

۱- کیفیت نفسانی؛ مثل علم، قدرت، اراده، کراهت، حالات انفعالی و عادات و ملکات نفسانی.

۲- کیفیت محسوس؛ مثل محسوسات حواس پنج‌گانه (دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، بوییدنی‌ها، لمس‌کردنی‌ها و چشیدنی‌ها).

۳- کیفیت مخصوص به کمیت، زوجیت، فردیت، مستقیم بودن، منحنی بودن، شکل.

۴- کیفیت استعدادی (آمادگی)، متصف شدن به صفات وجودی مثل، نزدیکی، دوری، شدت، ضعف.<sup>۳</sup>

مثلاً آمادگی نطفه، برای دارا شدن روح، دورتر و ضعیف‌تر از استعداد

۱. ر.ک: روش‌های تحقیق و چگونگی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی، ص ۸۰-۸۳.

۲. فرهنگ عمید، ص ۴۰۷. ۳. ر.ک: نهایة الحکمة، ص ۱۱۰-۱۱۱.

جنین است؛ همین طور، نسبت خاک و هسته به درخت.  
 ما نیز، آنچه را که در هدف‌های تحقیق، در رابطه با چگونگی گفتیم،  
 مرادمان بررسی همین موارد است.  
 مثلاً در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام باید چگونگی آن حضرت از حیث  
 صفات نفسانی مثل علم و قدرت و شجاعت بررسی شود و همچنین صفات  
 ظاهری و جسمی و بدنی امام و نحوه آمادگی و پیروزی حضرت و چگونگی  
 سلاح‌های ایشان؛ که البته همین اقسام چگونگی در رابطه با یاران و دشمنان  
 ایشان نیز قابل طرح می‌باشد.

### انواع روایات و اخبار

اخبار و روایات، چند نوع هستند:

۱- خبر واحد ۲- خبر مستفیض ۳- خبر متواتر؛

خبری که راویان آن در هر طبقه به حدی برسند که ممتنع باشد تبانی بر  
 دروغ کرده باشند، خبر متواتر نامیده می‌شود.

از نظر فنی و مشهور بین علماء، مسأله این گونه است که اگر روایتی به  
 صورت خبر واحد نقل شده باشد، باید راویان آن بررسی شود که آیا ضعیف،  
 موثق یا صحیح هستند.

ولی اگر خبری به صورت متواتر لفظی، اجمالی یا معنوی بود، دیگر نیازی  
 به بررسی سند و رجال حدیث نیست.

لازم به یادآوری است که اکثر احادیثی که ما در این مجموعه ذکر کرده‌ایم،  
 مبتنی بر یکی از اقسام تواتر است؛ بنابراین ما در مباحثی که پیش رو داریم،

به بررسی اسناد احادیث نمی پردازیم و چنان که ارجاع داده ایم، اکثر احادیث از کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام است که تمامی منابع یک حدیث را که در منابع شیعی و سنی آمده است - با ذکر مؤلف، کتاب و صفحه - بیان کرده است.



## فصل چہارم:

حضرت مہدی علیہ السلام کیست؟

## آشنایی با مشخصات ظاهری حضرت

اسم مبارک: محمد؛ این اسمی است که پیامبر گرامی برای او گذارده و فرموده: «اسمه اسمی؛<sup>۱</sup> اسم او اسم من است» و این مضمون، در ۲۹ حدیث آمده است.<sup>۲</sup>

کنیه: ابوالقاسم، ابوصالح و ابوعبدالله از کنیه‌های معروف آن حضرت است.<sup>۳</sup> لقب: برای حضرت، لقب‌های زیادی بیان شده است؛ در کتاب النجم الثاقب، یکصد و هشتاد لقب برای آن بزرگوار آمده که در این مجال بعضی از لقب‌های آن حضرت را نقل می‌کنیم:

مهدی، ولی الله، امیر، قائم، مأمول، منتظر، نجم مؤمنین، یعسوب امت، صالح، عدل، مبارک، زکی، منصور، هاشمی، غلام، آخر الائمه، خلیفه الله، سفاح<sup>۴</sup> و...

### دلیل کثرت القاب حضرت مهدی چیست؟

از آن جا که هر لقبی به یکی از اوصاف و اعمال آن حضرت، اشاره دارد لقب‌های آن حضرت، نیز متفاوت و بسیار است.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۵۱۶.

۳. همان.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۱۴-۵۱۶.

معانی القاب و اسامی مبارک مهدی منتظر علیه السلام

## چرا «مهدی» نامیده شده است؟

معروف‌ترین لقب آن حضرت است که تنها این لقب، از قول پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ۸۹ حدیث ذکر شده است.<sup>۱</sup> مهدی، مفهومی عام است که در لغت، به هر فرد هدایت شده اطلاق می‌شود؛ و لذا همه پیامبران و اوصیا، مهدی هستند و خداوند، هر چیزی را آفریده و آن را هدایت کرده است؛ این هدایت عام و نوعی است، ولی بنابر آنچه در اخبار آمده، مراد از مهدی، همان موعود آخرالزمان است که حسب و نسب او را مشخص کرده‌اند. مهدی، شخصی و اختصاصی است و بر موعود آخرالزمان، اطلاق می‌شود؛ پیامبر فرمود:

«المهدی من ولد فاطمه؛ مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».<sup>۲</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«لقب مهدی بر او گذاشته شده؛ چون او مردم را به سوی خداوند،

هدایت می‌کند».<sup>۳</sup>

در حدیث دیگری نقل شده است که:

«به او مهدی می‌گویند؛ چون به وسیله امر مخفی، هدایت می‌شود».<sup>۴</sup>

## چرا «منصور» نامیده شده است؟

چون امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۳۳ سوره اسراء (﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا﴾؛ «آن کسی که مظلوم کشته شد») فرمود: او امام حسین است، و بقیه آیه (﴿فَقَدْ

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲.

۴. همان، ص ۳۴۴.

۱. همان، ص ۵۱۴.

۳. همان، ص ۱۶۵.

جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ «برای خون خواه او فرمانروایی قرار دادیم؛ بداند که او پیروز است» فرمود: مراد، امام زمان است که نامش در آیه، منصور می باشد.<sup>۱</sup>

### چرا «منتظر» نامیده شد؟

امام جواد علیه السلام فرمود:

«زیرا وی برای مدتی طولانی، غایب است و دوست داران حضرتش، منتظر ظهورش خواهند بود».<sup>۲</sup>

### چرا «بقیة الله» نامیده شد؟

چون اولین چیزی که امام، تکلم کنند، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛<sup>۳</sup> «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشد».

بقیة الله یعنی کسی که در وجود او، همه موارث انبیا و ائمه علیهم السلام هست.

### چرا «حجة الله» است؟

چون حجت، به معنی پیروزی و سلطنت خدا، بر خلق است و آن حضرت، بر عالم مسلط و پیروز می شود و حکم خدا را اجرا می کند؛ نقش نگین حضرت نیز «انا حجة الله» است.<sup>۴</sup>

### چرا به حضرت «قائم» می گویند؟

قائم یعنی قیام کننده؛ چون حضرت در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰.

۲. کمال الدین صدوق، ص ۳۷۸.

۳. سوره هود، آیه ۸۶.

۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۸۷.

اجتماعی و دینی، قیام می‌کند و عالم را بعد از آن که از ظلم و جور پر شد، از عدل و داد سرشار می‌نماید؛ هر چند که همه امامان و پیامبران، در برابر باطل قیام کردند، ولی چون قیام مهدی، یک قیام جهانی است که همه اوضاع اجتماعی، سیاسی، فردی و اقتصادی بشر را فرا می‌گیرد و وعده الهی را محقق می‌سازد؛ لذا قائم نامیده شده است.

راوی از حضرت جواد الائمه علیه السلام پرسید: چرا آن حضرت را قائم نامیدند؟  
فرمود:

«برای این که بعد از آن که نام و یادش به فراموشی سپرده شد، قیام خواهد کرد».<sup>۱</sup>

شیخ مفید رحمته الله روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود:  
«سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛ قائم نامیده شده به خاطر این که قیام به حق خواهد نمود».<sup>۲</sup>

از بعضی اخبار استفاده می‌شود که او را قائم گفته‌اند چون آن حضرت در عوالم قبل از این عالم، قائم بودند و نماز می‌خواندند.  
دستور به برخاستن به هنگام ذکر نام قائم، از این جهت است که شیعیان آمادگی خود را برای انجام دستورات، اعلام نمایند؛ امام صادق علیه السلام فرمود:  
«سزاوار است که وقت برده شدن نام قائم - از باب احترام - به پاخیزند و از خدا تعجیل در فرجش را بخواهند».<sup>۳</sup>  
حضور امام رضا علیه السلام در خراسان ذکری از کلمه قائم به میان آمد؛ حضرت برخاست و دست مبارکش را بر سر نهاد و فرمود:

۲. ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۳. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۷۱.

«اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه؛ خداوند! در فرجش شتاب کن! و خروجش را آسان گردان!»<sup>۱</sup>



## آشنایی با خاندان گرامی حضرت پدر و اجداد حضرت

در مورد این که حضرت ولی عصر، از عترت و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دهمین فرزند علی علیه السلام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است، روایات فراوانی وارد شده که ما تنها به فهرست آنها اشاره می‌کنیم.

نود و یک روایت درباره این که امامان دوازده نفرند که نخستین آنها، علی علیه السلام و آخرین آنها، مهدی علیه السلام است.

نود و چهار روایت درباره این که آخرین امامان، حضرت مهدی علیه السلام است. صد و هفت روایت پیرامون این که امامان دوازده نفرند که نه نفر آنها از فرزندان حسین علیه السلام است و نهمین آنها، قائم است.

پنجاه حدیث، درباره نام‌های دوازده امام علیهم السلام که آخرین آنها، مهدی است.<sup>۲</sup>

### مادر حضرت

ترجس، دختر یشوعا، نواده قیصر روم؛ لقب او ملیکه و منسوب به شمعون

۱. همان.

۲. ر.ک: منتخب الاثر و معجم احادیث الامام المهدی.

-وصی حضرت مسیح علیه السلام - بود. ملیکه در حالی که اسیر جنگی بود<sup>۱</sup> خریداری شد و در حال اسیری، نام خود را به نرجس تغییر داد تا شناخته نشود<sup>۲</sup> و سوسن و صیقل نیز نامیده می شد.

نرجس چنان با فضیلت بود که حکیمه - خواهر امام هادی - او را سیده خود و سیده خانواده خویش نامید<sup>۳</sup> و خود را خدمتگزار او خطاب کرد<sup>۴</sup>.

### سال و محل تولد

سال ۲۵۵ هـ ق در شهر سامراء، در منزل ملکی پدری - که در حال حاضر حرم عسکرین علیه السلام - است متولد شد.

### ساعت و روز تولد

آن حضرت در سحرگاه شب جمعه مصادف با نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ ق دیده به جهان گشودند.

### خصوصیات ایام حمل

حمل ایشان تا هنگام ولادت، مخفی بوده؛ مانند حمل موسی بن عمران؛ یعنی تا ساعت حمل، هیچ کس اثر حمل را در نرجس نمی دید، حتی قابله های متخصصی که معتمد عباسی گماشته بود که اگر اثر حمل در

۱. در کامل ابن اثیر و سایر تواریخ آمده که: سال های ۲۴۰ هـ ق تا ۲۵۳ هـ ق جنگ هایی میان قوای اسلام و روم شرقی در گرفت و در خلال آنها اسیران طرفین، مبادله شدند. در صفحه ۲۲۵ کتاب تاریخ العرب و الروم، تألیف نازیلیف و ترجمه محمد عبدالهادی شعیره آمده که: سال ۲۴۷ هـ ق جنگ بین روم و مسلمین واقع شد و غنائم بسیاری به مسلمانان رسید و سال ۲۴۸، «بلکا جور» - سردار مسلمانان - با رومیان جنگید و طی آن، بسیاری از اشراف روم اسیر شدند.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲.

۴. همان، ص ۱۲.



خانوادهٔ عسکری علیهم السلام دیدند، خبر دهند؛ چنان که فرعون، قابله‌های بسیاری بر زنان بنی اسرائیل قرار داده بود.

علت مراقبت بنی عباس، ترسی بود که آنها - به واسطهٔ اخباری که از پیامبر و ائمه رسیده بود - از ولادت مهدی علیه السلام داشتند.

### چگونگی هنگامهٔ میلاد حضرت مهدی علیه السلام

حکیمه خاتون - عمهٔ امام عسکری علیه السلام - هرگاه خدمت امام می‌رسید، دعا می‌کرد خداوند به او فرزندی عطا فرماید؛ می‌گوید: یک روز که - مطابق عادت - به دیدار امام رفتم، همان دعا را تکرار کردم؛ امام فرمود: همان فرزندی که دعا می‌کنی، خداوند امشب عطا می‌کند.<sup>۱</sup>

وقتی خواستم از خانهٔ امام خارج شوم، امام فرمود: امشب نزد ما بمان؛ زیرا امشب مولودی به دنیا می‌آید که خداوند، به وسیلهٔ او زمین را پس از مردن، زنده می‌کند.

عرض کردم: سرور من! از چه کسی متولد می‌شود؟

فرمود: از نرجس.

عرض کردم: اثری از حمل، در او نمی‌بینم.

امام تبسم کرد و فرمود: سپیده دم، آشکار می‌شود؛ زیرا او (نرجس)، مثل مادر موسای کلیم است که اثر حمل نداشت و کسی تا هنگام ولادت، نمی‌دانست؛ زیرا فرعون در جستجوی موسی بود و شکم زنان حامله را می‌درید؛ این طفل، مانند موسی طومار حکومت فرعونیان را درهم می‌پیچد. حکیمه می‌گوید: تا سپیده دم، مراقب نرجس بودم و او آرام خوابیده بود؛

در پایان شب - به هنگام طلوع فجر - هراسان از جای جست، من او را در آغوش گرفتم و نام خدا را بر او خواندم.

امام، از اطلاق دیگر صدا زد: سوره «انا انزلنا» را بر او بخوان! در این هنگام، جنین از درون شکم، با من هم صدا شد؛ او نیز می خواند و بر من سلام کرد؛ هراسان شدم؛ امام فرمود: از امر خدا تعجب نکن! خدای تعالی ما امامان را در کوچکی، به حکمت گویا می سازد و در بزرگی، حجت در زمین قرار می دهد. نرجس ناگهان ناپدید شد؛ فریاد کشیدم و به سوی امام دویدم.

امام عسکری علیه السلام فرمود: عمه! باز گرد! او در جای خویش است؛ نرجس را دیدم که چنان غرق در نور است که چشم را از دیدنش باز می داشت؛ پسری که متولد شده بود را دیدم که در سجده افتاده، سپس انگشت سبابه بلند کرده و می گوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَنَّ أَبِي  
امیرالمؤمنین».

آنگاه بر امامت یکایک امامان تا خودش، گواهی داد و گفت: بار خدایا! میعاد مرا عملی ساز و کارم را به سرانجام رسان و گامم را استوار بدار و زمین را به وسیله من، از عدل و داد، پر کن!

این که هم زمان با میلاد اولیاء، حوادث شگفت انگیزی اتفاق می افتد، جای تعجب نیست؛ زیرا تاریخ انبیاء نیز آکنده از معجزات است؛ ولادت و نشو و نمای اغلب آنها، غیر عادی بوده؛ مثل خلقت آدم، تا ولادت ابراهیم، تا تولد اسحاق، موسی، یحیی و عیسی و سخن گفتن در گهواره و همچنین میلاد حضرت رسول اکرم و امیرالمؤمنین علیهم الصلاة والسلام.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

- «بنی امیه و بنی العباس، شمشیرهای خود را بر ما نهادند؛ به دو علت:
- ۱- چون می دانستند خلافت از آنها نیست و می ترسیدند که ما قیام کنیم و حق، در مرکز خود قرار گیرد.
  - ۲- از اخبار متواتری که رسیده بود، مطلع شده بودند که زوال و نابودی حکومت جبّاران، به دست قائم ما صورت می گیرد و شک نداشتند که آنها از جبّاران هستند؛ بنابراین سعی و کوشش در کشتن اهل بیت پیامبر و جلوگیری از تولّد قائم یا کشتن او می کنند؛ ولی خداوند، نور خود را ظاهر می کند؛ هر چند، مشرکان، دوست نداشته باشند».

### دوران تربیت

تا سال ۲۶۰ هـ ق یعنی تا ۵ سالگی، تحت سرپرستی پدر بزرگوارش بود و در دامان پر مهر امام عسکری علیه السلام تربیت می شد؛ در این مدّت، از دیده دیگران مخفی بود و تنها دوستان و خواص می توانستند او را مشاهده کنند.

### ابتدای امامت

از سال ۲۶۰ هـ ق که پدر بزرگوارش به واسطه زهر معتمد عباسی به شهادت رسید، امامت به ایشان منتقل گردید.

### آشنایی با خصوصیات جسمانی حضرت مهدی علیه السلام

#### سنّ مبارک

هر چند تا کنون هزار و اندی از عمر مبارک آن حضرت می گذرد، اما بنا بر چندین روایت که از پیامبر گرامی رسیده، آن حضرت هنگام ظهور، جوان

خواهد بود.<sup>۱</sup>

بر اساس چند روایت دیگر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است، آن حضرت هنگام ظهور، چهل ساله به نظر می‌رسد؛<sup>۲</sup> امام رضا علیه السلام فرمود:

«از علامات او (مهدی علیه السلام) این است که پیر نمی‌شود، تا اجل او فرا رسد.»<sup>۳</sup>

### صفات بدنی حضرت

پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیف حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«قدش کشیده و بلند، شانه‌هایش پهن، رنگ صورتش سفید ممزوج به لطافت سرخی، محاسنش سیاه رنگ و پر پشت و نسبتاً کوتاه، موی سرش بلند؛ به طوری که چهره مبارکش مثل ماه در دل شب، می‌تابد، پیشانی‌ش بلند، با ابروانی کمائی و کشیده، چشمان سیاه نافذ، مژگان برآمده، بینی کشیده، خالی در گونه راست و دو حال در پشت دارد و شبیه‌ترین فرد، به رسول خداست.»<sup>۴</sup>

جالب این است که صفاتی که برای امام زمان، از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام بیان شده، مطابق است با مشاهدات کسانی که به حضور امام رسیده و او را زیارت کرده‌اند.

### آیا ملاقات و دیدار با امام زمان، امکان دارد؟

در صورت مثبت بودن جواب، معنای آنچه در مرقومه حضرت مهدی علیه السلام

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۱۱۳ و ۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۶۳ و ۳۳۸.

۳. بخار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۷۳، چاپ قدیم.

۴. منتخب الاثر، ص ۱۸۵، باب رابع؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۱۶.

به نماینده خود - علی بن محمد سمّری -<sup>۱</sup> آمده، چه خواهد بود؟  
در مرقومه حضرت مهدی علیه السلام به نماینده خود، آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«یا علی بن محمد السمری! أعظم الله أجر إخوانک فیک! فإنک میّت  
قابینک و بین سنّة آیّام فأجمع أمرک و لاتوص الی أحد... و سیأتی من  
شیعتی من یدعی المشاهدة الا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج  
السفیانی و الصیحة فهو کذاب...<sup>۲</sup> یعنی ای علی بن محمد سمّری!  
خداوند، برادران دینی تو را در مصیبت تو، اجر عظیم، کرامت فرماید!  
در بین این شش روز، وفات خواهی کرد؛ کارهای خود را انجام بده! کسی  
را - بعد از خودت - جانشین نکن! بعد از این، غیبت کبری واقع خواهد  
شد و مرا ظهوری نیست مگر به اذن خداوند و ظهور من بعد از آن است  
که زمان غیبت، طول بکشد و دل‌ها را قساوت فراگیرد و زمین پر از ظلم  
و ستم گردد.

به زودی از پیروان من، کسانی می آیند که ادعای مشاهده مرا دارند؛ آگاه  
باشید که هر کسی پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای

۱. علی بن محمد سمّری، چهارمین نفر از نواب خاص حضرت بود که در زمان غیبت صفّری، شیعیان از طریق او، جواب مسائل خود را از امام می گرفتند و به امر امام، اموال را تسلیم او می کردند و او خدمت امام می فرستاد. وقتی زمان وفات او رسید، شیعیان نزد او حاضر شدند و خواستند نایب بعدی را مشخص کنند، او جواب داد: خدا را امری است که باید آن را اجرا کند؛ یعنی باید غیبت کبری واقع شود. شیخ صدوق نقل کرده که وفات علی بن محمد سمّری در سال ۳۲۹ هـ ق بوده است و پس از او نیابت، قطع شد.

۲. غیبت، شیخ طوسی، ص ۲۴۲؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

مشاهده نمود، افترا بسته و دروغگوست و لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم».

طبق این روایت که «هرکس ادّعی مشاهده نمود، دروغگوست»، عدّه‌ای گفته‌اند که دیدن امام در زمان غیبت امکان ندارد. ولی مشهور بین شیعه، امکان دیدار امام است و در این رابطه اعمال و دعاهاى منصوصی برای کسی که قصد دیدار دارد وارد شده است؛ علاوه بر آن معجزات و کراماتی که در دوران غیبت کبری از امام دیده شده و در تاریخ ثبت شده است، همگی بر امکان دیدار دلالت می‌نمایند.

### معنای «ممنوعیت ادّعی مشاهده» در مرقومه امام چیست؟

علامه مجلسی در جواب از این مسأله فرموده:

«این حدیث، شامل مواردی می‌شود که کسی ادّعی مشاهده و نیابت و رساندن خبر از جانب امام، به شیعیان را داشته باشد؛ یعنی خود را نایب خاص امام بداند؛ همان‌گونه که نواب خاص حضرت - که چهار نفر بودند - چنین مقامی را داشتند، و ما این راه حل را انتخاب می‌کنیم؛ برای این که این خبر، با اخباری که قبلاً نقل کردیم و اخباری که بعداً نقل می‌کنیم - در مورد کسانی که امام را دیده‌اند - منافات نداشته باشد»<sup>۱</sup>.

بنابراین مراد از مدّعی مشاهده قبل از صیحه آسمانی و خروج سفیانی، کسی است که ادّعی نمایندگی صاحب الزّمان علیه السلام را داشته باشد؛ نه صرف شرف‌یابی و به حضور ایشان رسیدن بدون ادّعی نمایندگی.

نقل‌های زیادی از سوی عده‌ای از علما و اولیای مورد اعتماد و شایسته، درباره دیدار با امام علیه السلام، موجود است که امکان تشرّف را ثابت می‌کند و شاید همین، سبب صحّت تعبیر «نقی مشاهده» باشد؛ البته نفی مشاهده نه نفی رؤیت.

بنابراین در تشرّفات غیبت صغری و کبری، فرق است؛ در غیبت صغری، هر وقت نواب خاص می‌خواستند، خدمت امام علیه السلام می‌رسیدند؛ اما در غیبت کبری، شیعه به اختیار خود، نمی‌تواند به خدمت امام علیه السلام برسد. هرکسی ادّعا کند: «هر وقت بخواهم، می‌توانم خدمت امام علیه السلام برسم» او دروغ‌گوست، حتی وقتی هم که خدمت حضرت رسید، باز حرف زدن، به اختیار امام است.



## نشانه‌هایی از وجود حضرت مهدی علیه السلام

### ۱- روایات متواتر

اندیشه مهدی، به‌عنوان یک رهبر منتظر، برای تبدیل جهان به دنیای فاضله، در احادیث و روایات شیعه و سنی، متواتر است و آنچه که ما بدان دل داده‌ایم، اعتقاد به مهدی شخصی است نه نوعی که مثلاً سیدی قیام خواهد کرد، بلکه مهدی با صفات شخصی و معین شده، قیام می‌کند.

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق اهل سنت، به چهارصد حدیث می‌رسد و مجموع اخبار مهدی، در مجامع روایی شیعه و سنی، بیش از شش هزار روایت است.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر، به کتاب‌های معجم احادیث الامام المهدی و منتخب الاثر و بحار الانوار، جلد



بیش از هشتصد حدیث بدین مضمون که حضرت متولد شده و زنده و غایب است موجود است که از این احادیث، نزدیک به دویست روایت با سندهای معتبر و قطعی می باشد؛ کسانی که این روایات را نقل کرده اند، دوهزار و پانصد نفرند که هزار نفر آنها از راویان معتبرند. البته احادیثی هم هست که بخشی از این واقعیت را می رساند؛ همچون «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین خالی از حجت باشد زمینیان را در خود فرو می برد» یا حدیثی که پیامبر فرموده: «اگر دو نفر روی زمین باشند حتماً یکی از آنها حجت بر دیگری است» و روایتی که دو غیبت برای حضرت ذکر کرده و روایاتی که نسب ایشان را معین کرده؛ مثلاً فرموده: «آن حضرت نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است».

### اهل سنت باید تسلیم این حدیث شوند!

روایاتی که می گوید «جانشینان پیامبر، دوازده نفرند» به دویست و هفتاد روایت می رسد؛ حتی این روایات در کتب معروف اهل سنت نیز آمده؛ سیوطی - از علمای اهل سنت - در کتاب خود وقتی به این حدیث می رسد در صدد ذکر نام دوازده نفر بر می آید؛ می گوید: چهار نفر اول، خلفای راشدین؛ سپس، شاهان اموی را ذکر می کند - که تعداد آنها ده نفر است - می بیند تعداد چهارده نفر شد؛ یزید را حذف می کند می بیند سیزده نفر شد؛ بعضی دیگر از خلفای اموی را حذف می کند و تعدادی از شاهان بنی العباس را اضافه می کند - که تعداد آنها سی و هفت نفر است - ولی هرچه تلاش می کند

نمی تواند دوازده نفر را مشخص نماید و حیران و سرگردان می ماند؛ می گوید:  
خدا عالم است.

آیا جز این است که راه حق، راه شیعه دوازده امامی است که به دوازده تن  
- که اول آنها علی و آخرشان مهدی است - اعتقاد دارند.

## ۲ - غیبت صغری

روایاتی هست که دو نوع غیبت را مشخص می کند: «انّ للمهدی غیبتین و  
انّ له غیبة طویله و...».

دوره ۶۹ ساله غیبت صغری، از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری نشان دیگری، بر  
وجود حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا اگر امام، یک باره غایب می شد، موجب  
احساس خلأ و شوک به جامعه شیعی می گردید؛ ناگزیر باید پیش در آمدی  
برای غیبت باشد تا مردم - اندک اندک - با آن خو بگیرند.

و با این برنامه تدریجی انتقالی، از غیبت صغری به کبری، شیعه از  
آسیب پذیری محفوظ ماند و موقعیتش بر اساس غیبت، شکل گرفت. این  
جریان مردم را برای پذیرش نمایندگان عام (مراجع تقلید، ولی فقیه) آماده  
ساخت و بدین گونه، نیابت انتصابی، به اجتهاد - که مسیر نیابت انتخابی  
مجتهد عادل و آگاه به امور زمان و مکان و دین و دنیا می باشد - مبدل شد.

مدت نیابت نمایندگان امام به ترتیب عبارت است از:

۱ - عثمان بن سعید عمری: ۴۰ سال؛

۲ - محمد بن عثمان عمری: ۵ سال؛

۳ - حسین بن روح نوبختی: ۲۱ سال؛

۴ - علی بن محمد سمری: ۳ سال.

شیعیان، از طریق نمایندگان، با امام، رابطه داشتند؛ سوالات و مشکلات خود را به وسیله نامه، به عرض امام می‌رساندند و امام، پاسخ آن را پی‌نوشت نامه می‌فرمود. که به آن توقیع می‌گویند. شش روز قبل از وفات علی بن محمد سمري نامه‌ای از حضرت مهدی علیه السلام به او رسید که متن آن، چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«ای علی بن محمد سمري! خداوند در سوگ فقدان تو، پاداش بزرگ به برادرانت عطا کند! تو پس از شش روز دیگر، از دنیا خواهی رفت؛ کارهایت را مرتب کن و هیچ‌کس را به جانشینی مگذار! غیبت کامل (کبری) فرارسیده است. من جز با اجازه خداوند، ظهور نخواهم کرد و ظهور من، پس از مدتی طولانی که دل‌ها سخت شده و زمین، پر از ظلم و جور گشته، خواهد بود.»

افرادی ادعای مشاهده و ارتباط با من را می‌نمایند؛ آگاه باشید! هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، چنین ادعایی کند، دروغگو و افترازننده است و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>۱</sup>

روز ششم، جناب علی بن محمد سمري از دنیا رفت و در خیابان خلنجی - کنار نهر عتاب - دفن گردید.

سایر نمایندگان امام را در داخل خانه خود در بغداد دفن کردند. در طول این مدت ۶۹ سال، هیچ‌کس ایشان را به تحریف و لغزش متهم

۱. کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۱۹۳.

نساخت؛ این چهار بزرگوار در حالی که هیچ ارتباطی با هم نداشتند، بسیار هماهنگ به رهبری شیعه پرداختند و این خود دلیلی بر حقانیت آنهاست.

### ۳- نامه‌ها و توقیعات حضرت مهدی علیه السلام

#### توقیع چیست؟

یکی از آثار مهم حضرت، توقیعات است؛ منظور از توقیع، پی‌نوشت نامه، از ناحیه امام است بدین صورت که در جواب پرسش‌های مردم و علما، پاسخ را در زیر نامه، به طور اختصار می‌نوشتند و نشان درستی آن، دست‌خط شناخته شده یا مهر نویسنده بود که یاران ائمه با آن آشنایی داشتند. توقیع، به نامه‌های حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود که به طور کلی توسط چهار تن نایب خاص - در زمان غیبت صغری - به دست شیعیان رسیده؛ البته در زمان غیبت کبری هم توقیعاتی از ناحیه مقدسه، وصول شده است.

#### محتویات توقیعات

جواب سؤالات خصوصی، تعلیم احکام، ردّ شبهات، تأیید نواب، تکذیب مدعیان دروغین و تعیین تکالیف شیعیان بوده است.<sup>۱</sup>

#### اهمیت توقیعات

از آن جایی که خداوند متعال اراده فرمود تا آخرین خلیفه خود را از شرّ ظالمان محفوظ دارد و ایشان نیز همچون پدران خود - به زهر جفا یا شمشیر کین - کشته نشود و آثار وجودی خلیفه خدا از جهان نابود نگردد، امام را در

۱. نشانی از امام غایب، ص ۴.

پرده غیبت حفظ فرمود؛ تا هم جان امام در امان باشد و هم مانند امام حاضر، به وظیفه پیشوایی و هدایت و تربیت و مدد رسانی به دانشمندان مذهبی و حراست آنها از لغزش‌ها و مرزبانی حریم دین الهی پردازد که یکی از جلوه‌های بارز این راهنمایی‌ها، بلکه آشکارترین آنها همین توقیعات است که از طریق نواب خاص رسیده است.

بنا به گفتار قطب راوندی، هیچ یک از نواب خاص، به این منصب بزرگ نرسیدند، مگر آن که قبلاً از طرف حضرت صاحب الزمان، فرمان انتصاب آنها صادر می‌گشت و نایب پیشین، جانشین بعد از خود را تعیین می‌نمود. شیعیان هم، تا معجزه حضرت صاحب الامر - که دلیل بر راست‌گویی و صحت نیابت آنها بود - از آنها آشکار نمی‌گردید، نمی‌پذیرفتند.<sup>۱</sup>

انتصاب نواب، بر اساس ضوابط بوده، نه روابط؛ چون در حالی که مردم احتمال می‌دادند که دوست دیرینه محمد بن عثمان - یعنی جعفر بن محمد قمی - انتخاب گردد، برگزیده نشد و یا ابوسهل نوبختی - که صاحب ۳۷ کتاب و رساله و دانشمند معروف و اهل مناظره با مخالفان شیعه بود - به مقام نیابت نمی‌رسد، ولی حسین بن روح نوبختی - به خاطر مزایایی چون کتمان و رازداری و محافظت شدید، از جان امام - به این مقام می‌رسد.

مثال دیگر: محمد بن یعقوب کلینی - صاحب کتاب کافی - که در سال ۳۲۹ در گذشته و هم‌زمان با علی بن محمد سمری - در غیبت صغری - بوده، با این که مورد توجه امام زمان است، ولی به مقام نیابت نمی‌رسد؛ چون هرکسی را بهر کاری ساخته‌اند.

۱. مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، ص ۶۹۰.

## شماره توقیعات

تعداد توقیعات در دو کتاب کمال الدین شیخ صدوق<sup>۱</sup> و الغیبه شیخ طوسی، جمعاً به نود و سه می‌رسد که با حذف مشترکات، هشتاد توقیع می‌شود.

## نمونه‌هایی از توقیعات

۱- اسحاق بن یعقوب از محمد بن عثمان خواهش می‌کند نامه‌ای که در آن، مشکلات عقیدتی خود را نوشته، به حضور امام بفرستد؛ خواهش او انجام می‌گیرد و توقیع، با خط مولای ما - امام زمان - به دستش می‌رسد؛

«فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِحَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ»<sup>۲</sup>.

این مطالب در اواخر نامه آمده است:

«أَمَا عَلَتْ غَيْبَتٌ خَدَاوَنَدَ عَزَّوَجَلَّ مِی‌گوید: ای ایمان آورندگان! از

چیزهایی که اگر برایتان آشکار شود، بدتان می‌آید، سؤال نکنید!

هیچ یک از پدرانم نبود، مگر این که برگردنش بیعت یکی از طاغوت‌های

زمانش بود؛ ولی من، هنگامی که قیام می‌کنم، هیچ بیعتی از طاغوت‌ها بر

عهده‌ام نیست.

أَمَا چگونگی بهره‌بردن از من، در زمان غیبتم، مانند نفع بردن از خورشید

است، هنگامی که ابر آن را از دیده‌ها نهان کند.

در سؤالاتی را که برایتان مفید نیست، ببندید و برای دانستن آنچه از شما

نخواسته‌اند، خود را به رنج نیفکنید؛ بلکه برای تعجیل فرج، بسیار دعا

۱. شیخ صدوق، کسی است که با دعای امام زمان متولد شده و به سفارش آن حضرت، کتاب

کمال الدین را نوشته است. ۲. کمال الدین صدوق، ص ۴۸۳.

کنید که در آن، گشایش کار شما نیز هست»<sup>۱</sup>.

۲- محمد بن شاذان نیشابوری گوید:

«نزد من پانصد درهم که بیست درهم کسر داشت، جمع شده بود و من دوست نداشتم پولی که می فرستم، این مقدار کسر باشد؛ لذا از مال خودم، بیست درهم بدان افزودم و به وکیل امام دادم، اما از این که کمبودی داشته و من آن را کامل کردم، چیزی ننوشتم؛ جواب نامه آمد: پانصد درهم که بیست درهم از تو بود، واصل شد»<sup>۲</sup>.

۳- محمد بن یعقوب از اسحاق بن یعقوب نقل می کند که گفت:

«از محمد بن عثمان عمری (دومین نایب خاص) درخواست کردم که نامه مرا خدمت امام بفرستد؛ آن را فرستاد؛ جواب نامه با خط امام زمان رسید:

اما آنچه پرسیدی - خدا تو را ثابت قدم بدارد - از کار افرادی از اهل بیت و عموزادگانم که مرا منکرند؛ بدان که بین خدا و کسی خویشاوندی نیست، هر کس مرا انکار کند، از من نیست و راه او مانند پسر نوح است؛ اما راه عمویم جعفر و فرزندش مانند برادران یوسف است.

اما فقاع (آب جو)، آشامیدن آن حرام است.

اما اموال شما [که برای ما می فرستید]، آن را جز برای تطهیر شما، نمی پذیریم.

اما ظهور فرج، با خداست و کسانی که وقت آن را تعیین می کنند، دروغ می گویند.

۲. غیث، ص ۲۵۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۴.

۱. کمال الدین، ص ۴۸۵.



اما رویدادهایی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آنان می‌باشم.<sup>۱</sup>  
 اما آنچه برای ما می‌فرستی، نزد ما پذیرفته نمی‌شود، مگر آنچه پاک و حلال است و بهای کنیز آوازه‌خوان حرام است.<sup>۲</sup>

۴- نامه اول حضرت مهدی علیه السلام به شیخ مفید که در اواخر ماه صفر سال ۴۱۰ هجری صادر شده - که در آن زمان، هشتاد سال از آغاز غیبت کبری گذشته بود - عبارت است از:

«اما بعد، درود بر تو ای دوست با اخلاص در دین! ای آن‌که در ایمان به خاندان وحی، به اوج آگاهی رسیده‌ای! ما در نامه خویش به تو، آفریدگار بی‌همتا را ستایش و بر پیامبر و خاندان پاکش درود می‌فرستیم که خداوند برای یاری حق، توفیقت داده، به خاطر سخنان صادقانه‌ای که از جانب ما می‌گویی، پاداش کامل عنایت فرماید!

اعلام می‌کنم که از جانب خداوند، به ما اجازه داده شده که تو را به دریافت نامه، افتخار بخشیم و شما مسؤول هستی که این مطالب را به دوستان راستین ما برسانی؛ به دوستانی که خداوند، به اطاعت حق گرامیشان بدارد و کارشان را کفایت کند!

به آنچه یاد آوری کردیم، آگاه باش که خداوند، با یاری خود، تو را در برابر دشمنان از دین خارج شده، تأیید می‌فرماید.

و در رساندن آنچه می‌نگاریم، به کسانی که اعتماد داری، به خواست خدا

۱. و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا؛ فانهم حجّتی علیکم و انا حجّة الله علیهم.

۲. غیبت، ص ۴۱۷۶ کمال الدین، ص ۴۸۳.

عمل کن! گرچه ما اکنون در مکانی دور از ستمگران زندگی می‌کنیم و آن به حسب حکمت الهی است که برای ما و پیروانمان صلاح دانسته، تا هنگامی که حکومت دنیا به دست فاسقان است.

ما بر اوضاع شما آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست و به شرایط دردناکی که بدان گرفتارید، شناخت داریم.

از آن زمانی که شما به راه و رسم ناپسندی که پیشینیان از آن دوری می‌کردند، روی آوردید و به پیمان الهی، چنان پشت کردید که گویا آن را نمی‌دانید، [تا به این وضع غم‌بار، گرفتار شدید] ما از سرپرستی و رسیدگی به کار شما، کوتاهی نورزیده و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم؛ و اگر جز این بود، موج سختی‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند.

پس، از خدا بترسید و ما را یاری کنید، تا از فتنه‌ای که روی آورده، شما را نجات بخشیم؛ فتنه‌ای که هر کس مرگش فرا رسیده باشد، هلاک می‌گردد. و آن کس که به آرزوی خویش رسیده، از آن دور ماند؛ آن فتنه، نشانه نزدیک شدن جنبش ماست و بخش خبر آن، به دستور ما و به وسیله شماست. خداوند، نور خود را اگرچه مشرکان را خوش نیاید، کامل خواهد کرد.

به تقیه چنگ زنید؛ چون هر کس آتش جاهلیت را برافروزد، گروه‌هایی اموی آن را شعله‌ور می‌سازند تا هدایت‌یافتگان را بترسانند. من نجات کسی را تضمین می‌کنم که در آن فتنه - برای خود - جایگاهی نجوید و در استفاده از آن، به راهی خداپسندانه گام گذارد. از رویدادی که هنگام

فرارسیدن جمادی الاوّل امسال، روی می‌دهد، عبرت آموزید و از خواب گرانی که شما را ربوده - برای حوادث بعدی - بیدار شوید، به زودی نشانه‌ای روشن، از آسمان و زمین، ظاهر خواهد گشت.

در شرق عالم رویدادهای اندوه‌بار و دلهره‌داری پدیدار می‌گردد و گروه‌های خارج از اسلام، بر عراق سلطه می‌یابند. بر اثر بدکاری آنان، مردم دچار تنگی معیشت می‌شوند و پس از مدّتی بر اثر نابودی ستمگران فاسد، رنج‌ها بر طرف می‌گردد و متقیان، شادمان خواهند شد.

مردمی که از گوشه و کنار دنیا به حج می‌روند، به آرزوهای خود می‌رسند و ما در آسان ساختن سفر حج آنان - به دلخواهشان - نقش ویژه‌ای داریم که در پرتو نظم و تدبیر، آشکار می‌گردد؛ از این رو هر یک از شما باید به کارهایی پردازد که او را به دوستی ما نزدیک سازد و از کارهای ناخوشایند ما - جداً - دوری گزیند؛ چون فرمان ما به طور ناگهانی فرا می‌رسد؛ در هنگامی که توبه سودی نمی‌بخشد و پشیمانی از گناه، او را از کیفر، رهایی نمی‌دهد؛ خداوند، راه رشد را به شما نشان دهد و به لطف خویش، وسیله توفیق، برایتان فراهم سازد!

هان ای برادر پرمهر و اخلاص و باصفای در محبت، و ای یار و یاور با وفای ما! این نامه ما به سوی توست، خداوند به چشم بیدارش - که هرگز آن را خواب نمی‌گیرد - تو را حفظ کند! این نامه را نگهدار و آنچه برایت نگاشتیم به کسی نشان مده و آنچه در این نامه هست تنها به افراد مورد اطمینان، بازگو و پیروان ما را به عمل بر طبق آن، سفارش کن! ان شاء الله و

صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ»<sup>۱</sup>.

از شیخ مفید رحمته الله پرسیدند: زنی آبستن بوده و فوت کرده ولی بچه در رحم زنده است؛ تکلیف چیست؟ گفت: زن را دفن کنید! وقتی خواستند دفن کنند، حضرت مهدی یک نفر را فرستادند که به آنها بگوید: «شیخ فرموده: پهلویش را بشکافید و بچه را بیرون بیاورید و سپس زن را دفن کنید!».

وقتی شیخ این خبر را شنید، به نظرش آمد که دیگر فتوا ندهد؛ حضرت، برای او پیغام فرستادند که: «فتوا بده! اگر خلافی بود، ما آن را رد می‌کنیم».

۵- پیام امام زمان علیه السلام به آیه الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ هـ.ق)، که از مراجع بزرگ تقلید بوده‌اند:

«يا سيد ابوالحسن! از خض نفسک و اجعل مجلسک فی الذهلین و اقض حوائج الناس و لاترخ سترک نحن ننصرك ان شاء الله! ای سید ابوالحسن! خودت را در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در پیشگاه ورودی خانه قرار بده؛ در به روی کسی میند و پرده‌ای بین خود و مردم قرار مده؛ حاجات مردم را برآور؛ ما تو را یاری می‌کنیم».



### چگونه حضرت مهدی عمر غیر طبیعی و طولانی دارد؟

از عمر حضرت، اکنون هزار و صد و اندی - نزدیک به چهارده برابر عمر انسان معمولی - می‌گذرد و این عمر، از نظر علمی ممکن است؛ زیرا دانشمندان زیست‌شناس، توانسته‌اند عمر بعضی موجودات را تا صد برابر،

۱. احتیاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۴۶۰.

افزایش دهند. از نظر علمی، اموری که تا چند دهه قبل، غیرممکن بود - نظیر مسافرت به فضا و قعر دریا و سفر به کره ماه - اکنون ممکن شده است.

اگر نظریه پیری و فرسودگی را به سبب درگیری یا عوامل خارجی معین بدانیم، بدیهی است که در صورت عدم برخورد بدن با آن عوامل، پیری مهار می شود؛ به علاوه قرآن - این پیام الهی - می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی رفت؛ این مسافرت شگفت انگیز، در قالب قوانین مادی نمی گنجد؛ همان حکمت الهی که سفر شبانه - از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - و معراج به آسمان ها برای خاتم پیامبران ترتیب داد، قادر است برای آخرین جانشین او - خاتم الاوصیاء - عمری طولانی قرار دهد که دسترسی به اسرار آن در محدوده دانش بشری نباشد.

آیا این تصادفی است که در تاریخ بشر، دو نفر که تمدن بشر را از محتوای فاسدش تهی می سازند، هر دو دارای عمر طولانی باشند؟ یکی نوح علیه السلام که قرآن تصریح می کند: ۹۵۰ سال، بین ملتش ماند و در زمان طوفان، وظیفه بزرگ نوسازی جهان، به وی محول شد و دیگری رهبر آینده بشریت - حضرت مهدی - که وظیفه دارد دنیایی نو بسازد.

چرا عمر هزار ساله نوح را می پذیریم، ولی مهدی را نپذیریم؟

از نظر تاریخی، پیامبرانی چون الیاس، عیسی و خضر علیهم السلام، تاکنون زنده اند و افرادی مثل لقمان حکیم چهار هزار سال و حضرت آدم نهصد و سی سال عمر کرده اند و معمرین (کسانی که عمر طولانی داشته اند) در تاریخ، متعددند.

قانون پیری و کهولت، از قانون انتقال حرارت - از جسم گرم به جسم سرد -

قطعی تر نیست؛ قانون اخیر را خداوند، برای زنده ماندن ابراهیم علیه السلام لغو کرد؛ وقتی ابراهیم در آتش افتاد، خداوند این چنین فرمان داد:

﴿فَقُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾؛ «به آتش گفتیم: برای

ابراهیم، سرد و سلام باش!».

ابراهیم از آتش، سالم بیرون آمده و آتش به او آسیبی نرساند؛ خداوند برای پشتیبانی پیامبران خود - در مواقع اضطراری - قوانین طبیعی را تعطیل کرد؛ دریا را برای موسی شکافت؛ عیسی را از نظر رومیان، پنهان کرد؛ رسول الله را از میان قریش - که تصمیم قتل او را گرفته بودند - عبور داد.

### غیبت طولانی چرا؟

اما غیبت طولانی، حالت روانی ویژه‌ای را در رهبر ایجاد می‌کند که به پستی نهادهای موجود - که وظیفه دارد آنها را از میان بردارد - آگاهی داشته باشد. پس هرچه عمر او طولانی تر باشد، به حقارت آن تمدنی که می‌خواهد با آن مبارزه کند، بیشتر پی می‌برد؛ زیرا کسی که در سایه یک تمدن زیسته، نمی‌تواند در به هم ریختن آن، اقدام کند؛ چون کسی که افکارش در سایه تمدنی که دنیا را زیر سلطه گرفته، شکل گرفت، از آن، احساس ترس می‌کند. بنابراین باید کسی قیام کند که درون تاریخ بشر زیسته و پیش از پیدایش تمدن‌ها زندگی کرده و از سرگذشت این غول جدید، خبر دارد.

ژان ژاک روسو که مصلح بزرگ فرانسوی است، از این که کشورش بدون شاه بماند، وحشت داشته؛ زیرا او در سایه رژیم پادشاهی به دنیا آمده بود.

آیا سرگذشت اصحاب کهف را خوانده‌اید؟

آن جوانمردانی که به پروردگار ایمان آوردند و خداوند بر هدایتشان افزود.

این ناراضیان از بت پرستی مردم، احساس دلتنگی کردند و چون از اصلاح جامعه خود مأیوس شدند، به غاری پناه بردند و از خداوند، رفع بحران را خواستار شدند.

خدا با آنها چه کرد؟

ایشان را ۳۰۹ سال، در آن غار به خواب فرو برد و سپس بیدار کرد و به صحنه زندگی فرستاد؛ در این هنگام، آن وضع طاغوتی که آنها را مبهوت کرده بود، سرنگون شده بود و دیگر به زباله‌دان تاریخ سپرده شده بود و کسی را نمی‌ترساند. همه اینها برای این بود که این جوانمردان، سقوط طاغوتی که چشم‌ها و گوش‌ها را از قدرت و نفوذ، پر کرده بود، ببینند و سرانجام آن را مشاهده کنند؛ حال که این مشاهده برای اصحاب کهف، باعث شد که سیصد سال، عمرشان افزایش یابد؛ همین امر اقتضا می‌کند که عمر مهدی، طولانی باشد و چون دگرگونی نهایی، براساس آیین اسلام است؛ لذا باید رهبری به صدر اسلام، نزدیک باشد و برای این که از تأثیر مسموم تمدن‌ها هم پرکنار باشد، باید شخصیت او، قبل از تمدن‌ها شکل گرفته باشد.

#### ۴- کسانی که امام را دیده‌اند

#### آشنایی با کتاب‌های شرح حال تشرف یافتگان

۱- مرحوم کلینی در کتاب کافی، بابی تحت عنوان «ذکر نام کسانی که آن حضرت را دیده‌اند» آورده است و ۱۵ حدیث آورده و نام کسانی که حضرت را دیده‌اند، ذکر نموده است.<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۲۵.



۲ - مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبة به ذکر روایات و نام کسانی که حضرت را دیده و شناخته‌اند و کسانی که حضرت را دیده ولی بعداً شناخته‌اند، پرداخته است.

۳ - میرزا حسین طبرسی نوری که از محدثین بزرگ است، در کتاب النجم الثاقب که به زبان فارسی نگاشته، ابتدا نام کسانی که در غیبت صغری، حضور امام زمان علیه السلام شرفیاب شدند، آورده<sup>۱</sup> و سپس به ذکر حکایت یکصد نفر از کسانی که در غیبت کبری، حضور امام، شرفیاب شده‌اند، می‌پردازد و در کتاب دیگر خود - به نام جنّة المأوی - ۵۸ حکایت برگزیده از آن یکصد نفر را آورده که ما در این اثر، اسامی بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱- شیخ حسن بن مثله طهرانی<sup>۲</sup> ۲- اسماعیل هرقلی<sup>۳</sup> ۳- سید ابن طاووس  
۴- علامه حلی<sup>۵</sup> ۵- حاج علی بغدادی<sup>۶</sup> ۶- محمد تقی مجلسی<sup>۷</sup> ۷- ابوالقاسم  
جعفر قولویه<sup>۸</sup> ۸- شیخ حرّ عاملی<sup>۹</sup> ۹- مقدّس اردبیلی<sup>۱۰</sup> ۱۰- شهید ثانی<sup>۱۱</sup> ۱۱- سید  
بحرالعلوم<sup>۱۲</sup> ۱۲- سید احمد رشتی.

محدث نوری، در آغاز حکایات، نوشته: آنچه ذکر می‌کنیم، کافی و شافی است و بسیاری از آنها - به حسب سند - اتقن و اصلح و اعلاست و آنچه در ناقلان حکایات، رعایت نمودیم، صدق و دیانت است؛ نقل نکنیم در این جا هرچه که شنیدیم، بلکه در جهت صدق و وثاقت در نقل، همه شریکند و بسیاری از آنها، صاحبان مقامات عالیّه و کرامات باهره‌اند.<sup>۳</sup>

۱. النجم الثاقب، ص ۲۸۸-۲۹۱.

۲. شیخ حسن بن مثله طهرانی در سال ۳۹۳ هـ ق مأموریت یافت؛ مسجد جمکران قم را طبق

دستور حضرت مهدی بنا نماید. ۳. النجم الثاقب، صص ۲۰۹-۳۹۴-۵۰۸.

۴ - علاوه بر حکایات دانشمندان پیشین، علمای عصر حاضر نیز، کتاب‌های مستقلی دربارهٔ کسانی که افتخار دیدار، داشته‌اند، تحریر کرده‌اند؛ از جمله:

۱- تبصرة الولی فی من رأى القائم المهدی؛ سید هاشم بحرانی ۲- تذکرة الطالب فی من رأى المهدی الغائب؛ میثمی عراقی ۳- دارالسلام فی من فاز بسلام الامام؛ محدث نوری ۴- بدایع الکلام فی من اجتمع بالامام؛ سید جمال الدین طباطبایی ۵- البهجة فی من فاز بلقاء الحجة؛ محمد تقی الماسی اصفهانی ۶- العبقری الحسان؛ علی اکبر نهاوندی.

حسین بن طاووس می‌فرماید:

«من در زمان خودم، عده‌ای را دیدم که گفتند: حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌ایم و برخی از آنان، نامه‌ها و جواب مسائلی از آن جناب را برای اشخاص، حمل می‌کردند»<sup>۱</sup>.

به نقل از رساله النجوم سید بن طاووس، شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱)، باب ۴۳ کتابش<sup>۲</sup> را به کسانی که حضرت مهدی علیه السلام را مشاهده کرده و با حضرت، صحبت کرده‌اند، اختصاص داده است و در صفحاتی به ذکر دیدار و حکایت آنان می‌پردازد، در حدیث ۱۶ همان باب، فهرست اسامی عده‌ای از کسانی که به حضور حضرت، شرفیات شده‌اند، بدین نحو بیان می‌کند:

«ایشان از وکلای حضرت هستند: در بغداد: عثمان بن سعید و محمد بن عثمان، در قم: احمد بن اسحاق، در آذربایجان: قاسم بن علا، از نیشابور: محمد بن شاذان، از اصفهان: ابن بادشاله، از قزوین: مرداس و علی بن

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲. کمال الدین، ص ۴۴۳-۴۴۴.

محمد، از ری: علی بن محمد کلینی و قاسم بن موسی، از اهواز: محمد بن ابراهیم بن مهزیار.

ابن مهزیار، بیست بار به حج رفت که امام زمان را ملاقات کند، ولی موفق نشد؛ دیگر متصرف می شود؛ تا این که شبی وقتی که در بستر خوابیده بود، صدای کسی را می شنود که می گوید: ای پسر مهزیار! خداوند به تو فرمان داده که امسال نیز حج کنی؛ در این سفر است که ملاقات با امام زمان، صورت می گیرد.<sup>۱</sup>

۵ - شیخ حرّ عاملی - از مراجع بزرگ شیعه (قرن ۱۱ هـ ق) - پس از نقل داستانی شبیه داستان اسماعیل هرقلی، می نویسد: مانند این جریان، در زمان ما و در گذشته از آن حضرت متواتر و قطعی است.<sup>۲</sup>

وی سپس به نقل معجزاتی که خود ایشان از حضرت مهدی در عالم خواب دیده، می پردازد.<sup>۳</sup>

۶ - علی محمد علی دخیل در کتاب خود، نام ۱۷۷ نفر از کسانی که حضرت مهدی را در عصر پدرش یا کمی بعد از آن، دیدار کرده اند، آورده است.<sup>۴</sup>

### حضرت مهدی در دوران غیبت چه می کنند؟

حضرت مهدی به عنوان مرکز نور الهی در دوره غیبت، به انسان و جهان فیض می رساند و اگر حجت نباشد، زمین اهلش را در کام خویش فرو می برد؛

۱. مهدی موعود، ص ۷۳۰-۷۳۳؛ کمال الدین، باب ۴۳.

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۸۳. ۳. همان، ص ۳۷۸.

۴. الامام المهدی، ص ۱۱۵-۱۳۱.

یعنی حتی قوانین شیمی و فیزیک هم از کار می افتند؛ مضافاً بر مطالب فوق، روایات دلالت دارد که آن حضرت با سی نفر تماس دارد و امام در رفع مشکلات مردم فعال است؛ همه کارهایش به نفع مؤمنان است (نظیر کار خضر علیه السلام که مسأله کشتی را برای اقتصاد مؤمنان، کشتن آن پسر را برای حفظ مؤمنان و تعمیر دیوار را برای آینده آن دو پسر انجام داد) <sup>۱</sup> و همه کارها در یک کانال و در جهت نفع مؤمنان صورت می گیرد.

### کسانی که حضرت مهدی را دیده اند و از آنها دستگیری شده است؟

منظور ما از ملاقات، دیدار با امام در حال بیداری - نه عالم رؤیا و روحی - است، هرچند که ملاقات با حضرت، مشکل است ولی در طول تاریخ، تعداد زیادی به محضر امام رسیده اند و با وجود این که بسیاری از ملاقات کنندگان، کتمان کرده اند، اما در عین حال، صدها مورد از آن ملاقات ها، افشا شده و کتاب های مستقلی را به خود اختصاص داده است.

### شرط دیدار حضرت مهدی علیه السلام از نظر بزرگان

شرط تشرف، تقوا و طهارت روح است؛ همان طور که قرآن مبین را ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾؛ «جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند (دست یابند)» <sup>۲</sup>؛ امام مبین را هم جز پاکان نمی توانند با او تماس برقرار کنند؛  
جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی غبار دل بنشان تا نظر توانی کرد  
از بسیاری از بزرگان، نظیر حضرات آیات امام خمینی، شیخ محمد کوفی، کوهستانی، بهجت، کشمیری، میرجهانی و... سؤال شده: راه دیدار چیست؟

۱. قرآن کریم، سوره کهف، آیات ۷۱ - ۸۲. ۲. سوره واقعه، آیه ۷۹.

فرموده‌اند: متقی باشید! نماز اول وقت بخوانید! گناه نکنید! در مجلس گناه شرکت نکنید! کاری نکنید که امام زمان را افسرده سازید! پاکیزگی نفس داشته باشید! محبت به امام و اهل بیت را در دلتان بیشتر کنید!

از شیخ محمد تقی بهلول - اعجوبه قرن - پرسیده شد: چه موقع می‌شود خدمت حضرت رسید؟

در جواب فرمود: «هر وقت با تقوا شدید؛ و در جلسه دیگری فرمود: دیدار امام زمان علیه السلام آن قدر مهم نیست که توجه حضرت به ما مهم است؛ مهم این است که حضرت ما را ببیند؛ خیلی‌ها علی علیه السلام را دیدند، ولی حضرت آنها را ندید و نتیجه‌اش معلوم شد»<sup>۱</sup>.

### چرا به صابونی اجازه ملاقات ندادند؟

صابون فروشی در بصره زندگی می‌کرد، وی می‌گوید:

«روزی، دو نفر برای خرید سدر و کافور به مغازه‌ام آمدند؛ فهمیدم غریبه‌اند؛ از آنها خواستم خود را معرفی کنند؛ کتمان کردند؛ آنها را قسم دادم؛ خود را از ملازمان حضرت شمرند؛ گفتند: یکی از همراهان حضرت وفات کرده؛ آمده‌ایم وسایل کفن و دفن فراهم کنیم؛ من با تضرع از آنها خواستم مرا نیز با خود همراه سازند؛ یاران گفتند: دیدار، به اجازه حضرت بستگی دارد؛ گفتم: مرا تا نزدیک حضرت ببرید؛ اگر اجازه داد، زهی سعادت!

با آنها همراه شدم؛ بدون احتیاج به گشتی، روی آب روان شدند؛ من

می ترسیدم؛ آنها گفتند: خدا را به حضرت قسم ده و رهسپار شو؛ چنین کردم.

ناگهان هوا ابری شد و باران گرفت؛ من به یاد صابون‌ها - که روی پشت بام پهن کرده بودم تا خشک شود - افتادم؛ همین که خیال مادی در سرم آمد، پاهایم در آب فرو رفت و آن دو نفر مرا نجات دادند.

وقتی به ساحل رسیدیم، چادری دیدم که نور آن، فضا را روشن کرده بود. یکی از همراهان گفت: این جا بمان تا اجازه ورود بگیرم؛ خبر آورد که حضرت فرمودند: «رُدْوَةٌ وَ هُوَ رَجُلٌ صَابُونِيٌّ»؛ او را برگردانید! او مردی مادی و صابون دوست است.<sup>۱</sup>

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون کجا به گوی طریقت گذر توانی کرد؟

## حکایت تشرّف یافتگان

### ۱- اسماعیل هرقلی<sup>۲</sup>

شمس الدین، فرزند اسماعیل هرقلی می گوید: «پدرم در جوانی، از ناحیه ران چپ دچار زخم عفونی شدیدی شد که زندگی او را به خطر انداخت؛ این زخم چرکین، در فصل بهار، شکافته می شد و خون و چرک، از آن می آمد. وی به حله، نزد سید بزرگوار، رضی الدین (علی بن طاووس) رفت و از بیماری شکایت کرد؛ سید از پزشکان شهر خواست که معالجه کنند؛ آنها گفتند: جراحی پای او بسیار خطرناک است؛ او به همراه سید به بغداد آمد و به پزشکان ماهر مراجعه کرد؛ آنها نیز نظر پزشکان حله را تأیید کردند.

۱. دارالسلام، ص ۱۷۲.

۲. هرقل: روستایی در منطقه حله عراق است که در چهل کیلومتری کربلا واقع شده است.

اسماعیل گفت: چون چنین است، به زیارت سامرا می‌روم و استغاثه به ائمه هدی علیهم السلام می‌نمایم.

در سامراء پس از زیارت امام هادی و عسکری علیهم السلام به سرداب رفت و بسیار نالید و به صاحب الامر، استغاثه نموده و سپس کنار دجله رفت و پای خود را شستشو داد و لباس تمیزی پوشید، در بین راه به چهار سوار، برخورد کرد که یکی از آنها لباس ویژه علمای دین را به تن و نيزه‌ای در دست داشت؛ دو جوان، شمشیر بسته بودند و یک پیری هم نيزه‌ای در دست داشت و همه پیاده شدند و به بیمار، سلام کردند و آن شخصیت پر شکوه که گویی سالار آنان بود، به طرف بیمار آمد و گفت: ای اسماعیل! تو فردا به سوی خاندان خود برمی‌گردی؟

اسماعیل: آری.

فرمود: بیا جلو تا زخم پایت را ببینم.

او می‌گوید: رفتم جلو و آن شخص با عظمت، دست شفا بخش خویش را بر روی پایم نهاد تا به نقطه درد رسید و اندکی فشار داد و بر مرکب سوار شد؛ آن پیرمرد گفت: اسماعیل! شفا یافتی.

اسماعیل می‌گوید: از این که مرا به نام و نشان، شناخته، شگفت زده بودم. آن پیرمرد گفت: ایشان امام است؛ من ران و رکابش را بوسیدم؛ امام حرکت کرد؛ من دنبالش رفتم؛ امام فرمود: برگرد! من گفتم: هرگز جدا نخواهم شد.

باز فرمود: مصلحت تو در برگشت است؛ من همان حرف را تکرار کردم. پیرمرد گفت: ای اسماعیل! شرم نداری که امام تو، دو بار فرمود برگرد و تو



خلاف می‌کنی؟ این حرف در من اثر کرد؛ پس ایستادم؛ چند قدمی دور شدند؛ باز به من توجه کردند و فرمود: به بغداد که رفتی، خلیفه عباسی تو را می‌طلبند و چیزی عطا می‌کند؛ از او قبول نکن! به فرزندم رضی بگو: چیزی در باب تو، به علی بن عوض بنویسد - که من به او سفارش تو را می‌کنم - که هر چه خواهی بدهد.

من آن جا ایستادم؛ آنها غایب شدند؛ خیلی تأسف خوردم و ساعتی همان جا نشستم.

وقتی به سامرا برگشتم، با برخی از مردم روبرو شدم؛ از آنها درباره چهار سوار پرسیدم: آیا آنها را دیده‌اید؟ آنان گفتند: بله؛ از بزرگان صاحب ثروت همین منطقه بودند. گفتم: نه؛ بلکه امام بود. گفتند: زحمت را به او نشان دادی؟ گفتم: آری. آنها هم مرهم ران مرا باز کردند؛ دیدند اثری از زخم نیست. مردم به من هجوم آوردند؛ پیراهن مرا - به عنوان تبرک - پاره کردند. خبر پیچید؛ مأموری از سوی حکومت آمد؛ مشخصات مرا پرسید؛ به بغداد گزارش کرد؛ وقتی به بغداد رسیدم، دیدم انبوه مردم، از شهر، خارج شده کنار پل اجتماع نموده‌اند.

وقتی مرا شناختند، موج جمعیت، گرداگردم را گرفتند و پیراهنم را برای تبرک دریدند. سید بن طاووس و گروهی به همراه او به استقبال آمده بودند. هنگامی که سید مرا دید، گفت: اسماعیل! آیا تو شفا یافته‌ای؟ گفتم: بله. سید از مرکب پیاده شد، ران پای اسماعیل را برهنه کرد؛ اثری از زخم ندید؛ از شوق بیهوش شد؛ هنگامی که به خود آمد، گفت: وزیر مرا طلبیده که نزد او برویم؛ سید به وزیر گفت: این مرد محبوب‌ترین یاران من است. وزیر گفت:

قصه خود را نقل کن! من هم نقل کردم. وزیر، اطباء را حاضر کرد و گفت: زخم او را دیده‌اید؟ گفتند: بله؛ پرسید: دواي آن چیست؟ گفتند: بریدن، اما اگر ببریم زنده ماندن او مشکل است. گفت: اگر زنده بماند، چقدر طول می‌کشد تا زخم او پس از جراحی خوب شود؟ گفتند: حداقل دو ماه؛ وزیر گفت: چند روز قبل، او را دیده‌اید؟ گفتند: روز دهم است.

وزیر گفت: ران خود را برهنه کن! دیدند هیچ اثری از زخم نیست در این وقت یکی از اطبای مسیحی گفت: «والله هذا من عمل المسيح؛ به خدا این، معجزه مسیح است»؛ وزیر گفت: من نمی‌دانم عمل کیست. خبر به خلیفه رسید؛ وزیر را جلب کرد؛ مرا پیش خلیفه بردند؛ منتصر مرا امر کرد: قصه را بیان کن؛ پس به خادم گفت: کیسه‌ای که هزار دینار در آن بود، به من دادند؛ خلیفه گفت: این مبلغ را نفقه خود کن! من قبول نکردم؛ خلیفه گفت: از که می‌ترسی؟ گفتم: از آن که این عمل را کرده؛ خلیفه ناراحت شد.<sup>۱</sup>

## ۲- مقدس اردبیلی

علامه مجلسی از گروهی و آنان، از سید میر علام نقل کرده‌اند که «در ساعت‌های آخر شب، در صحن امیرالمؤمنین بودم؛ دیدم - در خلوت شب - مردی به سوی مرقد می‌آید؛ به او نزدیک شدم؛ دیدم مقدس اردبیلی است؛ خود را به او نشان ندادم و مراقب او بودم. او به درب حرم - که بسته بود - رسید، اما با رسیدن او، درب گشوده شد و وی وارد حرم شد، اما با کسی،

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۸۳-۲۸۷؛ حدیقة الشیعة، ج ۲، ص ۹۶۲-۹۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۱.

حرف می‌زد و سپس از حرم خارج شد و درب‌ها بسته شد. مقدّس اردبیلی به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز - به طوری که او مرا نبیند - از پس او روان شدم. وارد مسجد کوفه شد؛ به سوی محراب شهادت رفت و مدّتی درنگ کرد و سپس به سوی نجف برگشت. در میانه راه، من سرفه کردم؛ او متوجه من شد و فرمود: میر علام تو هستی؟! پاسخ دادم: آری. گفت: چه می‌کنی؟ گفتم: من از همان لحظات ورود شما به حرم مولا، تا کتون با شما بودم. شما را به صاحب این قبر سوگند، مرا از آنچه برایتان پیش آمده با خبر سازید. گفت: اگر تعهد کنی تا زنده‌ام به کسی نگویی، حقیقت را به تو می‌گویم. من تعهد دادم؛ او گفت: من در مسائل پیچیده علمی - فقهی آمدم از روح بلند مولا، پاسخ بگیرم؛ هنگامی که به حرم رسیدم، درها گشوده شد؛ ولی ندایی از جانب قبر آمد که برو مسجد کوفه، سؤال خود را از مهدی - که امام زمان توست - بپرس! به سرعت به مسجد کوفه آمدم؛ نزدیک محراب رفتم؛ حضرت، آن جا نیایش می‌کرد؛ مسائل خود را پرسیدم و او پاسخ گفت؛ اینک به خانه خویش برمی‌گردم.<sup>۱</sup>

### ۳- ابوراجح

در شهر حله، مرد جفاپیشه‌ای بود به نام مرجان صغیر که نسبت به اهل بیت، دشمنی می‌ورزید، ولی ابوراجح علاقمند به خاندان رسالت بود و از دشمنان آنان، بیزار می‌جست. روزی جاسوسان به حکام خبر دادند که ابوراجح خلفا را بدگویی می‌کند؛ او را احضار کرد و دستور شکنجه و شلاق،

صادر شد. آنقدر او را زدند که دندان‌هایش ریخت؛ سپس زبان او را از کام کشیدند و بینی او را سوراخ و ریسمان از آن عبور دادند و در کوچه‌های حله می‌کشیدند. به حاکم خبر دادند که ابوراجح از پا افتاده؛ دیگر امکان برگرداندن او در کوچه‌ها نیست؛ دستور اعدام صادر کرد؛ اما برخی گفتند: او پیر است و پیکرش در هم شکسته؛ او خواهد مرد؛ نیازی به اعدام نیست؛ او را رها کردند؛ نزدیکانش آمدند و او را به خانه بردند؛ همه فکر می‌کردند که به زودی می‌میرد، ولی فردای آن روز، دیدند او سالم و پر نشاط، به نماز ایستاده؛ دندان‌هایش سالم و زخم‌هایش بهبود یافته؛ همه حیرت‌زده از او حقیقت واقعه را خواستند.

او گفت: در اوج درد و رنج، به حضرت مهدی متوسل شدم و از او طلب فریادرسی نمودم؛ او وارد خانه‌ام شد و دست‌گره‌گشا و شفابخش خویش را بر چهره‌ام نهاد و فرمود:

«اخرج و کذب علی عیالک فقد عافاک الله تعالی؛ برخیز و از خانه بیرون برو و برای اداره زندگی خود و خانواده تلاش کن؛ خدا نعمت صحت و سلامت را دگر بار به تو برگردانده است.»

شمس‌الدین محمد که این روایت را آورده است، می‌گوید: در حالی ابوراجح را دیدم که طراوت جوانی او برگشته؛ چهره‌اش گندم‌گون و قامتش برافراشته بود.

خبر عنایت حضرت مهدی در شهر حله پیچید. حاکم بیدادگر، او را احضار کرد؛ هنگامی که او را صحیح و سالم دید، سخت به وحشت افتاد و رفتار ظالمانه خویش را با رهروان اهل بیت علیهم السلام تغییر داد و روش عادلانه پیش

گرفت. ابوراجح پس از دیدار با حضرت، گویی جوانی ۲۰ ساله بود و شگفت‌انگیز این‌که تا پایان عمر، همان طراوت جوانی را با خود داشت.<sup>۱</sup>

#### ۴- علامه حلی در حضور حضرت مهدی علیه السلام

آیه الله سید محمد مجاهد - صاحب مناهل الفقه - از خط علامه حلی نقل می‌کند که «علامه حلی که در حله عراق ساکن بود، هر شب جمعه به کربلا می‌رفت؛ یکی از شب‌های جمعه، هنگامی که بر مرکب سوار بود و تازیانه‌ای در دست داشت در میانه راه به شخصی برخورد کرد و با ایشان همراه شد. آن شخص مسأله‌ای مطرح کرد؛ علامه فهمید که وی مردی عالم است؛ لذا بعضی از مشکلات علمی را از ایشان سؤال کرد؛ تا این‌که مسأله‌ای مطرح شد و آن شخص، بر خلاف نظر علامه، فتوا داد.

علامه گفت: این فتوا بر خلاف اصل و قاعده است؛ دلیل و روایتی هم نداریم.

آن جناب فرمود: دلیل، آن حدیثی است که در کتاب تهذیب شیخ طوسی نوشته شده است. علامه گفت: چنین حدیثی را در تهذیب ندیده‌ام؛ آن مرد گفت: در کتاب تهذیب شما، در فلان صفحه و سطر، این حدیث آمده است. علامه با خود گفت: شاید این شخص، مولایم مهدی باشد؛ لذا برای این‌که روشن شود - در حالی که تازیانه از دستش افتاد - پرسید: «آیا ملاقات با حضرت صاحب الزمان امکان دارد؟ این شخص، خم شد و تازیانه را برداشت و با دست خود آن را در دست علامه گذاشت؛ سپس در جواب فرمود: چطور نمی‌توان دید و حال آن‌که الآن دست او در دست تو می‌باشد؟

همین که علامه این کلام را شنید، پی اختیار، خود را از مرکب انداخت تا پای مبارک امام را ببوسد؛ آن چنان محو عشق مولا شد که بیهوش گشت. وقتی به هوش آمد، آن حضرت را ندید؛ افسرده شد؛ وقتی به خانه برگشت، کتاب تهذیب را دید؛ حدیث را پیدا کرد و در حاشیه کتاب نوشت: این حدیثی است که مولایم - صاحب الامر - مرا بدان خبر دادند. مرحوم سید محمد مجاهد - صاحب مناہل - می گویند: «من همان کتاب را دیدم؛ در حاشیه آن به خط علامه، مضمون این جریان را مشاهده کردم»<sup>۱</sup>.

### ۵- سید مهدی بحر العلوم، در محضر حضرت مهدی علیه السلام

سید مهدی بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ هـ ق) مکرر خدمت امام عصر رسیده است؛ بعضی از آنها را نقل می کنیم:

#### الف) ناقه سوار

آخوند زین العابدین سلماسی - از شاگردان نزدیک سید - می گوید: «زمانی که در جوار خانه خدا، نزد سید، به خدمت مشغول بودم، روزی در خانه چیزی نداشتیم؛ مطلب را به سید گفتم؛ چیزی نفرمود.

عادت سید بحر العلوم این بود که صبح اول وقت، طوافی به دور کعبه کرده و به خانه می آمد و به اتفاق مخصوص خود می رفت؛ ما قلیانی برای او می بردیم؛ آن را می کشید و سپس برای هر صنفی، بر طریق مذهبش درس می گفت.

در آن روزی که از تنگدستی شکایت کردم، چون از طواف برگشت - بر حسب عادت - قلیان را حاضر کردم؛ ناگهان کسی در را کوبید؛ سید بحر العلوم،

۱. دارالسلام، ص ۱۷۱ برات ولی عصر، ص ۱۳۱.

به شدت مضطرب شد و به من گفت: قلیان را بگیر و از این جا بپرا آنگاه خود، با شتاب به طرف در رفت و آن را باز کرد؛ شخص بزرگواری داخل شد و در اطاق سید نشست؛ سید - در نهایت فروتنی و ادب - دم در نشست.

ساعتی نشستند و سخن گفتند، آنگاه برخاست و در را باز کرد و دست میهمان را بوسید و او را بر ناقه‌ای که جلوی در خوابانیده بود، سوار کرد؛ میهمان رفت و بحر العلوم یا رنگ دگرگون بازگشت و حواله‌ای به دست من داد و گفت: این حواله‌ای است برای مرد صرافی که در بازار صفاست؛ نزد او برو و هرچه بر او حواله شده بگیر! آن حواله را گرفتم و نزد همان مرد - که سید سفارش کرده بود - بردم؛ مرد چون حواله را گرفت و به آن نظر نمود، آن را بوسید و گفت: برو چند بار بر پیاورا رفتم و چهار بار بر آوردم؛ به قدری که آن چهار نفر، قدرت حمل داشتند، پول آن زمان را برداشتند و به منزل آوردند؛ من فوری برگشتم نزد صراف که حال او و نویسنده حواله را جویا شوم؛ وقتی رفتم، دیدم نه صرافی بود و نه مغازه صرافی»<sup>۱</sup>.

### ب - مانند دریا

میرزای قمی رحمته الله - صاحب قوانین - می گوید:

«من با علامه بحر العلوم، در درس آقا وحید بهبهانی، هم‌مباحثه بودیم؛ اغلب من برای او بحث را تقریر می‌کردم، تا این‌که به ایران آمدم و کم‌کم شهرت علمی سید بحر العلوم، به همه جا رسید و من تعجب می‌کردم. زمانی که خدا توفیق زیارت عتبات داد، وقتی به نجف وارد شدم، سید را ملاقات کردم؛ مسأله‌ای عنوان شد، دیدم سید بحر العلوم، دریای موج و عمیق از



دانش هاست؛ پرسیدم، آقا! ما که با هم بودیم، شما این مرتبه را نداشتید و از من استفاده می‌کردید؛ حال شما را مانند دریا می‌بینم. سید فرمود: میرزا، این از اسرار است که به تو می‌گویم؛ تا من زنده‌ام، به کسی نگوا من هم قبول کردم.

آقا فرمود: چگونه این طور نباشم و حال آن که آقایم (حجة بن الحسن)، شبی در مسجد کوفه مرا به سینه مبارک خود چسباند.<sup>۱</sup>

### ج) تلاوت قرآن

میرزا حسین لاهیجی، به نقل از شیخ زین العابدین سلماسی می‌گوید: «روزی سید بحرالعلوم، وارد حرم مطهر امام علی علیه السلام شد و سپس این شعر را زمزمه کرد:

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دلربا شنیدن!

به رُخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن!

پس از آن، از سید بحرالعلوم، سبب خواندن این شعر را پرسیدم؛ فرمود: چون وارد حرم حضرت علی علیه السلام شدم، دیدم مولایم حجة بن الحسن، در بالای سر، به آواز بلند، قرآن تلاوت می‌کند؛ چون صدای آن بزرگوار را شنیدم، این شعر را خواندم.<sup>۲</sup>

### ۶- امام خمینی علیه السلام و دستور امام زمان

مرحوم حجة الاسلام سید محمد کوثری می‌گوید:

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۳۷۱.

۲. فوائد الرضویه، ص ۶۸۲؛ گلشن راز، ج ۱، ص ۲۹۸.

«یک روز، در منزل آیه الله فاضل لنکرانی بودم، یکی از فضلای مشهد هم آن جا بود؛ ایشان از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف، در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم: این چه فرمایش‌هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟ ایک مستأجر را نمی‌شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می‌خواهید شاه مملکت را بیرون کنید؟»

امام سکوت کردند؛ من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند؛ سختم را تکرار کردم؛ امام بر آشفت و فرمود: فلانی! چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیة الله امام زمان به من - نستجیر بالله - خلاف می‌فرمایند؟ شاه باید برود! و همان شد و شاه از مملکت بیرون رفت.

می‌بینیم که امام خمینی علیه السلام، چنین پیوندی با حضرت بقیة الله داشتند و اگر این طور نبود، این وضع پیش نمی‌آمد.<sup>۱</sup>  
آقای مرتضایی فر\* می‌گوید:

«روز ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ وقتی اطلاعیه فرماندار نظامی تهران، اجتماع بیش از سه نفر را ممنوع کرد و ساعات منع عبور و مرور را از ساعت ۴ بعد از ظهر قرار داد و هم‌زمان با آن، بختیار - نخست وزیر شاه - جلسه اضطراری شورای امنیت تشکیل داد و فرمان اجرای کودتای طراحى شده، از سوی ژنرال هایزر آمریکایی را صادر کرد، امام خمینی علیه السلام - طی پیامی - از مردم تهران خواست تا برای جلوگیری از توطئه، به خیابان‌ها بریزند و حکومت

۱. پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۱۲۵.

\*. از اعضای ستاد برگزاری و مکتب نماز جمعه تهران.

نظامی را لغو کنند.

وقتی اطلاعیه امام صادر شد، ما نزد آیه الله طالقانی بودیم؛ ایشان به امام تلفن زد و گفت:

حضرت آیه الله! این چه پیامی است که صادر کردید؟ خون مردم ریخته

می شود. من خواهش می کنم شما از دستور خود صرف نظر کنید!

آقای مرتضایی فر می گوید:

یک مرتبه دیدم دست آیه الله طالقانی لرزید و رنگ ایشان تغییر کرد و

گوشی را روی تلفن گذاشت؛ سؤال کردیم: چه شد؟

ایشان گفت: وقتی آن همه اصرار کردم، امام فرمود: آقای طالقانی! شاید

حکم امام زمان باشد!».

همین مسأله - دستور امام زمان به امام خمینی علیه السلام - را نویسنده از آیه الله

خرزعلی شنیده که فرمود:

«یک پیرمرد، از مسجد جمکران قم آمد و با امام خمینی علیه السلام ملاقات

کرد و دستور امام زمان را رساند؛ این شخص، قبلاً هم در مورد اصل

انقلاب - که بدون خونریزی زیاد به پیروزی می رسد - به امام خبر داد و

قیافه وی برای امام شناخته شده بود.».

آقای خرزعلی، آن پیرمرد را می شناسد و هنوز هم آن پیرمرد زنده است.

آری این گونه و بدین پشتوانه بود که سیل جمعیت زن و مرد و پیر و جوان

به خیابان ها ریخته و مشغول سنگربندی شدند و اولین تانک ها و تیپ های

زرهی کودتاچیان به محض حرکت از پایگاه های شان، به وسیله مردم از کار

می افتاد.

کودتا در همان آغاز، با شکست مواجه شد و بدین ترتیب، آخرین مقاومت‌های رژیم درهم شکست و صبحدم ۲۲ بهمن، خورشید پیروزی امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی طلوع کرد و دوران دیرپای سلطنت شاهان ستمگر در ایران به پایان رسید.

### ۷- آیه الله العظمی گلپایگانی و یاری امام زمان علیه السلام

حجة الاسلام حاج سید احمد موسوی - فرزند عالم زاهد، حاج آقا رضا؛ امام جمعه بزرگ کاشان، که یکی از علمای ربانی بود - از مرحوم آیه الله گلپایگانی نقل کرد که آن بزرگوار فرمودند: «حوزه، مورد توجه امام زمان است؛ پس از مرحوم آیه الله بروجردی، نصف شهریه طلاب حوزه - که هفتاد هزار تومان بود - را بنا شد که من بدهم؛ به قدری کم پول بودم که برای خرجی خانه هم قرض کردم؛ از یک بازاری - جهت شهریه - پنجاه هزار تومان قرض کرده بودم؛ چند روزی بود که او می آمد؛ ولی خجالت می کشید مطالبه کند؛ من هم خجالت می کشیدم که نمی توانم قرض را بدهم.

روزی نماز صبح را به جماعت، در حرم حضرت معصومه علیها السلام خواندم؛ به منزل آمدم؛ چند نفری همراه من آمدند و مسأله پرسیدند و رفتند؛ یک [شخصی با] کلاه نمدی، همراه من بود؛ چیزی نگفت تا در خانه؛ کلید را که به در انداختم، به او گفتم: فرمایشی دارید؟ یک بسته اسکناس بزرگ به من داد؛ تعجب کردم؛ گفتم: اسم شما چیست؟ انگشت خود را به لب گذارده و گفت: غیب علی و رفت، از آن روز تا به حال، بی پول نشدم و غیب علی را هم ندیدم.»<sup>۱</sup>

۱. لطیفه‌ها و خاطره‌ها، ج ۱، ص ۳۴.

آیه الله امامی کاشانی، در مجلس ختم مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی - که در مسجد اعظم قم، از طرف اساتید حوزه علمیه برگزار شده بود - فرمود: یکی از افرادی که مورد وثوق است و گاهی اخباری را در دسترسم قرار می دهد گفت:

«در تشییع جنازه آیه الله العظمی گلپایگانی، از تهران به قم رفتم و به مسجد امام حسن مجتبی رسیدم؛ به دو نفر از اصحاب حضرت حجت برخوردار کردم؛ به من گفتند: امام زمان در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشریف دارند؛ برو آقا را ملاقات کن! با عجله خودم را به مسجد رسانده، وارد مسجد شدم؛ اذان ظهر را گفته بودند؛ متوجه شدم حضرت مهدی علیه السلام، با سی نفر از اصحاب، مشغول نماز هستند؛ اقتدا کردم و بعد از نماز، حضرت فرمودند: ما از همین جا تشییع می کنیم؛ از مسجد خارج شدیم و به دنبال جمعیت، با آقا رفتیم تا به صحن رسیدیم»<sup>۱</sup>.

## ۸- آخوند ملا علی معصومی و دستور دستگیری از محرومان

### اسکناس های ناپیدا

حجة الاسلام قرائتی، در یک برنامه رادیویی گفت: «در همدان به زیارت آیه الله آخوند ملا علی معصومی (متوفی اول مرداد ۱۳۵۷ هـ ش) رفتیم؛ ساعتی در خدمت ایشان بودیم؛ می دیدیم مرتب خادم می آید و اظهار می کند که یک فقیر در خانه است و آخوند هم مرتب دست می کرد و از زیر تشک خود، یک اسکناس پنج تومانی به خادم می داد؛ تا آن که آخوند از جای خود حرکت کرده، بیرون رفت؛ یکی از همراهان خواست بداند زیر تشک

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۷.

چقدر پول است؛ تشک را بلند کرد؛ دید چیزی نیست؛ فکر کردیم پول تمام شده؛ وقتی آخوند تشریف آورد و روی تشک نشست، مجدداً خادم آمد و برای فقرا پول خواست؛ آخوند دست برد و از زیر تشک، پنج تومان را بیرون آورد و به خادم داد و این امر چند بار تکرار شد؛ دوست ما، سرّ مطلب را از آخوند پرسید که من دیدم پولی زیر تشک نبود، اکنون متحیرم که از کجا این پول ها به دست شما می رسد که به چشم ما دیده نمی شود؟

آخوند فرمود: من دستورالعملی<sup>۱</sup> انجام دادم که هر کسی چهل روز انجام دهد، روز چهارم خدمت امام زمان، شرفیاب می شود؛ من مشغول شدم، ولی نتوانستم به طور کامل انجام دهم؛ شب چهارم در عالم رؤیا، شیخ عبدالکریم حائری را دیدم که در یکی از خیابان های شهر، راه می رفت و فقرای زیادی به دنبال ایشان بودند و از حاج شیخ، پول می گرفتند؛ در این میان، حاج شیخ چشمش به من افتاد و فرمود:

من از طرف حضرت بقیّة الله - امام زمان - دستور می دهم که به فقرا توجه نموده و آنها را دست خالی بر مگردان!

از آن وقت من مطمئنم که امام زمان علیه السلام، خود مسئول این بودجه است و این، از برکت وجود آن حضرت است.

مرحوم آخوند فرمودند: «چون دستورالعمل مزبور، کاملاً رعایت نشده بود و نتوانسته بودم روزه بگیرم، به طور غیر مستقیم و به واسطه حاج شیخ

۱. آن دستورالعمل را که آخوند میرزا جواد آقا ملکی تبریزی نقل کرده اند این است که هر کس بخواهد یکی از ائمه را در خواب ببیند، باید یک روز روزه بگیرد و پس از انظار و قبل از خواب، صد مرتبه «قل هو الله» یا «انا انزلنا» یا هر دو را بخواند. مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۴۰۰ و مجله نور علم، شماره ۴۶، ص ۷۶.

عبدالکریم، برایم رفع تردید شد»<sup>۱</sup>.

### ۹- آیه الله بهاء الدینی

آیه الله بهاء الدینی علیه السلام - که از علمای بزرگ اخلاق، در حوزه علمیه بودند - اوایل مایل نبودند که کسی دستشان را ببوسد و بعداً اجازه دادند؛ ما علت آن را سؤال کردیم؛ فرمود:

«من خم شدم دست آقا (امام زمان) را ببوسم، آقا فرمود: چرا نمی‌گذاری خلق الله دستت را ببوسند؟»<sup>۲</sup>.

همچنین، ایشان سال‌های بسیاری در قنوت، آیات قرآن و دعاهای مرسوم را می‌خواندند، تا این‌که ناگهان نوع کلمات و دعای ایشان، تغییر کرده و برای حضرت مهدی علیه السلام دعای سلامتی امام زمان (اللهم کن لولیک) را می‌خوانند؛ از ایشان سؤال شد: چرا روش قبل را تغییر دادید؟ به یک جمله بسنده کردند و گفتند: «حضرت پیغام دادند که در قنوت، برای من دعا کنید»<sup>۳</sup>.



### شیوه‌های حضرت برای ناشناس ماندن

حضرت مهدی، برای ناشناس ماندن خود به هنگام دیدار، و شناخته شدن بعد از دیدار، برنامه‌هایی دارند؛ البته این برنامه‌ها برای خواص - که در هنگام دیدار، حضرت را می‌شناسند یا حضرت، خود را به آنها می‌شناساند - نیست.

۱. مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۴۰۰.

۲. آیت بصیرت، ص ۱۰۷.

۳. سلوک معنوی، ص ۱۸۸.



## تعویض لباس و وسیله نقلیه

ایشان در بیشتر اوقات، لباس مخصوص عربی پوشیده و گاه به صورت یک عرب بیابانی<sup>۱</sup> و گاهی به حالتی با ابتهت و مهربان<sup>۲</sup> و گاهی در لباس کشاورزی که ابزار کشاورزی خود را برداشته<sup>۳</sup> و بعضی اوقات، در شکل یکی از علمای دین<sup>۴</sup> و بالاخره در موارد مختلف، با لباس های متفاوت، رؤیت می شوند. وسیله نقلیه حضرت، گاهی شتر<sup>۵</sup>، گاهی اسب<sup>۶</sup>، گاهی الاغ<sup>۷</sup> بوده است و در مواقعی هم پیاده<sup>۸</sup> و برخی اوقات، بی نیاز از حرکت<sup>۹</sup>، گاهی با زبان محلی اعراب بادیه نشین صحبت کرده<sup>۱۰</sup>، گاه به زبان لبنانی<sup>۱۱</sup>، و گاه به لغت فارسی<sup>۱۲</sup> سخن گفته است.

حضرت، برای پنهان ماندن خود از دید مردم، با حالات مختلفی در جوامع ظاهر می شود؛ زیرا اگر در همه حالات، به یک شکل باشد، به زودی شناسایی می شود. راه شناخته شدن بعد از دیدار، انجام معجزه است و آن بدین گونه است که شخص دیدارکننده، در هنگام دیدار متوجه نمی شود که در برابر چه کسی قرار دارد، ولی بعداً می فهمد که کاری که ایشان انجام دادند، جز از طریق معجزه امکان ندارد؛ مثل این که مسافت بسیار زیادی را در مدت کوتاهی پیموده و طی الارض کرده و از راه های پرخطر و حیوانات درنده، نجات پیدا کرده و به سلامت رسیده است و بالاخره از این طریق به فیض عظیمی

- |                         |                  |
|-------------------------|------------------|
| ۱. النجم الثاقب، ص ۲۴۱. | ۲. همان، ص ۳۵۹.  |
| ۳. همان، ص ۳۴۳.         | ۴. همان، ص ۲۷۳.  |
| ۵. همان، ص ۳۴۲.         | ۶. همان، ص ۳۵۷.  |
| ۷. همان، ص ۳۴۳.         | ۸. همان، ص ۲۸۰.  |
| ۹. همان، ص ۲۲۸.         | ۱۰. همان، ص ۳۵۵. |
| ۱۱. همان، ص ۲۲۵.        | ۱۲. همان، ص ۳۴۴. |

که رسیده است پی می برد.<sup>۱</sup>

### راه‌های دیگر ناشناس ماندن

با بررسی اخبار تشریفات شیعیان، ملاحظه می‌شود که آن حضرت، گاهی با تغییر لباس و مرکب و زبان، از شناسایی، جلوگیری می‌کنند و گاه رفع مشکل کسی را به یکی از خدمتگزاران خود، واگذار می‌کنند.<sup>۲</sup> از پاسخ به سؤالی که باعث شناخته شدن باشد خودداری می‌کنند و یا افراد بیننده، در شرایطی هستند که نمی‌توانند خصوصیات حضرت را بپرسند؛ حال این مطلب یا به خاطر این است که غرق در حاجت خود هستند<sup>۳</sup>، یا سرگرم معجزه‌ای شده‌اند که حضرت انجام داده<sup>۴</sup>، یا مشغول نماز و یا اموری دیگر گشته‌اند و یا این که بیماری، حواس آنها را به خود جلب کرده است.

چنان که نقل شد، افراد زیادی خدمت امام رسیده‌اند و حضرت به آنها فیض رسانده است؛ مقدس اردبیلی می‌گوید: «قائلین به بقای مهدی علیه السلام، جریانات فیض رسانیدن به شیعیان و شفا دادن بیماران و فایده رساندن به خلق و دستگیری درماندگان را نقل کرده‌اند که اگر همه را جمع کنی، کتاب عظیمی می‌شود».<sup>۵</sup>

### چه اهدافی بر دیدارهای حضرت مهدی مترتب است؟

به غیر از اهدافی که در پشت پرده است و از اسرار بین پروردگار عالم و

۱. النجم الثاقب، ص ۲۳۹.

۲. همان، ص ۲۸۳.

۳. همان، ص ۲۸۳.

۴. حدیقه الشیعة، ج ۲، ص ۹۶۲.

مقربان درگاه است، اهداف ذیل به نظر می‌رسند:

- ۱- هدایت و راهنمایی فرد و رساندن پیام امیدواری به دوستانش.<sup>۱</sup>
- ۲- یاری کردن یکی از دو طرف دعوا، خصوصاً در رابطه با مذهب.<sup>۲</sup>
- ۳- حل برخی مشکلات علمی فقها؛ مثل جریان مقدس اردبیلی.<sup>۳</sup>
- ۴- خبر دادن از رویدادهای مهم سیاسی و اجتماعی.<sup>۴</sup>
- ۵- نصیحت و خیرخواهی برای دیگران.<sup>۵</sup>
- ۶- کمک به دیگران.<sup>۶</sup>
- ۷- شفا دادن بیماری‌های مزمن، که پزشکان از بهبودی آن قطع امید کرده‌اند.<sup>۷</sup>
- ۸- راهنمایی گمشدگان در بیابان و صحرا و سفر حج.<sup>۸</sup>
- ۹- یاد دادن و آموزش دعاها و اذکار، که از مهم‌ترین آنها، دعای فرج (الهی عظم البلاء) است.<sup>۹</sup>
- ۱۰- تأکید امام، بر خواندن نماز نافله و زیارت عاشورا و جامعه که حضرت سه بار فرمود: نافله، سه بار؛ زیارت عاشورا و سه بار؛ جامعه.<sup>۱۰</sup>

### آیا امام زمان، زن و فرزند دارد؟

امام زمان، کوچک‌ترین سنت رسول خدا را ترک نمی‌کند؛ مستحبات را

۱. النجم الثاقب، ص ۳۴۶.  
 ۲. همان.  
 ۳. همان، ص ۳۴۴.  
 ۴. همان، ص ۳۶۷.  
 ۵. همان، ص ۳۶۶.  
 ۶. همان، ص ۳۰۶.  
 ۷. ينابيع المودة، ص ۵۴۸؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۱۰.  
 ۸. النجم الثاقب، ص ۳۴۱.  
 ۹. همان، ص ۳۶۳.  
 ۱۰. همان، ص ۳۴۳.

به جا می آورد؛ یکی از سنت‌ها ازدواج است؛

پیامبر فرمود:

«النِّكَاحُ سُنَّةٌ؛ نِكَاحٌ مِنْ أَسْتٍ؛ هَرَّكَسٌ مِنْ أَسْتٍ مِنْ رُؤْيٍ كَرَدَانْدٍ، مِنْ أَسْتٍ مِنْ أَسْتٍ».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ازدواج کنید! همانا ازدواج، سنت پیامبر است؛ پیامبر همواره می فرمود: کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند همانا ازدواج، از سنت من است».<sup>۱</sup>

روایات و دعاهای وارده و گفتار بزرگان شیعه، به اثبات خانواده برای حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است و ما تنها به ذکر ۵ دلیل بسنده می کنیم:

۱- ابوبصیر نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«گویا می بینم که قائم با اهل و عیال خود، در مسجد سهله فرود آمده است».<sup>۲</sup>

۲- شیخ در مصباح، در اعمال روز جمعه، از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده که امام رضا علیه السلام امر می فرمود به دعا کردن برای حضرت مهدی علیه السلام که در قسمتی از آن دعا، می فرماید:

«خداوندا، عنایت فرما به او (مهدی) و به اهلش و فرزندانش و ذریه و امت او و تمام رعیتش، آنچه باعث چشم روشنی او می شود».<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳-۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۵۰۳.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۱۰۵۱.

۲- در کتاب غیبت، نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت ولی عصر، بیشتر اوقات، در مدینه است و سی نفر از خواص حضرتش، با او هستند که ممکن است از فرزندان آن حضرت باشند. و نیز دارد که هرگاه یکی از آنها بمیرد، یکی دیگر جای او را می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۴- شیخ طوسی رحمته الله از مفضل بن عمر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا یطلع علی موضعه أحد من ولده و لا غیره إلا المولی الذی یلی امره؛ هیچ یک از فرزندان و غیر آنها از محل وی، اطلاع ندارند، مگر خدایی که اختیار او را در دست دارد».<sup>۲</sup>

۵- سید ابن طاووس، کتابی دارد به نام کشف المحجبه؛ در آن جا به پسرش سید محمد می‌نویسد:

«پسر! تازگی‌ها فهمیده‌ام که بین امام زمان و یکی از شیعیان، وصلتی انجام شده؛ پسر! مصلحت نیست که برای تو آن را بیان کنم و الا می‌گفتم».

### مشخصات معنوی حضرت مهدی علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

- ۱- مهدی علیه السلام بشارت داده شده پیامبر صلی الله علیه و آله است.
- ۲- عیسی از آسمان برای یاری او نازل می‌شود و در نماز، به او اقتدا می‌کند و وزیر اوست.
- ۳- بهشت، عاشق دیدار اوست.

۱. مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، ص ۷۰۲.

۲. غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۰۲.

- ۴- طاووس بهشتیان است.
- ۵- یکی از سروران هفتگانه اهل بهشت است.
- ۶- از بسیاری از انبیاء، بالاتر است.
- ۷- خداوند، آنچه را به انبیاء داده، به او می‌دهد و اضافه‌تر نیز می‌دهد.
- ۸- عهدنامه پیامبر، با اوست.
- ۹- شمشیر ذوالفقار حیدر و پرچم پیامبر یا اوست.
- ۱۰- مهدی علیه السلام بالاترین امام، از نسل امام حسین علیه السلام است.
- ۱۱- ولی خداست؛ خداوند به وسیله او، زمین را آباد و اسرار زمین را ظاهر می‌کند.<sup>۱</sup>
- ۱۲- مهدی علیه السلام هنگام نماز عشاء ظهور می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌های نور و بیان است.<sup>۲</sup>
- ۱۳- نخستین کسانی که با او دست بیعت می‌دهند، جبرئیل و میکائیل می‌باشند.<sup>۳</sup>
- ۱۴- در بالا سر او، ابر سایه می‌افکند و ندایی بر می‌خیزد و اعلام می‌کند که مهدی خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید!
- ۱۵- ملائکه الهی در جلوی او هستند.
- ۱۶- خداوند، او را با ملائکه یاری می‌کند؛ جبرئیل در جلوی لشکر اوست.
- ۱۷- بر روی پرچم او نوشته شده «البيعة لله تعالى؛ بیعت، مخصوص

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۲. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۵. ۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

خداست».

- ۱۸- روی پرچم‌های سفید و زرد او، اسم اعظم خداوند، نقش بسته است.
- ۱۹- اهل آسمان و زمین و پرندگان هوا، بر او درود می‌فرستند.
- ۲۰- مهدی، امری از امر الهی و ستری از اسرار الهی است.
- ۲۱- ختم دین، با مهدی است چنان‌که ابتدای آن با رسول الله صلی الله علیه و آله بود؛ حضرت مهدی خاتم الاوصیاست چنان‌که حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء بود و این عنوان خاتمیت، به هیچ کس جز این دو عصاره هستی، داده نشده است.

۲۲- اخلاق او، اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۲۳- برای خودش، سنگی را روی سنگی نمی‌نهد.

۲۴- باگذشت و سخاوتمند، و بخشنده‌ترین مردم است.

۲۵- چیزی را که داده، پس نمی‌گیرد.<sup>۱</sup>

رخ زیبا، بد بیضا، دم عیسی داری آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری

همه



## **فصل پنجم:**

**شرایط و نشانه‌های ظهور**

## نشانه‌های انقلاب حضرت مهدی علیه السلام

از آن جایی که هیچ انقلابی بدون نشانه‌های قبلی صورت نمی‌گیرد، در احادیث اسلامی نیز علائمی برای نزدیک شدن آن رستاخیز عظیم، ذکر کرده‌اند.

### مقدمه

بعضی از نشانه‌ها قابل پیش‌بینی است؛ مثلاً اگر ظلم و ستم و تجاوز به حقوق مردم، گسترش پیدا کند، طبیعی است که مفسد اخلاقی - اجتماعی پدیدار می‌گردد و گسترش ستم و فساد، بذره‌های انقلاب را آبیاری می‌کند و بحران اوج می‌گیرد؛ در روایات اسلامی، به طرز معجزه‌آسایی، روی این سلسله از عوامل اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و اعتقادی دست گذاشته شده که به طور اجمال شرایط ظهور عبارت است از آمادگی فکری و فرهنگی جهانی برای پذیرش دعوت حضرت و حکومت واحد جهانی و قطع امید و مأیوس شدن مردم از مکتب‌ها و سازمان‌های بشری و فراگیر شدن فساد و انحراف اخلاقی و ظلم و ستم سیاسی، اقتصادی و به تنگ آمدن مردم از وضع موجود و احساس نیاز به مصلح کل همراه با تهذیب نفس و اصلاح

درونی و پیدا شدن ۳۱۳ نفر اصحاب خاص و تکمیل شدن ارکان حکومت، مضافاً عواملی که از طرق اطلاعات عادی نمی‌توان به آنها پی برد - و بیشتر، شکل یک پیش‌گویی را دارد - نیز تبیین شده و اکنون این شما و این هم نشانه‌ها:

حوادث و وقایعی که از ابتدای غیبت تا هنگام ظهور رخ می‌دهد و پیش‌گویی شده، دو نوع است:

- ۱- آنهایی که علامت ظهور و نشانگر نزدیکی ظهور حضرت مهدی است.
- ۲- حوادثی که اتفاق می‌افتد؛ خواه صد سال قبل از ظهور، یا پانصد سال؛ به هر حال این حوادث، در دوران غیبت، اتفاق می‌افتد و جنبه علامت بودن ندارد.

متقدمین از علما از آن جا که نظر به تحقیق نداشتند و بیشتر قصد جمع‌آوری آنچه که تا قبل از ظهور واقع می‌شود را داشتند، همه روایات را یک جا - بدون ملاحظه تقدم و تأخر وقوع - ذکر کرده‌اند و همه را به نام علائم ظهور نامیده‌اند؛ چنان که مرحوم شیخ مفید فرموده:

«نشانه‌های قیام حضرت قائم علیه السلام و حوادثی که قبل از قیام آن بزرگوار به وجود می‌آید، در روایات آمده است؛ از جمله خروج سفیانی و کشته شدن حسنی و اختلاف بنی عباس و روی آوردن پرچم‌های سیاه از خراسان و خروج یمتی و ظاهر شدن ملخ‌ها که به کشتزارها روی می‌آورند و باریدن بیست و چهار باران پشت سر هم که بعد از این بارش‌ها بر زمین، برکاتش ظاهر می‌شود و هر ناراحتی و مرض جسمی از پویندگان حق و پیروان مهدی علیه السلام رخت برمی‌بندد و طبق گفته روایات، در این بحبوحه است که یاران آن حضرت از ماجرای ظهور آن بزرگوار،

از شهر مکه، آگاه شده و جهت یاری وی متوجه آن حضرت می‌شوند. برخی از این حوادث که ذکر شد، حتمی و برخی دیگر دارای شرایطی است و خدای سبحان به چگونگی آن آگاه است و ما این حوادث را به گونه‌ای که در کتب تاریخ و روایات بوده ذکر کردیم و از خدای بزرگ یاری می‌طلبیم»<sup>۱</sup>.

مرحوم مفید، خلاصه‌ای از نشانه‌های دور و نزدیک ظهور را که بالغ بر ۴۸ علامت می‌شود، ذکر کرده و ما بعضی از آنها را از کتاب ایشان ذکر کردیم. چنان‌که ملاحظه شد، ایشان در صدد ذکر حوادث، به ترتیب وقوع و رعایت تقدّم و تأخّر نبودند؛ چون بین بعضی از حوادثی که ذکر کرده، مثل کشته شدن نفس زکیّه و سر بریدن مرد هاشمی بین رکن و مقام، فاصله‌ای بیش از دو هفته با ظهور حضرت، وجود ندارد؛ در حالی که بعضی دیگر از نشانه‌ها، مثل: اختلاف بنی‌عبّاس - بین خودشان - و ظاهر شدن مغربی و تصرف شامات و جنبش فاطمیّان، قرن‌های زیادی تا ظهور حضرت، فاصله دارد و بنا بر تصریح مرحوم مفید، کتاب‌های تاریخ نیز، حوادث را بدون رعایت تقدّم و تأخّر، ذکر کرده‌اند.

علمای ما پس از وقوع این حوادث که به‌عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده است، مثل انقراض بنی‌عبّاس و اختلاف آنها، خرابی مسجد براتنا، نابودی بنی‌امیه و... با این اعتراض مخالفین روبرو شدند که چرا علامت‌ها ظاهر شد، ولی مهدی علیه السلام ظاهر نشد؟ ناچار شدند که بگویند: اینها علامات حتمی نبوده، در حالی که اخبار، مسائلی چون انقراض بنی‌عبّاس را از امور حتمی شمرده است.

۱. ارشاد شیخ مفید، ص ۳۳۶؛ بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹-۲۲۱.

همه اینها به خاطر این است که وقایع را از علامت‌ها جدا نکرده‌اند و اگر مسائل، تفکیک می‌شد، شاید مورد اعتراض واقع نمی‌شدند.

وقایعی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام پیش‌گویی کرده‌اند، دو نوع است:

۱- وقایع عمومی: اختصاص به عصر غیبت ندارد؛ مثلاً این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند که زود است بعد از من، یا در امت من، چنین و چنان شود، یا در آخر الزمان، چنین و چنان شود، حتماً در مقام بیان ترتیب زمانی وقایع دوران غیبت نبوده‌اند؛ بلکه کلام ایشان ناظر بر معنایی وسیع‌تر است و شامل تمام دوران پس از آن حضرت تا قیام قائم علیه السلام می‌شود، گرچه ممکن است که برخی از آن حوادث، مقارن با ظهور باشد و از مقدمات آن محسوب شود و بعضی نه؛ پس لازم نیست نشانه‌ها به هم چسبیده باشند بلکه بعضی از نشانه‌ها ممکن است خیلی جلوتر از ظهور، اتفاق افتد؛ مثلاً فتنه‌های عصر شیخ مفید، نظیر سقوط پی‌درپی شهاب‌ها و شنیده شدن صدای هول‌ناک و طغیان آب رود بصره که در سال ۴۱۰ ه‍.ق واقع شد را نشانه آغاز نهضت دانستند، در حالی که نهضت واقع نشد. در مجموع، ممکن است که این فتنه‌ها مفهومی عام داشته باشد و همه فتنه‌های دوران غیبت کبری را شامل شود؛ در حدیثی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود:

«قومی در آخر الزمان پیدا شوند که لباس پشمینه در تابستان و زمستان

پوشند و در این کار، برای خود بر دیگران، امتیازی بینند؛ ملائکه

آسمان آنها را لعنت می‌کنند.»

این حدیث، اشاره به صوفیه است؛ ابوهاشم که مؤسس مکتب تصوف است، در عصر امام باقر علیه السلام ظاهر شد؛ پس مراد از آخر الزمان، آخر عهد خود آن حضرت است و این حدیث، حتی اختصاص به زمان غیبت هم ندارد؛ چرا که این جریان در زمان امام حاضر اتفاق افتاد. پس اینها اموری است که ممکن است بعدها نیز واقع شود ولی مختص به زمانی غیر از زمان دیگر نیست.

پس مراد از وقایع، اعم از آنهایی است که حدوث آنها در عصر غیبت باشد یا پیش از آن. به هر حال مجموعه این روایات، فوائد و ثمرات بسیاری دارد که از جمله ثمرات این پیش‌گویی‌ها این است که روح تنبه و بیداری و عبرت‌گیری را در مردم، زنده می‌کند.

۲- وقایع خصوصی: آنهایی است که نه جنبه علامتی دارد و نه تصریح به وقت واقع شدن آن شده است، البته نشانه‌هایی که مقدمه ظهور است، به این معنی نیست که همگی با هم باشند؛ پس هر چند که بعضی از آنها اتفاق افتاده است، ولی باید منتظر بقیه آنها باشیم و به قول امام صادق علیه السلام: «خداوند به خاطر عجله بندگان، در کارها عجله نمی‌کند».

اخباری که نشانه‌ها را نقل کرده، بعضی تصریح کرده و بعضی کنایه دارد؛ بعضی مجمل و بعضی مبین است. در نتیجه باید منتظر بود که اوضاع، آن را تفسیر کند. این نشانه‌ها، تیری در غیب نیست؛ بلکه پیش‌گویی‌هایی است که بعضی از آنها محقق شده و برخی هنوز محقق نشده است.

## نشانه‌های حتمی ظهور

این احادیث که از طرق مختلف، به ما رسیده است، از منبع وحی و از رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام صادر شده است.

در بعضی از این روایات، مواردی که از نشانه‌های حتمی است، به این صورت آمده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«النِّدَاءُ مِنَ الْمُحْتَمِ، قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمُحْتَمِ...».

«ندای آسمانی، سفیانی، یمانی، کشتن نفس زکیه و ظهور کف دستی از آسمان، از امور حتمی است».<sup>۱</sup>

این علامت‌های ظهور، توأم و یک‌جا حادث نمی‌شود؛ بلکه یکی پس از دیگری - مانند دانه‌های تسبیح - مترتب بر یکدیگرند؛ یا چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم خروج نمی‌کند، مگر این‌که نشانه‌هایی واقع شود و این نشانه‌ها مانند رشته‌های منظمی، به دنبال هم می‌آیند».<sup>۲</sup>

ما در بحث نشانه‌های قبل از ظهور، بعضی از نشانه‌ها را به‌عنوان اموری که نزدیک بودن ظهور، از آنها برداشت می‌شود، ذکر می‌کنیم. باید توجه داشت که نزدیک بودن امری، نسبی است؛ مثلاً دنیا نسبت به آخرت، نزدیک است و از نظر علم الهی، هر دوری، نزدیک است؛ حتی در قرآن کریم، خداوند راجع به قیامت می‌گوید: «اقتربت الساعة»؛ «قیامت نزدیک شد» و اقتراب، شدت قرب است.

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ش ۱۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۴۵۰.

### فرق میان شرایط با نشانه‌های ظهور

آنچه در روایات آمده، عمدتاً نشانه‌ها و علائم ظهور است و فرق است بین علائم با شرایط. فرق‌های شرایط و نشانه‌ها عبارت است از:

۱- وابستگی ظهور به شرایط، از نوع وابستگی واقعی است، ولی نسبت به نشانه‌ها، وابستگی کشفی دارد؛ چون رابطه شرط با مشروط از نظر فلسفی، رابطه علت و معلول است؛ یعنی تحقق مشروط بدون وجود شرط، محال است، اما نشانه‌های ظهور هیچ‌گونه دخالتی در اصل ظهور ندارند و فقط دلالت بر ظهور داشته و موجب آگاهی مردم از ظهور می‌شود؛ مثل پرواز پرنده‌ها که بر بارش و یا رعد و برق، دلالت می‌کنند، بدون این که هیچ رابطه‌ای با صاعقه و باران داشته باشد؛ بنابراین بدون تحقق نشانه‌ها هم، می‌توان ظهور حضرت را تصور کرد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«يُصْلِحُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أُمَّرَةً فِي لَيْلَةٍ؛ خداوند، امر فرج را در یک شب

اصلاح می‌کند.»

البته اشکالی که ممکن است پیش بیاید، این است که روایات نشانه‌های ظهور، دروغ از کار درآید با آن که دروغ را نمی‌توان به ساحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نسبت داد.

جواب این است که اگر روایت از نظر سند معتبر باشد و واقعاً از معصوم علیه السلام صادر شده باشد، خواه ناخواه آن نشانه تحقق می‌یابد و ظهور پیش از وقوع نشانه، امکان ندارد؛ گرچه ارتباط بین نشانه و ظهور، ارتباط واقعی نباشد.

۲- نشانه‌ها عبارت است از چندین رویداد و حادثه پراکنده و بی‌ارتباط به یکدیگر، ولی در شرایط، رابطه واقعی و مستمر بوده و یکی پس از دیگری



می آید، تا این که آخرین شرط، به عنوان جزء اخیر علت تامه محقق شود.  
 ۳- نشانه‌ها را می توان شناسایی کرد و فهمید که کدام یک موجود شده یا نه، ولی شرایط، چنین نیست؛ مثلاً یکی از شرایط، وجود افراد آزموده و خالص به میزان لازم است، ولی آیا ما می توانیم آن افراد را شناسایی کنیم؟  
 خیر.

### تقسیم بندی نشانه‌ها

نشانه‌هایی که در باب حوادث آخرالزمان، در روایات ما آمده است را از چند نظر می توان تقسیم و دسته بندی کرد:  
 الف: از نظر ارتباط آن با ظهور، به عنوان نشانه نزدیکی ظهور و عدم ارتباط.  
 ب: از نظر آفاقی و انفسی بودن آنها؛ یعنی وقوع پدیده‌هایی در جهان و یا انسان‌ها.

ج: از نظر زمانی و تقدم و تأخر وقوع آنها در قبل و بعد و متقارن با ظهور.  
 د: از نظر حتمی و غیر حتمی بودن آنها؛ چنان که مرحوم شیخ مفید - با توجه به روایات - دسته بندی کرده اند.

از تقسیمات فوق، ما فقط به قسم اول و سوم می پردازیم؛ یعنی ابتدا وقایع را از نشانه‌ها جدا می کنیم و سپس اقسام سه گانه نشانه‌های ظهور را از نقطه نظر تقدم و تأخر و تقارن زمانی پی می گیریم.

قبل از ورود در بحث، چند فایده از فوائد نشانه‌ها را ذکر می کنیم:

### فایده نشانه‌ها چیست؟

۱- استفاده دیگری که می توان از تشبیه وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به خورشید در پشت ابر نمود، این است که همان طور که خورشید، آرام آرام

غروب می‌کند و یک دفعه جهان را تاریک نمی‌کند و نمی‌گذارد مشکلاتی که از یک مرتبه تاریک شدن، ایجاد می‌شود، پدید آید و در موقع طلوع هم یک مرتبه روشن نمی‌شود؛ بلکه با مرور زمان، کم‌کم نورش ظاهر می‌شود و نمی‌گذارد ضررهایی که از یک دفعه روشن شدن هوا، حاصل می‌شود، به وجود آید؛ همچنین ملاحظه می‌کنید که حضرت، ابتدا غیبت صغری و سپس غیبت کبری داشتند و برای ظهور هم ابتدا ظهور صغری و سپس ظهور کبری خواهند داشت؛ بنابراین طلایه‌دار ظهور، نشانه‌ها هستند.

۲- این نشانه‌ها جنبه تشریفاتی دارد که خداوند به وسیله آنها از مقدم آن حضرت، تجلیلی به عمل می‌آورد؛ چنان که از مقدم خاتم الانبیاء ﷺ تجلیل کرده همچنان که در حوادثی مانند: خاموش شدن آتشکده فارس، ترک برداشتن ایوان مداین و فرو ریختن چهارده کنگره آن، این تجلیل، مشاهده می‌شود.

۳- اعلام خطر است برای دشمنان؛ همان‌طور که قبل از شروع جنگ، همیشه اقدام به ایجاد رعب و ترس در دل رقیب می‌کنند. و در احادیث وارد شده که حضرت، به وسیله «رعب و ترس» یاری می‌شود؛ وقتی آن حضرت به سمتی حرکت کنند، قبل از رسیدن ایشان در دل دشمنان رعب افکنده می‌شود و چون دشمنان مرعوب شدند، جرأت آنها کمتر می‌شود و در نتیجه سریع‌تر مغلوب می‌شوند.

۴- این نشانه‌ها مزده و بشارت برای منتظران است که آرامش خاطر پیدا کنند و آماده خدمت شوند و ترس و رعبی که از دشمنان داشتند، از دل خود بیرون کنند و دارای قوت قلب شوند.

## وقایع و حوادث قبل از ظهور

## وقایع عمومی

حوادثی که در دوران غیبت یا پیش از آن، اتفاق می افتد و جنبه علامت بودن ندارد و تصریحی به وقت آن نشده است.

چشم اندازی به وضع جهان در آخر الزمان در پرتو سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله

- ۱- جو عمومی و حاکم، جو کفر و بی دینی است؛ به طوری که حتی بعضی از مؤمنین را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می کند.<sup>۱</sup>
- ۲- ملت های دیگر - از ادیان خود - گمراه می شوند.<sup>۲</sup>
- ۳- فتنه های متعددی حادث می شود که تا ظهور مهدی ادامه دارد.<sup>۳</sup>
- ۴- هرگاه فتنه ای به آرامش می گراید، فتنه ای جدید از جانبی دیگر برمی خیزد.<sup>۴</sup>
- ۵- اثر آخرین فتنه، در هر خانه ظاهر می شود.<sup>۵</sup>
- ۶- خون ها ریخته می شود و به اموال و ناموس مردم تجاوز می شود.<sup>۶</sup>
- ۷- سراسر زمین را ظلم و جور و دشمنی فرا می گیرد.<sup>۷</sup>
- ۸- اهمیت مسأله اراضی فلسطین و بیت المقدس، زیاد می شود.<sup>۸</sup>
- ۹- کفار بر نهرهای پنج گانه سیحون، جیحون، دجله، فرات و نیل، مسلط می شوند.<sup>۹</sup>

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۸۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۸۱.

۶. همان، ص ۸۸.

۷. همان، ص ۹۰، به همراه ۱۷ حدیث دیگر.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۹. همان، ص ۲۷۴.

- ۱۰- مشرکان، مسلمانان را به استخدام خود درمی‌آورند و بر روی آنها معامله می‌کنند و مردم مایوس از فرج و گشایش در کارها می‌شوند.<sup>۱</sup>
- ۱۱- غربی‌ها و روس‌ها متحد می‌شوند.<sup>۲</sup>
- ۱۲- جاهلیتی در امت اسلام ظاهر می‌شود، بدتر از جاهلیت صدر اسلام.<sup>۳</sup>

### وضع مسلمانان آخرالزمان از دیدگاه حضرت رسول ﷺ

- ۱- حکام ستمگر، مردم مسلمان را به گمراهی می‌کشانند.<sup>۴</sup>
- ۲- امت اسلامی، به ۷۳ فرقه تقسیم می‌شود که یکی از آنها نجات می‌یابد و بقیه آنها اهل آتشند.<sup>۵</sup>
- ۳- اختلاف و دو دستی در بین مسلمانان، همواره حکم فرماست تا مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند.<sup>۶</sup>
- ۴- جو عمومی، اطاعت کورکورانه از پیشوایان است.<sup>۷</sup>
- ۵- هر کس که پرچم گمراهی بلند کند، هوادارانی خواهد یافت.<sup>۸</sup>
- ۶- انسان، دین خود را می‌فروشد؛ به گونه‌ای که ممکن است، صبح، مؤمن باشد و عصر، کافر شود یا عصر، مؤمن باشد و صبح، کافر شود.<sup>۹</sup>
- ۷- مسلمانان با این‌که تعدادشان زیاد است، ولی چون از مرگ، هراس دارند و دنیاپرست شده‌اند، دشمنان به آنها هجوم می‌آورند؛ چراکه از آنها نمی‌ترسند و اَبْهَتی در دل دشمنان ندارند.<sup>۱۰</sup>

۱. همان، ص ۱۷۴.  
 ۲. همان، ص ۴۴.  
 ۳. همان، ص ۳۹.  
 ۴. همان، ج ۲، ص ۱۳۳.  
 ۵. همان، ج ۱، ص ۴۱.  
 ۶. همان، ص ۲۲۹.  
 ۷. همان، ص ۳۵.  
 ۸. همان، ص ۲۴۸-۲۴۹.  
 ۹. همان، ج ۲، ص ۱۳۳.  
 ۱۰. همان، ص ۷۸.

- ۸- مشرکان، فرزندان امت اسلامی را به استخدام خود در می آورند.<sup>۱</sup>
- ۹- عده‌ای از مسلمانان به مشرکان ملحق می‌شوند.<sup>۲</sup>
- ۱۰- دین و دین‌دار در جامعه غریب می‌شود؛ چنان‌که در صدر اسلام بود و خوشا به حال غریب‌ها!<sup>۳</sup>
- ۱۱- جو عمومی، جو کفر است.<sup>۴</sup>
- ۱۲- مردم از اسلام، زیاد فاصله می‌گیرند.<sup>۵</sup>
- ۱۳- با عقاید اسلامی - حتی ایمان به خدا - به‌طور علنی برخورد می‌شود.<sup>۶</sup>
- ۱۴- مردم، پول پرست می‌شوند.<sup>۷</sup>
- ۱۵- مؤمن، ضعیف شمرده می‌شود و فاسق و گنه‌کار مورد احترام قرار می‌گیرد.<sup>۸</sup>
- ۱۶- اوباش و فساق، رهبری مردم را به عهده می‌گیرند. مردان، مطیع همسرانشان می‌شوند و با پدر و مادر بدرفتاری می‌کنند.<sup>۹</sup>

### وضع زمامداران مسلمانان در آخرالزمان از نظر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

- ۱- پیشوایانی گمراه و بدتر از دشمن خارجی و دجال، بر امت اسلامی، حاکم هستند.<sup>۱۰</sup>
- ۲- آنها سبب عقب ماندن جامعه هستند.<sup>۱۱</sup>
- ۳- افرادی بی‌خرد، ظالم و دروغگو هستند.<sup>۱۲</sup>

۱. همان، ص ۱۷۴.	۲. همان، ص ۳۷.
۳. همان، ص ۷۱.	۴. همان، ص ۸۷.
۵. همان، ص ۴۴.	۶. همان، ص ۴۰.
۷. همان، ص ۴۵.	۸. همان، ص ۴۶.
۹. همان، ص ۳۹.	۱۰. همان، ص ۳۳-۳۴.
۱۱. همان، ص ۳۶.	۱۲. همان، ص ۲۳.

- ۴- به زودی پیشوایانی بر شما حکومت می‌کنند که رزق و روزی مردم را در دست می‌گیرند و سخن می‌گویند، اما به دروغ و کار می‌کنند، اما کار بد؛ از مردم راضی نمی‌شوند، مگر این‌که در مقابل بدی‌های آنها، به‌به گویند و دروغ‌های آنها را تصدیق کنند.<sup>۱</sup>
- ۵- قیامت بر پا نمی‌شود، مگر این‌که خداوند، پیشوایانی دروغگو، وزیرانی بدکار، نمایندگان خائن را بر شما مبعوث خواهد کرد.<sup>۲</sup>
- ۶- شرطه‌ها و محافظین زیاد می‌شوند.<sup>۳</sup>
- ۷- خون‌های مردم را می‌ریزند؛ صورت‌هایشان مثل انسان است، ولی قلبشان مانند شیطان است. در بین امت، فساد می‌کنند، جلوی آزادی مردم را می‌گیرند، اموال مردم را به ناحق تصاحب می‌کنند.<sup>۴</sup>
- ۸- کسی که با آنها مخالفت کند، کشته می‌شود، قضاوت به باطل می‌کنند و تبعیض قائل می‌شوند. ظلم و ستمگری آنها آن قدر توسعه می‌یابد که انسان، پناهگاهی از ظلم آنها نمی‌یابد.<sup>۵</sup>

### وضع اسلام در آخر الزمان از دیدگاه نبی اکرم ﷺ

- ۱- از اسلام جز اسمی باقی نمی‌ماند.<sup>۶</sup>
- ۲- اسلام و ایمان، غریب می‌شود؛ همان‌طور که در ابتدا غریب بود.<sup>۷</sup>
- ۳- با اصول و احکام اسلام - یکی پس از دیگری - مخالفت می‌شود و احکام اسلامی - یکی پس از دیگری - ترک می‌شود که آخرین آن، نماز است.<sup>۸</sup>

۱. همان، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۳۱.

۵. همان، ص ۵۲۲.

۶. همان، ص ۴۴.

۷. همان، ص ۷۱.

۸. همان، ص ۲۲.

### وضع قرآن در آخر الزمان

- ۱- از قرآن، جز خط و تلاوت، چیزی باقی نمی ماند.<sup>۱</sup>
- ۲- بین قرآن و سلطان، جدایی می افتد، ولی شما از قرآن جدا نشوید.<sup>۲</sup>
- ۳- قراء قرآن، افرادی سازش کار و فاسق هستند.<sup>۳</sup>

### وضع مساجد در آخر الزمان

- ۱- از نظر ساختمان، آباد، ولی از نظر هدایت، خراب است.<sup>۴</sup>
- ۲- منبرها بلند، ساخته می شود و مساجد را زینت می دهند.<sup>۵</sup>

### وضع علماء و دانشمندان آخر الزمان از دیدگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

- ۱- به وسیله دین، دنیا طلبی می کنند.<sup>۶</sup>
- ۲- علماء، منافق و دورو می شوند.<sup>۷</sup>
- ۳- فقه و علم دین را برای غیر خدا می آموزند.<sup>۸</sup>
- ۴- ائمه جماعت کم می شوند.<sup>۹</sup>
- ۵- فقهای آن زمان، بدترین فقهای روی زمینند؛ چون اصل فتنه از آنها ناشی شده و به آنها برمی گردد؛<sup>۱۰</sup> چون آنها تأییدکننده حکام ستمگرند.

### وضع مؤمنان آخر الزمان از نظر حضرت رسول صلی الله علیه و آله

- ۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
«خوشا به حال غربا! پرسیده شد: غربا چه کسانی هستند؟ فرمود: آنهایی

۱. همان، ص ۴۴.	۲. همان، ص ۳۱.
۳. همان، ص ۲۶ و ۲۹.	۴. همان، ص ۴۴.
۵. همان، ص ۳۹.	۶. همان، ص ۱۰۰.
۷. همان، ص ۳۹.	۸. همان، ص ۳۹.
۹. همان، ص ۴۱.	۱۰. همان، ص ۴۴.

- که وقتی مردم، فاسد شدند، آنها صالح می‌مانند.<sup>۱</sup>
- ۲- مؤمنین آخرالزمان از حیث یقین، مراتب بالاتری نسبت به مسلمانان صدر اسلام دارند؛ چون اینها به واسطه اثر سیاهی مرکب که بر سفیدی کاغذ باقی مانده (قرآن) ایمان آورده‌اند؛ اینها بدون این که پیامبر و ائمه طاهرین علیهم‌السلام را ببینند، ایمان آورده‌اند و تنها به وسیله قرآن که خط‌های سیاهی بر روی کاغذ سفید است، مسلمان شده‌اند.<sup>۲</sup>
- ۳- مؤمنانی که در برابر حکام جور، مقاومت می‌کنند و کشته می‌شوند، شهیدند.<sup>۳</sup>
- ۴- کسانی که به دین خودشان، ثابت و پایدار بمانند، اجر پنجاه شهید از شهدای صدر اسلام را دارند.<sup>۴</sup>
- ۵- مؤمنین آخرالزمان، امر به معروف و ناهی از منکرند و با فتنه‌گران می‌جنگند.<sup>۵</sup>
- ۶- سختی‌ها و مشکلات، به حدی است که اگر بر مسلمانان صدر اسلام وارد می‌شد، توان تحمل و صبر بر آن را نداشتند، ولی مؤمنین آخرالزمان، مقاومت می‌کنند و اجر هر کدام از آنها برابر با اجر پنجاه نفر از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.<sup>۶</sup>
- ۷- مؤمن را کوچک می‌شمرند و فاسق را گرامی می‌دارند.<sup>۷</sup>
- ۸- همان گونه که نمک در آب ذوب می‌شود، قلب مؤمن نیز از غم و غصه، ذوب می‌شود.<sup>۸</sup>

۱. همان، ص ۷۱.	۲. همان، ص ۵۰.
۳. همان، ص ۵۰.	۴. همان، ص ۴۸.
۵. همان، ص ۴۹.	۶. همان، ص ۴۹.
۷. همان، ص ۴۶.	۸. همان، ص ۲۱۸.



۹- ستمگران به ترساندن و آواره کردن و کشتن مؤمنین می پردازند؛ به گونه‌ای که مؤمن، مجبور می‌شود که در زبان، طرفدار آنها و در قلب متنفر از آنها باشد.<sup>۱</sup>

### اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

- ۱- نسبت به همسایگان بدرفتاری و پیوند خویشاوندی بریده می‌شود.<sup>۲</sup>
- ۲- بدی‌ها، خوب جلوه داده می‌شود و عقاید، ضعیف و روابط اجتماعی، مختل می‌شود.<sup>۳</sup>
- ۳- با افراد فاسد، رفت و آمد می‌کنند و آنها را از بدی‌ها باز نمی‌دارند.<sup>۴</sup>
- ۴- قلب مردم، به واسطه حرام‌خواری، وارونه می‌شود.<sup>۵</sup>
- ۵- علم و آگاهی برچیده می‌شود؛ نادانی، زیاد می‌گردد، شراب‌خواری علنی می‌شود، تعداد مردان، کم و تعداد زنان، زیاد می‌شود.<sup>۶</sup>
- ۶- نمازها ضایع می‌گردد و مردم پیرو شهوات و هوای نفس می‌شوند، سرمایه‌داران، مورد احترام قرار گرفته و بزرگ شمرده می‌شوند، دین را به دنیا می‌فروشند.<sup>۷</sup>
- ۷- آشوب‌ها علنی و رحمت و عطوفت از جامعه رخت برمی‌بندد، هرج و مرج در جامعه حکم‌فرما می‌شود، بزرگ به کوچک رحم نمی‌کند، کوچک به بزرگ احترام نمی‌گذارد، راه‌ها بسته می‌شود و...<sup>۸</sup>

۲. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ص ۳۲.

۶. همان، ص ۲۱۶.

۸. همان، ص ۱۵۰.

۱. همان، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۳۳.

۷. همان، ص ۲۱۸.

### اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه امام صادق علیه السلام

- ۱- ظلم، همه شهرها را فرا می‌گیرد.
- ۲- افراد با ایمان، سکوت اختیار می‌کنند.
- ۳- مداحی و چاپلوسی، فراوان می‌شود.
- ۴- راه‌های خیر، قطع و راه‌های شر و بدی، مورد توجه قرار می‌گیرد.
- ۵- از افراد با ایمان، چنان سلب آزادی می‌کنند که از اعمال ناشایسته، نمی‌توانند ابراز تنفر کنند مگر در دل خود.
- ۶- همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می‌کند.
- ۷- مردم، طرفدار کسی هستند که پیروز است؛ خواه حق، خواه باطل.
- ۸- اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند، به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست.
- ۹- تمام همت و تلاش مردم، در جهت دستیابی به خواهش‌های نفسانی و شهوات است.
- ۱۰- پرچم‌های حق پرستی، فرسوده و کهنه می‌گردد.
- ۱۱- ویران‌گری - به وسیله جنگ‌ها - بر عمران و آبادی، پیشی می‌گیرد.
- ۱۲- هر سال، فساد و بدعتی نو، پیدا می‌شود.
- ۱۳- مردم و محافل، همه پیرو ثروتمندان خود خواه می‌شوند.
- ۱۴- حکومت، به دست زنان می‌افتد.
- ۱۵- نسیم‌ها به سود منافقان می‌وزد و هیچ جریانی به سود افراد مؤمن نیست.

۱۶- دادرسان، بر خلاف فرمان خدا قضاوت می‌کنند.<sup>۱</sup>

### اوضاع اقتصادی آخرالزمان از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام

۱- جامعه اسلامی، به خاطر گناهان مبتلای به حکام جائز و قحطی می‌شود.<sup>۲</sup>

۲- رباخواری در جامعه شایع می‌شود و به همه مردم، گردی از ربا می‌رسد.<sup>۳</sup>

۳- دولت، مالک رزق و روزی مردم می‌شود.<sup>۴</sup>

۴- رشوه خواری در میان کارمندان دولت رایج می‌شود.

۵- سرمایه‌های عظیم، در راه خشم خداوند، مصرف می‌شود.

۶- پست‌های حساس، به مزایده گذاشته می‌شود.

۷- قمار، آشکار می‌شود.

۸- آنها که دنبال روزی حلال هستند، نگوهرش می‌شوند و آنها که دنبال حرامند، ستایش می‌شوند.

۹- امکانات مادی و دنیوی، فراوان می‌شود و دنیا به مردم روی می‌آورد.

۱۰- درآمد بعضی از مردم، از طریق کم فروشی یا گران فروشی است.

۱۱- افرادی با سرمایه‌های فراوان هستند، در حالی که در عمرشان - حتی یک مرتبه هم - زکات نپرداخته‌اند.

۱۲- اموال زیادی را در غیر اطاعت خدا صرف می‌کنند، ولی از انفاق مقدار

۱. ر.ک: بخارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰. ۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۴۵. ۴. همان، ص ۲۹.

کمی، در راه خدا، مضایقه می‌کنند.

۱۳- حتی کمک به نیازمندان، با توصیه و پارتی بازی صورت می‌گیرد؛ نه برای خدا.<sup>۱</sup>

۱۴- در مواقعی که باید باران بیارد، مردم از آن محروم هستند.<sup>۲</sup>

### اوضاع اخلاقی، اعتقادی مردم، در آخر الزمان از دیدگاه امام صادق علیه السلام

۱- قرآن، فرسوده می‌شود و بدعت‌هایی را - از روی هوا و هوس - در مفاهیم آن درمی‌آمیزند.

۲- آیین خداپرستی مردم، بی‌محتوا شده و همانند ظرفی که آن را واژگون سازند، می‌شود.

۳- مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند.

۴- سرگرمی‌های ناسالم، چنان رواج پیدا کند که هیچ‌کس جرأت جلوگیری از آن را نداشته باشد.

۵- شنیدن حقایق قرآن، بر مردم گران آید، اما شنیدن باطل، آسان است.

۶- برای غیر خدا، به حج خانه خدا بشتابند.

۷- مردم، سنگدل شوند.

۸- آلات لهو و لعب - حتی در مکه و مدینه - آشکار گردد.

۹- مساجد، پیر از کسانی شود که از خدا نمی‌ترسند.

۱۰- زنان، خود را در اختیار دیگران می‌گذارند.

۲. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۷.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰.

- ۱۱- مردم، عصرها در حال نشئه و صبحها مستند.
- ۱۲- مردم، همه به یکدیگر نگاه می کنند و از فاسدان شرور، تقلید می کنند.
- ۱۳- در حضور جمع - همانند بهائم - مرتکب اعمال جنسی می شوند.
- ۱۴- افرادی پیدا می شوند که اگر یک روز، گناه کبیره ای انجام ندهند، غمگین می شوند.
- ۱۵- بر فراز منبرها دعوت به تقوا، انجام می شود، ولی خود دعوت کننده، به آن، عمل نمی کند.
- ۱۶- مردم، نسبت به وقت نماز، بی اعتنا می شوند.<sup>۱</sup>

### فراگیری شدن ظلم و جور

فراگیری ظلم و جور، از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی است که در روایات زیادی به چشم می خورد؛

«يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛<sup>۲</sup> خداوند، به وسیله مهدی، زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد.»

حضرت مهدی فرمودند:

«عَلَامَةُ ظُهُورِي كَثْرَةُ الْهَرَجِ وَ الْمَرْجِ وَ الْقِتَنِ<sup>۳</sup>؛ نشانه آشکار شدن من، زیاد شدن هرج و مرج و آشوب هاست.»

۲. کثر العتال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰.

چنان که در احادیث امام صادق علیه السلام ملاحظه شد، حدود یکصد گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در دوران غیبت دامن‌گیر جوامع اسلامی می‌شود؛ از جمله رشوه‌خواری، قماربازی، شراب‌خواری، زیاد شدن زنا و لواط، قطع رحم، سنگ‌دل شدن مردم، اهتمام به شکم و شهوت، از بین رفتن شرم، ندادن خمس و زکات، کم‌فروشی، بی‌اعتنایی به نماز، آراستن مساجد، عدم احترام بزرگترها، پیروی ثروتمندان، چاپلوسی، تملق، دروغ، ریا و غیره.

زیاد شدن این گناهان و فسادها در میان مردم، نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور، در روی زمین است. و معنای دیگر فراگیری ظلم و ستم - طبق روایتی که شیخ صدوق آورده - این است که هر یک از شقی و سعید و اعضای گروه حق و باطل، به نهایت کار خود برسند؛ یا این حساب، ستم‌کاران به نهایت درجه بدی برسند و لهیب آتش آنان، همه را فراگیرد و همه راه‌های چاره بسته شود؛ آنگاه، مهدی ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌سازد.<sup>۱</sup>

### وقایع خصوصی

مراد، حوادثی است که از آنها پیش‌گویی شده و مانند وقایع عمومی است؛ از این جهت که نه جنبه علامتی دارد و نه تصریح به وقت آن شده، منتها با این فرق که آنها جنبه عمومی داشت و اینها جنبه خصوصی دارد و در رابطه با منطقه و شهر و کشور خاصی است. این‌گونه وقایع، از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام زیاد نقل شده و در شرح معجزات ائمه آمده است که مواردی از آنها تاکنون

۱. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

واقع شده و قسمتی از آنها مبهم و بعضی دارای احتمالات زیاد است؛ ما برای رعایت اختصار، بعضی از آنها را نقل می‌کنیم.

### ۱- قطع حج و خرابی مسجد براثا

سید ابن طاووس، از سلیلی، از ابن عمر نقل کرده که گفت:

«منافقین، مسجدی را در مدینه - شبانه - خراب کردند؛ اصحاب پیامبر این حادثه را بزرگ شمردند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما خرابی این مسجد را بزرگ شمردید با این که آن تعمیر شد، ولی هرگاه مسجد براثا خراب شد، حج تعطیل می‌شود. گفته شد: یا رسول الله! مسجد براثا کجاست؟ فرمود: در طرف غربی بغداد؛ در عراق است و...»

سپس سلیلی - مؤلف کتاب الملاحم و الفتن - گفته است:

«من خودم، مسجد براثا را دیدم که جنبی‌ها خراب کردند، تیرهای سقف مسجد را سوزاندند و... سپس گفته: این حادثه، در سال ۳۱۲ هـ ق اتفاق افتاد و در همان سال سلیمان بن حسن قرمطی خروج کرد و راه را بر حاجیان بست و حج را تعطیل کرد»<sup>۱</sup>.

### ۲- منع طعام و درهم از عراق

از جابر بن عبدالله نقل شده که گفت:

«نزدیک است اهل عراق از طعام و درهم منع شوند، گفتند: از چه ناحیه‌ای؟ گفت: از ناحیه عجم»<sup>۲</sup>.

که ممکن است این حدیث اشاره به ضعف خلفای عباسی و پیروزی

۱. الملاحم و الفتن، باب ۴۸، ص ۱۳۰. ۲. عقد الدرر، ص ۱۶۲.

سیلاطین فارسی باشد که دیگر به آنها باج ندادند و زکات و خراج که متعارف بود و به محل خلافت می‌پردند، قطع شد و احتمال دارد اشاره به جنگ خلیج فارس و محاصره اقتصادی عراق باشد.

### ۳- زندیق قزوین

از محمد بن حنفیه پرسیدند:

«این امر (ظهور) طولانی شد؛ پس چه وقتی خواهد بود؟ سرش را تکان داد و فرمود: چگونه ممکن است این امر؟ در صورتی که هنوز زمان فشار نداده و برادران، به یکدیگر جفا نکرده‌اند؛ سلطان، ظلم نکرده؛ هنوز زندیق از قزوین حرکت نکرده که پرده‌های اهل آن را بدرد و سینه‌هایشان را تنگ کند و عقاید قلبی ایشان را عوض کند و الگویی ارزشی جامعه را تغییر دهد. هر کس که از او فرار کند، او را دریابد و هر کس که از او اطاعت کند، کافر شود؛ تا این که مردم، دو دسته شوند؛ یکی بر دین خود گریه کند و دیگری بر دنیای خود».<sup>۱</sup>

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که مردی از قزوین خارج می‌شود؛ اسم او، اسم پیامبری است؛ مردم مؤمن و مشرک، سرعت می‌گیرند در اطاعت از او؛ کوه‌ها را پر از خوف می‌کند.<sup>۲</sup>

این حدیث، قابل انطباق برگزیده نیز هست؛ به هر حال مجمل است.

### ۴- ظهور آتشی در حجاز و آب در نجف

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«هرگاه آتشی در حجاز ظاهر شود و نجف را آب فراگیرد، پس منتظر قائم

۲. همان، ص ۲۱۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.



باشید»<sup>۱</sup>.

ابن کثیر در ذکر وقایع سال ۶۵۴ هـ ق ظهور آتش عظیمی را در اطراف مدینه - با شرح مبسوطی - نوشته است.

### ۵- خراب شدن بصره

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«رغبتی به سکونت در مسجد نداشته باشید؛ چون در آن جا چشمه‌ای ظاهر خواهد شد که بصره و اطرافش را غرق می‌کند؛ به گونه‌ای که جز مسجدش که مانند سینه کشتی ظاهر می‌شود، چیزی باقی نمی‌ماند و همه خراب می‌شود»<sup>۲</sup>.

البته به خرابی بصره، در روایات - مکرراً - اشاره شده که به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرد: غرق شدن، فرو رفتن، جنگ و تهاجم سلاح‌ها. شیخ عباس قمی، از علی بن میثم - شارح نهج البلاغه - نقل کرده که فرموده: بر حسب نقلی که برای ما شده، در زمان قادر بالله، همه شهر بصره چنان غرق شد که جز مسجد جامع، چیزی باقی نماند و مصداق فرموده علی علیه السلام گردید.<sup>۳</sup>

### ۶- انقراض حکومت بنی عباس

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«فرج کلی، در هلاکت فردی از بنی العباس است»<sup>۴</sup>.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۶.

۲. الملاحم و الفتن، باب ۴۰، ص ۱۲۶. ۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۴.

۴. همان، ص ۴۶۷.

جابر بن عبدالله، از امام علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«منتظر آخرین دولت بنی العباس باشید! در پایان حکومت آنها،

علامت‌هایی است که از شعله آتش، گدازنده تر است»<sup>۱</sup>.

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی - که پیش‌گویی از بنای بغداد و

روی کار آمدن ۲۴ خلیفه از بنی عباس می‌کند و مشخصات خلفاء را به‌طور

معجزه‌آسا بیان می‌نماید - می‌فرماید:

«به دنبال اینها، قائم حق، پرده از روی خود برمی‌دارد و چون ماه تابان،

ظاهر می‌شود»<sup>۲</sup>.

لازم به یادآوری است که دولت عباسیان، با روی کار آمدن اولین خلیفه

عباسی در سال ۱۳۲ هـ.ق تأسیس شد و در عصر سلجوقیان - پس از

برخوردهای داخلی - رو به ضعف نهاد و با حمله هلاکو خان مغول، آخرین

خلیفه عباسی (عبدالله المعتصم) در سال ۶۵۶ هـ.ق در بغداد کشته شد و

حکومت بنی العباس منقرض گردید.

ناگفته نماند که ده‌ها روایت، در مورد اختلاف بین بنی العباس و زوال

حکومت آنها و ظلم و ستمگری و فساد آنها، در کتب گوناگون، از جمله:

بحارالانوار و غیبت نعمانی، موجود است.

## ۷- قبه غبراء

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«قبه‌ای خاکمی‌رنگ، در بیابانی ریگ‌سرخ، بنا می‌شود و به دنبال آن، قائم

۲. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۴.

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۱۴.

حق، پرده از روی خود بر می دارد»<sup>۱</sup>.

این حادثه نیز، در بغداد واقع شد و مقبره فیصل اول را در زمین سرخ رنگی ساختند و رنگ مقبره، خاکی و خاکستری است.

### ۸- فرود آمدن ترکان در جزیره<sup>۲</sup>

مراد از جزیره در روایات، عراق است و این اصطلاح، قدیمی و معروف است و اگر مراد از ترک، مردم کافر شرق اروپا و آسیا باشد - که بنا بر قول صحیح، مراد از ترک در روایات، همین معنی است؛ چون ترک‌های کافر، جلوی حرکت حضرت مهدی علیه السلام می ایستند و روس‌ها هم داخل در این عنوان هستند - این امر، در قرن هفتم هجری با حمله مغول محقق شد.

و اگر مراد، ترک‌های مسلمان باشند مثل ترک‌های ترکیه، این هم با حکومت عثمانی از سال ۹۴۱ شروع و تا ۱۳۵۵ هجری ادامه یافت و با جنگ جهانی و اشغال عراق، به وسیله انگلیسی‌ها حکومت عثمانی منقرض شد.

### ۹- آزاد شدن عرب از حکمرانی عجم<sup>۳</sup>

این مسأله، در عصر ما با انقلاب‌هایی که در کشورهای عربی، علیه استعمار خارجی پیش آمد و اعراب، سرنوشت خود را به دست گرفتند، قابل تطبیق است.

مراد از عجم، تنها فارس نیست بلکه غیر عرب را عجم گویند؛ بنابراین شامل همه زبان‌ها و ملت‌های دیگر می‌شود.

۱. همان.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۳۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۱.

از وقایع خصوصی، موارد دیگری نیز هست که ما برای رعایت اختصار، تنها به ذکر اجمالی آنها می‌پردازیم:

۱۰- اختلاف دو صنف از عجم

۱۱- برپایی پلی مقابل کرخ در بغداد

۱۲- فرود آمدن روم در رمله

۱۳- ظهور مغربی در مصر و تصاحب شام

۱۴- فتح قسطنطنیه

۱۵- جنگ‌های صلیبی

۱۶- قیام صاحب زنج

۱۷- ادعای نبوت و امامت

۱۸- خرابی دیوار مسجد کوفه

همان‌طور که قبلاً ذکر کردیم، موارد فوق، اموری است که تاکنون واقع شده و مصادیقی برای آنها در خارج وجود دارد؛ هرچند که ممکن است بعداً نیز واقع شود و مصادیق دیگری داشته باشد؛ به هر صورت، تنها جنبه پیش‌گویی داشته و مربوط به وقایع قبل از ظهور است که شامل قبل و بعد از غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌شود و دلالتی بر جنبه علامتی و نزدیکی ظهور ندارد.

## نشانه‌های قبل از ظهور

### الف - نشانه‌های نزدیکی ظهور

#### آیا ظهور نزدیک است؟

ما اکنون در عصر نزدیک به ظهور هستیم اما زمان دقیق را کسی جز خدا نمی‌داند و تعیین زمان، برای ما ممکن نیست؛ ولی آنچه که بر ما فرض است همانا انتظار واقعی ظهور می‌باشد، در هر عصر و زمان باید منتظر ظهور باشیم؛ زیرا ممکن است ظهور همانند شهابی، ناگهان فرا رسد؛ البته بسیاری از علائم و نشانه‌های ظهور تحقق یافته و باید منتظر بقیه نشانه‌ها بود؛ چنان‌که خود حضرت فرموده است که «وقت ظهور نزدیک است»؛ پس ما باید آماده باشیم و برای تعجیل فرج دعا کنیم. ولی برای این‌که بدانیم که آیا ظهور نزدیک است یا خیر، باید نسبت به علائم آن آگاهی داشته باشیم؛ با مطالعه این بخش به پاسخ خود خواهیم رسید.

نزدیکی ظهور، علائم و نشانه‌هایی دارد؛ از آن جمله، مواردی است که به آن اشاره می‌شود:

### ۱- وقتی که قم مرکز علم و دانش شود

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد و به گونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود، علم نیز این چنین از کوفه رخت برمی‌بندد و از شهری به نام قم، آشکار می‌شود و آنجا معدن فضل و دانش می‌گردد؛ به نحوی که در زمین، کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد؛ حتی نوعروسان در حجله‌گاه خویش و این قضایا، نزدیک ظهور قائم ما،

به وقوع می‌پیوندد.

خداوند سبحان، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت حجّت می‌گرداند؛ اگر چنین نشود، زمین، اهل خودش را فرو می‌برد و در زمین، حجّتی باقی نمی‌ماند. دانش از این شهر، به شرق و غرب جهان منتشر می‌گردد؛ بدین سان بر مردم، اتمام حجّت می‌شود و یکی باقی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد؛ آنگاه قائم علیه السلام ظهور می‌کند.<sup>۱</sup>

این جمله «به زودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلش حجّت بر مردم خواهند شد و کسی نمی‌ماند که دین و دانش، به وی عرضه نشده باشد» بدان معنی است که ندای اسلام به همهٔ جهانیان می‌رسد به طوری که اگر کسی تمایل به دستیابی به مقرّرات اسلام داشته باشد، برای وی امکان پذیر خواهد بود که البته این نقش مهمّ تبلیغاتی برای قم، بستگی به برپایی حکومتی دارای دستگاه‌های تبلیغاتی قوی دارد و متوقف بر مبارزهٔ پیگیر با سرکشان و استعمارگران است و عبارت «نزدیک ظهور قائم» دلیل بر این است که بین تحقق چنین موقعیتی برای شهر قم و ظهور حضرت مهدی علیه السلام فاصلهٔ چندانی نیست.

## ۲- وقتی اهل مشرق قیام کنند

امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویا می‌بینم: گروهی از مشرق زمین خروج می‌نمایند و طالب حقند؛

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

اما آنها را اجابت نمی‌کنند. مجدداً بر خواسته‌هایشان تأکید دارند؛ اما مخالفان، نمی‌پذیرند. وقتی چنین وضعی را مشاهده می‌کنند، شمشیرها را به دوش کشیده و در مقابل دشمن می‌ایستند؛ این جاست که پاسخ مثبت می‌گیرند اما این بار، خودشان نمی‌پذیرند تا این‌که همگی قیام می‌کنند... و پرچم هدایت را جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) به کس دیگری نمی‌سپارند.

کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شوند؛ اما اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خویشتن را برای یاری صاحب این امر، نگه می‌داشتم.<sup>۱</sup> چنان‌که قبلاً بیان کردیم، این حدیث کاملاً منطبق با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام است و جمله «اگر آن زمان را درک می‌کردم، خودم را برای یاری صاحب آن امر نگه می‌داشتم» حکایت از تواضع و فروتنی امام باقر علیه السلام نسبت به فرزندش - حضرت مهدی علیه السلام - می‌کند و نیز دلالت بر مقام با عظمت و رفیع یاران حضرت مهدی علیه السلام دارد و این عبارت، گویای این است که فاصله نهضت ایرانیان، تا ظهور آن حضرت، از مدت عمر یک انسان، بیشتر نخواهد بود؛ چون ظاهر فرمایش امام باقر علیه السلام این است که اگر نهضت آنها را درک کند، خویش را حفظ نماید و این حفظ نمودن، به‌طور طبیعی است نه به سبب معجزه؛ بنابراین همین روایت، دلیل بسیار مهمی است بر این‌که ما در حال حاضر، وارد دوران نزدیک به ظهور آن حضرت شده‌ایم و نهضت ایرانیان، با زمان ظهور آن حضرت، پیوند خورده است.

۳- وقتی که اهمیت قدس و مسأله اراضی فلسطین زیاد شود<sup>۱</sup>

۴- آنگاه که فتنه فلسطین طولانی گردد

«این فتنه فلسطین، طولانی خواهد شد؛ هر وقت که گویند: «تمام شد»، طولانی می‌گردد؛ برای آن، راه فرار می‌جویند اما نمی‌یابند»<sup>۲</sup>.

تاکنون، بارها طرح‌هایی همچون: کمپ دیوید، فاس، شرم‌الشیخ، دولت خودگردان، صلح خاورمیانه، خلع سلاح و... مطرح شده، ولی فتنه فلسطین، خاموش نشده و در زمان نگارش این سطور نیز اسرائیل غاصب، به شهرهای فلسطین هجوم آورده و یکی را پس از دیگری اشغال و ویران و غارت می‌کند و مردم را به قتل می‌رساند و رهبران فلسطین را ترور می‌کند، ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفته و نخواهند گرفت - ان شاء الله -

۵- وقتی که بین ماه‌های جمادی و رجب، ملت‌های مختلف، علیه عراق

هجوم آورند<sup>۳</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از جنگ نهروان، در خطبه‌ای خبر از وقایع آینده عراق می‌دهد:

«هرگاه ناچنسان با شما (مردم عراق) آمیخته شدند و گروهی صحرائشین که در صحرای عراق سکونت داشتند، بر شما مسلط شدند، ویران شدن عراق، نزدیک می‌گردد؛ آن در وقتی است که شهری که دارای بناهای محکم و باغ‌ها و جوی‌هاست (بغداد) بنا شود.

۱. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۷۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۳۴، خطبه ۷۰.



پس هرگاه در آن شهر اجناس گران شود، و ساختمان‌ها محکم ساخته شود و تبهکاران و فاسقان در آن حکمرانی کنند و اندوه و بلا سخت گردد... گریختن و آواره شدن، خوش باشد؛ ولی پیش از آواره شدن مردم، سختی‌هایی پدید آید که کودکان، از آن پیر، و پیران، هلاک و گویندگان، گنگ و خردمندان، حیران شوند و مردم، کیفر کردار خود را - به واسطه شمشیرهای از نیام کشیده - به زودی می‌بینند، در حالی که پیش از آن، در زندگی خوش بودند...

پس آن روزگار، دوران چه مصیبتی است! چه بلای سختی که چیزی را فروگذار نمی‌کند! گریه‌هایی طولانی، مصیبت‌هایی سخت و ناله‌هایی دل‌خراش و فریادهایی بلند! و در آن حوادث، کار خدا واقع خواهد شد و آن، شدنی است.

پس ای فرزند بانوی برگزیده از کنیزان (ای مهدی موعود) تا کی در انتظار تو باشند؟

مژده بادت به یاری نزدیک، از سوی پروردگار مهربان! آگاه باشید! پس وای بر متکبران، هنگام درو کردن دروگران و کشته شدن فاسقان که از فرمان خداوند، سرپیچی کرده‌اند.

ای پدر و مادرم به فدای گروهی اندک که نام آنان در زمین مجهول و ظهورشان در آن زمان، نزدیک است.

اگر می‌خواستم، شما را به آنچه می‌آید و می‌شود - از حوادث روزگار و مصیبت‌های زمان و دشواری‌هایی که در هر ساعتی واقع می‌شود - خبر می‌دادم؛ لکن آن را به محرم رازی می‌گویم و می‌سپرم که رازدان باشد.

بر شما بیمناکم و شما را در نظر دارم و می‌دانم آنچه را که هست [و شما نیز بدانید:] بلایی که همگان را فراگیرد، در پیش است.

این بلای عمومی، در وقتی است که بدکاران، از فرمان حق، سرپیچی کنند و فرومایگان گمراه، اطاعت شوند؛ آنگاه هنگام مرگ و هلاکت است؛ آنگاه هنگام برگشت کارت‌ان و گسستن اصلتان و پراکندگی الفت جمعتان است.

و آن در وقتی است که گناه میان شما ظاهر شود، کردار زشت و ناروا در میان اجتماع گسترش یابد؛ آنگاه که شمشیر زدن در میدان کارزار - بر اهل ایمان - آسان‌تر از تحصیل یک درهم حلال است؛ آنگاه که زندگی جز به معصیت خداوند، میسر نمی‌شود؛ آن وقتی که مست می‌شوید بدون باده نوشیدن؛ سوگند می‌خورید بدون آن‌که نیاز باشد؛ ستم می‌کنید بدون این‌که بهره‌ای ببرید؛ دروغ می‌گویید بدون این‌که ناچار باشید؛ آنگاه که به کردار زشت و ناروا، خوش و خندان می‌شوید و در انجام گناه، از هم پیشی می‌گیرد و گفتارتان، بهتان و سخنانتان، دروغ و کردارتان، فریبندگی است.

در آن وقت است که تأمین جانی ندارید که شب را به راحتی و آرامش، بیاسایید.

چه شب‌هایی! چه شبیخون سیاهی! چه نعره‌کشنده‌ای! آن حمله‌ها، چقدر شدید و دردناک است! آن شبیخونی است که صاحبش امید به صبح رساندن شب را ندارد؛ پس آنگاه است که کشتار می‌شوید و به بلاهای گوناگون گرفتار می‌گردید و با سلاح، درو می‌شوید و به سوی

آتش می‌روید...

وای چقدر جای تعجب است! بسیار جای تعجب است از وقایعی که بین جمادی الآخری و ماه رجب، اتفاق می‌افتد؛ از طرف افراد مختلفی که با هم جمع می‌شوند و در نتیجه اتحاد آنها، درخت‌ها و گیاهان روی زمین، نابود می‌گردد و از صداهای مهیب و ترساننده‌ای که پشت سر هم شنیده می‌شود.

آن حضرت دو بار فرمود: «قضای الهی چنین مقدر شده».

یکی از مصادیقی که می‌توانیم برای روایت شریفه مطرح کنیم جنگ آمریکا بر علیه عراق می‌باشد.

در جنگ آمریکا و متحدانش با عراق، به چشم خود دیدیم که جملات معجزه‌آسای علی علیه السلام واقعیت عینی یافت:

۱- این جنگ، در روز آخر ماه جمادی - با حمله علیه دولت عراق - شروع شد.

۲- مصداق «من جمع الثنات؛ افراد مختلفی با هم جمع می‌شوند»، دولت‌های مختلفی است که از ۳۰ کشور جهان، با هم در این جنگ علیه صدام، شرکت داشتند.

۳- کلمه «اصوات»؛ صدای غرش هواپیماها و انفجار پیاپی موشک‌ها و بمب‌ها و سایر وسایل آتش‌زا که عراق را به ویرانه‌ای تبدیل کرد.

۴- جمله «لا تنال المعیشة إلا بمعصية الله فی سمانه»؛ برای تأمین زندگی خود، در آسمان، خدا را معصیت می‌کنند؛ مصداق بارز این جمله، خلبانانی

بودند که برای منافع مادی خود، بر سر مردم بی دفاع، بمب می ریختند و در آسمان، خدا را معصیت نمودند.

چنان که ملاحظه کردید، علی علیه السلام دو بار نزدیک بودن ظهور را پس از وقوع این جنگ، بیان کردند؛

۱. «ای فرزند نکوبانو... تا کی در انتظار تو باشند؟ مژده بادت به یاری نزدیک

پروردگارا»

۲. «ای پدر و مادرم به فدای گروهی اندک که ظهورشان در آن زمان، نزدیک

است».

**۶- وقتی که همه ایسم‌ها و مکتب‌های بشری - پس از حکومت بر مردم -**

**به بن بست برسند**

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این کار (قیام حضرت مهدی علیه السلام) صورت نخواهد گرفت تا آن که هیچ

صنفي از مردم نماند مگر آن که بر مردم حکومت کنند؛ تا آن که کسی

نگوید: اگر ما حاکم می شدیم، به عدالت رفتار می کردیم؛ پس حضرت

قائم علیه السلام به حق و عدالت، قیام می کند».<sup>۱</sup>

آیا اکنون نمی بینیم که سردمداران مکاتب ساخته دست بشر همچون

مارکسیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم، پلورالیسم،

هرمنوتیک و... در مورد عدم توانایی اداره جامعه بشری، اعتراف صریح دارند؛

این نظریات، نه تنها سعادت آفرین نبوده، بلکه پایه‌های اعتقادی و اخلاقی

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ش ۵۳.

جامعه را نیز متزلزل کرده و آرامش و آسایش انسان را به مخاطره انداخته است.

## ۷- وقتی که ظلم و فساد زیاد شود

یکی از مهم ترین نشانه‌ها، همان فساد و ظلم‌هایی است که تحت عنوان وقایع عمومی، ذکر کردیم؛ یعنی فسادهای اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی و...

هرچه این امور، شدت پیدا کند، ظهور، نزدیک تر می‌شود؛ چرا که امام، برای از بین بردن ظلم و فساد و مفسدین، قیام خواهد کرد؛ و تا عالم، پر از ظلم و جور و فساد نشود، قیامی نخواهد بود؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«چنان زمین پر از ظلم و جور شود که کسی به طور علنی نمی‌تواند بگوید: الله! الله!»<sup>۱</sup>

تحت این عنوان - که زمین، پر از ظلم و جور می‌شود و سپس مردی از خاندان پیامبر قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید - ده‌ها حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهریں علیهم السلام آمده؛ تنها، احادیثی که از حضرت ختمی مرتبت در کتاب معجم احادیث الامام المهدی نقل شده، ۱۵ حدیث است.<sup>۲</sup>

گسترش ظلم و فساد - در تجاوز به حقوق دیگران و ایجاد ناامنی - فشارهایی است که وقتی از حد گذشت، انفجار رخ می‌دهد؛ چون انفجارهای

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۸.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۵۲۹.

اجتماعی، مانند انفجارهای مکانیکی، به دنبال فشارهای شدید و بیش از حد، رخ می‌دهد. گسترش دامنه‌های ظلم و فساد، به وسیله ضحاکان هر زمان، بذره‌های انقلاب را آبیاری می‌کند و کاوه‌های آهنگر را در کنار کوره‌های آتش، پرورش می‌دهد و کم‌کم بحران، اوج می‌گیرد و لحظه انقلاب، نزدیک می‌شود. مسأله در مورد نزدیک شدن انقلاب جهانی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز، به همین گونه است؛ منتها - همان‌طور که در فصل اول ذکر کردیم - هیچ لزومی ندارد که مانند افراد منفی‌باف، به فکر توسعه فساد و ظلم بیافتیم؛ بلکه با توجه به کثرت مفاسد در جهان، باید به فکر ساختن خود و دیگران و یک گروه شایسته و شجاع که پرچم‌دار انقلاب باشند بوده و خود را جزء یاران حضرت قرار داده و یا از زمینه‌سازان انقلاب او باشیم.

تفاوت ظلم و جور: چون روی دو عنوان «ظلم» و «جور» در روایات زیاد تکیه شده، مناسب است که فرق آنها را بدانیم؛ ظلم آن است که انسان، حق دیگری را به خود اختصاص دهد و دسترنج دیگران را غصب کند.

جور یعنی این که حق افرادی را از آنها بگیرند و به دیگران دهند و برای محکم کردن پایه‌های قدرت خود، طرفداران خود را بر مال و جان مردم، مسلط و با تبعیض‌های ناروا، کسب قدرت کنند.<sup>۱</sup>

### ۸- وقتی که مرگ سرخ و سفید، عده زیادی را از پای درآورد

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام، مرگ سرخ و سفید است؛ مرگ سرخ

به وسیله شمشیر و مرگ سفید به وسیله طاعون».<sup>۱</sup>

علی علیه السلام فرمود:

«مهدی قیام نمی کند مگر این که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم

بمیرند و یک سوم بمانند».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این امر (قیام مهدی) صورت نمی گیرد مگر این که دو ثلث مردم از بین

بروند؛ از امام پرسیدند: اگر دو ثلث مردم بمیرند، پس چه کسانی

می مانند؟ امام فرمود: آیا دوست ندارید که شما (مسلمین) یک ثلث

باقی مانده باشید؟».<sup>۳</sup>

## ۹- وقتی که سال های فریبده پیش آید

علی علیه السلام فرمود:

«پیش از قیام مهدی علیه السلام، سال هایی است فریبده؛ در آن سال ها، راستگو

تکذیب شود و دروغگو تصدیق؛ اشخاص مکار، مقرب شوند و مردمان

پست، در امر مردم دخالت کنند».<sup>۴</sup>

حوادث و نشانه های دیگری که دلالت بر نزدیکی ظهور می کند وجود دارد

که ما برای رعایت اختصار تنها به ذکر اجمالی آنها می پردازیم:

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۴۴۱.

۳. همان، ص ۲۱.

۴. همان، ص ۲۳.

۱۰- ظهور یاس و نومیدی

۱۱- کشف هیکل سلیمان (معبد سلیمان در فلسطین) که به وسیله اسرائیل

- در سال‌های اخیر - صورت گرفته است

۱۲- هرج و مرج

۱۳- اختلاف و تزلزل و اضطراب مردم

۱۴- سرعت زوال حکومت‌ها

۱۵- ملخ سرخ در دو موقع

تعبیر «نزدیکی ظهور» از روایات فوق استفاده شده است؛ چون در بعضی روایات آمده است: «و ذلک عند قرب ظهور قائمنا؛ آن حادثه نزدیک ظهور قائم ما است» و در بعضی روایات: «بین یدی القائم؛ پیش روی قائم» یا «قَدَامَ هَذَا الْأَمْرِ؛ جلوی این امر» یا «ابشیر بنصرِ قریب؛ مژده به پیروزی نزدیک» که در همه آنها، اشاره‌ای به نزدیکی ظهور، نهفته است.

ب- نشانه‌های دوران یک سال قبل از ظهور

۱- شروع جنگی از صَفَر تا صَفَر

عبدالله بن بشار نقل کرده:

«هنگامی که خداوند، اراده کند که قائم علیه السلام را ظاهر کند، جنگی از ماه

صفر آن سال تا ماه صفر سال آینده، واقع خواهد شد و آن جنگ، نشانگر

زمان خروج مهدی علیه السلام است»<sup>۱</sup>.

۱- معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۲.



## ۲- جاری شدن فرات در کوفه

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«هرگاه فرات شکافته شود و آب، کوچه‌های کوفه را فراگیرد، شیعیان، خود را برای ملاقات با قائم آماده سازند که این حادثه، نزدیک‌ترین حادثه‌ای است که دلالت بر ظهور دارد»<sup>۱</sup>.

## ۳- ظهور آتشی در آسمان

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«هنگامی که آتش بزرگی را در آسمان دیدید که از ناحیه مشرق، شبانه طلوع می‌کند، در آن هنگام، فرج مردم خواهد رسید و این حادثه، مقدار کمی قبل از قیام قائم، رخ خواهد داد»<sup>۲</sup>.

## ۴- ظهور دست و صورتی در ماه

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در آن سالی که صیحه\* شنیده می‌شود - قبل از آن - در ماه رجب نشانه‌ای آشکار خواهد شد؛ داود بن سرحان، از امام علیه السلام سؤال کرد: آن نشانه چیست؟

امام فرمود: صورتی در ماه، پدیدار می‌شود و دستی نیز آشکار می‌گردد»<sup>۳</sup>.

۱. همان، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۴۸۵.

\* ندایی آسمانی از طرف جبرئیل امین که فریاد بر می‌آورد: «آگاه باشید! برگزیده خدا، مهدی آل محمد است؛ از او اطاعت کنید».

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۴۸۷.

**۵- خورشید و ماه گرفتگی، در ماه‌های رمضان و رجب آن سال**

ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«نشانه‌های خروج مهدی، گرفتن خورشید در سیزدهم و چهاردهم ماه رمضان است»<sup>۱</sup>.

امم سعید، از امام صادق علیه السلام درخواست کرد که نشانه‌ای برای خروج مهدی علیه السلام ذکر نماید؛ امام علیه السلام فرمود:

«زمانی که در شب چهاردهم ماه رجب، خسوف واقع شد، آن زمان خروج قائم است»<sup>۲</sup>.

**۶- در آن سال، بیست و چهار باران می‌بارد**

سعید بن جبیر نقل کرده:

«سالی که مهدی در آن قیام می‌کند، بیست و چهار باران می‌بارد که اثر و برکات آن ظاهر است»<sup>۳</sup>.

شیخ مفید رحمته الله در باب ذکر نشانه‌های ظهور، چنین می‌گوید:

«تمام آنچه که گفته شد، با باریدن بیست و چهار باران پشت سر هم، خاتمه می‌یابد که زمین مرده به واسطه این باران‌ها زنده و برکاتش هویدا گردد و بعد از این ماجرا، هر تاراحتی و مرضی از پویندگان حق و پیروان راستین حضرت مهدی علیه السلام رخت برمی‌بندد و طبق گفته روایات: در این بحبوحه است که یاران آن حضرت از ماجرای ظهور آن بزرگوار از شهر مکه آگاه شده و جهت یاری وی متوجه آن حضرت می‌گردند»<sup>۴</sup>.

۱. همان، ص ۴۶۰.

۲. همان، ص ۴۶۱.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۹.

۴. ارشاد شیخ مفید، ص ۳۶۶.

نشانه‌های زیاد دیگری نیز هست که ما از ذکر آنها - به دلیل اختصار - خودداری می‌کنیم.

### ج - فتنه‌ها و جنگ‌های سال ظهور

در سال ظهور و سال‌های نزدیک به آن، فتنه‌ها و آشوب‌هایی، سراسر عالم را فرا می‌گیرد؛ به گونه‌ای که این اختلافات و فتنه‌ها و جنگ‌ها تا قیام حضرت مهدی علیه السلام ادامه می‌یابد. و چون ما در بحث یاران و دشمنان حضرت، این فتنه‌ها و جنگ‌ها را - به تفصیل - بررسی می‌کنیم، اکنون تنها به شمارش کردن آن حوادث، بسنده می‌کنیم:

خروج اصبه در عراق<sup>۱</sup>، خروج جرهمی در شام<sup>۲</sup>، خروج قحطانی در یمن<sup>۳</sup>، خروج سفیانی در شام<sup>۴</sup>، جنگ داخلی در حجاز<sup>۵</sup>، ورود نیروهای مغربی به مصر<sup>۶</sup>، اختلاف غرب و روس<sup>۷</sup>، ورود نیروهای روس به عراق<sup>۸</sup>، ورود نیروهای غربی به فلسطین<sup>۹</sup>، حرکت پرچم‌های سیاه از شرق<sup>۱۰</sup>، به تسخیر در آمدن چین و هند و روس<sup>۱۱</sup>، ویران شدن بغداد و ری (تهران) و قیام آذربایجان<sup>۱۲</sup>، قیام سید حسنی<sup>۱۳</sup>، خروج سیصبانی<sup>۱۴</sup>، قیام خراسانی و شعیب

۱. همان، ص ۳۶۶.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۸۳-۴۸۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۸۳-۳۸۴.

۵. همان، ص ۴۴۷.

۶. همان، ص ۴۱۱.

۷. همان، ص ۳۲۶.

۸. همان، ص ۳۲۶.

۹. همان، ص ۳۲۶.

۱۰. همان، ص ۳۸۱.

۱۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۰.

۱۲. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

۱۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۵.

۱۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

بن صالح<sup>۱</sup>، خروج گیلانی<sup>۲</sup>، خروج عرف سلمی از تکریت عراق<sup>۳</sup>، درگیری ابقع و اصبه<sup>۴</sup>.



### نشانه‌هایی از هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام

#### مقدمه

در مورد زمان ظهور، هرچند زمان خاصی اعلام نشده است و روایات بسیاری در طرد کسانی که تعیین وقت، می‌کنند، به دست ما رسیده است، اما حوادثی که توسط پیامبر و ائمه طاهرین پیش‌گویی شده، کوشش برای درک و انطباق آن حوادث، بر واقعیات را، نمی‌توان از جمله مصادیق تعیین زمان دانست. اکنون برای روشن‌تر شدن موضوع، ما به بررسی روایاتی که در منع توقیت (تعیین وقت) وارد شده، می‌پردازیم.

#### ممنوعیت تعیین زمان، در روایات

عبدالرحمن بن کثیر گوید:

«خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟ امام فرمود: ای مهرم! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب‌کنندگان و نجات یافتند تسلیم‌شوندگان»<sup>۵</sup>.

۲. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۰.

۴. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۸.

۱. عقد الدرر، ص ۱۲۷.

۳. بحار الأنوار، ص ۱۱۳.

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱، مترجم.

چرا زمان ظهور، نامعلوم است؟

فضیل بن یسار گوید:

«به امام باقر عرض کردم: برای این امر (ظهور)، وقتی هست؟»

امام فرمود:

«وقت گذاران، دروغ گویند؛ وقت گذاران، دروغ گویند؛ وقت گذاران،

دروغ گویند. همانا حضرت موسی - چون در طور سینا به شهود

پروردگار خود برای دریافت پیام، نایل شد - به مردم وعده سی روز داده

بود و چون خداوند، ده روز دیگر بر میعاد افزود،<sup>۱</sup> قومش گفتند: موسی

با ما تخلف وعده کرده، و کردند آنچه کردند (گوساله پرست شدند). پس

اگر ما خبری به شما دادیم و طبق گفته ما واقع شد، بگویید: خدا راست

گفته و اگر خبری بر خلاف گفته ما واقع شد، بگویید: خدا راست گفته

است؛ تا دو پاداش بگیرید.<sup>۲</sup>»

علی بن یقظین گوید:

«موسی بن جعفر به من فرمود: دویست سال است که شیعه، به آرزوها

تربیت می شود.»

وقتی علی برای پدرش یقظین که در دستگاه سقاح و منصور عباسی

وزارت می کرد کلام حضرت موسی بن جعفر را نقل کرد، او به پسرش گفت:

چرا آنچه درباره ما گفته شده (از پیشرفت دولت بنی عباس)، واقع می شود

ولی آنچه درباره شما گفته شده (از ظهور دولت حق)، واقع نمی شود؟

علی به پدرش گفت: آنچه درباره ما و شما گفته شده، از یک منبع است (و

آن، وحی و الهام الهی است)؛ جز این که امر شما، چون وقتش رسیده بود،

۱. سوره اعراف، ص ۱۴۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲.

واقع شد؛ ولی امر ما چون وقتش ترسیده است، به آرزوها دلگرم گشته‌ایم. اگر به ما بگویند این امر (ظهور)، تا دو‌یست یا سیصد سال دیگر، واقع نمی‌شود، دل‌ها سخت می‌شود ولی می‌گویند امر ظهور، زود می‌آید؛ چقدر به شتاب می‌آید؛ برای این که دل‌ها گرم و گشایش، نزدیک شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، آنچه ممنوع شده است، این است که انسان، سال و ماه ظهور را دقیقاً مشخص کند؛ مثلاً بگوید: در ۲۰۰ سال دیگر، در فلان ماه و روز، ظهور خواهد کرد، ولی اگر تنها بگوید: ظهور نزدیک است؛ چون نشانه‌های ظهور - که مانند دانه‌های تسبیح، باید یکی پس از دیگری واقع شود - پدیدار شده، اشکال ندارد.

این جمله (نزدیکی ظهور) نیز، از احادیث ائمه طاهرين علیهم‌السلام استفاده شده که فرمودند: «ذلک عند قرب ظهور قائمنا»<sup>۲</sup>. در این صورت، آنچه که ما در بحث نشانه‌های قبل از ظهور ذکر کردیم، از مصادیق تعیین زمان نخواهد بود و به اصطلاح، منصرف است.

### چگونگی ظهور امام زمان علیه‌السلام

روایات، دلالت دارد که انقلاب مقدس حضرت مهدی علیه‌السلام، در مدت چهارده ماه، کامل می‌شود؛ در شش ماهه اول، امام در اضطراب و نگرانی به سر می‌برد و حوادث را به‌طور نهانی، توسط یاران خود، رهبری می‌کند؛ در هشت ماه بعدی، در مکه، ظهور خواهد کرد و رهسپار مدینه، ایران، عراق و قدس، می‌گردد و با دشمنان خود، وارد نبرد می‌شود.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۳.

### دو حادثه بسیار مهم نزدیک ظهور

پیش از ظهور امام، دو حادثه مهم رخ می‌دهد که به منزله نشانه‌های الهی است که آن حضرت، آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش، فراهم می‌سازد.

**حادثه اول:** وقوع کودتایی در سرزمین شام، به رهبری عثمان سفیانی.  
**حادثه دوم:** بلند شدن ندایی آسمانی به سوی مردم جهان که اهل هر زبان به زبان خود، آن را می‌شنود؛ صدایی قوی و نافذ از هر سمت آسمان می‌آید؛ خفته را بیدار می‌کند، نشسته را بر پا می‌دارد و مردم، از این صیحه، به ناله می‌آیند و از خانه‌هایشان بیرون ریخته تا ببینند چه خبر است؛ آن ندا مردم را به خودداری از ظلم، و پیروی از امام مهدی علیه السلام دعوت می‌کند و حضرت را به نام ایشان و پدرش می‌خواند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«منادی، در آسمان، نام صاحب این امر را بانگ می‌زند که فرمانروایی از

آن فلانی، فرزند فلانی است؛ کشتار برای چیست؟»<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم گفت:

«منادی از آسمان نام قائم را ندا می‌کند؛ به گونه‌ای که هر کس در شرق و

غرب جهان باشد، آن را می‌شنود. در اثر آن صدا خفته بیدار می‌شود و

ایستاده می‌نشیند و نشسته به پا می‌خیزد و آن، صدای جبرئیل امین

است»<sup>۲</sup>.

پس از دو نشانه فوق - یعنی خروج سفیانی، در ماه رجب و ندای آسمانی،

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۶.

در ماه رمضان - تا زمان ظهور حضرت در ماه محرم، نزدیک شش ماه باقی است. منابع روایی اهل سنت، شماری از اقدامات امام را در این برهه، بیان می‌کند که می‌توان آن را در پیوستن حضرت به یاران خود در مدینه و سپس در مکه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان - با شوق و اضطراب - جهت بیعت با او در پی آن حضرت می‌شتابند، خلاصه نمود.

در منابع شیعی، این شش ماه را در مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری، قلمداد می‌کنند (همان‌طور که غیبت، دو مرحله صغری و کبری دارد، ظهور نیز دارای دو مرحله صغری و کبری خواهد بود).

امام علیه السلام پس از خروج سفیانی، ظاهر می‌شود؛ سپس تا هنگام ظهور موعود خود - ماه محرم - پنهان می‌گردد؛ در روایت حدلم بن بشیر، از امام سجاده علیه السلام آمده:

«وقتی سفیانی خروج می‌کند، حضرت مهدی نهران می‌گردد و پس از آن، دوباره ظاهر می‌گردد».<sup>۱</sup>

به عقیده ما، این روایت، تفسیری جز این ندارد که امام، بعد از خروج سفیانی و ندای آسمانی، ظاهر می‌شود و آنگاه تا هنگام ظهور معین خویش در محرم، از دید سیستم‌های اطلاعاتی، پنهان می‌گردد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«قائم قیام نمی‌کند، مگر آن‌که دوازده نفر، همگی اتفاق بر یک سخن کنند و گویند: او را دیده‌اند، ولی مردم حرف آنها را قبول نمی‌کنند».<sup>۲</sup>

ظاهر این اتفاق - بر دیدن امام - مربوط به دورانی است که ایشان فقط،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.



برای عده خاصی ظاهر می‌شوند تا تدریجاً مسأله ظهور قطعی، واقع شود و نام و یادش بالا گیرد. در این مدت، نقش رهبری حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور را - که یمن و ایران هستند - نیز ایفا می‌کنند.

### محتوای صیحه آسمانی چیست؟

در روایات، تعبیرهایی از قبیل صوت، فزعه و ندا به کار رفته است. این احتمال وجود دارد که آنها سه رویداد جدا از هم باشند؛ بدین گونه که ابتدا صدایی عظیم و وحشتناک به گوش جهانیان می‌رسد و همه را متوجه خود می‌کند که صیحه نامیده می‌شود. به دنبال آن، صدایی مهیب و هولناک شنیده می‌شود که دل‌های مردم را به وحشت می‌اندازد که فزعه نام دارد. آنگاه صدایی از آسمان شنیده می‌شود که مردم را به سوی مهدی فرا می‌خواند که ندا نامیده می‌شود؛ محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حمایت و بیعت با مهدی است با تعبیرهای «إِنَّ الْحَقَّ لِعَلِّيٍّ وَ شِيعَتَهُ وَ إِنَّ الْحَقَّ قِي آلِ مُحَمَّدٍ».

### زمان و مکان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

روایات، در مورد چگونگی آغاز نهضت ظهور و زمان آن، اندکی با هم تفاوت دارند، ولی آنچه بهتر به نظر می‌رسد این است که امام، نخست در میان ۳۱۳ تن از یاران خود، ظهور می‌کند؛ آنگاه - غروب نهم محرم - یک یک داخل مسجد الحرام می‌شوند و حضرت، نهضت خود را بعد از نماز عشاء، با ارسال پیام برای اهل مکه، آغاز می‌کند؛ سپس یاران او در آن شب، بر حرم و شهر مکه، مسلط می‌شوند و در روز دهم محرم، پیام خود را متوجه جهانیان - به زبان و لغت آنان - می‌نماید.

امام باقر فرمود:

«مهدی هنگام نماز عشا ظهور می‌کند؛ در حالی که پرچم رسول الله ﷺ و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد... وقتی نماز عشا را به جا آورد، با صدای رسا و بلند خود، می‌فرماید: ای مردم...»<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام، به کعبه تکیه می‌کند و ۳۱۳ نفر، دور او حلقه می‌زنند و اولین سخنی که می‌گوید این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس می‌گوید: من بقیة الله در روی زمین هستم؛ من حجّت خدا بر شما هستم.»<sup>۲</sup>

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«مهدی، از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ تن - به عدد رزمندگان جنگ بدر - فرود می‌آید تا آن‌که وارد مسجد الحرام می‌شود و در مقام ابراهیم، دو رکعت نماز می‌خواند و به حجر الاسود تکیه می‌زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر و درود بر او، لب به سخن می‌گشاید؛ به گونه‌ای که هیچ یک از مردم، چنان سخن نگفته باشند. و نخستین کسانی که با او دست بیعت می‌دهند، جبرئیل و میکائیل می‌باشند.»<sup>۳</sup>

در یک روز عاشورایی - که به گفته روایات، روز شنبه است - مهدی علیه السلام وارد مکه می‌شود؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم، روز شنبه که روز عاشورا است - روزی که امام حسین علیه السلام در آن

۱. نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۵.

۲. کمال الدین، صدوق، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

روز، به شهادت رسیده - ظهور می کند»<sup>۱</sup>.

بعضی روایات، ظهور حضرت علیه السلام را در جمعه، بعد از نماز عشا، بیان کرده است. چگونگی جمع بین این روایات، این گونه است که ظهور امام علیه السلام در دو مرحله انجام می شود؛ تسلط امام بر حرم و مکه، شب دهم محرم است که مقدمه اعلان ظهور آن بزرگوار، برای جهانیان، در روز شنبه (که روز عاشورا است) خواهد بود.

به دست گرفتن زمام امور مکه، همراه با پشتیبانی مردمی و همچنین، تأثیر ۳۱۳ تن از یاران خاص حضرت - که نقش فرماندهی و جهت دادن به فعالیت دیگر یاران را دارند - بدون خونریزی و به سبب امداد غیبی، انجام می گیرد و شاید این امداد، از طریق ترس و وحشتی باشد که خداوند، در دل دشمنان او می اندازد و موج مردمی را عاشق و جویای امام می سازد. و نیز به واسطه نقشه متین و استواری است که آن حضرت، جهت تسلط بر حرم و مراکز قدرت، در مکه عملی می سازد.

طرح این عملیات، به جهت پاسداری از حرمت حرم و قداست مکه مکرمه، مورد عنایت آن حضرت می باشد؛ ابن حماد، در حدیثی نقل کرده:

«با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می شود؛ در حالی که هیچ خوابی بیدار و هیچ خونی ریخته نمی شود»<sup>۲</sup>.

### یاران امام، چه کسانی هستند؟

برای این که پاسخ صحیحی به سؤال داده شود، لازم است که یاران حضرت

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۵۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

را از حیث تعداد، کشور، شهر، صفات، شعار و شخصیت‌های مشهوری که ایشان را یاری می‌کنند، بررسی کنیم.

### الف - اصحاب و یاران حضرت چند نفرند؟

شمار و تعداد اولیة یاران حضرت، که در منابع شیعه و سنی آمده است، به عدد یاران پیامبر، در جنگ بدر - یعنی ۳۱۳ نفر - ذکر شده است. امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«مهدی از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ تن - به عدد رزمندگان جنگ بدر - فرود می‌آید تا آن‌که وارد مسجد الحرام می‌شود».<sup>۱</sup>

عدد ۳۱۳ که بیانگر تعداد یاران و اصحاب خاص آن حضرت می‌باشد، مستواتر است.<sup>۲</sup> در بعضی روایات، تعداد ۵۰ نفر از ۳۱۳ تن را، از زنان دانسته‌اند؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمودند:

«در میان یاران حضرت مهدی، پنجاه زن وجود دارد».<sup>۳</sup>

می‌توان گفت: چون یاران اولیة حضرت سیصد و سیزده نفرند، بعداً شکل حکومت حضرت هم به صورت سیصد و سیزده ولایت می‌باشد و این افراد حاکمان زمین هستند؛ وقتی حضرت یکی از آنها را برای حکومت به جایی می‌فرستد هرگاه یکی از آنها بخواهد، امام را می‌بیند و با او حرف می‌زند؛ «حکام الارض لما یرسل احدهم یقول له مهما اشکل علیک حکم فانظر فی کفک؛ امام می‌فرماید: اگر امری را نفهمیدی و نتوانستی قضاوت کنی به کف دستت نگاه؛ کن حکمش را می‌بینی».

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

### فرق اصحاب و انصار

البته میان اصحاب و انصار آن حضرت، فرق است؛ اصحاب مدیران و پرچم‌داران نهضت هستند که دارای آگاهی و لیاقت و صلاحیت لازم، برای فرماندهی نیروهای طرفدار حق می‌باشند؛ ولی انصار، همهٔ مردم پاکبخته و شایسته‌ای هستند که به لشکر حضرت می‌پیوندند و روزبه‌روز، بر تعدادشان افزوده می‌گردد.

### ب - یاران، از چه کشورهایی هستند؟

یاران خاص حضرت، از کشورهای مختلف، نظیر ایران، عراق، سوریه، فلسطین، افغانستان، حجاز، یمن، مصر، فرانسه، پاکستان، ارمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، لبنان، هندوستان، بحرین، اتیوپی و... می‌باشند؛ چون انقلاب حضرت مهدی، جهانی است، یاران وی نیز، از همهٔ جهان هستند.

### یاران حضرت، از چه شهرهایی هستند؟

اصبغ بن نباته - از یاران صدیق حضرت امیر علیه السلام - می‌گوید:

«امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن ایراد خطبه‌ای، به ذکر مهدی و یاران او پرداخت؛ ابو‌خالد حلبی عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! مهدی را برای ما توصیف کن! حضرت علی علیه السلام فرمود: آگاه باشید! او شبیه‌ترین مردم - از نظر صورت و سیرت - به رسول خداست.

بعد فرمود: آیا می‌خواهید شما را بر آنها و تعدادشان آگاه کنم؟ عرض کردم: بله یا امیرالمؤمنین! حضرت فرمود:

از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: اولین آنها از بصره و آخرین آنها از یمامه است.

و علی علیه السلام شروع کرد به شمردن یاران مهدی و فرمود:

از بصره دو نفر؛ از اصفهان چهار نفر؛ از قم ده نفر؛ از زوراء (تهران) ده نفر؛ از اهواز، آمل، دامغان، ساوه، بروجرد، مراغه، خوی، کازرون، اردبیل و ابهر، هر کدام یک نفر؛ از سلماس و همدان و شیراز و واسط و آبادان و حلب، هر کدام سه نفر و...»<sup>۱</sup>

در حدیثی دیگر - که معروف به خطبة البیان است - از امیرالمؤمنین علیه السلام به طور مفصل و با مقداری اختلاف با حدیث قبل، در مورد اصحاب حضرت مهدی علیه السلام مطالبی نقل شده که ما طبق حروف الفبا، نام ایشان را همراه با شهر و دیار آنان، ذکر می‌کنیم؛ با توجه به این که برخی از شهرهایی که ذکر می‌شود، در گذر زمان، تغییر نام یافته و برخی ممکن است در آینده ساخته شود.

ردیف	نام	شهر یا کشور	شماره	نام
۱	ابان	سنجار عراق	۳۰	جبرئیل
۲	ابراهیم	اتیوپی، شمال آفریقا	۳۱	جعفر
۳	ابراهیم	جده عربستان	۳۲	جعفر
۴	ابراهیم	سیراف ایران	۳۳	جعفر
۵	ابراهیم	شیراز	۳۴	جعفر
۶	ابراهیم	کوره لبنان	۳۵	جعفر
۷	ابراهیم	مدینه	۳۶	جعفر
۸	ابراهیم	مکه	۳۷	جعفر
۹	احمد	آبادان	۳۸	جعفر
۱۰	احمد	ارمنستان	۳۹	جعفر
۱۱	احمد	بغداد	۴۰	جعفر
۱۲	احمد	بیمارستان نجف	۴۱	جمیل
۱۳	احمد	شوشتر	۴۲	جمیل
۱۴	احمد	عقر عراق	۴۳	عجبر
۱۵	احمد	فرانسه	۴۴	حذیفه
۱۶	احمد	قسطاط مصر	۴۵	حسن
۱۷	احمد	معاذ نیشابور	۴۶	حسن
۱۸	احمد	سعداره	۴۷	حسن
۱۹	احمد	نصیبین ترکیه	۴۸	حسن
۲۰	احمد	یمن	۴۹	حسن
۲۱	ایوب	طالقان	۵۰	حسن
۲۲	بکر	بیت المقدس	۵۱	حسن
۲۳	بکر	مرقیه سوریه	۵۲	حسین
۲۴	بکیر	بحرین	۵۳	حسین
۲۵	تغلب	معاذ نیشابور	۵۴	حسین
۲۶	تکیه	خرشان بحرین	۵۵	حسین
۲۷	جابر	قسین	۵۶	حسین
۲۸	جابر	طالقان	۵۷	حسین
۲۹	جابر	یمن	۵۸	حصین
			۵۹	جعفر
				صنعا
				یمن
				آبادان
				بحرین
				خلاط ارمنستان
				سهم
				سیلان هندوستان
				شیراز
				قزوین
				مدینه
				نجف
				طالقان
				بیمارستان حجاز
				یمن
				مرو خراسان
				اسکندریه مصر
				بلخ افغانستان
				بالیس سوریه
				سیلان هندوستان
				کریلا
				مدینه
				معاذ نیشابور
				ارمنستان
				سرینل ذهاب
				کریلا
				کریلا
				مدینه
				معاذ مرو
				قادسیه عراق
				حصین سوریه

اسکندریه مصر	شیب	۹۰	رهاط مکه	جعفر	۶۰
مرفیه سوریه	شعب	۹۱	طالقان	جعفر	۶۱
دیار	شعب	۹۲	سرخس	حفص	۶۲
آبادان	شیان	۹۳	اتیوپی	حميدات	۶۳
اسکندریه مصر	شیان	۹۴	آبادان	حمزه	۶۴
شوش خوزستان	شیان	۹۵	صنعا یمن	حمزه	۶۵
یمن	شیان	۹۶	مدینه	حمزه	۶۶
بلقا اردن	صادق	۹۷	سیراف ایران	حوقل	۶۷
شیراز	صالح	۹۸	یمن	خویش	۶۸
طالقان	صالح	۹۹	سیراف ایران	خالد	۶۹
عمان	صالح	۱۰۰	طالقان	خالد	۷۰
قزوین	صالح	۱۰۱	بیت المقدس	داورد	۷۱
حلب سوریه	صبیح	۱۰۲	طالقان	داورد	۷۲
مراغه	صدقه	۱۰۳	عمان	داورد	۷۳
ساده یمامه	صلیب	۱۰۴	طائف	داورد	۷۴
اهلیل	صابط	۱۰۵	دمشق	داورد	۷۵
جده عربستان	طالوت	۱۰۶	مصر	دراج	۷۶
فسطاط مصر	ظاهر	۱۰۷	تیم	رئان	۷۷
مدینه	ظاهر	۱۰۸	طائف	زکریا	۷۸
معاذ مرو	ظاهر	۱۰۹	صنعه	زید	۷۹
رملة فلسطین	طریق	۱۱۰	طائف	سبا	۸۰
عسکر مکرم خوزستان	طیب	۱۱۱	یضا	سعد	۸۱
یمامه حجاز	ظافر	۱۱۲	طالقان	سعد	۸۲
یمن	عاصم	۱۱۳	یمامه	سعدان	۸۳
ضیف نجد	عالم	۱۱۴	یضا	سعید	۸۴
آبادان	عامر	۱۱۵	عکا فلسطین	سعید	۸۵
بحرین	عامر	۱۱۶	صنعا یمن	سمیع	۸۶
یمن	عامر	۱۱۷	معاذ مرو	سوید	۸۷
سامرا	عامر	۱۱۸	ضیف نجد	سهیل	۸۸
مدینه	عباس	۱۱۹	ساده یمامه	شیب	۸۹



کوفه	عتاب	۱۵۰	سند پاکستان	عبدالرحمن	۱۲۰
مصر	عجلون	۱۵۱	منصوریه بهبهان	عبدالرحمن	۱۲۱
قطیف عربستان	عزیز	۱۵۲	انطاکیه	عبدالرحمن	۱۲۲
واسطه عراق	عقیل	۱۵۳	دمشق	عبدالرحمن	۱۲۳
اتبار عراق	علوان	۱۵۴	طالقان	عبدالرحمن	۱۲۴
طالقان	علوان	۱۵۵	هوتیق مصر	عبدالسلام	۱۲۵
بصره	علی	۱۵۶	طالقان	عبدالعزیز	۱۲۶
حله	علی	۱۵۷	دورق اهواز	عبدالغفور	۱۲۷
سمرقند ازبکستان	علی	۱۵۸	هجر یمن	عبدالقدوس	۱۲۸
سنجار عراق	علی	۱۵۹	معاذة مرو	عبدالقدیم	۱۲۹
طائف	علی	۱۶۰	بغداد	عبدالله	۱۳۰
طالقان	علی	۱۶۱	شیراز	عبدالله	۱۳۱
فراسته	علی	۱۶۲	طالقان	عبدالله	۱۳۲
قزوین	علی	۱۶۳	قسطاط مصر	عبدالله	۱۳۳
مدینه	علی	۱۶۴	قزوین	عبدالله	۱۳۴
معاذة مرو	علی	۱۶۵	کاشان	عبدالله	۱۳۵
ضیبه	علی	۱۶۶	کرمان	عبدالله	۱۳۶
نصیبین ترکیه	علی	۱۶۷	معاذة مرو	عبدالله	۱۳۷
نیشابور	علی	۱۶۸	مکه	عبدالله	۱۳۸
همدان	علی	۱۶۹	انطاکیه سوریه	عبدالله	۱۳۹
یمن	عمار	۱۷۰	طائف	عبدالله	۱۴۰
طالقان	عمر	۱۷۱	بغداد	عبدالمتطلب	۱۴۱
حسقلان فلسطین	عمر	۱۷۲	آبادان	عبدالمهین	۱۴۲
قزوین	عمر	۱۷۳	آبادان	عبدالوارث	۱۴۳
کازرون	عمر	۱۷۴	اسکندریه مصر	عبدالوارث	۱۴۴
منصوریه بهبهان	عمر	۱۷۵	شیر سوریه	عبدالوهاب	۱۴۵
مہجم یمن	عمر	۱۷۶	شوش خوزستان	عبدالوهاب	۱۴۶
بیت المقدس	عمران	۱۷۷	طالقان	عبدون	۱۴۷
آبادان	عمر	۱۷۸	کاشان	عبدالله	۱۴۸
اغیر	عمر	۱۷۹	انطاکیه سوریه	عبدالله	۱۴۹

عمان	کوش	۲۱۰	مکه	عمرو	۱۸۰
طالقان	لقمان	۲۱۱	شویک	عصیر	۱۸۱
بحرین	لیث	۲۱۲	نجد حجاز	عصیر	۱۸۲
قزوین	لیث	۲۱۳	شهر کرد	عون	۱۸۳
یمن	مالک	۲۱۴	عدن	عون	۱۸۴
سیراف ایران	مالک	۲۱۵	اتیوپی	عیسی	۱۸۵
عمارة عراق	مالک	۲۱۶	طالقان	عیسی	۱۸۶
منصوریه تربت جام	مالک	۲۱۷	اعقیل	غریبان	۱۸۷
مہجہم یمن	مالک	۲۱۸	کوفه	غیاث	۱۸۸
یمن	مالک	۲۱۹	هوتیق مصر	فارس	۱۸۹
قطیف عربستان	مبارک	۲۲۰	نوبه سودان	فاضل	۱۹۰
سمرقند ازبکستان	مجاهد	۲۲۱	طالقان	فالح	۱۹۱
شهر ری	مجمع	۲۲۲	عرفه مکه	فرج	۱۹۲
بصره	محارب	۲۲۳	طالقان	فضیل	۱۹۳
خونج آذربایجان	محرور	۲۲۴	سنداره	فلاح	۱۹۴
اسکندریه مصر	محسن	۲۲۵	طبریة فلسطین	فلیح	۱۹۵
اتیوپی	محمد	۲۲۶	عسقلان فلسطین	فهد	۱۹۶
آبادان	محمد	۲۲۷	موصل	فهد	۱۹۷
تفلیس ارمنستان	محمد	۲۲۸	یمن	فهد	۱۹۸
حلب سوریه	محمد	۲۲۹	انطاکیه ترکیه	قادم	۱۹۹
خلدط ارمنستان	محمد	۲۳۰	آبادان	قاسم	۲۰۰
بالیس سوریه	محمد	۲۳۱	کرخ بغداد	قاسم	۲۰۱
سنتجار بخارا	محمد	۲۳۲	مدینه	قاسم	۲۰۲
عسقلان فلسطین	محمد	۲۳۳	طالقان	قبضه	۲۰۳
عمان	محمد	۲۳۴	حیث	کثیر	۲۰۴
قزوین	محمد	۲۳۵	مغازة نیشابور	کثیر	۲۰۵
کیش بغداد	محمد	۲۳۶	یمن	کعب	۲۰۶
کوله	محمد	۲۳۷	یمن	کلثوم	۲۰۷
مدینه	محمد	۲۳۸	هوتیق مصر	کلیب	۲۰۸
مغازة نیشابور	محمد	۲۳۹	لنجویة آفریقا	کونر	۲۰۹

هرات افغانستان	نهروش	۲۷۲	مکه	محمد	۲۴۰
نوبه مصر	راصل	۲۷۳	منصوریه اهواز	محمد	۲۴۱
عسقلان فلسطین	هارون	۲۷۴	پالس سوریه	محمد	۲۴۲
قزوین	هارون	۲۷۵	تهجم یمن	محمد	۲۴۳
سلفاس	هارون	۲۷۶	نجف	محمد	۲۴۴
نجد عربستان	هارون	۲۷۷	مدینه	محمد	۲۴۵
موصل	هارون	۲۷۸	حلب سوریه	محمد	۲۴۶
شوشتر	هلا	۲۷۹	حله عراق	محمد	۲۴۷
طائف یمن	هلا	۲۸۰	سامراه	مرازی	۲۴۸
عمان	هواشب	۲۸۱	عکا	مروان	۲۴۹
سن تکریت عراق	هود	۲۸۲	خرشان بحرین	مستون	۲۵۰
طالقان	هود	۲۸۳	کلاب	مسطر	۲۵۱
کوفه	هود	۲۸۴	الویه هذیل	مشر	۲۵۲
جماره نجف	یحیی	۲۸۵	کازرون	ممر	۲۵۳
صنعا یمن	یحیی	۲۸۶	تکریت عراق	مقداد	۲۵۴
طالقان	یحیی	۲۸۷	طالقان	ملاعب	۲۵۵
انطاکیه سوریه	یحیی	۲۸۸	منصوریه اهواز	ملاعب	۲۵۶
سعداوه	یحیی	۲۸۹	اعقیل	منبه	۲۵۷
قم	یعقوب	۲۹۰	عدن یمن	موسی	۲۵۸
معاذ مرو	یعقوب	۲۹۱	عجر بحرین	موسی	۲۵۹
عسقلان فلسطین	یوسف	۲۹۲	زمله فلسطین	مومی	۲۶۰
طائف	یوسف	۲۹۳	طالقان	مهاجر	۲۶۱
اصفهان	یونس	۲۹۴	تیشابور	مهاجر	۲۶۲
عمان	یونس	۲۹۵	عسکر مکرم خوزستان	میمون	۲۶۳
فسطاط مصر	یونس	۲۹۶	سرخس مشهد	ناجیه	۲۶۴
کازرون	یونس	۲۹۷	یمن	ناصر	۲۶۵
			پالس سوریه	نصیر	۲۶۶
			بحرین	نصیر	۲۶۷
			معاذ مرو	نعیم	۲۶۸
			خونج آذربایجان	نوح	۲۶۹
			سیلان هند	نوح	۲۷۰
			شیان	نهراسش	۲۷۱

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

تعداد انصار حضرت، دوازده هزار تن می‌باشد

پس از چند روز توقف در مکه، عده یاران حضرت از مرز دوازده هزار تن تجاوز می‌کند و پس از وقوع معجزه فرو رفتن دشمنان در زمین، حضرت همراه با سپاه خود، به سوی مدینه حرکت می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«مهدی با لشکری دوازده هزار نفری یا پانزده هزار نفری، از مکه حرکت می‌کند و در دل دشمنان، ترس و وحشت می‌اندازد و هیچ دشمنی با آنها روبرو نمی‌شود، مگر این‌که به یاری خدا نابود می‌شود؛ شعار آنها، بمیران بمیران است؛ در راه خدا، از هیچ ملامتی هراس ندارند».<sup>۱</sup>

آن حضرت، سی و شش هزار تن، محافظ دارد

این تعداد که گفته شد، یارانی بودند که از مکه حرکت می‌کنند، اما تعداد یارانی که به سپاه حضرت می‌پیوندند و امام همراه با آنها وارد عراق و بیت المقدس می‌شود و آن را آزاد می‌کند، به صدها هزار تن می‌رسد و شمار ارادتمندان، از میلیون‌ها نفر نیز تجاوز می‌کند؛ و تنها محافظین حضرت در قدس، به سی و شش هزار نفر می‌رسند.<sup>۲</sup>

یارانی که همراه با سپاه خود، به امام می‌پیوندند عبارتند از: هاشمی خراسانی، سید حسنی، شعیب بن صالح و... که در مباحث بعدی، ما به معرفی این سری از یاران حضرت می‌پردازیم.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۷.

## ج - شخصیت های مشهوری که حضرت را یاری می کنند

## ۱ - هاشمی خراسانی

هرچند که در بعضی روایات، تنها خراسانی آمده است نه هاشمی؛ ولی آن گونه که از منابع سنی و شیعی استفاده می شود، خراسانی از نسل امام مجتبی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام است؛<sup>۱</sup> بنابراین هاشمی و خراسانی یکی هستند.

هاشمی خراسانی، رهبر بزرگ مشرق زمین است که یا به عنوان ولی فقیه و مرجع تقلید و یا رهبر سیاسی در کنار مرجع نقش هدایت جامعه را ایفاء می کند.

سید خراسانی - چنان که در روایات آمده - دارای صورتی نورانی و خالی بر گونه راست است.

فرمانده سپاه هاشمی، مردی است از بنی تمیم به نام شعیب بن صالح؛ بین سید هاشمی و سفیانی جنگ بزرگی واقع می شود و سپاه هاشمی پیروز می گردد و در آن هنگام، تمنای دیدار مهدی را کنند و در طلب او برآیند.<sup>۲</sup>

## ۲ - شعیب بن صالح

شعیب فرمانده سپاه سید خراسانی است؛ وی و افراد تحت فرمانش، همگی عاشق دیدار و بیعت با مهدی منتظر هستند.

جابر نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

«پرچم های سیاهی که از خراسان هستند، به کوفه وارد می شوند؛ هرگاه

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲. عقد الدرر، ص ۱۲۷.

مهدی علیه السلام ظاهر شد، با او بیعت می‌کنند»<sup>۱</sup>.

صفات شعیب بن صالح - که فرمانده نظامی نیروهای ایرانی است - در روایات، این‌گونه ذکر شده است:

«جوانی است از شهر ری (تهران)، گندم‌گون، لاغر، دارای محاسن کم‌پشت، صاحب بصیرت و یقین و اراده‌ای خلل‌ناپذیر؛ از جنگاوران نام‌آور و ممتاز، مردی شکست‌ناپذیر و استوار که اگر کوه در مقابلش بایستد، آن را منهدم کرده و عبور می‌نماید...»<sup>۲</sup>.

### آیا نام خراسانی و شعیب، دو نام سمبلیک است یا حقیقی؟

روایات، نام واقعی سید خراسانی را ذکر نکرده‌اند و اما نسبت ایشان به خراسان، به این دلیل نیست که حتماً از استان خراسان باشد؛ چون در صدر اسلام، به کل منطقه مشرق زمین - که شامل ایران و افغان و مناطقی از شوروی سابق می‌شد و همگی جزء محدوده ایران بود - خراسان اطلاق می‌شد؛ بنابراین شخص خراسانی، اهل هر منطقه‌ای از این محدوده باشد، نسبت او به خراسان صحیح است.

اما شعیب بن صالح، احتمال دارد که جهت حفظ و ایمنی، نام او مستعار باشد. بعضی روایات، او را اهل سمرقند - که اکنون در اشغال شوروی سابق است - می‌داند؛ البته بیشتر روایات، او را اهل ری (تهران) می‌شمرد و این که با قبیله بنی تمیم، نسبتی دارد، احتمال دارد که در اصل، اهل جنوب ایران باشد؛ زیرا در آن جا هنوز عشایری از قبیله بنی تمیم وجود دارد، یا این که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹.

اجداد او، از آن قبیله باشند و وی نسباً به بنی تمیم برسد و به همین لحاظ، تمیمی محسوب می‌شود.

پیامبر فرمود:

«پرچم‌های سیاهی به نفع بنی العباس - از خراسان - خروج می‌کنند و مدتی که خدا بخواهد، بر اریکه قدرت خواهند بود (قیام ابومسلم خراسانی). پس پرچم‌های سیاه کوچکی خارج می‌شوند و با مردی از فرزندان ابوسفیان می‌جنگند؛ آنها که قیام کرده‌اند، از مشرق (خراسان) هستند و خود را تسلیم حضرت مهدی علیه السلام می‌نمایند»<sup>۱</sup>.

### ۳ - سید حسنی

یکی دیگر از یاوران اصلی حضرت مهدی - از منطقه مشرق زمین - سید حسنی است که از سرزمین دیلم قیام می‌کند و مردم را به یاری مردی که در کنار ضریح فریاد برآورده دعوت می‌کند؛ گنج‌های خدا در طالقان، به دعوت او لبیک می‌گویند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام بنا بر نقل مفضل فرمود:

«آنگاه سید حسنی - آن جوانمرد زیاروی که از طرف سرزمین دیلم پیدا می‌شود - قیام می‌کند؛ به آواز بلند و صدای رسا - که همه مردم بشنوند - فریاد برمی‌آورد که ای آل محمد! مضطر را اجابت کنید و به صدای آن منادی که در اطراف ضریح فریاد برآورده، جواب دهید! گنج‌های خدا در طالقان،<sup>۲</sup> او را جواب خواهند داد. گنج‌اند اما چه گنجی؟! این گنج‌ها طلا و

۱. الملاحم و الفتن، باب ۱۰۲.

۲. طالقان منطقه‌ای است در رشته کوه‌های البرز، در صد کیلومتری شمال غرب تهران. بهتر است

تقره نیستند؛ بلکه آنها دلیر مردانی آهنین اراده هستند که بر مرکب‌های جنگی تیره‌رنگ سوارند و انواع سلاح‌ها در دست آنهاست و همواره ستمگران را می‌کشند؛ تا وارد کوفه شوند و بیشتر روی زمین را از وجود ظالمین، پاک می‌کنند؛ کوفه را محل اقامت و پایگاه نظامی خود قرار می‌دهد و در این هنگام، خبر ظهور مهدی به او می‌رسد؛ اصحابش از او سؤال می‌کنند: مهدی کیست؟ سید حسنی در جواب می‌گوید: بیایید با هم برویم ببینیم او کیست و چه می‌خواهد؟!»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«به خدا قسم که سید حسنی می‌داند که او مهدی است و او را به خوبی می‌شناسد؛ مقصودش از این حرف، این است که حقیقت آن حضرت را بر یاران خود، آشکار سازد»<sup>۱</sup>.

در روایات از طالقان و مردم آن، زیاد تعریف شده است و ما در صفات یاران مهدی علیه السلام یکی از آن روایات را ذکر خواهیم کرد. در روایتی دیگر، سخن از قیام گیلانی است که مردم دیلم، به یاری او برمی‌خیزند؛ چنان که علی علیه السلام فرمود:

«قیام کننده‌ای که از ما است، از گیلان قیام می‌کند و آن مشرقی او را در دفع شیعه عثمان یاری می‌دهد و مردم آپر و دیلم او را اجابت می‌کنند و از ناحیه او به نعمت می‌رسند و...»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> که مراد از اهل طالقان، اهل ایران باشد، نه خصوص منطقه جغرافیایی طالقان. اما این که امامان، اهل ایران را اهل طالقان نامیده‌اند، ممکن است با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و خصوصیات خوب اخلاقی و دینی اهالی آن سامان باشد. ۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵.

۲. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۰.



در روایتی دیگر، سید حسنی را به عنوان صاحب طبرستان معرفی کرده‌اند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین در خطبه ملاحم فرموده است:

«حسنی - صاحب طبرستان - همراه عده زیادی از سواره و پیاده، قیام می‌کند تا این‌که به نیشابور می‌رسند و آن‌جا را فتح می‌نمایند و اموال آن را تقسیم می‌کنند؛ سپس به اصفهان و قم می‌آیند و در قم بین او و مردم، درگیری بزرگی واقع می‌شود و با یکدیگر به جنگ می‌پردازند؛ چون مردم قم در مقابل حسنی می‌ایستند، تا این‌که عده زیادی کشته می‌شوند و عده‌ای فرار می‌کنند؛ آنگاه حسنی اموال آنها را مصادره می‌کند و زنان و اولادشان را اسیر می‌کند و خانه‌هایشان را خراب می‌کند... حسنی چهل روز در قم می‌ماند...»<sup>۱</sup>

با توجه به این‌که گیلان و طبرستان از دیلم است، اختلافی بین روایات فوق‌الذکر نخواهد بود و گیلانی و طبرستانی، همان سید حسنی است که برای یاری مهدی علیه السلام قیام می‌کند و بنابراین وجهی ندارد که مانند بعضی از نویسندگان، قیام گیلانی را غیر از حسنی بدانیم.

#### ۴ - یمنی

یکی از انقلاب‌های زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام، انقلاب یمنی است که در روایت، به حتمی بودن آن تصریح شده است؛ یمنی منسوب به یمن است و از آن سامان قیام می‌کند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

«قبل از قیام قائم، وقوع پنج علامت، حتمی است: یمنی، سفیانی، صبیحه آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان»<sup>۲</sup>.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴.

۱. بحار الانوار، کتاب السماء و العالم.

در بعضی روایات، قیام یمنی و پرچم او را، هدایت‌کننده‌ترین پرچم‌ها دانسته و یاری کردن آن را واجب شمرده و نام او را حسن یا حسین از نسل زید بن علی دانسته است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خروج این سه تن - خراسانی، سفیانی و یمنی - در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد، پرچم یمنی از همه هدایت‌کننده‌تر است؛ زیرا او دعوت به حق می‌کند.»<sup>۱</sup>

یمانی از یاران حضرت مهدی است و با سفیانی می‌جنگد.<sup>۲</sup>  
روایات دیگری در ستایش از اهل یمن، وارد شده است.<sup>۳</sup>  
بنابراین حرکت یمنی‌ها سمبلی از یک قیام بر حق، در مقابل گمراهی است که از یمن آغاز می‌گردد.

## ۵ - مصری

در بحار الانوار آمده است:

«پیش از سفیانی، مصری و یمنی خروج می‌کنند.»<sup>۴</sup>

در روایات زیادی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«در میان یاران مهدی، افرادی شایسته از مصر وجود دارد.»<sup>۵</sup>

این فرمانده مصری، جنبشی در مصر ایجاد می‌کند و اعلان جنگ می‌دهد؛ در بحار الانوار آمده است:

«سرکرده فرماندهان، در مصر قیام می‌کند و سپاهیان، تجهیز و بسیج

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۳۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۳. همان، ص ۲۸۹.

۵. همان، ص ۴۳۴.

می شوند»<sup>۱</sup>.

## ۶- حضرت خضر علیه السلام

بخشی از روایات، دلالت دارد که حضرت خضر در کنار حضرت مهدی علیه السلام به سر می برد و برنامه و دستورش را از امام عصر می گیرد و در خدمت امام است؛ در این زمینه، امام رضا علیه السلام می فرماید:

«خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و از این روزنده است و نمی میرد تا در صور اسرافیل دمیده شود. البته او نزد ما می آید و به ما سلام می دهد و ما صدای او را می شنویم، ولی شخص او را نمی بینیم. هر جا که نام او برده شود، باید بر او درود فرستاد.

او در موسم حج حاضر شده و تمام مناسک حج را به جا می آورد و در عرفات وقوف می کند و دعای مؤمنان را آمین می گوید و خداوند، تنهایی قائم ما را به وسیله آن حضرت، به انس و الفت، و وحدت وی را در کنار او به پیوستگی، بدل سازد»<sup>۲</sup>.

## ۷- حضرت مسیح علیه السلام

روایات، حکایت از این دارد که عیسی مسیح علیه السلام، از آسمان برای یاری مهدی علیه السلام فرود می آید و وزیر دست راست مهدی علیه السلام است و با مسیحیان شرق و غرب، احتجاج می کند و بین مهدی علیه السلام و غربی ها پیمان صلحی برقرار می سازد.<sup>۳</sup>

در ۱۹ حدیث وارد شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طرق مختلف، حکایت از آن

۱. همان، ص ۲۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، صص ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۹.

دارد که عیسی علیه السلام به مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند و پشت سر او نماز می‌گزارد.<sup>۱</sup>

### ۸- نفس زکیّه

یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، کشته شدن نفس زکیّه است که در مکانی بین رکن و مقام، کشته می‌شود و ایشان پسری از آل محمد علیهم السلام است.<sup>۲</sup> فاصله شهادت نفس زکیّه تا ظهور قائم علیه السلام بیش از پانزده شبانه روز نیست.<sup>۳</sup> نفس زکیّه یعنی نفسی پاک و رشد کرده و پاکیزه شده که در سایه علم و اخلاص و فداکاری و امتحان، آن شخص پاک و کامل شده و در مقابل فتنه‌های حاکم و ظالم می‌ایستد و به شهادت می‌رسد.

یاران دیگر حضرت علیه السلام عبارتند از:

۹- حاکم آفریقا

۱۰- اصحاب کهف

۱۱- الیاس پیامبر

۱۲- ملائکه الهی و امدادهای غیبی<sup>۴</sup>

د- صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱- جوانی

برخی از روایات می‌گویند:

«بیشتر یاران آن حضرت را جوانان تشکیل می‌دهند و میان سال در بین

آنها، بسیار اندک است؛ همچون نمک، در توشه مسافر».

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۷.

۴. همان، ص ۵۲۳.

۱. همان.

۳. ارشاد مفید، مترجم، ص ۶۹۷.

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

یاران مهدی جوان هستند و میان سال در بین آنها نیست، مگر مانند سرمه

چشم و نمک که کمترین توشه مسافر، نمک است.<sup>۱</sup>

هرچند از عمر حضرت صدها سال گذشته ولی هنگام ظهور جوان هستند

چنان که امام حسن علیه السلام فرمودند:

«خداوند مهدی را به قدرت خویش در سیمای جوانی کمتر از چهل

سال آشکار می کند».<sup>۲</sup>

## ۲- عجمی

مراد از عجم، غیر فصیح و غیر عرب است؛ بنابراین شامل کلیه زبان ها

می شود؛ چون همه زبان های دیگر، در مقابل زبان عربی - که فصیح است -

عجم و غیر فصیح به شمار می رود.

ابن عربی گفته:

«یاران مهدی از عجم هستند و عرب در بین آنها نیست، اما جز به زبان

عربی سخن نمی گویند».

امام باقر علیه السلام فرمود:

«یاران قائم سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند که بعضی از آنان

به هنگام روز، در میان ابر حمل می شوند و به نام خود و به نام پدرش و

نسبش و خصوصیاتش معروف است و بعضی از آنان، در حالی که در

۱. «ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم الا كالكحل في العين او كالمخ في الزاد واقل الزاد

الملح»؛ بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۲. کمال الدین، ص ۳۱۵.

بسترشان به خواب فرو رفته‌اند، در مگه - بدون قرار قبلی - حاضر می‌شوند»<sup>۱</sup>.

در حدیثی دیگر آمده که:

«نَجَبایی از مصر و ابدالی از شام و نیکانی از عراق، در بین یاران هستند»<sup>۲</sup>.

کشورهای فوق، عرب اصیل و خالص نیستند؛ بنابراین تعداد زیادی عرب غیراصیل در بین یاران حضرت، وجود دارند.

### ۳- قدرت بی نظیر

ابوبصیر نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«گفتار حضرت لوط، درباره قومش که فرمود: ای کاش مرا قوتی یا پناهگاهی امن و استوار می‌بود که از شر شما محفوظ می‌ماندم، آرزویی است بر قدرت قائم ما مهدی علیه السلام و استواری یارانش که همان ارکان محکم می‌باشند.

هر کدام از یاران مهدی علیه السلام دارای قدرت چهل مرد است. دل‌های آنها از پاره‌های فولاد، محکم‌تر است. اگر بر کوه‌ها بگذرند، کوه‌ها درهم فرو ریزند. دست از شمشیرهای خود (در پیکار با دشمنان) باز نمی‌گیرند تا آن‌که خدای تعالی راضی شود»<sup>۴</sup>.

ایان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«هنگامی که پرچم مهدی علیه السلام به اهتزاز در آید، مؤمنی نخواهد بود مگر

۱. غیبت نعمانی، ب ۲۰، ش ۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۳. سوره هود، آیه ۸۰.

۴. بیابغ الموده، ص ۵۰۹.

این که قلبش از پاره‌های فولاد، محکم‌تر و نیروی چهل مرد به وی عطا می‌شود».<sup>۱</sup>

#### ۴- پارسایان شب و شیران روز

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مهدی علیه السلام به هنگام عشاء، در مکه، در میان سیصد و سیزده نفر از مردانی که به عدد اصحاب بدر هستند، ظهور خواهد نمود که بدون قرار قبلی، همچون ابرهای پاییزی (از گوشه و کنار جهان و به سرعت) جمع می‌شوند. پارسایان شب و شیران روزند».<sup>۲</sup>

#### ۵- عاشق و مطیع رهبری

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ، برای تبرک و فرخندگی، دست خویش به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان تبرک می‌جویند؛ آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها، پناه او می‌سازند و هر چه را اشاره کند، با جان و دل انجام می‌دهند. برخی از آنان، هنگام شب، نخوابند؛ زمزمه قرآن و مناجاتشان - همچون زنبوران عسل - فضا را آکنده سازد؛ تا بامداد، به عبادت خدای بایستند و بامدادان، سوار بر مرکب‌ها شوند».

آنان راهبان شب و شیران روز و گوش به فرمان امام خویش هستند. ایشان چون مشعل‌های فروزانند که دل‌های استوارشان، به سان قندیل‌های نور،

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۷.

۲. الحاوی، ج ۲، ص ۱۴۴.

در سینه‌هایشان آویخته شده است.

این مردان، تنها از خدا می‌ترسند؛ فریاد لا اله الا الله و الله اکبر آنان بلند

است؛ همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۵- شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«شعار یاران مهدی علیه السلام، بمیران بمیران است.»<sup>۲</sup>

۲- امام صادق علیه السلام فرموده است:

«شعار آنان، یا لثارات الحسین (بیایید به خون خواهی حسین!) است.»<sup>۳</sup>

### دشمنان حضرت

#### ۱- یهود

یکی از دشمنان خطرناک حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، یهود است؛ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

«همانا شدیدترین مردم، در دشمنی با آنان که ایمان آورده‌اند، یهودیان و مشرکان هستند.»<sup>۴</sup>

چنان‌که از بعضی روایات استفاده می‌شود، سفیانی (سخن‌ترین دشمن امام) از جانب غربی‌ها و یهود حمایت می‌شود. اساساً سفیانی را برای حمایت از مرزهای اسرائیل و سرکوب نیروهای انقلابی، روی کار می‌آورند تا اربابان او از خطر حمله سپاه خراسانی و یاوران مهدی - که برای آزادی قدس، به

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۴. سوره مائده، آیه ۸۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.



حرکت آمده‌اند - در امان باشند. در آیاتی از سوره مبارکه اسراء چنین آمده است:

«ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین، فساد خواهید کرد، و برتری جوینی بزرگی خواهید نمود. هنگامی که نخستین وعده فرارسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم (تا شما را سخت درهم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی.

سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمکی می‌کنیم و نفقات شما را بیشتر قرار می‌دهیم. اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید، باز هم به خود می‌کنید.

و هنگامی که وعده دوم فرارسد، (آن چنان بر شما سخت خواهند گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، درهم می‌کوبند»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام در تفسیر «بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم» فرمودند:

«آنان کسانی هستند که خداوند، قبل از ظهور قائم، آنها را برمی‌انگیزد و آنان، دشمنی از دشمنان آل پیامبر را فرا نمی‌خوانند مگر این که او را به

قتل می‌رسانند»<sup>۱</sup>.

عیاشی در تفسیر خود، از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت، پس از تلاوت آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا» فرمودند:

«او، قائم و یاران اویند که دارای قوت و نیروی زیادی هستند»<sup>۲</sup>.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت، آیه شریفه فوق را تلاوت فرمود؛ یاران عرض کردند: فدایت شوم! اینها چه کسانی هستند؟ حضرت سه مرتبه فرمود:

«به خدا قسم! آنان اهل قم هستند»<sup>۳</sup>.

ظاهر روایات موجود - در منابع شیعه و سنی - از نبرد مسلمانان با یهود، در آخرالزمان، همین نبرد است؛ چنان که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«قیامت برپا نمی‌شود، مگر آن که بین مسلمانان و یهود، کارزاری رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که مسلمانان، همه آنها را به هلاکت می‌رسانند، تا جایی که اگر شخصی یهودی (محارب) در پشت صخره یا درخت، پنهان شود، آن سنگ و درخت به صدا درآید و گوید: ای مسلمانان! این یهودی (محارب) است که در پناه من مخفی شده، او را هلاک کن!»<sup>۴</sup>.

از روایات مذکور به دست می‌آید که خداوند، به وسیله ایرانیان، زمینه ظهور را فراهم می‌کند و مقاومت یهود در برابر مسلمانان، در چند نوبت است که نابودی نهایی یهود، به دست حضرت مهدی است.

۱. تورات الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲. همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۴. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۱۲.

بیرون آوردن تورات اصلی، از غار انطاکیه و کوهی در شام و فلسطین و دریاچه طبریته، توسط حضرت مهدی علیه السلام و استدلال آن حضرت بر یهودیان نیز، نمونه‌ای از برخوردهای فرهنگی است که در مقام ارائه برهان، از آن استفاده می‌شود؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده می‌شود، بیرون می‌آورد».<sup>۱</sup>

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

«صندوق مقدس، از دریاچه طبریته به دست وی آشکار می‌شود و یارانش آن را آورده و در پیشگاه او در بیت المقدس قرار می‌دهند و چون یهودیان آن را مشاهده نمایند، جمعیت زیادی از آنها اسلام می‌آورند که حدود سی هزار هستند».<sup>۲</sup>

## ۲- جنبش سفیانی

روایت، جنبش سفیانی را بسیار سخت و سریع توصیف کرده است. چون اوضاع جهانی به اندازه‌ای وخیم می‌شود که منجر به نبرد می‌گردد، سرزمین شام - که فتنه فلسطین آن را برهم می‌زند - از ضعف و ناتوانی و تجزیه شدن، گرفتار رنج و افسردگی است و مهم‌تر از آن، به خاطر ترس و وحشتی که یهودیان و غربی‌ها از رسیدن نیروهای اسلام به مرزهای اسرائیل و قدس دارند، اقدام به انتخاب زمامداری مقتدر نموده تا بتوانند مناطق پیرامون اسرائیل را به زیر فرمان آورند؛ لذا دست سفیانی را در جنگ عراق و اشغال

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۴؛ الملاحم و الفتن، ص ۶۹.

آن، برای جلوگیری از سربازان ایرانی (یاران پرچم‌های سیاه) باز می‌گذارند؛ همچنان که دست سفیانی در یاری رساندن به حکومت ضعیف حجاز و درهم شکستن قیام مهدی علیه السلام باز است و در واقع، سفیانی یک نیروی واکنش سریع، برای سرکوب نهضت‌ها در منطقه به‌شمار می‌رود.

### کوتاهی عمر حکومت سفیانی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام، پانزده ماه به طول می‌انجامد؛ وی شش ماه، کارزار می‌کند؛ همین که بر پنج شهر دست یافت، نه ماه فرمانروایی می‌کند؛ بی آنکه روزی به آن افزوده شود».<sup>۱</sup>

آن پنج شهر عبارتند از: دمشق، امان، حمص، حلب و قنسرين که از شهرهای مهم سوریه، اردن و لبنان می‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«از نشانه‌های حتمی ظهور، خروج سفیانی در ماه رجب است».<sup>۲</sup>

خروج سفیانی، شش ماه قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و حضرت، در شب دهم محرم همان سال، در مکه ظهور می‌کند.

### درگیری اَبَق و اصهب با سفیانی

سفیانی برای تسلط بر شام، با اَبَق<sup>۳</sup> و اصهب<sup>۴</sup> که در شام، دارای قدرت

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۳. اَبَق کسی است که اَبَلَق است؛ نقطه سیاه و سفید در چهره دارد.

۴. اصهب کسی که زرد چهره است.

هستند، به مخالفت برمی خیزد و در اثر برخورد و جنگ طرفداران این سه گروه، شام ویران می شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«در آن سال، در تمام سرزمین های ناحیه مغرب، اختلاف بسیار خواهد بود، نخستین زمینی که ویران می شود، شام است. هواداران پرچم سه گانه - طرفداران اصهب، ابقع و سفیانی - با یکدیگر اختلاف می کنند.»<sup>۱</sup>

عمار نقل کرده:

«به درستی که دولت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، در آخر الزمان است و برای آن دولت، نشانه هایی است... سه مرد قدرتمند در شام قیام خواهند کرد که هر کدام مدعی حکومت خواهند بود؛ ابقع، اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان».<sup>۲</sup>

در روایات تصریح به کفر ابقع و اصهب شده و آنها به خاطر قدرت طلبی، با سفیانی به مخالفت برمی خیزند و امام باقر علیه السلام مردم را از پیوستن به جمعیت اصهب، نهی کرده است.<sup>۳</sup>

ابقع و اصهب و سفیانی با هم می جنگند و سفیانی بر آنها پیروز می شود و آنها را نابود می کند؛ در حدیثی آمده است:

«وقتی آن کافر (اصهب) قیام کند و اقامت در پایتخت یا مرکز بر او دشوار شود، طولی نمی کشد که او کشته می شود.»<sup>۴</sup>

### سفیانی کیست؟

علت نام گذاری این شخص به سفیانی به خاطر نسبت داشتن او با

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۶.

۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۴.

ابوسفیان است؛ چون او از تبار ابوسفیان می‌باشد همچنان که فرزند هند جگرخوار به او گفته شده؛ چون هند - زن ابوسفیان - در جنگ احد، جگر حمزه را از روی کینه، به دندان کشید.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فرزند هند جگرخوار از وادی یابس خروج می‌کند؛ او مردی چهارشانه، بدقیافه و دارای سری بزرگ است و بر صورت او اثر آبله پیدا است؛ وقتی او را می‌بینی، پنداری که یک چشم دارد؛ نامش عثمان و پدرش عیثیه است؛ او از فرزندان ابوسفیان است».<sup>۱</sup>

### قساوت سفیانی

ابن حماد از ارطاة نقل کرده که گفت:

«سفیانی در مدت شش ماه، کسانی را که نافرمانی کنند، می‌کشد و با اژه آنها را سر می‌برد و در دیگ‌ها می‌پزد».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ما و اولاد ابوسفیان دو خاندان هستیم که به خاطر خدا با یکدیگر دشمنی داریم، ما گفتیم: خداوند راست گفت و آنها گفتند: خداوند دروغ گفت. ابوسفیان به جنگ پیامبر برخاست و معاویه فرزند ابوسفیان به جنگ علی؛ یزید - پسر معاویه - به جنگ حسین بن علی و سفیانی به مصاف قائم، برمی‌خیزد».<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

## کینه سفیانی نسبت به شیعیان

امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویا من سفیانی را می بینم که در سرزمین های سبز شما در کوفه اقامت گزیده و متادی او ندا می دهد: هرکس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست و در این هنگامه، همسایه به همسایه حمله برده، می گوید: این شخص از آنهاست، گردن او را می زند و هزار درهم، جایزه می گیرد»<sup>۱</sup>.

## سفیانی، از ظهور تا سقوط

بنابر آنچه گذشت، جنبش سفیانی سه مرحله دارد:

- ۱- محکم کردن سلطه؛ در شش ماهه اول.
  - ۲- هجوم به عراق و حجاز.
  - ۳- بازگشت از توسعه طلبی در عراق و حجاز و مبارزه در برابر حرکت سپاه حضرت مهدی علیه السلام جهت حفظ سرزمین های شام و اسرائیل و قدس.
- چنان که قبلاً گفتیم، سپاه هفتاد هزار نفری که سفیانی به حجاز فرستاده در بین راه مکه و مدینه به زمین فرو می روند و از آنها تنها دو نفر باقی می ماند که آن دو نفر خبر فرورفتن لشکر در زمین را برای سفیانی می آورند.<sup>۲</sup>
- نیروهای سفیانی که به منطقه اهواز آمده اند، پس از روبرو شدن با سپاه ایران - به رهبری هاشمی خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح - و نبرد سنگینی که رخ می دهد، پا به فرار می گذارند و منطقه را ترک می کنند.<sup>۳</sup>

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

۳. عقد الدرر، ص ۱۲۷.

با شکست‌های پی در پی سفیانی، مردم شام نیز علیه خلیفه خود قیام می‌کنند و موج مردمی که دوست‌دار امام هستند، همه‌جا را فرا می‌گیرد؛ حتی نیروهای امام، بدون هیچ مقابله‌ای در سی کیلومتری دمشق، اردو می‌زنند.

اوضاع سیاسی منطقه، قبل از نبرد قدس - با توجه به پیروزی‌های شگفت‌انگیز امام و یارانش در یمن، حجاز، عراق و منطقه - به نفع امام است و غربی‌ها در نگرانی و اضطرابند. یهودیان وحشت‌زده‌تر از غربی‌ها هستند؛ موجودیت آنها بستگی به نبرد قدس دارد و وضع عمومی مردم در راستای حمایت از امام است و اگر پشتیبانی خارجی از سفیانی نباشد، چه‌بسا همان نیروهای مردمی، او را نابود می‌کنند.

سرانجام، عذاب الهی بر سفیانی و سپاهیان‌ش نازل می‌شود و سفیانی را دستگیر می‌کنند و زیر درختی به قتل می‌رسانند؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

«پس امام با همراهان خود به مرج عذرا می‌آیند و عده زیادی از مردم به آن حضرت می‌پیوندند و در این روز، سفیانی در وادی رمله به سر می‌برد تا این‌که در روز جابجایی، آنان به یکدیگر برخورد می‌کنند؛ هر دسته به پرچم و لشکر خود ملحق می‌شود؛ در آن روز، سفیانی و هر که با او باشد، کشته می‌شود حتی خبردهنده‌ای از آنان هم باقی نمی‌ماند».<sup>۱</sup>

در روایات آمده است که امام علیه السلام می‌گوید:

«پسر عموی من - سفیانی - را بیاورید تا با وی سخن بگویم؛ او را نزد



امام می آورند؛ او تسلیم امر امام می شود و بیعت می کند؛ ولی پس از برگشتن پیش یاران و خویشاوندان و سران هفتگانه ارتش خود، او را پشیمان می کنند و بیعت خود را از امام پس می گیرد و نبرد قدس آغاز می شود؛ عذاب خداوند، به وسیله پرتدگان و کوه ها و فرشتگان بر آنها نازل می شود و ساعتی نمی گذرد که تمام یاران سفیانی هلاک، و خود وی دستگیر، و زیر درختی - مانند گوسفند - سر بریده می شود.<sup>۱</sup>

### ۳- ترکان (روس ها)

مراد از ترک - در روایات ظهور - روس ها و اطرافیان آنان - از ملت های اروپای شرقی - هستند که علاوه بر ترک های ترکیه، شامل قبیله های تاتار، مغول، قزاقستان، ارمنستان و روسیه نیز می شود. مراد از ترک در روایات، ترک های کافر است و الا مسلمانان ترک، مانند بقیه اقوام مسلمان، یار و یاور حضرت مهدی علیه السلام هستند.

ترک و روم، برای تسلط بر کشورهای اسلامی، دست به آشوبگری علیه مسلمانان می زنند و بر سر تقسیم قدرت با هم اختلاف پیدا می کنند؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«حکومت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شما - که دارای علامات و نشانه هایی است - در آخر الزمان پدید می آید... از جمله: در زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشوراندند و نیروها بسیج کردند و ترک ها به مخالفت با رومیان برخاسته و جنگ و خونریزی در روی زمین افزایش

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۵ و ۵۰۸.

یابد»<sup>۱</sup>.

در روایات به مواردی از آشوب‌گری ترکان علیه مسلمان اشاره شده است؛ مثل این جمله که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«برای ترکان، دو خروج است که در یکی از آنها، آذربایجان خراب می‌شود؛ دیگری خروج به سوی نهر فرات (عراق) است که یاری خداوند نازل می‌شود و به وسیله باد و طاعون و... چنان نابود می‌شوند که احدی از آنان باقی نمی‌ماند»<sup>۲</sup>.

حضرت مهدی علیه السلام بعد از تصفیه داخلی و تسلط بر اوضاع ممالک اسلامی، نخستین سپاهی که تدارک می‌بیند، سپاهی است که به سوی ترکان می‌فرستد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

«نخستین سپاهی که حضرت مهدی تدارک می‌بیند، به سوی ترکان گسیل می‌دارد و پس از شکست و به اسارت در آوردن آنها و به غنیمت گرفتن اموالشان، راهی شام گردیده و آن‌جا را فتح می‌کند»<sup>۳</sup>.

فرستادن اولین سپاه - در جنگ خارجی - برای نابودی ترکان، حکایت از اهمیت آنها دارد.

#### ۴- رومیان (غربی‌ها)

مراد از رومیان - در روایات مربوط به آخرالزمان - ملل اروپایی می‌باشد که در قرن‌های اخیر، سکونت آنان در آمریکا ملاحظه می‌شود که در واقع، آنان وارث امپراطوری تاریخی روم هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۴۱.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۸۵.

در بعضی روایات از آنها به بنی‌اصفر (زردپوستان) تعبیر شده است. رومیان علیه مسلمانان دست به فتنه‌گری می‌زنند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«حکومت اهل بیت پیامبر شما - که دارای علامت و نشانه‌هایی است - در آخر الزمان می‌آید...؛ زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و نیروها بسیج گردند.»<sup>۱</sup>

این فتنه‌گری و سلطه آنها، در اثر ضعف شما مسلمانان است؛ چون میل به دنیا پیدا کرده و جهاد را فراموش کرده‌اید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«نزدیک است امت‌ها علیه شما، یکدیگر را قرا خوانند بسان قراخواندن خورندگان بر سر سفره. شما از نظر عدد بسیارید اما همچون خاشاک بر روی سیل می‌باشید! خداوند، هیبت و شکوه شما را از دل دشمنان برداشته و در اثر علاقمندی به دنیا و بیزاری از مرگ، ضعف و سستی را به دل شما می‌افکند.»<sup>۲</sup>

آیا امروز وضعیت مسلمانان، این‌گونه نیست که یک مشت صرب جنایتکار در بوسنی و هرزگوین<sup>۳</sup> و سه میلیون صهیونیست اسرائیلی در اثر فتنه‌گری و پشتیبانی آمریکای بر صد میلیون عرب و یک میلیارد مسلمان زور می‌گویند و هیچ ترسی از مسلمانان ندارند؟ آیا اگر ملت‌های مسلمان، متحد شوند و دست به سلاح ببرند، نمی‌توانند آمریکا و اسرائیل را سر جای خود بنشانند؟ و آیا وضعیت تغییر نخواهد کرد؟

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۷۸.

۳. اشاره به جنگ و کشتار بی‌رحمانه صرب‌ها بر علیه مسلمانان مظلوم بوسنیایی می‌باشد که در اثر تجزیه یوگسلاوی به وقوع پیوست.

## ارتباط و هم‌سویی غربی‌ها با سفیانی

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عده‌ای از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به کشور روم فرار می‌کنند؛ سفیانی به پادشاه روم پیام می‌فرستد که اسیران مرا برگردان؛ پادشاه روم آنها را تحویل سفیانی می‌دهد. سفیانی آنها را نزد پلّه‌های شرقی مسجد دمشق گردن می‌زند و کسی هم بر او ایوان نمی‌گیرد».<sup>۱</sup>

در نبرد بزرگ قدس، که به شکست سفیانی و یهود می‌انجامد، غربی‌ها تنها نقش پشتیبانی دارند و از رویارویی با حضرت مهدی علیه السلام به جهت پیروزی‌های شگفت‌انگیز او در یمن، عراق و قدس، پرهیز می‌کنند؛ ولی در همین حال نیروهای خود را به فلسطین، مصر و انطاکیه<sup>۲</sup> اعزام می‌کنند. عمّار یاسر نقل کرده:

«برای برقراری دولت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر الزمان، نشانه‌هایی است... آنگاه که غربی‌ها به سوی مصر می‌روند... رومی‌ها در فلسطین فرود می‌آیند و...».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که در سرزمین شام، بلوایی را مشاهده نمودی، پس مرگ است و مردن، تا آن‌که غریبان به تحرک آمده و روانه سرزمین‌های عرب گردند که حوادثی بین آنها رخ خواهد داد».<sup>۴</sup>

۲. در نواحی ساحلی سوریه و ترکیه.

۱. عقد الدرر، ص ۹۰.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۷.

دو معجزه حضرت مهدی علیه السلام

به نظر می‌رسد که دو معجزه‌ای که حضرت انجام می‌دهد، غربی‌ها را از ورود در جنگ - به طرفداری از یهودیان و سفیانی - دچار تردید می‌کند.

معجزه اول: ظاهر شدن اصحاب کهف. معجزه دوم: بیرون آوردن صندوق نسخه‌های تورات و انجیل از غار انطاکیه و استدلال با آنها.

اخبار و روایات، از هم‌پیمانی غرب و روس علیه مسلمین، ایجاد محاصره اقتصادی و فرود آمدن بین صور تا عگا و نزدیکی دمشق خبر می‌دهد.

پس از مواجه شدن ناگهانی غربی‌ها با شکست یهودیان و سفیانی به دست حضرت مهدی علیه السلام، آنها به امام اعلان جنگ می‌دهند که ناگاه حضرت مسیح علیه السلام از آسمان به قدس فرو می‌آید و با سخنان خویش، جهانیان را مورد خطاب قرار می‌دهد و این امر موجب خشنودی مسیحیان و مسلمانان می‌شود و حضرت مسیح، بین حضرت مهدی و غربی‌ها وساطت می‌نماید و قرارداد صلحی به مدت ده سال بین دو طرف بسته می‌شود؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«بین شما و رومیان، چهار پیمان صلح برقرار می‌شود که چهارمین آن به دست مردی از خاندان هرقل انجام می‌پذیرد که چند سال دوام خواهد یافت. در این هنگام، مردی از عبدالقیس به نام سوود بن غیلان پرسید: در آن روز پیشوای مردم کیست؟ حضرت فرمود: مهدی از فرزندانم که مردی چهل ساله به نظر می‌رسد؛ چهره‌اش چون ستاره تابان می‌درخشد؛ وی گنجینه‌های زمین را استخراج نموده و...»<sup>۱</sup>

«بین مهدی علیه السلام و فرمانروای طغیانگر روم - پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت در آمدن هستی قبیله کلب - صلحی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که بازرگانان شما و آنها به کشورهای یکدیگر رفت و آمد می‌کنند و آنها سه سال به ساختن کشتی‌های خود می‌پردازند... تا آن‌که کشتی‌های رومیان در سواحل صور تا عکا لنگر می‌اندازند و آن‌جا صحنه کارزار می‌گردد»<sup>۱</sup>.

### خیانت غرب به قرارداد صلح بین مسلمانان و مسیحیان

پس از گذشت دو یا سه سال از قرارداد صلح، غربی‌ها با یک میلیون نفر نیروی دریایی - که بین یافا و عکا پیاده کرده‌اند - به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش هجوم می‌برند؛ هدف آنها بازگرداندن فلسطین و بخشیدن دوباره آن به یهودیان است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما و رومیان (غربی‌ها) قرارداد صلح ده ساله‌ای می‌بندید؛ ولی پس از دو سال، آنها خیانت می‌کنند و به سوی شما با هشتاد لشکر - که هر لشکر شامل دوازده هزار سرباز است - هجوم می‌آورند»<sup>۲</sup>.

روایات، از درگیری بزرگی در آن روز خبر می‌دهد. هر مسیحی در آن روز، صلیب بلند می‌کند و آن‌جا صحنه جنگ اسلام و کفر به تمام معنی است و دو جبهه - با تمام نیرو - به مقابله با یکدیگر می‌پردازند.

نیروهای کمکی برای هر دو طرف، از سایر کشورها اعزام خواهد شد و نیز روایات خبر از کشتار سنگینی در آن جنگ می‌دهد؛ به گونه‌ای که سی هزار از مسلمانان - که هفتاد فرمانده لشکر نیز در بین آنهاست - به شهادت می‌رسند

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲. همان، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

تا این که خداوند بر رومیان غضب می کند و مسلمانان را به کمک فرشتگان و امدادهای غیبی - با نیزه و شمشیر برنده و تیری که خطا نمی رود - یاری می کند؛ به گونه ای که دیگر خبری از غربی ها در آن منطقه شنیده نمی شود.<sup>۱</sup>

حضرت مهدی علیه السلام شهر عکا را پایگاه دریایی خود، برای فتح اروپا قرار می دهد و با چهارصد کشتی، به سوی غرب هجوم می برد. آن حضرت تعداد چهارصد کشتی را در ساحل عکا تدارک دیده و با یاران خویش به سرزمین رومیان روی آورده و آن جا را فتح می نماید.<sup>۲</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام پس از شکست روم، با نیروی صد هزار نفری، به سوی کشورهای غربی حرکت می کند؛ حاکم روم را به اسلام دعوت می نماید؛ او نمی پذیرد؛ پس از جنگی دو ماهه، مهدی علیه السلام با نصرت الهی پیروز می شود و با تکبیر داخل قسطنطنیه می شود و عدّه زیادی از رومیان (ششصد هزار نفر) کشته و خلق کثیری نیز اسلام می آورند».<sup>۳</sup>

## ۵- دَجّال

دَجّال از ماده دَجَل به معنی دروغگویی و حقه بازی است.

## اهمیت دَجّال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«از اول آفرینش تا قیامت، هیچ مسأله ای مهم تر از مسأله دَجّال نیست».<sup>۴</sup>

از حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

۱. همان، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

۲. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۴۴.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۴۷.

۴. عقد الدرر، ص ۲۵۸.

«ای مردم! هیچ فتنه‌ای در روی زمین، بزرگ‌تر از فتنهٔ دجال نیست، و خداوند، هیچ پیامبری را نفرستاده، مگر این‌که امتش را از پیوستن به دجال، بر حذر داشته است».<sup>۱</sup>

روایات شیعه، خروج دجال را نشانهٔ ظهور مهدی علیه السلام دانسته ولی روایات اهل سنت آن را نشانهٔ برپایی قیامت شمرده است و می‌تواند نشانهٔ هر دو باشد.

### زمان خروج دجال

بعد از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر سفیانی و غربی‌ها و ورود به قسطنطنیه است که خبر خروج دجال می‌رسد؛ جابر نقل کرده:

«دجال خروج نمی‌کند، مگر این‌که روم (غرب) فتح شود».<sup>۲</sup>

در حدیثی دیگر آمده:

«هنگامی که غنائم قسطنطنیه را تقسیم می‌کنند، خبر خروج دجال، به

حضرت و یارانش می‌رسد».<sup>۳</sup>

### مکان خروج دجال

در مورد مکان خروج دجال، روایات مختلف است؛ مکان‌هایی که در احادیث ذکر شده است، بدین قرار است:

۱- خراسان ۲- اصفهان ۳- عراق ۴- طرف مشرق ۵- بین شام و عراق و...<sup>۴</sup>

از روایات فوق، چهار روایت، محل خروج را ایران می‌داند هرچند که غالباً

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۲.

۲. عقد الدرر، ص ۲۱۵.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۵۰.

۴. همان، ص ۵۹-۶۴.



غیر مستند و ضعیف است؛ اما روایتی که بهتر به نظر می‌رسد و افراد موثقی چون صعصعة بن صوحان و اصبع بن نباته - از یاران امام علی علیه السلام - آن را نقل کرده‌اند، محل خروج دجال را اصفهان می‌داند.

اصبع بن نباته، از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: دجال کیست؟ حضرت فرمود:

«دجال، صائد بن صید است و از شهری که به آن اصفهان می‌گویند، از

قریه‌ای که معروف به یهودیه است، خارج می‌شود».<sup>۱</sup>

### مشخصات دجال

۱- یک چشم بیشتر ندارد که در میان پیشانی‌اش همچون ستاره صبح می‌درخشد؛ اما همین چشم، خون آلود است و گویی با خون ترکیب شده است.

۲- او الاغ (مركب) سفید تندرویی دارد که هر گام او، یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند.

۳- او ادعای خدایی می‌کند و هنگامی که دوستان خود را به گرد خویش می‌خواند، صدای او را تمام جهانیان می‌شنوند.

۴- او در دریاها فرو می‌رود و خورشید با او حرکت می‌کند و در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی قرار دارد که مردم، آن را مواد غذایی می‌بینند.

۵- به هنگام ظهور او، مردم گرفتار قحطی و کمبود مواد غذایی هستند.<sup>۲</sup>

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۳۲.

## آیا دجال واقعی است یا سمبلیک و کنایی؟

شک نیست که مُجاز نیستیم به هر مفهومی از مفاهیم مذهبی که در قرآن و حدیث وارد شده، شکل سمبلیک بدهیم؛ زیرا این کار، تفسیر به رأی است که در اسلام ممنوع شده است؛ اما نشانه‌هایی که در روایات ذکر شده، بی‌شبهت به تعبیرات سمبلیک و کنایی نیست و این‌گونه مفاهیم کنایی، دربارهٔ حوادث آخرالزمان بی‌سابقه نیست؛ مثلاً در روایتی می‌خوانیم که «مهدی خورشیدی است که از مغرب طلوع می‌کند».<sup>۱</sup>

اگر معنای ظاهری جمله مراد باشد، با قوانین علمی سازگار نیست؛ چون طلوع آفتاب از مغرب، مفهومی تغییر مسیر گردش کرهٔ زمین است و اگر این موضوع ناگهان صورت گیرد، همهٔ آب دریاها و تمامی ساختمان‌ها و موجودات سطح کرهٔ زمین، به خارج پرتاب می‌شوند و همه چیز به هم می‌ریزد و اثری از زندگی باقی نمی‌ماند و اگر به تدریج هم صورت گیرد، طول شب و روز، به قدری زیاد می‌شود که از یک ماه و دو ماه هم خواهد گذشت و باز نظام کائنات و زمین، به هم می‌خورد. بنابراین بعید نیست که دجال - با آن صفاتی که گفته شد - اشاره به فریب‌کاران و رهبران مادی ستمگر باشد؛ چون:

۱- آنها یک چشم دارند و آن، چشم اقتصادی و زندگی مادی است که با هرگونه تزویر و نیرنگ، برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند و همین چشم مادی است که پر زرق و برق و خیره‌کننده و پرفروغ است و خیلی‌ها را فریب می‌دهد.

۲- مرکب‌هایی در اختیار دارند که بسیار تند و سریع‌السیر است و کرهٔ

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۹۴.

زمین را در مدت کوتاهی دور می‌زند.

۳- آنها در عمل، ادعای خدایی می‌کنند و مقدرات مردم جهان را به دست خویش می‌دانند؛ پیاده‌شدن در کره ماه را دلیل تسخیر فضا و مهار کردن پاره‌ای از نیروهای طبیعت را نشان تسخیر طبیعت می‌دانند؛ در حالی که یک زمین لرزه مختصر یا طوفان و یا یک سلول سرطانی، همه زندگی آنها را برهم می‌زند.

۴- با زیردریایی‌های مجهز، به زیر دریاها می‌روند و وسایل سریع‌السير آنها، با مسیر خورشید حرکت می‌کند؛ در پیش روی کارخانه‌های عظیمش، دود فراوان و به دنبال آن، کوهی از فرآورده‌های صنعتی و غذایی است.

۵- مردم به عللی از قبیل خشک‌سالی، استعمار، استعمار و تبعیضات مختلف و سرمایه‌گذاری‌های سنگین برای جنگ‌افزارها و ویرانی‌های ناشی از آن، گرفتار کمبودند و بر اثر ظلم و ستم قلدران و جباران عالم - مثل آمریکا و نوکرانش - مبتلا به قحطی و کبمود شده‌اند.

### روش‌های دجال در گمراه کردن مردم

۱- فریب‌کاری: چنان‌که گفته شد، دجال به معنی مرد دروغ‌گوی فریب‌کار است؛ به نظر می‌رسد - با توجه به صفاتی که برای او در روایات ذکر شده و ما بیان کردیم - جنبش و فتنه و آشوب او، یک حرکت انحرافی با بهره‌گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام علیه السلام، جامعه بشری به آن دست می‌یابد و او دارای قدرتی است که مردم، درباره او به حیرت می‌افتند و گمراه می‌شوند.

دجال، از روش‌های پیشرفته چشم‌پندی، برای فریب جوانان و زنان استفاده می‌کند، آلات و ادوات موسیقی که افکار را تخدیر می‌کند، یا اوست و

او از این طریق اعمال خلاف را رایج می‌کند. ممکن است دجال‌های دیگری باشند که از شهرهای مزبور حرکت کنند و همگی تحت فرمان همان دجال اصلی باشند.

در تاریخ از این گونه دجال‌ها که با فریب، سدّ راه پیامبران و مصلحان جامعه می‌شدند، نمونه‌های زیادی وجود دارد؛ همان‌گونه که در چندین روایت آمده که پیامبر فرمود:

«هر پیامبری بعد از نوح، قوم خود را از فتنه دجال بر حذر می‌داشت و من نیز، شما را بر حذر می‌دارم».<sup>۱</sup>

فریب‌کارانی چون سامری در قوم موسی علیه السلام، پولس در قوم عیسی علیه السلام، کعب‌الاحبار و معاویه - در لباس خال المؤمنین - در اسلام، کسانی با عنوان خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله در صدر اول، سلاطین ایران با عنوان ظلّ الله (سایه خدا)، شاه حجاز با عنوان خادم‌الحرمین، رئیس جمهور آمریکا با عنوان مدافع حقوق بشر در عصر اخیر، همگی با مکر و فریب و تزویر و بیرون راندن مردم از صراط مستقیم به سوی آداب جاهلی و زنده کردن نظام طبقاتی و حکومت استبدادی و خودکامه و روی کار آوردن ناصالحان و چاپلوسان و جنایت‌کاران و کنار زدن صالحان و پاکان، سعی در انحراف جامعه نمودند و همگی با بهره‌گیری از جاذبه‌های شهوانی، رفاهی و مادی، باعث گمراهی جوانان جامعه بوده‌اند و مانع ترقی و رشد اجتماعی، فرهنگی و... جوامع بشری هستند.

۲- دجال در دریاها فرو می‌رود، خورشید با او حرکت می‌کند.

۳- ادعای خدایی می‌کند و بر مرکبی سوار است که هر قدم آن، یک میل

است.<sup>۱</sup>۴- مفضل، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«هر روز برای او و یارانش، گاو و گوسفند و... ذبح می‌کنند؛ انسانی را می‌کشد و شخصی شبیه همان را به مردم نشان می‌دهد؛ مردم فکر می‌کنند او زنده می‌کند و می‌میراند و بدین وسیله، مردم را گمراه می‌کند.»

۵- شیاطین را همراه خود می‌کند؛ در حالی که انواع آلات موسیقی همراه خود دارند، شهرها را می‌گردند؛ زنا، لواط و کارهای حرام را حلال می‌کنند و در خوردن شراب و انجام کارهای فساد، زیاده‌روی می‌کنند و تا دورترین جاهای زمین را زیر پوشش خود می‌گیرند.<sup>۲</sup>

### آیا دجال، نام شخص معینی است؟

در مورد دجال چند احتمال وجود دارد:

۱- نام شخص معینی نباشد و هرکس که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حيله گری و نیرنگ، مردم را فریب دهد، دجال است و لذا در روایات صحبت از دجال‌ها به میان آمده است؛ در حدیث پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمده که:

«قیامت برپا نمی‌شود، تا وقتی که مهدی - از فرزندانم - قیام کند او قیام نمی‌کند، تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگویند: من پیامبرم.»

در حدیثی دیگر از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«تکون امام الدجال ستون خداعة: پیش از خروج دجال، شصت نیرنگ

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. کشف الحق، ص ۳۳.

خواهد بود».

و احتمال دارد که: از میان دجال‌های دروغگو، یکی از آنها که سرآمد دجال‌هاست، نشانه ظهور مهدی باشد و در حقیقت قضیه دجال بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریبکار و منافق و معتقد به نظام‌های پویشالی گذشته، برای نگهداری فرهنگ جاهلی، تلاش کرده و مردم را نسبت به تحقق انقلاب، دل سرد و دودل می‌کنند؛ بنابراین حرکت مزورانه دجال‌ها، همواره بزرگ‌ترین خطر در راه انقلاب است و در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خطر بزرگی پیش‌بینی شده است و امامان علیهم السلام از قبل این خطر را گوشزد کرده‌اند تا مردم در دام شیادان نیفتند.

۲- دجال فرد معینی باشد و این مطلب، نیاز به روایات مستند دارد که سند معتبر و قابل اعتمادی برای این روایات ارائه نشده است و در محتوای آنها نیز ناهماهنگی وجود دارد و این اوصافی که برای دجال گفته شد، بیشتر شبیه افسانه است تا واقعیت.

۳- مراد از دجال، همان سفیانی باشد؛ ولی با وجود این که خروج این دو، هم‌زمان ذکر شده است، صفات آنها مختلف است؛ دجال ادعای خدایی می‌کند، ولی سفیانی کافر نیست و تظاهر به دین‌داری می‌کند.

## حامیان دجال

### ۱- یهود

چنین به نظر می‌رسد که پس از فتح فلسطین و نابودی اسرائیل - به دست حضرت مهدی علیه السلام - بسیاری از یهودیان از سرزمین‌های عربی رانده می‌شوند. بنا به گفته روایات، اینها دوباره دست به تبهکاری می‌زنند و این امر، هنگام حرکت دجال یک چشم، خواهد بود.

می توان ادعا کرد که دجال، توسط یهود تحریک شده است، یا یکی از پشتیبانان مهم او، یهودی ها هستند؛ چون اولاً او از یهودیه حرکت می کند؛ ثانیاً بسیاری از طرفداران او یهودی ها هستند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«آگاه باشید! بیشتر پیروان دجال، زنازادگانند که تاج بر سر دارند و یهودی هستند».<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«همراه دجال، هفتاد هزار یهودی مسلح هستند».<sup>۲</sup>

## ۲- افراد سفیه و بی خود

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«همراه دجال، هفتاد هزار نفر سفیه هستند».<sup>۳</sup>

## ۳- عرب

در حدیث آمده:

«در جلوی دجال، ششصد هزار نفر از عرب ها هستند؛ در حالی که

لباس های بلند پوشیده اند».<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هفتاد هزار نفر از امت من، پیرو دجال هستند».<sup>۵</sup>

قبلاً گفتیم: طبق بعضی روایات، اکثر طرفداران دجال را یهود تشکیل

۱. عقد الدرر، ص ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۶۶.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۶۹.

۵. همان، ص ۶۸.

می‌دهد؛ چون آنها فاسدترین مردم از حیث اخلاق می‌باشند؛ ولی در این احادیث، ملاحظه شد که تعداد بسیاری از طرفداران او، از مسلمانان هستند؛ شاید یهود این امت مراد باشد؛ یعنی هرچند که در اسم، مسلمانند؛ ولی عمل آنها مانند کفار و یهودی‌هاست که بعضی روایات، آنها را یهود امت اسلام نامیده است.

#### ۴- زنازادگان، شراب‌خواران، آوازه‌خوانان و شیطان‌ها

در یک حدیث، همه موارد فوق آمده است:

«یهودیان، زنازادگان و کوتاه‌فکران به او می‌گروند؛ آنگاه که ظلم و بی‌بندوباری او از حد گذشت، قائم، او را می‌کشد».<sup>۱</sup>

#### نابودی دجال به دست حضرت مهدی علیه السلام

احادیث اهل سنت، قاتل دجال را حضرت مسیح شمرده است،<sup>۲</sup> ولی در احادیث شیعه، قاتل دجال را حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌کند البته این مسأله مانعی ندارد؛ چرا که اگر مسیح علیه السلام هم انجام دهد، چون در سمت وزیر دست راست حضرت مهدی علیه السلام است، می‌توانیم قتل او را به امام نسبت دهیم؛ چنان که در قرآن، گرفتن روح انسان‌ها به خداوند نسبت داده شده: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ﴾<sup>۳</sup> و گاهی به ملائکه الهی: ﴿تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ﴾<sup>۴</sup>؛ بنابراین، کار مأمور را می‌توان به امیر نسبت داد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«دجال، چهل روز حکومت می‌کند؛ روز اول او همانند یک سال است،

۱. منتخب الاثر، ص ۱۹۲.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. سوره زمر، آیه ۴۲.

۴. سوره نحل، آیه ۳۲.



روز دَوم او کمتر از یک سال؛ طولی نمی کشد که دجال زرد و کم رنگ و کوتاه می شود. آخرین روزهای او، همانند یک روز از روزهای شماست؛ همه زمین را درمی نوردد مگر مکه و مدینه و بیت المقدس را که نمی تواند داخل آنها شود؛ مهدی داخل بیت المقدس می شود و نماز جماعت، به امامت او برگزار می شود؛ عیسی از آسمان فرود می آید و به مهدی اقتدا و با او بیعت می کند؛ عیسی برای جنگ با دجال خروج می کند و نیزه ای به او می زند که دجال، در اثر آن می میرد و سپس مهدی علیه السلام و یارانش، شمشیر می کشند و همه یاران دجال را می کشند».

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قائم، بعد از غیبت، ظهور می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند».<sup>۱</sup>

پس از مرگ دجال، زمین پر از عدل و آرامش می شود؛ چنان که در روایت آمده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«... پس از مرگ دجال، زمین پر از عدل می شود؛ چنان که از ستم پر شده بود؛ به گونه ای که حیوانات چرنده و درنده، با هم به چرامی روند و...».<sup>۲</sup>

البته روایت فوق، معنایی کنایی دارد؛ چون طبیعت درندگان تغییر نمی کند.



۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۲، ص ۱۳۴. هیچ گونه اختلافی بین این حدیث که از منابع شیعی است - با حدیث قبل - که از منابع اهل سنت نقل شده است - نیست؛ چراکه این انتساب قتل، ممکن است که از باب امیر و مأمور باشد که توضیح آن گذشت.

۲. عقد الدرر، ص ۲۷۵.

## فصل ششم:

چگونگی پیروزی حضرت مهدی علیه السلام

## غلبه و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

می دانیم که شرط مهم پیروزی بر دشمن، برتری نیروهاست. این نیروها، تنها شامل نیروهای نظامی نمی شود؛ بلکه برتری از نظر قدرت روحی، ایمان به هدف و استحکام پایه های اقتصادی، اجتماعی و علمی، همگی در این برتری، اهمیت و نقش اساسی دارند.

اگر جامعه ای شکست خورده و در زنجیر اسارت باقی مانده است، دلیلی جز غفلت از تلاش و کوشش، در زمینه فراهم سازی عوامل پیروزی و یا اشتباه در محاسبه نیروها، ندارد.

با توجه به اصل مذکور، پرسش هایی پیرامون چگونگی پیروزی حضرت مهدی علیه السلام پیش می آید، که ما بدین نحو مطرح می کنیم:

### چگونگی پیروزی

غلبه و پیروزی حضرت، به طور تدریجی حاصل می شود؛ این طور نیست که همان روز اول - یک دفعه و به تنهایی - بر سراسر جهان پیروز شود و کره زمین را در اختیار گیرد. این مطلب از روایات استفاده می شود؛ چنان که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«یاران امام، از اطراف عالم، به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند؛

سپس حضرت، از مکه خارج می‌شود تا به کوفه می‌رسد؛ در کنار خندق آن فرود می‌آید و از آن جا، لشکریان خود را به سوی شهرها می‌فرستد.<sup>۱</sup>

### چه کسانی اکنون همراه حضرت مهدی هستند؟

از آن جا که حضرت مهدی علیه السلام فریادرس مردم است، کارگزارانی هم در بین مردم دارد.

کفعمی در حاشیه مصباح نوشته است:

«گفته شده: زمین، هیچ‌گاه خالی نمی‌ماند از قطب، و چهار نفر اوتاد، و چهل نفر ابدال، و هفتاد نفر نجباء، و سیصد و شصت تن صالح؛ که قطب عالم، حضرت مهدی علیه السلام است و اوتاد - یعنی میخ‌ها - چهار نفرند؛ چون دنیا مثل خیمه است و آن چهار نفر، به منزله پایه‌های خیمه و خود حضرت، چون عمود وسط خیمه هستند که جهان را نگهبان و نگهدارند. احتمالاً حضرت خضر، الیاس و مسیح اوتادند و در خدمت حضرت، به سر می‌برند».<sup>۲</sup>

اوتاد و ابدال در خدمت امام هستند؛ امام علی علیه السلام فرمود:

«ابدال، از اهل شام و نجباء، از اهل کوفه‌اند».<sup>۳</sup>

ابدال: برجستگان و با فضیلت‌ترین‌ها هستند و گروهی از صالحانند که همواره در روی زمین زندگی می‌کنند؛ وقتی یکی از آنها فوت کرد، فرد دیگری جایگزین او می‌شود.<sup>۴</sup>

یکی از محققان حوزه (استاد کورانی) از قول آیات عظام «وحید» و «بهجت» نقل کرده است:

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳۸.

۴. مجمع البحرین.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۴۷.

«شخصی به نام شیخ فلامرضا کسایی، خادم مدرسه‌ای در تبریز بود. ایشان خادم نمونه و دارای اخلاق نیک نسبت به طلبه‌ها بود؛ یکی از طلبه‌ها می‌گوید: شبی از اتاق بیرون آمدم، دیدم اتاق کوچک این خادم، نوری دارد که روشنایی آن، غیر از نور مدرسه است.

رفتم جلو، فهمیدم که با کسی صحبت می‌کند؛ صدای خادم را شنیدم ولی صدای طرف مقابل را نشنیدم تا این‌که نور تمام شد.

در زدم، پرسید: چه کار داری؟ گفتم: چه کسی اینجا بود؟ گفت: هیچ‌کس؛ گفتم: یا بگو یا این‌که داد می‌زنم و همه طلبه‌ها را جمع می‌کنم. کمی فکر کرد و با این‌که کم حرف بود، گفت: باشد می‌گویم ولی قول بده که تا روز جمعه به کسی نگویی؛ قول دادم و او هم جریان را گفت؛ به این مضمون که یکی از «ابدال» روز جمعه می‌میرد و ایشان (حضرت یا واسطه ایشان) به من گفت: می‌خواهیم تو را به جای او قرار دهیم، روز جمعه حاضر باش!

این طلبه می‌گوید: (آن شب) شب چهارشنبه بود؛ روز چهارشنبه دیدم خیلی عادی رفتار کرد، روز پنج‌شنبه هم همین‌طور تا این‌که روز جمعه رسید. از فجر جمعه مراقبش بودم، دیدم کارهایش معمولی است؛ مثلاً ساعت ده، لباس‌ها و کفش‌هایش را شست، بعد رفت وضو گرفت تا این‌که نزدیک ظهر، دفعتاً غیب شد!

من ناگهان داد زدم، همه آمدند؛ گفتم: فلانی کو؟ گفتند: حتماً رفته بیرون و برمی‌گردد؛ گفتم نه، رفت که رفت!

نجباً؛ افراد پاک سرشت و جوانمرد و نجیب هستند.  
 نقباً؛ مردان آگاه و معتمدند که با حضرت بیعت می‌کنند.  
 در دعای نیمهٔ رجب، امام صادق علیه السلام عرض می‌کنند:  
 «اللهم صلّ علی الابدال و الاوتاد و السياح و العباد و المخلصین و  
 الزّهاد»<sup>۱</sup>.

بر اساس روایات، همواره سی نفر در خدمت حضرت مهدی علیه السلام به سر  
 می‌برند و هرکدام از آنها که از دنیا برود، فرد دیگری جانشین او می‌شود.<sup>۲</sup>  
 این سی نفر همواره همراه امام هستند تا امام احساس تنهایی و دلتنگی  
 نکند؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«برای صاحب این امر، چاره‌ای از کناره‌گیری نیست و در کناره‌گیری‌اش  
 باید از نیرویی برخوردار باشد و با داشتن سی نفر همراه، دیگر تنهایی و  
 دلتنگی نخواهد داشت»<sup>۳</sup>.

بنابراین حدیث، حضرت در بین مردم هستند و به آنان سلام می‌کنند؛  
 ولی مردم، ایشان را نمی‌شناسند. محدث نوری می‌نویسد:

«این سی تن - که امام با آنان انس می‌گیرد - در زمان غیبت، به ناچار در هر  
 قرنی تغییر می‌کنند؛ زیرا عمری که برای آن سرور، مقرر شده، برای آنان  
 نیست؛ از این روی، در هر عصری، سی مؤمن دوستانه، مشرف به لقای  
 حضرت می‌شوند»<sup>۴</sup>.

یاران اولیة هنگام ظهور، ۳۱۳ نفر - به تعداد رزمندگان جنگ بدر -

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۴۲. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ غیبت طوسی، ص ۱۲۰.

۴. «ما بثلاثین من وحشة»؛ جنة المأوی؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۰.

هستند؛ چنان که امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«مهدی از گردنه کوه طوی، با ۳۱۳ نفر - به عدد رزمندگان جنگ بدر -

فرود می آید؛ تا آن که وارد مسجد الحرام می شود»<sup>۱</sup>.

### چگونه با ۳۱۳ نفر، بر عالم پیروز می شود؟

این طور نیست که کل یاران حضرت را همین ۳۱۳ تن تشکیل دهند و با همین عده قلیل بخواهند بر عالم پیروز شوند؛ بلکه همان طور که قبلاً گفتیم، این عده، کارگزاران و مدیران حکومت جهانی هستند و همان گونه که پیروزی حضرت، تدریجی است، پیوستن یاران به حضرت نیز، به طور تدریجی صورت می گیرد؛ چنان که مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«۳۱۳ نفر از یاران حضرت، با او بیعت می کنند؛ ولی حضرت در مکه

می ماند تا عدد یاران، به ده هزار تن برسد؛ آنگاه به طرف مدینه حرکت

می کند»<sup>۲</sup>.

### سلاح های مورد استفاده

برای تحقق عدالت جهانی و پیروزی ارتش طرفداران حق، بر یغماگران و جباران، آیا رهبری نهضت، از سلاح های سنتی استفاده می کند یا از پیشرفته ترین اسلحه های موجود؟

پاسخ این است که برای استقرار چنان حکومتی، باید حکومت های خودکامه را از صحنه خارج کرد و برای خارج کردن آنها - لاقلاً در شرایط کنونی - یک سلاح برتر لازم است. آیا این سلاح، همانند یک اشعه مجهول و

۱. بخار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۴.

مرموز است و یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و یا اثری هم چون از کار انداختن دستگاه‌های فکری و کامپیوتری دارد، یا چیزی از قبیل ترس و وحشت فوق‌العاده است که مانع هرگونه تصمیم‌گیری می‌شود؟ و سؤالاتی از این قبیل، همه و همه مطالبی است که به آن پرداخته خواهد شد.

### آیا مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می‌کند؟

این تعبیر در روایات آمده است که «او با شمشیر قیام می‌کند»؛<sup>۱</sup> اولین تصویری که از لفظ شمشیر در ذهن نقش می‌بندد همان سلاح سنتی و قدیمی است، ولی این اشکال پیش می‌آید که چگونه می‌توان به وسیله شمشیر با سلاح‌های مدرن روز روبه‌رو شد و آنها را از کار انداخت و آیا معنای این کار، بازگشت به عقب نیست؟

اگر مراد از قیام یا شمشیر بهره‌گیری از سلاح‌های سنتی باشد، از دو جهت ممنوع است:

۱- عقل؛ زیرا عقل می‌گوید: بازگشت به عقب، نه ممکن است و نه منطقی و این برخلاف سنت آفرینش و اصل تکامل در زندگی انسان‌هاست؛ بنابراین هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که پیشرفت، متوقف شود.

۲- نقل؛ احادیث زیادی وجود دارد که خبر از به کارگیری انواع سلاح‌ها - مثل کشتی، هواپیما و... - می‌دهد. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که پس این همه تعبیرات مربوط به «قیام یا شمشیر» در مورد مهدی علیه السلام چه مفهومی دارد؟

حقیقت این است که شمشیر، همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ عقد الدرر، ص ۲۲۷.



و هست؛ همان گونه که قلم، کنایه از علم و فرهنگ است. شک نیست که حتی در میادین جنگ‌های قدیم، سلاح‌های مختلفی - همچون تیر و نیزه و خنجر و... - به کار می‌رفته ولی همواره می‌گویند: «به زور شمشیر، حق خود را می‌گیریم» که این خود، از جنبه سمبلیک و کنایی، حکایت می‌کند.

این که مراد از شمشیر، قدرت و نیروی نظامی است، حتی در ضرب‌المثل‌ها نیز به کار رفته است؛ مثل «فلان کس، شمشیر را از رو بسته»؛ یعنی آشکارا قدرت نمایی می‌کند، «میان ما و شما، شمشیر حکومت خواهد کرد»؛ یعنی مسأله جز از راه جنگ حل نمی‌شود، «فلان کس شمشیرش را غلاف کرده»؛ یعنی دست از مبارزه برداشته است.

در روایات نیز این گونه تعبیر آمده است:

«الجنة تحت ظلال السیوف؛ بهشت در سایه شمشیرهاست».

«الناس لا یقیمهم الا السیف؛ کار مردم، جز با شمشیر، راست نشود».

همه اینها، اشاره به جهاد و جانبازی و استفاده از قدرت است و بیشتر جنبه سمبلیک دارد و این که نقل شده است که مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می‌کند، یعنی اتکای بر قدرت می‌کند تا فکر نشود که وظیفه او، تنها انداز و موعظه و روشنگری است؛ بلکه اجرای قوانین و برداشتن ستمگران از سر راه و برقراری عدالت جهانی، از وظایف اصلی اوست که تنها با توسل به قدرت، امکان پذیر خواهد بود.

نیروهای امام، از چه سلاح‌هایی برخوردار هستند؟

اکنون بعضی از سلاح‌هایی را که در روایات از آنها نامی به میان آمده ذکر

می‌کنیم:

## ۱- کشتی‌ها

که شامل نیروهای دریایی و زیردریایی می‌شود؛ چنان‌که در حدیثی آمده است که:

«آن حضرت، تعداد چهارصد کشتی را در ساحل عکا تدارک دیده و با یاران خویش، به سرزمین رومی‌ها (غربی‌ها) روی آورده و آن‌جا را فتح می‌نماید»<sup>۱</sup>.

## ۲- وسایل فوق‌العاده سریع السیر فضایی و هواپیمایی

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«برای صاحب شما - مهدی علیه السلام - آن وسیله سرکش ذخیره شده است؛

راوی سؤال کرد: آن وسیله سرکش چیست؟ امام فرمود:

ابری است که در آن، غرّش رعد و شدت صاعقه یا برق است؛ او بر این

وسيله سوار می‌شود. آگاه باشید! او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و

صعود به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه می‌کند»<sup>۲</sup>.

مسلماً ابر معمولی، مراد نیست؛ بلکه این جمله اشاره به وسیله فوق‌العاده

سریع‌السیری است که در آسمان، به صورت توده‌ای فشرده از ابر، به نظر

می‌رسد؛ غرّشی همانند رعد و قدرت و شدتی چون صاعقه و برق دارد؛ به

هنگام حرکت، دل آسمان را می‌شکافد و به هر نقطه‌ای از آسمان، حرکت

می‌کند؛ به این ترتیب، یک وسیله فوق‌مدرن است که همانند آن در وسایل

کنونی یافت نمی‌شود و شاید تنها در میان بشقاب پرنده‌ها و وسایل سریع

فضایی، شبیه داشته باشد.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

۱. الزام الناصب، ص ۲۲۴.

این که یاران امام علیه السلام از وسایل مدرن روز - مثل هواپیما - استفاده می کنند، در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«گروهی از یاران هستند که شبانگاه از بستر ناپدید شده و بامدادان در مکه به سر می برند و گروهی که دیده می شوند به هنگام روز، به وسیله ابر حرکت می کنند؛ با نام خود و پدر و خصوصیات نسبشان شناخته می شوند. راوی می گوید که پرسیدم: فدایت شوم! کدام دسته، از نظر ایمان، برتر و بالاتر است؟ فرمود: آن گروه که به هنگام روز با ابر حرکت می کنند.»<sup>۱</sup>

معنای جمله «سفر آنها به وسیله ابر، در روز انجام می گیرد»، ممکن است این باشد که خداوند، آنان را به طریقی معجزه آسا، توسط ابر به مکه می رساند؛ چنان که احتمال دارد مانند مسافران دیگر، به وسیله هواپیما و گذرنامه - که نام شخصی و نام پدر در آن ثبت می شود - رهسپار آن دیار شوند.

### ۳- ایجاد رعب و ترس در دل دشمنان

یکی از امدادهای الهی که در جنگ ها به یاری رزمندگان اسلام می شتابد، ایجاد ترس در دل دشمنان است؛ چنان که خداوند در قرآن فرموده است:

«خداوند در دل های مشرکان، ترس و وحشت افکند؛ گروهی را کشتید و گروهی را اسیر گرفتید.»<sup>۲</sup>

ایجاد ترس، سلاحی است که بر روان آدمی تأثیر می گذارد و مانع هرگونه تصمیم گیری می شود؛ امام باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم، به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) پیروز می گردد و به یاری

۲. سوره احزاب، آیه ۲۶.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸.

شدن از ناحیه خدا تأیید می‌گردد و زمین برای او پیموده می‌شود؛ گنج‌های زمین برایش آشکار می‌گردد و فرمانروایی و سلطنت وی، شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خداوند، دین خود را به وسیله او، بر تمام مکاتب جهان، پیروز می‌گرداند.<sup>۱</sup>

از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«یاران حضرت، هنگامی که به پیش می‌تازند، رعب و وحشت آنان - به مسافت یک ماه راه رفتن (به سرعت) - در قلب‌های دشمنان جایگزین می‌شود؛ گروه گروه به سوی حضرت روانه می‌شوند».<sup>۲</sup>

۴- حضرت مهدی، محبوب و معشوق مردم می‌شود

یکی از امدادهای الهی، همین ایجاد محبت در دل مردم، نسبت به رهبران انقلاب، در هر عصر و زمانی است؛ چون خداوند متعال، مقلب القلوب است، می‌تواند دل‌ها را متوجه کسی، یا روی گرداندن از کس دیگر نماید؛ ابن مسعود نقل کرده که:

«خداوند، محبت مهدی را در دل مردم می‌اندازد».<sup>۳</sup>

قرآن کریم در مورد حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي﴾<sup>۴</sup>؛ «و بر تو مهری از خویش افکندم».

در جریان انقلاب اسلامی نیز عشق و علاقه مردم را، نسبت به امام خمینی علیه السلام و نفرت و دشمنی آنها را نسبت به شاه دیدیم و این همه، چیزی جز امر صاحب قلوب نبوده است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۷۱.

۴. سوره طه، آیه ۳۹.

۵- عصای موسی، با مهدی است

همان عصایی که قرآن کریم درباره اش می گوید:

«موسی علیه السلام گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم؛ فرعون گفت: اگر راست می گویی، دلیل بیاور! موسی عصای خود را افکند؛ ناگاه اژدهایی آشکار شد؛ اطرافیان فرعون، موسی را به جادوگری متهم نمودند و از فرعون خواستند برای پیروزی بر موسی، همه جادوگران کشور را جمع کند؛ همه آنها جمع شدند و به فرعون گفتند: در صورت پیروزی، باید پاداش دهی؛ فرعون نیز پذیرفت؛ به موسی گفتند: تو می اندازی یا ما بیندازیم؟ موسی گفت: بیندازید! وقتی جادوهای خود را انداختند و چشم بندی نمودند و مردم را ترساندند، ما به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز! ناگهان عصای موسی، همه آنچه به دروغ آورده بودند را بلعید؛ حق پیروز شد و باطل نابود گشت و آنها شکست خورده و سرافکنده شدند و جادوگران، در پیشگاه موسی به سجده افتادند و به خدای بزرگ، ایمان آوردند»<sup>۱</sup>.

اکنون همان عصا به دست قائم است و هنگام ظهور، همه سلاح ها و ابزارهای دشمن را می بلعد.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«عصای موسی نزد ماست؛ آن سبز است - مانند زمانی که از درخت جدا شد - و اگر آن را به سخن آورند سخن می گوید؛ این عصا برای قائم ما مهیا شده که از آن بهره برداری شود همان گونه که موسی از آن استفاده می کرد؛ عصا فریاد می زند و می بلعد»<sup>۲</sup>.

۱. ر.ک: سوره اعراف، آیه ۱۰۴ - ۱۲۱. ۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۴۵.

در حدیثی دیگر آمده است:

«قائم هنگام خروج، عصای موسی را به همراه دارد که هرگاه بیفکند، ازدهایی خواهد شد که فاصله بین دو قکش، چهل ذراع است و هرآنچه را که به او امر کند، می بلعد»<sup>۱</sup>.

۶- ملائکه الهی او را یاری می کنند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند، مهدی را با ملائکه یاری می دهد»<sup>۲</sup>.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«مهدی از گردنه کوه طوی، با سیصد و سیزده نفر - به عدد رزمندگان جنگ بدر - فرود می آید؛ نخستین کسانی که با او دست بیعت می دهند، جبرئیل و میکائیل علیهم السلام می باشند»<sup>۳</sup>.

امداد الهی به وسیله ملائکه، در آیات زیادی از قرآن کریم ذکر شده؛ تنها به یک مورد آن اشاره می کنیم:

«خداوند، شما را در جنگ بدر، یاری نمود و بر دشمن پیروزی داد؛ در حالی که شما در مقابل دشمن، ناتوان بودید؛ پس تقوا را پیشه کنید؛ شاید که شکر نعمت های او را به جای آورید. آنگاه به مؤمنین گفتی: آیا خدا به شما مدد نفرمود که سه هزار فرشته به یاری شما فرستاد؟ بلی؛ اگر بردباری و پرهیزگاری کنید در هنگامی که کافران بر سر شما شتاپان بیایند، خداوند برای یاری شما، پنج هزار فرشته را با پرچمی که نشان

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

۱. بیان الاثمه، ج ۳، ص ۲۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

مخصوص سپاه اسلام دارد، می فرستد»<sup>۱</sup>.

### ۷- انواع سلاح‌های جنگی

یساران حضرت مهدی علیه السلام انواع سلاح‌های جنگی را در اختیار دارند؛ چنان‌که مفضل نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنها (یاران)، دلیر مردان آهنین اراده‌ای هستند که بر مرکب‌های جنگی تیره‌رنگ سوارند و انواع سلاح‌ها در دست آنهاست و همواره ستمگران را می‌کشند تا این‌که وارد کوفه می‌شوند و بیشتر روی زمین را از وجود ظالمین، پاک می‌کنند»<sup>۲</sup>.

بنابراین با وجود مسابقه تسلیحاتی و اتمی که بین قدرت‌های استعماری در جریان است - به گونه‌ای که در هر ساعت ۱۲۸ میلیون تومان خرج تسلیحات دفاعی می‌شود -<sup>۳</sup> همه این سلاح‌ها در مقابل امام، محکوم به شکست است؛ چون امام - همان‌طور که ذکر کردیم - در مواردی سلاحی مشابه اسلحه روز دارد و در مواردی سلاح برتر، همراه با نیروهای مؤمن و عاشق، با روحیه‌ای عالی و همچنین از جانب خداوند، با نیروهای غیبی تأیید می‌شود.

### چگونگی پیروزی علمی

آیا ماشینیزم مدرن، با این همه وسایل رفاه و آسایشی که برای بشر فراهم ساخته، از میان می‌رود و انسان‌ها به چندین قرن قبل برمی‌گردند یا نه تنها

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۳ - ۱۲۵.

۳. اطلاعات هفتگی، شماره ۱۲۱۶.

اینها می ماند بلکه به سرعت، تکامل می یابد و توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی خواهد بود و در مسیر منافع انسان ها و صلح و عدالت قرار می گیرد؟

در زمینه پیشرفت علمی، تحوُّلی که در علوم طبیعی، توسط حضرت مهدی علیه السلام انجام می پذیرد، جهشی در پیشرفت زندگی بشریت به حساب می رود و زندگی انسان ها به کلی دگرگون می شود؛ از این رو، امام صادق علیه السلام فرمود:

«دانش ۲۷ شعبه است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند، دو شعبه است و مردم تا آن روز، بیش از دو شعبه را نمی دانند و چون قائم قیام کند، ۲۵ شعبه بقیه را برون آورده و در میان مردم، منتشر می سازد و بدین سان مجموع ۲۷ جزء دانش را نشر می دهد».<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند».<sup>۲</sup>

از این تعبیر چنین بر می آید که مسأله نور و انرژی، آن چنان حل می شود که حتی نیاز به انرژی خورشیدی که بازگشت همه انرژی ها (جز انرژی اتمی) به آن است، نمی باشد. این شاید در پرتو یک سیستم تکامل یافته انرژی اتمی - با تصفیه کامل تشعشعات زیان بار کنونی، که در حال حاضر مشکل اساسی استفاده از این انرژی است - باشد و با حل شدن مسأله انرژی است که در روز و شب، از پر قدرت ترین نورها که می تواند جانشین آفتاب گردد،

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.



بهره گیری می کنند.

انجام این امور، از طریق اعجاز نیست؛ چرا که در عصر هیچ پیامبری زندگی عادی مردم، بر اساس اعجاز، جریان نداشته است؛ بنابراین تکامل علوم و صنایع، به حدی خواهد رسید که مردم بارهبری امام، قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق العاده‌ای که حتی می تواند جانشین نور خورشید گردد، می شوند.

### چگونگی پیروزی، از نظر وضعیت زمانی

#### پذیرش حکومت واحد جهانی

اوضاع زمان نزدیک ظهور - آن گونه که از روایات بر می آید - از نظر اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد است؛ زیرا همه از وضع موجود ناراضی و منتظر انقلاب و تغییر رژیم و کنار گذاشتن زمامداران خودسر و رسوم باطل هستند. این شرایط، همگی به نفع حضرت مهدی شکل می گیرد؛ چون از یک طرف، حکومت‌های بی دوام - که عمر آنها، یک ماهه و یک ساله است - به هرج و مرج و بی ثباتی و اضطراب مردم می انجامد و از طرف دیگر، جنگ‌های محلی و منطقه‌ای و جهانی، باعث از بین رفتن تجهیزات و نیروهای درگیر می شود و این جنگ‌ها که تا آمدن مهدی علیه السلام ادامه دارد، و میلیون‌ها نفر را به گام مرگ می کشد و ناامنی، ناامیدی، گرانی، کمبود، ترس، بیماری، خرابی، اختلاف و... را به بار می آورد و در نتیجه باعث خستگی مردم از وضع موجود و انتظار وضع بهتر می شود. یکی از فلسفه‌های غیبت، آمادگی پذیرش عمومی است؛ چون برای تحقق یک انقلاب، تنها وجود رهبر شایسته کافی نیست؛ مردم باید تلخی تسلط طاغوت‌ها را درک کنند و تشنه عدالت گردند؛ وقتی تشنه شدند، سراغ سرچشمه آب می روند؛

طبق قانون عرضه و تقاضا، وقتی تقاضا پیدا شد، خداوند، ذخیره خود و «بقیة الله» را عرضه می‌کند.

اکنون بحران جهان را فرا گرفته، بحران مشروعیت، فساد، معنویت، عدم عدالت، عدم عاطفه، بی‌احترامی به قانون، از هم پاشیدگی خانواده‌ها، بحث مطرح امروز، مسأله جهانی سازی است؛ آمریکا در صدد جهانی سازی و ارائه الگوی غربی است. آنها به دنبال جهانی سازی کار، ثروت و بی‌هویتی هستند ولی ما نباید از جهانی سازی هراسی داشته باشیم؛ ما باید به دنبال جهانی شدن امت اسلامی برویم؛ امتی واحد که نیاز به امام دارد و این الگوی جهانی سازی فرهنگ اسلامی، اکنون در مقابل جهانی سازی غربی قرار گرفته است که این جهانی سازی اسلامی با نظریه عدالت و مهدویت تناسب دارد.

### دانشمندان و نظریه حکومت واحد جهانی

اسلام از همان ابتدا، همه را به سوی کلمه مشترک همه ملت‌ها (خدا) دعوت کرد و گفت: بیایید اختلافات دینی را کنار بگذاریم و همگی بر محور توحید، متحد شویم؛ امتیازات و اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی و زبانی، آینده بشریت را تهدید می‌کند. پیشرفت تکنولوژی و ذخیره سازی انبارهای تسلیحاتی و رقابت انسان‌های اسیر خشم و شهوت، ممکن است هر لحظه فاجعه بیافریند؛ بنابراین، خطر جنگ ویران کننده همچون کابوس وحشتناکی بر سر انسان‌ها سایه افکنده است. علت اصلی جنگ، چیزی جز تضاد در جهت جذب منافع و رسیدن به امکانات بیشتر نمی‌باشد؛ بنابراین با توجه به محدودیت منافع و منابع طبیعی، باید چاره‌ای اندیشید که تضاد،

به وجود نیاید. تنها راه ممکن جهت حل این مشکل، تشکیل حکومت واحد جهانی است؛ زیرا اگر حکومت‌ها متعدد باشند، هر کدام برای رسیدن به منابع و منافع بیشتر، به ضعیف‌ترها زور می‌گویند؛ ولی اگر همه افراد کره زمین، عضو یک کشور باشند، دیگر رقابت و تضادی پیش نمی‌آید و در پرتو آن، بشر از نگرانی نجات یافته و به آسایش و آرامش دست می‌یابد. اگرچه خطر جنگ و تضاد، زمینه‌ساز حکومت واحد جهانی است، ولی عامل دیگری هم لازم است و آن، تکامل عقل بشری است که می‌تواند مانع بروز جنگ گردد. اکنون نوید این امر، از زبان بعضی از دانشمندان جهانی شنیده می‌شود که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

انیشتین - دانشمند و فیزیک‌دان بزرگ - می‌گوید:

«ملل جهان، از هر نژاد و رنگی که باشند، می‌توانند و باید، زیر یک

پرچم، در صلح و صفا و برابری و برادری زندگی کنند».<sup>۱</sup>

وی گفت:

«مردم باید یکی از دو راه را انتخاب کنند؛ یا یک حکومت جهانی با

کنترل بین‌المللی انرژی اتمی تشکیل دهند و یا حکومت‌های ملی

جداگانه فعلی، همچنان‌که باقی بمانند و منجر به انهدام تمدن بشری

گردند».<sup>۲</sup>

برتراند راسل - دانشمند معروف غربی - می‌گوید:

«اکنون از لحاظ فنی، مشکل بزرگی در راه یک امپراطوری وسیع جهانی

وجود ندارد و چون خرابی جنگ، بیش از قرن گذشته است، احتمالاً باید

۲. همان، ص ۳۹.

۱. مفهوم نسبیّت، ص ۳۵.

حکومت واحدی را قبول کنیم، یا این که به عهد بربریت برگردیم و یا به نابودی نژاد انسانی، راضی شویم»<sup>۱</sup>.  
برتراند راسل، در جای دیگر می نویسد:

«مادام که یک حکومت جهانی وجود ندارد، رقابت برای کسب قدرت - ما بین کشورهای مختلف - وجود دارد و چون ازدیاد جمعیت، خطر گرسنگی را به بار می آورد، قدرت ملی، تنها راه جلوگیری از گرسنگی است»<sup>۲</sup>.

پروفسور توین بی - متفکر انگلیسی - ضمن نطق در کنفرانس صلح نیویورک گفت:

«تنها راه حفظ صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی است».

اکنون طرفداران حکومت واحد جهانی، در بسیاری از کشورها وجود دارند که با برگزاری سمینارها در مجامع عمومی به سخنرانی می پردازند و افکار جهانی را آماده پذیرش حکومت جهانی می کنند؛ بنابراین اگر تا دیروز، نظریه حکومت واحد جهانی با حضور حضرت مهدی، به عنوان یک اندیشه شیعی مطرح بود، امروز ملاحظه می کنید که چگونه، در سطح جهانی مطرح شده است.

### جنگ جهانی و نابودی دو سوم مردم

آیا واقعاً دو سوم مردم جهان، از بین می روند؟

از جمله وقایعی که به عنوان علامت های نزدیکی دوران ظهور حضرت

۲. همان، ص ۱۹۹.

۱. تأثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶.

مهدی علیه السلام در روایات آمده، این است که حضرت مهدی علیه السلام قیام نمی‌کند مگر این‌که دو سوم مردم کشته شوند؛ ولی این مسأله از نشانه‌های حتمی ظهور نیست که به‌طور حتم واقع شود؛ مضافاً که در حکومت امام (شده فی لین) مطرح است یعنی شدت همراه با نرمی دارد یعنی هم خشونت و هم مهربانی «شدید علی العمال و رحیم بالمساکین» شاید خداوند عنایتی کند و چنین نشود؛ ولی با مسابقه بزرگ تسلیحاتی کنونی، هر روز احتمال جنگ جهانی، آن هم با سلاح‌های میکروبی، شیمیایی و اتمی وجود دارد. چند نمونه از روایاتی که اشاره به وقوع جنگ و اوضاع زمان نزدیک ظهور دارد، ذکر می‌کنیم:

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«نزدیک زمان قائم، دو نوع مرگ وجود دارد؛ مرگ سرخ و مرگ سفید، و ملخ‌هایی که به‌رنگ خون بوده و گاه و بیگاه آشکار می‌شوند؛ اما مرگ سرخ، یعنی شمشیر و مرگ سفید، طاعون است»<sup>۱</sup>.

عبارت «نزدیک زمان قائم» دلالت دارد که این جنگ و مرگ سرخ در دوران بسیار نزدیکی به ظهور حضرت واقع می‌شود.

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

«قائم قیام نمی‌کند مگر در پی ترس و وحشت و زلزله و فتنه و آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند پیش از آن؛ گرفتاری‌هایی چون طاعون، جنگ و خون‌ریزی بین اعراب، ایجاد اختلاف و فتنه بین مردم، پراکندگی در دینشان و دگرگونی احوال آنها؛ به‌گونه‌ای که در اثر مشاهده این وضع،

هرکس در صبح و شام، آرزوی مرگ می نماید»<sup>۱</sup>.

این روایت، دوره سختی را از لحاظ امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان می کند و حدیث دیگر، خبر از سال قحطی و گرسنگی می دهد:

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

«ناگزیر قبل از قیام قائم، سالی خواهد بود که مردم در آن، از گرسنگی

رنج می برند و وحشتی سخت در اثر گشتار، آنان را فرا می گیرد»<sup>۲</sup>.

روایتی دیگر، شدت نبرد و حالت ادامه جنگ را تا زمان صیحه آسمانی،

که در ماه رمضان و نزدیک ظهور حضرت است، بیان می کند.

۴- از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اهل شرق و غرب با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند، آری و اهل قبله

(مسلمانان) و مردم با ترس و وحشت طاقت فرسایی روبرو خواهند شد

و به همان حال به سر می برند تا زمانی که منادی از آسمان ندا دهد؛

زمانی که بانگ زد، پس کوچ کنید کوچ!»<sup>۳</sup>.

در دوران قبل از ظهور، بر اثر جنگ، قحطی و طاعون، بیشتر مردم از بین

می روند.

۵- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«این امر (ظهور) نخواهد بود تا دو سوم مردم از بین بروند؛ سؤال

کردیم: وقتی دو سوم مردم از بین رفتند، پس چه کسی باقی می ماند؟

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹.

۱. کمال الدین صدوق، ص ۴۳۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

حضرت فرمود: آیا دوست ندارید که در یک سوم باقی مانده باشید.<sup>۱</sup>

۶- حضرت علی علیه السلام فرمود:

«مهدی قیام نمی‌کند تا این که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم بمانند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«آگاه باشید ای مردم! از من پرسید پیش از آن که فتنه و فساد، مانند شتری که در اثر رم کردن، مهارش زیر سم او قرار می‌گیرد و بر ترس و اضطرابش افزوده می‌شود، سرزمین شما را پایمال نماید و در مغرب، آتش جنگ بزرگی را با مواد قابل اشتعال، دامن می‌زند... آنگاه مردی از اهل نجران خارج شده و امام را اجابت می‌کند.»<sup>۲</sup>

شاید بتوان از روایت مذکور استفاده کرد که مرکز این ویرانی، کشورهای غربی باشند. با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی که روایات فوق، برای زمان ظهور ترسیم کرد، می‌توان گفت: در زمانی که اوضاع اجتماعی و صبر مردم، به نقطه انفجار رسید، هر لحظه مردم در انتظار سامان‌یابی زندگی خود می‌باشند و سررشته کارها، از دست دولت‌ها بیرون می‌رود و قدرت‌ها - در اثر جنگ - رو به اضمحلال و نابودی می‌گذارند؛ در این هنگام، انتشار خبر مسرت‌بخش ظهور منجی بشر، در بین ملت‌ها، همراه با احساس عشق به مهدی علیه السلام که از جانب خدای حال‌گردان، در قلب‌ها ظاهر گشته، زمینه را برای پذیرش حضرت مهدی علیه السلام مساعد می‌سازد؛ آنگاه صدای جبرئیل در عالم بر اطاعت از مهدی علیه السلام طنین



می‌اندازد و علائم آسمانی، در ماه و خورشید، در ماه‌های رمضان و رجب پدیدار می‌گردد؛ هر کدام از این امور، به تنهایی می‌تواند کار مهدی علیه السلام را آسان نموده و راه پیروزی او را بر دشمنان، هموار سازد.

دیگر جای هراسی از خطر سلاح‌های اتمی شرق و غرب نیست؛ هر چند که قدرت تخریبی آنها به قول کندی - رئیس جمهور اسبق آمریکا - بسیار زیاد است؛ وی گفته:

«هم‌اکنون، ظرفیت انهدام‌کننده‌ای که در اختیار آمریکا است، کافی است تا خصم (شوروی) را بیست و پنج بار، نابود کند و نیروی متقابلی که در دست خصم (شوروی) است، به قدری است که می‌تواند، ده مرتبه ما را نابود نماید و قدرت دوگانه ما و شوروی، کافی است تا هفت بار، نسل بشر را منهدم کند».<sup>۱</sup>

چه بسا که از این سلاح‌ها، به خاطر ترس از مقابله به مثل، بهره‌برداری نشود و یا در صورت استفاده دو طرف، همان شود که گفتیم؛ یعنی دو سوم مردم جهان را در کام مرگ فرو برد؛ ولی اساساً وقتی یاری الهی نازل شود، فرصت استفاده از این سلاح‌ها از دشمن گرفته می‌شود و این طور نیست که تنها، دارنده سلاح برتر، پیروز باشد؛ چون موارد زیادی از پیروزی خون بر شمشیر را در تاریخ اسلام و ایران و جهان خوانده و دیده‌ایم که چگونه یک یا چند فرد، با شجاعت و نترسیدن از مرگ، لشکر یا کشوری را به اوج عزت رسانده و فرصت هر اقدامی را از خصم گرفته و برج و باروی دشمن را ویران ساخته و تمام کاخ‌های او را فرو ریخته‌اند؛ چنان‌که در انقلاب اسلامی

۱. استراتژی صلح کندی، ص ۶۶.



مشاهده کردیم؛ با وجود این که شاه ایران، دارای ارتش تا دندان مسلح و ساواک خطرناک و جنگنده‌های فراوان بود و همچنین از پشتیبانی کشورهای خارجی - مخصوصاً آمریکا - برخوردار بود، ولی در برابر رهبر انقلاب - امام خمینی علیه السلام - و یارانش، که با دست خالی بودند، توان مقاومت را از کف داد. چون نیروهای مسلح، از فرمان فرماندهان سرپیچی کردند و سلاح‌ها را علیه انقلابیون به کار نگرفتند، مردم، ارتش را گلباران کردند؛ دل‌های آنان را تسخیر نمودند؛ سربازها از پادگان‌ها فرار کردند؛ خلبانان و نیروی هوایی، اعلام وفاداری نمودند و بدین ترتیب بود که یاری خدا، نازل شد و سلاح‌ها از کار افتادند و شاه از کشور فرار کرد و آمریکا در مقابل، با اعزام ژنرال هایزر - که در آن موقع، معاون فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا بود - به منظور حفظ و یک پارچه نگه داشتن ارتش و فرماندهان و انجام کودتا در تهران و برگرداندن شاه، تلاش کرد؛ ولی هیچ غلطی نتوانست بکند؛ چه مانعی دارد که در زمان حضرت مهدی نیز، سلاح‌ها به همین نحو، از کار بیفتد و همگی تسخیر و تسلیم صاحب الزمان شوند؟

### چگونگی پیروزی دینی

#### حضرت مسیح، سبب مسلمانی مسیحیان

تبعیت مسیحیان از حضرت مهدی به واسطه حضرت مسیح، مسأله بسیار مهمی است که جای بررسی و بحث دارد؛ راستی چه حکمتی اقتضا کرد که خداوند مسیح را به آسمان‌ها ببرد؟<sup>۱</sup>

۱. «وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ»؛ «مسیح را به یقین نکشتند؛ بلکه خداوند، او را به سوی خویش بالا برد». سوره نساء، آیه ۱۵۷-۱۵۸.

امروزه جمعیت قابل توجهی از انسان‌های روی زمین - حدود دو میلیارد نفر - را طرفداران مسیح علیه السلام تشکیل می‌دهند و اکنون بیشتر دولت‌ها و ملت‌های اروپا و آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین، خود را پیرو مسیح می‌دانند.

وقتی مسیحیان در سراسر جهان بشنوند که عیسی از آسمان فرود آمده و خود را وزیر حضرت مهدی می‌داند و اقرار به امامت او نموده و در نماز به ایشان اقتدا می‌کند، آیا دیگر ملت و دولتی مسیحی در جهان پیدا می‌شود که با مهدی مخالفت کند؟ روشن است که هرگز؛ بلکه همه مسیحیان - به دستور مسیح علیه السلام - زیر پرچم مهدی علیه السلام وارد می‌گردند و اسلام واقعی را می‌پذیرند؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که ده هزار پیکارگر، برگرد حضرت، جمع شدند، دیگر مسیحی

و یهودی یافت نمی‌شود جز این که به حضرت ایمان می‌آورند».<sup>۱</sup>

۱۹ روایت وارده از پیامبر، حکایت از آن دارد که عیسی به مهدی اقتدا می‌کند و پشت سر او نماز می‌گزارد<sup>۲</sup> و با مسیحیان شرق و غرب احتجاج می‌کند و بین مهدی و غربی‌ها پیمان صلح برقرار می‌سازد.<sup>۳</sup>

احتجاج حضرت به وسیله تورات و انجیل؛ ابن حماد نقل کرده:

«مهدی، مهدی نامیده شد؛ چون از جانب خدا به کار نمان و سرّی هدایت می‌شود و تورات و انجیل را از سرزمینی که به آن انطاکیه

۱. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۵، ص ۱۷۶.

۲. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۳. همان، ص ۵۲۸-۵۳۰.

می گویند، خارج می سازد».<sup>۱</sup>

سید بن طاووس نقل کرده:

«حضرت مهدی علیه السلام تابوت سکینه بنی اسرائیل را از غار انطاکیه خارج

می کند و اسفار تورات را از کوهی در شام بیرون می آورد و به وسیله آن، با

یهود بحث می کند و سی هزار نفر از آنها تسلیم می شوند».<sup>۲</sup>

استخراج تورات و انجیل اصلی، نشانه‌ای بر حقانیت حضرت مهدی علیه السلام از

دیدگاه مسیحیان و یهودیان محسوب می شود و بدین جهت، دست از جنگ

برمی دارند.

### پیروزی حضرت مهدی علیه السلام از راه اسباب طبیعی است یا معجزه؟

در مورد این که حضرت مهدی علیه السلام برای نابودی دشمنان خود و پیروزی بر

آنها از چه راهی وارد می شود - آیا از راه اسباب طبیعی و مادی به پیروزی

می رسد یا از راه معجزه و امدادهای غیبی؟ - دو دیدگاه وجود دارد:

۱- نظریه کسانی که معتقدند حضرت از طریق اسباب طبیعی و سلاح‌های

موجود و همراهی یارانی دریادل و پولادین اراده به مقابله با دشمن

برمی خیزد و از این راه به پیروزی می رسد و اگر قرار بود که کارها با معجزه

پیش برود، معنا نداشت که آن حضرت این همه در پرده غیبت به سربرد.

۲- نظریه کسانی که معتقدند آن حضرت، تنها از طریق معجزه و یاری

خداوند به وسیله جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و صیحه آسمانی و انداختن

ترس در دل دشمنان و فرستادن عذاب بر سر کفار و... پیروز می گردد و امکان

۱. عقد الدرر، ص ۴۰؛ الملاحم والفتن، ص ۶۷-۶۸.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۶۷-۶۹.

ندارد که حضرت، با تعداد اندکی از یاران، بتواند حجاز، عراق، فلسطین و همه عالم را فتح نماید و بر دشمنانی که مجهز به سلاح‌های اتمی و هسته‌ای می‌باشند، پیروزی کسب نماید.

### نظریه مورد قبول

پیروزی هر انقلاب اجتماعی به یک سلسله شرایط داخلی و خارجی بستگی دارد که بدون آن شرایط، حاصل نمی‌شود؛ از امتیازات انقلاب بزرگ حضرت مهدی علیه السلام آن است که آسمانی و خدایی است ولی جنبه اجرایی آن، متکی به امور خارجی است و پیروزی آن بستگی به عوامل خارجی دارد؛ همان‌گونه که جهان چشم‌به‌راه ماند تا پنج قرن از دوران جاهلیت بگذرد و آنگاه ندای آخرین رسالت آسمانی را از سوی پیامبر بشنود؛ تأخیر آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با وجود نیاز بشریت به رهبر، در طول مدت فترت، برای مساعد کردن عوامل ظاهری و باطنی بود.

خدای تعالی اسباب ظاهری را برای انقلاب‌های آسمانی فراهم می‌سازد و جو را مناسب می‌گرداند تا آمادگی جهت پذیرش وجود داشته باشد؛ چرا که سنت الهی بر این است که کارها از طریق اسباب انجام شود و این سنت، قابل تغییر و تحوّل نیست؛ از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بعد از مدتی طولانی و در زمانی که مردم، آماده پذیرش آیین او بودند آمد؛ با وجود آن که خداوند می‌توانست به قدرت خود، مشکلات را حل نماید و به وسیله معجزات، جو را مناسب گرداند؛ ولی با ابتلا و آزمایش، که تکامل بخش انسان است، کار کلی انقلاب را به گونه‌ای طبیعی و بر دوش نهادها و عوامل اجتماعی صورت داد. البته این ویژگی مانع نیست که گاهی هم جریان، غیرعادی باشد؛ یعنی

هم عوامل ظاهری و هم عوامل باطنی در بعضی از موارد، انقلاب را یاری دهند یا رهبر را کمک نمایند؛ به عنوان نمونه، آتش نمرود را برای ابراهیم، گلستان گردانید تا پیامبر خود را حفظ نماید؛ یا آن که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را از دست آن مرد یهودی که شمشیر را بالای سر ایشان گرفته بود - با فلج کردن و از حرکت انداختن دست خصم - نجات داد، یا این که خدای تعالی باد سختی در جنگ خندق فرستاد و چادرهای دشمنان را - که مدینه را محاصره کرده بودند - از بیخ و بن برکند و ترس و هراس را در دل دشمنان اسلام انداخت تا این که فرار کردند و مدینه آزاد شد.

اما تمام این جریانات اعجازگونه که در مواقع خطر رخ می‌داد، بعد از مساعد بودن جو و زمینه‌های انقلاب بود و روی همین روش، موقعیت امام زمان را بررسی می‌کنیم که باید جنبه ظاهری بعد از جنبه باطنی، برای انقلاب، مساعد باشد؛ لذا طبیعی است که باید زمان، مساعد باشد؛ چون مهدی علیه السلام خود را برای ایجاد یک انقلاب اجتماعی محدود، آماده نساخته است بلکه رسالت او - که ذخیره‌ای است از طرف خداوند - انقلابی جهان شمول، برای بیرون آوردن تمام بشریت از تاریکی‌های ظلم و ستم و بردن آنها به سوی حق و عدل است.<sup>۱</sup>

این انقلاب بزرگ، هدفش تنها منحصر در رسیدن جامعه به رهبری با صلاحیت نیست؛ چرا که این امر، در عصر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحقق یافت؛ بلکه جهانگیر شدن نیز مراد است.

یکی از اموری که عوامل ظاهری و بشری را آماده می‌کند، این است که

۱. پژوهشی پیرامون مهدی علیه السلام، ص ۷۶.

انسانیت احساس خطر نابودی و بین بست کند؛ در این صورت، رسالت عدالت را می پذیرد. حصول این احساس در انسان، وقتی است که از تجربیات تلخ گذشته و مشکلاتی که امروز بشر در اثر بار سنگین تمدن های غلط با آن مواجه است، عبرت بگیرد و ببیند که چه چیزهایی را از دست داده و چقدر نیاز و احتیاج به کمک های غیبی دارد؛ گرچه از دیدگاه مادی ممکن است شرایط زندگی جدید پیشرفته تر از قدیم باشد؛ از این لحاظ که بخش های جهان به یکدیگر نزدیک شده و ارتباط و پیوند میان انسان ها بهتر انجام می گیرد.

اما این مطلب که هنگام ظهور امام زمان، نیروها و آلات تخریبی از کار می افتد، مطلب صحیحی است و بدان معناست که سلاح های مدرن، با روحیه شکست خورده، فایده ای ندارد؛ یعنی آن روز، اگرچه وسایل و امکانات جنگی زیادی در اختیار دشمنان امام زمان است، اما روحیه آنها شکست خورده است و نمی توانند با این وضع روانی، از آن سلاح ها بهره برداری چشم گیری کنند.

بنابراین ما ضمن تأکید بر حصول پیروزی از راه طبیعی - به استناد ادله ای که قبلاً در چگونگی پیروزی از راه سلاح بر شمردیم - معترفیم که پس از آماده شدن اوضاع و مساعد بودن آن، معجزه نیز صورت می گیرد؛ اما این بدان معنی نیست که از اول، سیر حوادث با معجزه پیش رود؛ بلکه همیشه جریانات اعجاز در مواقع خطر و پس از آزموده شدن، رخ می دهد. اکنون بعضی از احادیثی که سیر طبیعی حوادث ظهور را بیان کرده است ذکر می کنیم:

## سیر طبیعی حوادث ظهور، در روایات

۱- بشیر نبال می گوید:

«چون به مدینه رسیدم به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنان می گویند که چون مهدی قیام کند، همه کارها برای او به خودی خود درست می شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد».

حضرت فرمود:

«هرگز چنین نیست؛ سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، اگر کارها به خودی خود برای کسی درست می شد، هر آینه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله درست می شد آنگاه که دندان های جلوی آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت؛ نه، هرگز! سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، تا ما و شما عرق و خون را (از چهره) پاک نکنیم (کار آن حضرت، سرانجام پیدا نخواهد کرد)».<sup>۱</sup>

۲- مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام از قائم یاد می کند؛ عرض کردم: امیدوارم کار او به آسانی انجام پذیرد؛ امام فرمود:

«این کار سرانجام نمی گیرد تا آن که عرق و خون بسته را پاک کنید».<sup>۲</sup>

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردی از عترت من (مهدی) برای احیای سنت من می جنگد، چنان که من برای وحی (قرآن) جنگیدم».<sup>۳</sup>

یاری الهی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و یارانش، در مواقع ضروری نازل می شد؛

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۵، ش ۲.

۲. همان.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۴.

نه در همه جا و همه وقت؛ برای حضرت مهدی علیه السلام نیز این گونه خواهد بود.

۴- امام باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی صاحب این امر ظاهر شود، از جانب مردم با سختی هایی بیشتر از

آن سختی هایی که به پیامبر وارد شد، روبرو خواهد بود»<sup>۱</sup>.

۵- فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«زمانی که قائم ما قیام می کند، با سختی هایی سخت تر از آنچه که پیامبر،

از جانب نادان ها با آن مواجه بود، روبرو می شود؛ عرض کردم: چگونه؟

فرمود: پیامبر وقتی مبعوث شد، مردم، سنگ ها و چوب ها را

می پرستیدند؛ اما وقتی قائم ما ظهور می کند، با قرآن، علیه او احتجاج

می کنند و دلیل می آورند»<sup>۲</sup>.

## سیر اعجاز آمیز حوادث ظهور، در روایات

### ۱- ایجاد دلهره و ترس در دل دشمن

خداوند می فرماید:

«سَنَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ»؛ «ما در دل های کافران،

وحشت خواهیم افکند»<sup>۳</sup>.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند به من پنج چیز عطا کرد؛ از جمله این که به وسیله ترس و هراسی

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲. ۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.



که در دل دشمنانم افکند، پیروز شدم».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی پیروزی حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ؛ قَائِمٌ مَا بَا سِلَاحِ تَرَسٍ وَهَرَّاسٍ - كَمَا بَرَّ

دَل دَشْمَنَانِ مِی افکند - یاری می شود».<sup>۲</sup>

## ۲- یاری فرشتگان

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم ما ظهور کند، خداوند او را به وسیله فرشتگان نشاندار

و فرشتگان پیاپی و صف زده و فرود آورده شده و کزوبیان، یاری خواهد

کرد؛ در حالی که جبرئیل، پیشاپیش آن حضرت و میکائیل، سمت راست

و اسرافیل، سمت چپ، و فرشتگان مقرب، در کنار او هستند».<sup>۳</sup>

سه هزار فرشته برای یاری پیامبر اسلام در جنگ بدر نازل شدند؛ قرآن

می فرماید:

«خداوند شما را در جنگ بدر، در حالی که ناتوان بودید، یاری کرد؛

هنگامی که به مؤمنان گفتی: آیا سه هزار فرشته‌ای که خداوند به یاری

شما فرستاد، پس نیست؟».<sup>۴</sup>

## ۳- عصای موسی با مهدی است

امام باقر علیه السلام فرمود:

«عصای موسی تزد ماست؛ آن سبز است، مانند زمانی که از درخت جدا

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۴۹۳.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۲۳ - ۱۲۴.

شد؛ سخن می‌گوید... برای قائم ما مهیا شده... آن عصا فریاد می‌زند و می‌بلعد»<sup>۱</sup>.

#### ۴- مسیح به یاری مهدی، از آسمان فرود می‌آید

طبق گفته احادیث، مسیح از آسمان فرود می‌آید و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد.<sup>۲</sup>  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم، در میان شما فرود می‌آید و پیشوای شما از خود شما باشد؟»<sup>۳</sup>.

فرود آمدن مسیح، موجب خوشحالی مسیحیان و مسلمانان می‌شود؛ چون همگی منتظر فرود حضرت بوده‌اند؛ وقتی خود را وزیر مهدی نامید، همه مسیحیان تسلیم می‌شوند و بدین ترتیب، بین ملت‌ها هم‌پستگی و صلح و صفا ایجاد گشته و حکومت جهانی اسلام، برقرار می‌گردد.

#### ۵- سایر امور اعجاز آمیز

مسأله صیحه آسمانی و اعلام قیام حضرت مهدی و امر به بیعت با ایشان و فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین بین مکه و مدینه، همگی از امور شگفت‌انگیز است؛ همچنین اسلحه پیامبر اسلام، میراث پیامبران و صحیفه فاطمیّه همراه آن حضرت است و اصحاب کهف، حضرت خضر، حضرت الیاس و... از یاوران آن حضرت هستند.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۱۹.

از آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که قیام حضرت، علاوه بر این که مراحل طبیعی و عادی یک انقلاب و قیام را طی می‌کند، از طریق امدادهای غیبی الهی و معجزات متعدّد، یاری می‌شود؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:

«انقلاب مهدی را سه سپاه، یاری می‌کند؛ سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب»<sup>۱</sup>.

پس از مقاومت نمودن حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در برابر تهاجمات فرهنگی و نظامی دشمن و دوستان ناآگاه و بعد از قبولی یاران، در امتحان‌های سخت میدان نبرد یاری خداوند نازل می‌شود؛ چنان که علی علیه السلام در روز جنگ صفین، برای یارانش فرمود:

«در رکاب رسول خدا، آن چنان مخلصانه می‌جنگیدیم که حتی حاضر بودیم پدران و فرزندان و برادران و عموهای خویش را در این راه (اگر بر خلاف حق باشند)، نابود کنیم؛ این پیکار، بر تسلیم و ایمان ما می‌افزود و ما را در جاده وسیع حق و صبر و بردباری در برابر ناراحتی‌ها و جهاد با دشمن، ثابت قدم می‌ساخت. گاهی یک نفر از ما و دیگری از دشمنان ما، همانند دو قهرمان، با یکدیگر نبرد می‌کردند؛ هر کدام، می‌خواست کار دیگری را تمام کند؛ تا کدام یک، جام مرگ را به دیگری بنوشاند؛ گاهی ما بر دشمن پیروز می‌شدیم و زمانی دشمن بر ما پیروز می‌شد؛ اما هنگامی که خداوند، راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را به دشمنان ما نازل کرد و نصرت و پیروزی را به ما عنایت فرمود؛ تا آن جا که اسلام، بر زمین‌ها گسترده شد»<sup>۲</sup>.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.

بنابراین نمی توان به طور قطع و کلی راه حصول پیروزی را منحصر در اسباب طبیعی (نظریه اول) یا معجزه (نظریه دوم) نمود؛ بلکه هر دو، برای تیل به پیروزی لازم است؛ منتهی آنچه نقش اول را دارد، همان اسباب طبیعی است؛ چنان که از کلام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام استفاده کردیم؛ آن جا که فرمود:

«هنگامی که خداوند، راستی و اخلاص ما را دید، نصرت و پیروزی را به ما عنایت فرمود.»

حاصل مطالب گذشته این است که برای وقوع امر عظیمی که همه انبیا و اولیا و صالحان و مستضعفان عالم، انتظارش را کشیده اند، همه اسباب ظاهری و باطنی دست به دست هم می دهند و موقعیت را در راستای پیدایش آن آماده می کنند و آن در زمانی که پروردگار عالم اراده کند به وقوع خواهد پیوست.

امید آن که آنچه بیان گردید، قدمی در جهت آشنایی با آن حضرت و حرکت و قیام عظیمش باشد و بتواند میان خوانندگان گرامی و آن وجود نازنین، آشنایی و ارتباطی بیش از گذشته برقرار کند.

راه و روش حضرت مهدی علیه السلام

پس از ظهور

## راه و روش حضرت در دوران ظهور و حکومت چگونه است و حکومت جهانی چه تأثیراتی بر مردم می‌گذارد؟

### تکرار بهشت

در دوران ظهور ولایت، زمينهٔ قرب هر انسانی به عالم قدس به وجود می‌آید؛ در دورهٔ پایانی عالم (آخرالزمان) قصهٔ بهشت، دوباره تکرار می‌شود؛ ما در بهشت بودیم و هبوط کردیم؛ در پایان دورهٔ عالم دوباره به بهشت برمی‌گردیم؛ اما در آن مقام، این شیطان بود که باعث راندن ما از بهشت شد و در این جا این امام است که ما را وارد آن مقام قدس می‌کند؛ وقتی امام ظهور کند، همه می‌فهمند که فلسفهٔ آمدن بر روی زمین چیست و برای چه روی زمین آمده‌اند.

ما در بهشت، جهت جانمان را از خدا به درخت انداختیم؛ حکم خدا چنین بود ﴿و لا تقربا هذه الشجرة...﴾؛ «به این درخت پرشاخهٔ پراکنده و سراپا کثرت، نزدیک نشوید، تا از خدا که سراپا وحدت و یک پارچگی است باز نمانید» ولی توجهمان به خدا کم شد و به درخت مادیت یعنی مرتبهٔ کثرت روی آوردیم و ناگاه خود را سراسر نقص و عیب دیدیم؛ ﴿فأكلنا منها فبدت لهما سوءاتهما و طفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة﴾؛ «آدم و حوا از آن درخت خوردند و در نتیجه زشتی‌های آنها برایشان آشکار شد و شروع به جمع‌آوری

برگ‌های باغ نمودند تا زشتی‌های خود را بپوشانند.<sup>۱</sup> وقتی به سوی خدا نرفتیم، گرفتار برگ جمع کردن شدیم تا آن نقص و زشتی‌ها را وصله کنیم و این گرفتاری دیگر برای اتصال و انس با حق، جایی نگذاشت.

گرفتاری دوران معاصر و دنیای مدرنیته و تکنولوژی، ادامه همان دوره است؛ گرفتار شدن به کمالات مجازی و محرومیت از اتصال به کمال مطلق است؛ اکنون چقدر وجود امام عصر در این زمان ضروری است تا ما را از گرفتاری نقص‌های خود بودن آزاد کند و در آیینه ولایت او، به حق برگردیم و در خانه انس او خود را آباد کنیم و آسمانی شویم و به «آبادانی زمین» و «برگ جمع کردن» افتخار نکنیم.

در عالم مدرنیسم، هر چیزی را برای خودمان می‌خواهیم؛ اما خودمان را برای چه می‌خواهیم، دیگر مطرح نیست.

دل مادی‌نگر، سیاه می‌شود و تنها به فکر استیلاء و غلبه بر دیگران است؛ علم حصولی نگذاشته که با طبیعت به عنوان آیات الهی ارتباط داشته باشیم. علم امروزی به ابزاری برای سلطه بر طبیعت و بشریت تبدیل شده است؛ در حالی که در دوره ظهور امام، علم جنبه حضوری و شهودی می‌یابد؛ بصیرت اولیای خدا به گونه‌ای می‌شود که عالم مثل کف دستشان است؛ علم، در این دوران به معنای واقعی، در خدمت بشریت است.

پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام ما شاهد برقراری عدالت اجتماعی و به سامان رسیدن حقوق و حقایق و بالارفتن سطح افکار عمومی، پیشرفت وسایل اطلاعاتی و ارتباطی، ظاهر شدن برکات و گنج‌های زمین، آبادی

۱. سوره اعراف، آیه ۲۲.

شهرها، جاده‌ها و مساجد و به حداقل رسیدن کینه‌ها و بددلی‌ها و بهبود اوضاع اقتصادی، خلاصی از فتنه‌ها، عزیز شدن علما و حکما، زیاد شدن معرفت و محبت نسبت به خدا، احساس امنیت و آرامش، چشیدن طعم سعادت و عدالت، نابودی فقر، برقراری مساوات و دوستی، فراوانی نعمت، عالم‌گیر شدن طهارت و پاکی و نورانیت، پدید آمدن اختراعات عجیب، از بین رفتن ستمگران، شفای بیماران و وصال عاشقان خواهیم بود؛ اما به طور تفصیلی - چنانچه از روایات استفاده می‌شود - در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی، قضایی و مدیریتی اوضاع چنان متحول می‌شود که توضیح آن می‌آید:

### از نظر اخلاقی

از روایات استفاده می‌شود که چون قائم علیه السلام قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل و اخلاق آنها را به شکوفایی و کمال می‌رساند و کینه‌ها را از دل می‌زداید و علم و حکمت به آنان می‌آموزد و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان او دعوت می‌کند.

### از نظر اجتماعی

زمین را سراسر پر از عدل و داد می‌کند پس از آن که پراز ستم شده است؛ عدالت مانند سرما و گرما وارد خانه‌های مردم می‌شود؛ سرمایه‌ها را به مساوات بین مردم تقسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که دیگر نیامندی یافت نمی‌شود تا به او زکات دهند.

در دنیا بساط شراب‌خواری و رباخواری برچیده می‌شود؛ مردم به عبادت و



اطاعت حق روی می آورند؛ امانت‌ها را به خوبی حفظ می‌کنند و اشرار نابود می‌شوند و صالحان باقی می‌مانند؛ دوستی واقعی بین افراد برقرار می‌شود و در مواقع نیاز، شخص - به راحتی - دست در جیب دوستش می‌برد و به مقدار رفع حاجت، از آن برمی‌دارد.

در آن ایام، جاده‌های اصلی را توسعه می‌دهند؛ راه‌ها امن می‌گردد؛ هر مسجدی که در سر راه قرار گرفته باشد تخریب می‌کنند؛ محل‌هایی که مشرف بر منازل مردم باشد را از بین می‌برند؛ پنجره‌هایی که به کوچه باز می‌شود را مسدود می‌کنند و فاضلاب و ناودان‌هایی که در سطح کوچه‌ها جاری گردد، از بین می‌رود.

### از نظر سیاسی

دولت‌های باطل را از بین می‌برد و با ناپکاران، با شمشیر رفتار خواهد کرد و جز حکومت اسلامی، حکومتی باقی نمی‌ماند؛ همه جا را نوای توحید فرامی‌گیرد و اثری از شرک نمی‌ماند.

دولت مهدی علیه السلام، شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد؛ دشمنان خدا را هلاک می‌کند؛ با یهودیان و مسیحیان پیمان می‌بندد و آنان - با کمال خضوع - جزیه می‌پردازند.

در دولت مهدی علیه السلام، اسلام و اهلش عزت یابند و نفاق و اهل آن ذلیل و خوار شوند؛ امت اسلام اصلاح گردد و شوکت متجاوزان، درهم شکسته و بناهای شرک و نفاق، ویران و اهل عصیان و طغیان، نابود گردند.

یاران مهدی علیه السلام در میدان‌های مبارزه و پیکار - با تمام سختی‌های نبرد - شمشیرها را بر زمین نهند تا آن‌که خداوند از آنها راضی شود.

## از نظر اقتصادی

امت اسلام از نعمت‌هایی برخوردار شوند که هرگز امتی از آن برخوردار نشده باشد؛ سرتاسر زمین محصول دهد؛ سرمایه‌ها بسیار گردد؛ هرکس از حضرت، درخواست مالی نماید - بی‌درنگ - پرداخت شود.

ربا خواری برچیده می‌شود؛ شهرها آباد می‌گردد؛ معادن و گنج‌های زیرزمینی به بهره‌برداری می‌رسند؛ مخروطه‌ای در زمین باقی نمی‌ماند مگر آن‌که آن را آباد می‌نمایند؛ باران فراوان می‌بارد و در پی آن، زمین، همه گیاهان خود را می‌رویاند؛ دام‌داری رونق می‌گیرد.

زمین‌ها و اموالی که زمام‌داران و حکام ستمگر به مالکیت خود درآورده‌اند بین مردم تقسیم می‌شود.

## از نظر علمی

علم، ۲۷ حرف (جزء) است و تمام آنچه پیامبران برای مردم تاکنون آورده‌اند ۲ حرف پیش نبوده اما هنگامی که حضرت بیاید، ۲۵ حرف دیگر آشکار می‌شود؛ چشم و گوش شیعیان را تقویت می‌کند به طوری که او را می‌بینند و سخن او را می‌شنوند در حالی که او در جایی است و مردم در جایی دیگر؛ مؤمن در حالی که در مشرق است راه خود را در مغرب می‌بیند؛ بادها و ابرها رام او می‌شوند و حضرت، سفرهای فضایی می‌نماید.

## از نظر قضایی

مانند داود و سلیمان علیهم السلام - بر حسب باطن و واقع و بدون نیاز به شاهد و گواه - داوری می‌کند و در حکومتش رشوه راه ندارد.  
آنچه از کتاب خدا و سنت پیامبر و نشانه‌های دین و اهل آن متروک مانده، احیا کرده و بدعت‌ها و گمراهی‌ها را به فنا محکوم می‌کند.

### از نظر فردی

از راه و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پیروی می کند؛ امری تازه به مردم ارائه می دهد؛ چنان که پیامبر در صدر اسلام، امری تازه را آورد. شب زنده داری، رنگ رخسار مبارکش را به زردی متمایل کرده؛ امام کاظم علیه السلام فرمود: پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع است؛ پدرم فدای کسی که در راه خدا، سرزنش ها در او تأثیر ندارد؛ او چراغ هدایت است و در پیشگاه خداوند، از همه مردم خاضع تر است؛ همچون عقاب به سوی نیکی ها شتابنده است؛ او مبارزی سخت کوش و آگاه به کتاب خداست؛ دارای کمالات موسی و شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است؛ از کوچک ترین حق کشی نمی گذرد؛ مغرور به خویشاوندی با پیامبر نمی شود؛ او پاک ترین و برترین فرزندان عترت پیامبر است.

او داناترین، حکیم ترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابدترین بندگان است؛ دیدگانش به خواب رود ولی دل او همیشه بیدار و دعایش مستجاب و هم سخن فرشتگان است؛ باوقار و بی نیاز از همه است و همه نیازمند اویند و برای خود دربان نمی گذارد. دو نشانه بارز حضرت - که با آن شناخته می شود - یکی علم بی کران و دیگری استجابت دعاست.

لباس حضرت، زبر و خشن و خوراک ایشان، بی خورش است؛ او با خود شرط کرده که به کم قانع باشد و عدالت را برقرار سازد.

### از نظر مدیرونی

حضرت مهدی علیه السلام نسبت به مردم بسیار سخاوتمند و نسبت به کارگزاران خویش بسیار سخت گیر است؛ یارانش را در همه شهرها پراکنده می سازد و به

آنان دستور می‌دهد که عدالت را شیوه خود نمایند و شهرها را آباد سازند. آن حضرت، فرمان خدا را اجرا می‌نماید و با کسی خویشاوندی ندارد و برای خود، سنگ روی سنگ نمی‌گذارد؛ درهای حق را می‌گشاید و درهای باطل را می‌بندد؛ بدعت‌ها را نابود و سنت را برپا می‌دارد.

با یاران خویش مشورت می‌نماید؛ وزیران خود را از عجم انتخاب می‌کند ولی به زبان عربی سخن می‌گویند.

به کتاب خدا و روش نیکان عمل می‌کند و منکر را انکار می‌کند.

حضرت مهدی علیه السلام برای مردم، از پدر و مادر مهربان‌تر و از خودشان بر آنها دل‌سوزتر است و از همه متواضع‌تر است.

آنچه به مردم می‌گوید، خود، بیش از دیگران عمل می‌کند؛ خواهش‌های نفسانی را مهار می‌کند و افکار را پیرو قرآن می‌کند.

حکومت او غیر از حکومت‌های امروزی است؛ او مسؤولان را بر اعمال بدشان کیفر می‌نماید؛ او روش عادلانه حکومت را به مردم نشان می‌دهد و خلاصه آنچه از قرآن و روش پیامبر، فراموش شده را زنده می‌کند.<sup>۱</sup>



## فصل هفتم

پاسخ به چند پرسش

## پاسخ به چند پرسش

### ۱- آثار وجودی حضرت، در زمان غیبت چیست؟

سؤال می‌شود که وجود یک رهبر، وقتی مفید است که در اجتماع و در تماس با مردم باشد؛ اما اگر وجودش غایب از مردم بود، چه اثری برای جامعه دارد؟

اولاً:

#### غیبت، از اسرار نهانی است

«امام صادق علیه السلام وقتی که حتمی بودن غیبت حضرت و سختی دوران هجران را بیان می‌فرمود، یکی از حاضران (عبدالله بن فضل هاشمی) گفت: فدایت شوم! اگر غیبت این همه هزینه دارد، چرا غیبت می‌کند؟ امام فرمود: مصلحتی است که مجاز به گفتن آن نیستیم؛ عبدالله اصرار کرد که چه حکمتی است؟ امام فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجج الهی، در زمان‌های گذشته وجود داشت، این جا هم وجود دارد؛ این راز سر به مهر، قبل از ظهور، کشف نخواهد شد؛ چنان که سوراخ کردن کشتی، کشتن جوان به ظاهر بی‌گناه و تعمیر دیوار، توسط خضر تا قبل از جدایی موسی از خضر علیه السلام

برای حضرت موسی، کشف نشد.<sup>۱</sup>

آنگاه فرمود: ای ابن فضل! غیبت مهدی، سرتی از اسرار است؛ وقتی معتقد شدیم که خدای سبحان، حکیم است، تصدیق می‌کنیم که افعال الهی، از روی حکمت است؛ هرچند که علت کاری برای ما روشن نباشد.<sup>۲</sup>

سر غیبت شناخته نمی‌شود مگر بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام همان‌طور که سر کارهای حضرت خضر روشن نشد، جز زمانی که خودش آنها را تفسیر کرد؛ در هر صورت کار خداوند همیشه حکمت دارد؛ هرچند که ما وجه آن را ندانیم.

ثانیاً: این سؤال را حتی قبل از میلاد حضرت مهدی، از پیامبر اسلام پرسیدند؛ جابر بن عبدالله انصاری، از پیامبر پرسید: آیا شیعیان از وجود حضرت، در غیبتش بهره می‌برند؛ حضرت فرمود:

«آری؛ سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخته، مردم زمان غیبتش از او بهره‌مند می‌شوند و به نور ولایت و رهبریش راهنمایی می‌شوند؛ همان‌گونه که از خورشید پشت ابر، بهره‌مند می‌گردند.»<sup>۳</sup>

خورشید دو نوع نورافشانی دارد؛ مستقیم و غیر مستقیم؛ وقتی مستقیم می‌تابد، اشعه آن به خوبی دیده می‌شود، ولی وقتی پشت ابرها قرار گیرد، ابر همانند یک شیشه مات، نور را می‌گیرد و پخش می‌کند.

نور آفتاب مهم‌ترین نقش را روی موجودات دارد؛ رشد و نمو موجودات، تغذیه و تولید مثل آنها و حرکت و زنده شدن زمین‌های مرده، همه و همه

۱. اشاره به جریان برخورد حضرت موسی با حضرت خضر علیه السلام است که در آیات ۶۵ - ۸۲ سوره

مبارکه کشف بیان شده است. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲.

به طور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن، همگی به فنا و نابودی می‌گرایند. علاوه بر جنبه‌های نور افشانی خورشید، اصلاً کره زمین، در منظومه شمسی قرار دارد و مدار گردش، به دور همین خورشید است و بقای زمین، منوط به اصل وجود خورشید می‌باشد.

خورشید وجود حضرت مهدی، در زمان غیبت، چنین اثری دارد. علامه طباطبایی در مورد هدایت معنوی توسط امام، می‌نویسد:  
خداوند متعال فرموده است:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾<sup>۱</sup>؛ «آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما رهبری می‌کنند و ما به آنها انجام خوبی‌ها را وحی کردیم».

این آیه می‌گوید: وظیفه ما علاوه بر ارشاد ظاهری، هدایت معنوی است که از سنخ عادت تجرد است و به وسیله نورانیت باطن در قلب مردم تصرف می‌کند و کسانی که اعتراض می‌کنند که شیعه، وجود امام را برای بیان احکام، لازم می‌داند و غیبت امام، ناقض آن است، به حقیقت معنای امامت، پی نبرده‌اند؛ زیرا وظیفه امام، تنها بیان صوری معارف و احکام نیست؛ بلکه اضافه بر آن، ولایت باطنی نیز به عهده اوست؛ بنابراین، غیبت جسمانی امام، مانعی ندارد؛ وقتی که از راه باطن، به نفوس و ارواح مردم، اتصال دارد.<sup>۲</sup>

۲. شیعه در اسلام، ص ۳۱۲.

۱. سوره انبیاء، آیه ۷۳.



## آثار و برکات دیگر امام غایب

### امام واسطه فیض است

اراده الهی تعلق گرفته که آنچه از ذات مقدّسش به موجودات افاضه می‌شود، از طریق اسباب و مجاری مشخص صورت پذیرد؛ همچنان که همه امور، از راه علت و سبب خود به جریان می‌افتد و فیوضات الهی بر دو قسم است:

الف - تکوینی: تمام هستی و کائنات - از کوچک و بزرگ - همه صادر شده از اراده خداست و این فیوضات الهی، با واسطه به موجودات می‌رسد و آن واسطه، وجود مبارک «ولّی الله» است؛ وجود او، معبر پیدایش هستی و ادامه آن است و خود او نخستین فیض است؛ امام هادی علیه السلام به پیروانش این گونه تعلیم می‌دهد و امامان را معرفی می‌فرماید:

«بِکُمْ یُنزَلُ الْغِیْثُ وَ بِکُمْ یُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَإِذْنِهِ»<sup>۱</sup>

به واسطه شما (امامان) باران نازل می‌شود و به واسطه شماست که آسمان به زمین فرود نمی‌آید».

بنابراین اساس آفرینش، بستگی به وجود امام دارد و اثربخشی تمام موجودات عالم، به طفیل وجود امام حاضر یا غایب است؛ این حمزه می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام، ماندگار است؟ امام فرمود:

«اگر زمین بدون امام باشد، اهلس را فرو می‌برد»<sup>۲</sup>.

اگر امام نباشد، رابطه بین عالم ماده و معنا، قطع می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

«اراده خدا تعلق گرفته که در هر سال، شیئی باشد که فرشتگان برای تنظیم امور، فرود آیند؛ و خداوند، بزرگ تر از این است که روح و فرشتگان را بر کافر و فاسق نازل کند؛ (پس قلب معصوم، فرودگاه فرشتگان است)».

ب - تشریحی: امر هدایت و تشریح، خود، فیض بزرگی بوده که نیازمند واسطه و قابلی است که آن را دریافت کند و به مردم برساند؛ این گونه نیست که هر کس آماده پذیرش باشد؛ واسطه این فیض، شخص شایسته و برگزیده‌ای، چون پیامبر یا امام است؛ البته مردم اکنون از فیض تشریحی حضرت محرومند؛ ولی با این وجود، مواردی بوده که ایشان جاهل را ارشاد فرموده و طریق حق را نشان داده‌اند.

از دیگر آثار وجود امام، می‌توان به پرورش روحیه ایمان و تقوا و امید و نشاط در وجود شیعیان و مستضعفان اشاره کرد. در میدان‌های نبرد، همت فرماندهان این است که پرچم، در برابر حملات دشمن، همچنان در اهتزاز بماند؛ زیرا مایه دلگرمی سربازان است و همچنین وجود فرمانده، در مقر فرماندهی، هرچند که خاموش باشد؛ و چیزی جز قتل فرمانده، موجب به هم ریختگی سپاه نمی‌شود؛ در مورد امام نیز همین جریان صادق است؛ امام همچون فرمانده جنگ اگرچه خاموش و غایب باشد، خود موجب نظام امت و یک پارچگی شیعیان است.

شیعه معتقد به امام غایب زنده و حاضر است و خود را تنها نمی‌داند و همواره به انتظار اوست؛ اثر روانی این طرز فکر، زنده نگه داشتن امید در دل‌ها و وادار ساختن افراد به آمادگی، خودسازی و مراقبت است؛ زیرا می‌دانند امام

از کار آنها آگاه است.<sup>۱</sup>

توسل به حضرت مهدی و دستگیری و لطف امام علیه السلام هم، یکی دیگر از برکات آن وجود مبارک است.

توسل به حضرت مهدی - به عنوان یکی از نزدیک ترین بندگان به خدا - می تواند مشکلات را برطرف کند؛ در گذشته افراد زیادی بوده اند که این امر را تجربه کرده و به خواسته هایشان رسیده و گرفتاری هایشان برطرف و از الطاف امام، بهره مند شده اند.<sup>۲</sup>

## ۲- وظیفه دینی، در دوران پیش از ظهور چیست؟

### مراجعه به عالمان دین شناس

با آغاز دوران غیبت، مسؤولیت و رسالت دینی امام، در حفظ مکتب و هدایت امت، بر عهده عالمان دین - به عنوان نایب و جانشین امام - نهاده شده است؛ شرح و تفسیر دین، به منظور پاسخ گویی به نیازهای موجود دین داران و بازگویی تعالیم به جای مانده از امامان، تنها به وسیله فقها امکان پذیر است. عالمان، با به کارگرفتن آگاهی های خود، از منابع اولیّه دین - که عبارت است از قرآن، سنت و عقل - کوشیده اند تا پاسخ های متناسب عصر را بیابند و با عرضه آنها، مسؤولیت خویش را انجام دهند.

### چگونگی نصب ولی فقیه از طرف حضرت مهدی علیه السلام

دین داران، بر اساس دستور مبارک امام زمان علیه السلام در دوره غیبت، باید به فقها مراجعه کنند؛

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. النجم الثاقب، باب مفتم.

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُؤَاةِ حَدِيثِنَا.»<sup>۱</sup> مردم در رویدادهای زمانه باید به راویان حدیث ما مراجعه کنند.

رجوع به عالمان دینی برای به دست آوردن تکالیف شرعی یکی از روشن ترین مسائل دین اسلام و مکتب شیعه بوده است؛ مردم از دوران امامان معصوم علیهم السلام می دانستند که مسائل حلال و حرام را با مراجعه به دین شناسان می توانند به دست آورند و این مسأله جدیدی نبود که نیاز به امر تازه ای داشته باشد؛ شیعیان در زمان حضور امام با توجه به دستورات و اجازه ایشان مسائل اجتماعی و حکومتی خود را حل می کردند و مشروعیت اعمال خود را از نظر امام جویا می شدند و مشکلی از این جهت نداشتند؛ ولی شیعیان در دوران غیبت کبری به هنگام رویارویی با حوادث و پیش آمدهای زندگی به چه کسی مراجعه کنند و تحت علم و پرچم چه افرادی قرار بگیرند؟ حدیث شریف در مقام بیان وظیفه شیعیان در این خصوص است؛ چرا که «حوادث واقعه» نیز بدین معناست نه به معنای مثلاً احکام طهارت و نجاست؛ پر واضح است که تعبیر حادثه در مورد این مسائل روزمره و پیش پا افتاده صحیح نیست.<sup>۲</sup>

بنابراین مسلمانان باید مواضع فکری و رفتاری خود را در رویدادهای زندگی، بر مبنای رهنمودهای آنان پایه گذاری کنند و لذا مسأله نیابت عامه امام زمان، در طول تاریخ شیعه، تحت عنوان مرجعیت مطرح بوده و هست و این نیابت هم در همه مناصبی است که امام دارد، نظیر فتوا، بیان احکام، قضا

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام، ص ۸۹.

و رهبری جامعه اسلامی؛ و ناگفته پیداست که کمالات معنوی ائمه، مانند ولایت تکوینی و علم غیب، نیابت بردار نیست.

### ۳- چه قرائتی از دین، صحیح است؟

از آنجا که قرآن کریم فرموده است:

«فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>؛ «اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید» و «لِيَتَّقُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ»<sup>۲</sup>؛ «باید عده‌ای هجرت کنند تا فقیه در دین شوند و مردم را انداز کنند».

و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرموده است:

«فَقَهَا جَانِشِيَان مِّنْ هَسْتَنَد»<sup>۳</sup>؛ و «امین پیامبرانند»<sup>۴</sup>.

پس تنها قرائت صحیح دینی، قرائتی است که از ناحیه عالمان دین و فقهای اهل بیت عرضه می‌شود؛ و این طور نیست که هر قرائتی صحیح باشد و ما مجاز باشیم به آن عمل کنیم؛ هرچند که این سخن، برخی روشن‌فکران را خوش نیاید.

### ۴- سکولارها چه می‌گویند و چرا با ولایت فقیه مخالفند؟

آنها خواهان سکولاریزم، یا جدایی دین از دولت و امور اجتماعی هستند؛ صراط‌های مستقیم و پلورالیزم یا تکثرگرایی را به جای صراط مستقیم و توحیدگرایی مطرح می‌کنند؛ آنها می‌گویند: همه دین‌ها حق هستند؛ چون به ایمان و اخلاق دعوت می‌کنند، ولی در مسائل جمعی، راهی جز پناه‌بردن

۱. سوره نحل، آیه ۴۳.

۲. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۳. وسائل الشیعه، کتاب قضاء، باب ۸، ح ۵۰.

۴. کافی، کتاب فضل علم، باب ۱۳، ح ۵.

به خردگرایی و مردم‌سالاری وجود ندارد. احکام شریعت و فقه، در عرصه اجتماعی حق دخالت ندارد و وقتی به فقه احتیاج نداشتیم، دیگر به فقیه هم نیازی نیست و از این جاست که با ولایت فقیه هم مخالفند؛ چون ولایت، مظهر و نماد دخالت دین در امور اجتماعی است و فرق ولی فقیه با مرجع تقلید نیز در این است که مرجع تقلید، در گذشته نمی‌توانست احکام دین را در اجتماع پیاده کند، اما ولی فقیه به دین‌شان اجتماعی بخشیده و احکام را در جامعه پیاده می‌کند و در این میان، سکولارها به احکام اجتماعی اسلام، نظیر ارث، دیات، حدود، حجاب، قصاص، امر به معروف، نهی از منکر، جهاد، ارتداد، نفاق و... انتقاد می‌کنند و تسامح و تساهل در امور دینی را ترویج کرده و اجرای احکام را خشونت می‌دانند؛ فساد را ترویج و در حقایق و باورهای دینی شبهه ایجاد می‌کنند. سکولارها معنایی که برای دین قبول دارند، همان جنبه ایمان به خدا و اخلاق صلح و مسالمت و عرفان است؛ لذا کتاب‌هایی نظیر کتب مولوی و حافظ، از کتاب‌های پرفروش در آمریکاست؛ چون خطری برای حکومت‌ها ندارد.

این نظر آن دسته از سکولارهایی است که دین را امر شخصی می‌دانند و می‌گویند: مردم آزادند ایمان داشته باشند؛ ولی گروهی معتقدند که دین آفیون توده‌هاست و اصل دین را متکرنند که البته آنها در زمره کافرانند.

اگر گفته سکولارها - که عقل را بالاتر از وحی می‌دانند - مبنی بر حقانیت همه ادیان، صحیح باشد، پس مسأله خاتمیت پیامبر ﷺ چه می‌شود؟

مگر نه این است که پیامبر اسلام، خاتم الانبیاست و تنها دین او حق است

و دین حق نزد خداوند، اسلام است<sup>۱</sup> و با آمدن اسلام، سایر دین‌ها باطل شده است و پیروان و سوسه‌های شیطانی، جهتمی هستند!<sup>۲</sup>

در این جا تذکر به نکته‌ای دیگر لازم است؛ آیا تمامی فقهای واجد شرایط، نماینده امام زمان هستند، یا بعضی؟ اگر همگی باشند، مشکل تعدد مراکز تصمیم‌گیری و هرج و مرج پدید می‌آید و در نتیجه، دین تضعیف می‌شود و از آن جا که اصل وجود امامت و رهبری برای ایجاد نظم است؛ لذا باید خبرگان و مطلعین از شرایط ولی فقیه، یک نفر را که ویژگی‌هایی نظیر فقاہت، عدالت، شجاعت، تدبیر و مدیریت را داراست، به مردم معرفی کنند.

حضرت مهدی علیه السلام که می‌آید، برای احیای دین و تصحیح انحراف‌ها و تحریف‌ها و آشکارکردن ارزش‌های فراموش شده دین و شرح احکام الهی و نابودی فرهنگ جاهلی تلاش می‌کند؛ علی علیه السلام فرمود:

«يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ؛ مهدی علیه السلام کتاب و سنت مرده و از میان رفته را زنده می‌کند».<sup>۳</sup>

در دوران غیبت کبری، حرکت جوامع اسلامی نیز باید در مسیر احیاء کتاب خدا و سنت رسول خدا باشد و این امر، تنها توسط نایب عام آن حضرت و ولی فقیه امکان پذیر است.

بنابراین کسانی که دنیا و زخارف آن چشمشان را پر کرد و در بند شهوت و مال اندوزی و رباگرفتار آمدند و فریفته تبلیغات معاویه‌های دوران گردیده و مرعوب نظام مدرنیسم شدند؛ درک عظمت حکومت امام زمان را ندارند و

۲. سوره ص، آیه ۸۵.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۲۸.



معنای آن رانمی فهمند؛ چرا که وجهه قلب آنها رو به دنیاست و چشمی که به چیز آلوده عادت کرد، دیگر نمی تواند پاکی ها را ببیند؛

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است      بر رخ او نظر از آینه پاک انداز  
پس آنچه حق نیست مخواه و مبین تا دیده حق بین داشته باشی؛

دیده آن باشد که باشد شه شناس      تا شناسد شاه را در هر لباس  
بر همین اساس اگر کسی معنای حکومت امام زمان را فهمید، معنای حکومت دینی را می فهمد و برای حاکمیت فقیه و نایب آن حضرت، سر و جان خود را فدا می کند؛ هر چند که حکومت ایده آل، فقط حکومت امام زمان است؛ اما ولی فقیه همواره تلاش می کند که پرچم نوکری و نمایندگی امام زمان را بر دوش بکشد؛ کسی که معنی حکومت امام زمان را فهمید، می فهمد که حکومت ولی فقیه، راه نزدیک شدن به حاکمیت ولی الله الأعظم است؛ لذا خود را در آن ذوب می کند و تبلیغات ظلمانی دوران غیبت، در او اثر نمی کند و می فهمد که انسان باید به کجا برسد و در سایه ولایت است که انسان به مقصد اصلی اش می رسد.

### ۵- چه وظیفه ای نسبت به حضرت مهدی داریم؟

الف. نگهداری ایمان و دین؛ با وجود دشواری های راه

مردمی که منتظر مصلح هستند، باید صالح باشند؛ در روایات، از امتحان دین داران در دوره غیبت، بسیار سخن به میان آمده است؛ ایمان و دین داری، در بوتۀ آزمایش گذاشته می شود و مردم به اصالت ایمان و استقامت در دین خود، سنجیده می شوند که البته این آزمایش های دینی در همه عصرها و برای همه نسل ها بوده و خواهد بود؛ قرآن می فرماید:



«أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛<sup>۱</sup> «آیا مردم پنداشتند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

آری این آزمایشات که در همه دوره‌ها بوده و خواهد بود، در دوران غیبت مشکل‌تر است و تحمل بیشتری طلب می‌کند؛ چون غیبت به درازا می‌کشد و افکار و دعوت‌های باطل و انحرافی در میان مسلمانان پدید می‌آید و گروهی گمراه می‌شوند؛ امام علی علیه السلام فرمود:

«به سبب غیبت مهدی علیه السلام سردرگمی به وجود می‌آید؛ گروهی گمراه می‌شوند و گروهی بر هدایت می‌مانند».<sup>۲</sup>

در این دوران، شرایطی به وجود می‌آید و اوضاعی حاکم می‌گردد که نگه‌داشتن دین، بسیار دشوار می‌شود و بیشتر مردم به انگیزه‌های مختلف، ایمان دینی خویش را از دست می‌دهند؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

«مردمان را می‌نگری که در کنار نهادن امر به معروف و نهی از منکر همراه می‌شوند و نسبت به آن ناباورند».<sup>۳</sup>

آشکار شدن اختلاف‌ها و فتنه‌های فکری و پیدایش آراء و مسلک‌های گوناگون در حوزه اندیشه و باورهای دینی، تردید و یأس می‌آفریند و در گرایش‌ها سستی پدید می‌آورد؛ امام باقر فرمود:

«و اختلاف شدید بین الناس و تشتت فی دینهم»؛<sup>۴</sup> و اختلاف شدید میان مردم رخ دهد و در دین خود پراکنده می‌شوند».

امام صادق فرمود:

۱. سوره عنکبوت، آیه ۲. ۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹. ۴. غیبت، ص ۲۳۵.

«مردمان را می‌نگری که به پیروی از مرام یکدیگر می‌پردازند و به بدکرداران اقتدا می‌کنند و حق و راه آن را می‌نگری که بی‌رهروست»<sup>۱</sup> و فرمود:

«اسلام، مانند پوستین وارونه پوشیده شود»<sup>۲</sup>.

به هر حال در این شرایط، افرادی هستند که در جهت حفظ دین و ایمان خود گام برمی‌دارند؛ ولی در این راه، تمام سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرده و به همه ناملایمات تن در می‌دهند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر یک از آنان اعتقاد و دین خویش را با سختی نگاه می‌دارد؛ چنان‌که گویی خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می‌کند یا آتش شعله‌ور را در دست نگه می‌دارد»<sup>۳</sup>.

بنابراین اگر دین‌داران در برابر رخ‌داده‌ها، بر نگه‌داشتن ایمان خود استقامت نورزند و با اراده قوی، سختی‌ها و تنگناها را تحمل نکنند یا از دیانت خود، شعور درستی نداشته باشند، در زمره دین‌داران واقعی نخواهند بود؛ امام صادق فرمود:

«لابد للناس أن يمحصوا و يميزوا و يغربلوا و يخرج في الغربال خلق كثير»<sup>۴</sup> ناگزیر مردمان امتحان می‌شوند و از هم تمیز می‌یابند و غربال می‌شوند و بسیاری از غربال بیرون می‌روند (در امتحان موفق نمی‌شوند).

با این وجود، ویژگی‌های سخت عصر غیبت، موجب می‌شود که دین‌داران واقعی به رتبه و مقامی والا در بینش دینی برسند؛ امام صادق فرمود:

«قال النبي صلی الله علیه و آله يا علي! واعلم ان اعظم الناس يقيناً قوم يكوثون

۲. نهج البلاغه، خطبه، ۱۰۳.

۴. همان، ص ۱۱۴.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

فی آخر الزمان لم يلحقوا النبي وحبب عنهم الحجّة فأمّتوا بسواي  
 علی بیاض؛<sup>۱</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی! بزرگ‌ترین مردمان در  
 ایمان و یقین، کسانی هستند که در واپسین روزگار می‌زیند؛ پیامبرشان را  
 مشاهده نکرده و امامشان پنهان است، ولی به سبب خواندن خطی بر  
 روی کاغذ، ایمان می‌آورند».

انسان دین‌دار صدر اسلام، عقاید خود را از پیامبر خدا می‌گرفت؛ رسول  
 الله را می‌دید و از روش و منش او الهام می‌گرفت و این امر، پذیرش را آسان  
 می‌کرد؛ ولی انسان دین‌دار کنونی، از تمامی دریافت‌های حسی به دور است  
 و بر اساس عقل خود، پیامبر و امام را می‌شناسد و به آنها ایمان می‌آورد.  
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«برادران من کسانی هستند که پس از شما (اصحاب) می‌آیند؛ به من  
 ایمان می‌آورند؛ مرا دوست دارند و یاری می‌کنند و به من ایمان  
 می‌آورند در حالی که مرا ندیده‌اند».<sup>۲</sup>

دین‌داری در عصر غیبت، ایمان افزون‌تری می‌طلبد؛ چرا که ایمان به  
 پیامبر و امامان و غیبت مهدی - به نوبه خود - ایمان به غیب است و لذا امام  
 سجاد علیه السلام، انسان عصر پیش از ظهور را، از مردم همه زمان‌ها برتر می‌داند؛<sup>۳</sup>  
 چنان‌که فرمود:

«به درستی که مردمان زمان غیبت مهدی که امامتش را باور دارند و منتظر  
 ظهور اویند، از مردمان همه زمان‌ها برترند؛ زیرا چنان عقل‌ها و فهم‌ها،  
 آنان را قوت بخشیده که غیبت، نزد آنان همچون دیدن است؛ آنان به حق  
 اخلاص دارند».<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۳۰۸.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. ر.ک: مجله حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱.

۴. کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۳۲۰.

ب. در خواست معرفت امام

امام صادق علیه السلام فرمود:

«واجب‌ترین فریضه بر انسان، شناخت خداوند و پس از آن، پیامبر و سپس، امام است که به صفت و راهش، در حال سختی و راحتی اقتدا نمایی»<sup>۱</sup>.

معرفت، در اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ در دعاهای مأثوره نیز طلب معرفت بخش عمده‌ای را به خود اختصاص داده است؛ در دعا می‌خوانیم که:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْتَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَّيْتُ عَنْ دِينِي<sup>۲</sup>؛ خداوند! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم؛ خداوند! پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسانی، حججت را نمی‌شناسم؛ خداوند! حججت خود را به من بشناسان که اگر حججت را نشناسانی، از دین، گمراه می‌شوم».

بنابراین عدم معرفت امام، باعث گمراهی است؛ لذا باید همواره به یاد امام باشیم و یا شرکت در جلسات مذهبی و تشکیل جلساتی به نام حضرت و دعوت از سخنرانان و مطالعه کتب مفید، معرفت دینی خود را افزایش دهیم و با توبه از گناهان و کسب طهارت و خودسازی، زمینه ایجاد معرفت را برای

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. اصول کافی، کتاب الحجّة؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۶۶ و مصباح المتهجد.

خود فراهم ساخته و با ذکر فضایل و مناقب آن حضرت، علاقه و محبت خود را به ایشان اظهار نماییم.

### ج. دعا نمودن برای سلامتی امام

از جمله دعا‌های وارده در این زمینه، دعای معروف و مبارک «اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحَجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ» است<sup>۱</sup>؛ ما همواره باید از خداوند بخواهیم که آن وجود مبارک را از بلاها و آفات، حفظ نموده و در ظهور و فرج او تعجیل فرماید.

### د. قرائت قرآن و نماز به نیابت حضرت و صدقه دادن برای سلامتی ایشان

سید بن طاووس، در کتاب کشف المحجّه، به فرزندش سفارش کرده که: «در پیروی و وفاداری به آن حضرت، به گونه‌ای باش که خدا و رسول و ائمه از تو می‌خواهند؛ حاجات آن بزرگوار را بر خواسته‌های خود مقدم کن؛ هنگامی که نمازهای حاجت را به جا می‌آوری، صدقه دادن برای حضرت را، پیش از صدقه دادن برای خودت و عزیزانت قرار ده و دعا کردن برای آن حضرت را مقدم بدار که سبب می‌شود به سوی تو توجه فرموده و احسان نماید».

انسان عاشق، فکر و ذکرش وصال معشوق است و از غم هجران او می‌سوزد و صبح و شام ندارد؛ امام صادق علیه السلام فرمودند:

«فتوقعوا الفرج صباحاً و مساءً؛ باید صبح و شام، به انتظار فرج

باشید»<sup>۲</sup>.

و باز فرمودند:

۱. مفاتیح الجنان، اعمال شب قدر، ص ۲۲۵. ۲. کمال الدین، ص ۳۳۷.

«کسی که در حال انتظار بمیرد، مانند کسی است که در خیمه آن حضرت،  
مرده است»<sup>۱</sup>.

انتظار فرج، تمرین و ریاضت نفس است و به انسان تمرکز حواس و امیدواری می‌دهد که در آینده نزدیک، مشکلات به دست مهدی منتظر برطرف می‌گردد و باید در خود آمادگی و لیاقت به وجود آورده و خانواده و جامعه را اصلاح نماییم؛ زیرا کسی که منتظر مصلح است، باید صالح باشد.

انتظار فرار رسیدن روزی که قدرت اسلام جهانگیر شود و بی‌کاری و بیماری و مشکلات، از جامعه رخت بریندد و اظهار ناراحتی و نگرانی از این که همه را می‌بینیم ولی امام را نمی‌بینیم؛ صدای دیگران را می‌شنویم ولی صدای امام را نمی‌شنویم و ناراحتی از این که یوسف فاطمه را می‌بینند ولی نمی‌شناسند تا روزی که خود را معرفی کند. افراد وقتی وسیله‌ای را گم می‌کنند غمگین می‌شوند و در طلب آن هستند، ما چگونه ناراحت نباشیم، در حالی که از فیض حضورش محروم هستیم و فتنه‌ها ما را فرا گرفته است؟

#### ه خواندن زیارت امام

خواندن زیارت‌هایی نظیر «زیارت آل یاسین»، «زیارت سلام الله الكامل» و «دعای عهد» و «زیارت جامعه کبیره» که همگی در جایگاه رفیعی قرار دارند و توسل و استمداد و استغاثه به امام در هنگام سختی‌ها و مرض‌ها و درخواست حل مشکلات و رفع بلاها؛ با توجه به این مطلب که حضرت در همه جا حاضر و ناظر و دانا و تواناست؛ همان‌طور که خود حضرت، به شیخ مفید نوشتند:

۱. کشف الغم، ج ۳، ص ۴۵۷.

«ما به آنچه بر شما می‌گذرد آگاهی داریم و هیچ چیزی از اخبار شما از علم ما غایب نمی‌باشد... ما شما را به حال خود وا نمی‌گذاریم و فراموشتان نمی‌کنیم؛ و اگر چنین نباشد، گرفتاری‌ها بر شما نازل و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کنند»<sup>۱</sup>.

### و. رعایت حقوق امام و پرداخت خمس

از دیگر وظایف ما، رعایت حقوق امام علیه السلام و پرداخت خمس و داشتن حساب سال و رعایت حقوق مردم و حقوق کسانی که با امام نسبت دارند، مثل سادات و علمای دین می‌باشد.

### ز. قیام، هنگام ذکر نام «قائم»

چنان که وقتی دعبل خزاعی - شاعر قرن سوم هجری - قصیده تائیه را در محضر امام رضا خواند:

فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْ غَدٍ      تَقَطَّعَ نَفْسِي أَثْرَهُمْ حَسْرَاتٍ  
خُرُوجِ إِمَامٍ لَامِحَالَةٍ وَاقِعٍ      يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ  
يُمَيِّزُ فِينَا كَلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ      وَ يَجْزِي عَلَى النُّعْمَاءِ وَ النُّقْمَاتِ؛

یعنی اگر آنچه را امروز یا فردا امید وقوع آن را دارم، نمی‌بود، دلم از اندوه و حسرت بر اهل بیت، پاره پاره می‌شد؛ ولی امید قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهد کرد؛ با نام خدا و همراه با برکات الهی قیام می‌نماید؛ او حق و باطل را جدا می‌کند و پاداش و کیفر می‌دهد؛<sup>۲</sup> وقتی به این بیت رسید که

۱. فَإِنَّا نَحِيظُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ... انا غير مهملين لمراعاتكم ولاناسين لذكركم ولولا ذلك لنزل بكم الأواء واصطلمكم الأعداء. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. الغدير، ج ۲، ص ۲۴۷.



خروجِ إمامٍ لامحالة واقع يقوم على اسم الله بالبركات  
 حضرت رضا علیه السلام برخاستند و سر مبارک را خم کرده و کف دست راست را  
 روی سر گذارده و عرضه داشتند: «اللهم عجل فرجة و سهل مخرجة».  
 وقتی که دعبل این اشعار را در محضر امام رضا علیه السلام خواند، امام فرمود:  
 ای دعبل! این اشعار را روح القدس بر زبان تو جاری ساخت؛ آنگاه  
 فرمود: آیا می دانی آن امام کیست؟ دعبل عرض کرد: نمی دانم، فقط  
 شنیده ام که آن امام از دودمان شماست و خروج می نماید و زمین را پر از  
 عدل و داد می سازد؛ امام فرمود: ای دعبل! بعد از من، پسر من محمد  
 (جواد) و بعد از او، پسرش علی (هادی) و بعد از او، پسرش حسن  
 (عسکری) و پس از حسن، پسرش حجت قائم است که در غیبت او،  
 انتظارش را می برند؛ اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز  
 را به قدری طولانی می سازد تا قائم خروج کند و زمین را پر از عدل  
 سازد، چنانکه پر از جور شده است»<sup>۱</sup>.

## ۶- بهترین دعا در ارتباط با حضرت مهدی کدام است؟

بهترین دستور مناجاتی که برای ما رسیده، دعای ندبه است که سند و  
 متن بلندش، بهترین گواه صحت صدور آن است و دعای ندبه شامل سه  
 قسمت است:

- ۱- مناجات با خدا و بازگو کردن اعتقادات؛
- ۲- سراغ محبوب را گرفتن و با سفر روحی، سراسر دنیا را گشتن و «این  
 الحسن این الحسین، این أبناء الحسین، این بقیة الله» گفتن؛

۱. الفصول المهمة، ص ۲۵۱؛ منتخب الأثر، ص ۲۲۱.



۳- بیان شدت محبت و علاقه به حضرتش و ادای کلماتی چون «بأبي أنت و أمي و نفسي لك الوقاء و الحمى؛ پدر و مادر و جانم حامی و فدای تو بادا» که با بیان این جملات، گویا ناگهان محبوب را در گوشه‌ای پیدا کرده و به او خطاب می‌کند: آقا، جانم فدای تو!

### ۷- آیا با ظهور حضرت مهدی، همه چیز به سرعت درست می‌شود؟

کسانی که فکر می‌کنند با قیام مهدی همه چیز روبه‌راه می‌شود و بدون هیچ زنج و جهادی، مصائب انسان رفع و مشکلات حل می‌گردد و همه قدرت‌های شیطانی از پای درمی‌آیند و سپس جهانی آماده و مرفه را به آنها عرضه می‌دارند؛ این کسان در اشتباهند؛ اینان منتظر واقعی نیستند؛ کسانی که عمری به تن‌آسایی گذراندند و نوعی مقدس‌مآبی پیشه کردند، فکر می‌کنند که اگر روز ظهور فرا رسد، جهان به سرعت برق درست می‌شود و محل امنی برای تن‌پروری آنان فراهم می‌شود؛ در این جا باید گفت که آنان سخت در اشتباهند و این مطلب با گفته امامان، مطابقت ندارد.<sup>۱</sup>

راوی گوید:

«خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند: مهدی که قیام می‌کند، کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه یک حجامت، خون نمی‌ریزد؛ امام فرمود: چنین نیست؛ به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود که کارها برای کسی خود به خود درست شود، برای پیامبر درست می‌شد؛ هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت؛ هرگز چنین نیست که کارها خود به خود درست شود. به خدا سوگند! کار

درست نخواهد شد تا این که ما و شما عرق در عرق و خون شویم. آنگاه امام به علامت پاک کردن عرق، دست به پیشانی مبارک کشید.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم خروج کند، خون است و عرق ریختن و سوار مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه و قائم جز جامه‌ی خشن نخواهد پوشید و جز خوراک ساده نخواهد خورد».<sup>۲</sup>

### ۸ - حضرت مهدی در چه مکان‌هایی بیشتر حضور دارند؟

آنچه از روایات به دست می‌آید این است که امام در شهر و یا مکان خاصی سکونت ندارند؛ بلکه به اماکن مختلف مسافرت می‌کنند؛ در هر دوره‌ای در محلی زندگی می‌کنند، به نحوی که شناخته نشوند.

در نامه حضرت مهدی به محمد بن ابراهیم بن مهزیار آمده:

«ای فرزند مهزیار! پدرم - ابا محمد - با من پیمان بسته که با مردمی که مورد غضب خدا قرار گرفته‌اند همسایه نشوم و به من دستور داد جز در دامنه‌های پر نشیب کوه‌ها و خرابه‌های شهرها در جایی سکونت نگزینم؛ پس من در حال تقیه‌ام تا روزی که به من فرمان خروج داده شود؛ آنگاه قیام می‌کنم».<sup>۳</sup>

اما در عین حال حضرت در بعضی اماکن، بیشتر حضور دارند که عبارت است از:

۲. همان، ج ۵۲ ص ۳۵۹.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۳. غیبت، ص ۱۸۳.

## ۱. حضور همه ساله در مراسم حج

امام رضا علیه السلام فرمود:

«إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ؛ حَضْرَتِ مَهْدِي فِي

مَوْسِمِ حَجِّ حَاضِرٌ مِي شُود وَ هَمَّةُ أَعْمَالٍ رَا أَنْجَامٌ مِي دَهْد وَ دَرِ عَرَفَةَ نِيْزِ

وَقُوفٍ مِي كُنْد وَ دَعَايِ مُؤْمِنَانِ رَا آمِينَ مِي گويد.»<sup>۱</sup>

محمد بن عثمان عمري - که یکی از وکلای چهارگانه امام، در دوره غیبت

صغری است - می گوید:

«وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ؛ يَرَى النَّاسَ وَ

يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ؛ بِهِ خُدا سُوگُند که صَاحِبِ الزَّمَانِ دَرِ

مَوْسِمِ حَجِّ، هَمَّةُ سَالِهٖ حَضْرُورٍ پيدا مِي كُنْد وَ مَرْدَمِ رَا مِي بِيْنْد وَ

مِي شِنَاسَد؛ وَلِي مَرْدَمِ اَوْ رَا مِي بِيْنْد، اَمَّا نَمِي شِنَاسَنْد.»

بنابراین حضرت هر سال در حج حضور دارد و با حاجیان معاشرت می کند

و با خواص آنها به گفتگو می نشیند و آموزش ها و دعاهایی به آنها می آموزد و

جایی که خطری نیست، خود را به آنها می شناساند؛ در طول دوران حج،

ساکن آن دیار مقدس است و بخشی از ملاقات های علاقمندان در آن جا

صورت گرفته است.

## ۲. حضور در کربلا

بخشی از ملاقات هایی که با حضرت صورت گرفته در کربلا تحقق یافته

است؛ از جمله قضیه ای که درباره ابن سوره - معروف به محمد بن حسن بن

عبدالله تمیمی - نقل شده است که امام مهدی در سفر کربلا به کوفه، با وی رفیق می‌شود و حواله‌ای به او می‌دهد که مقدار مالی را که پیش علی بن یحیی رازی موجود است بگیرد و به صورت رمزی نشانی‌های خود را به وی می‌دهد.<sup>۱</sup>

همچنین حکایت شیخ مرتضی انصاری و آیه الله شیخ اسماعیل نمازی و دهها نفر دیگر که در حرم امام حسین علیه السلام تشرّف یافته‌اند، مؤید مطلب است.<sup>۲</sup>

### ۳. نجف، مسجد کوفه و سهله

در کنار تربت امیرالمؤمنین و مسجد سهله و کوفه نیز ملاقات‌هایی به وقوع پیوسته است؛ در کتاب‌هایی که به شرح تشرّفات و دیدارها پرداخته، از مسجد سهله و کوفه زیاد نام برده شده؛ ملاقات مقدّس اردبیلی، علامه بحر العلوم، آیه الله نجفی و شیخ محمد تقی آملی و بسیاری دیگر، در مسجد کوفه و سهله صورت گرفته که معمولاً پس از چهل شب چهارشنبه یا پیش از آن موفق به دیدار جانان و قبله مقصود شده‌اند.<sup>۳</sup>

### ۴. مدینه النبی صلی الله علیه و آله

مدینه طیّبه یکی دیگر از جاهایی است که حضرت مهدی آن را برای سکونت اختیار می‌کند؛ چرا که تعدادی از دیدارها در مدینه صورت گرفته که در کتب موجود است؛ همچنین جمله‌ای که در دعای ندبه آمده به این مطلب

۱. غیبت، ص ۱۶۳ - ۱۸۱.

۲. توجّهات ولی عصر به علماء و مراجع، ص ۱۴۶ - ۱۵۵.

۳. همان.

اشاره دارد؛ آن جا که می فرماید:

«لیت شعری این استقرت بک النوی بل أي أرض تقلک أو ثری  
أبرضوی أو غیرها أم ذی طوی؛ ای کاش می دانستم در کجا دل‌ها به  
دیدار تو آرامش می یابد و در کدام سرزمین اقامت داری؛ در سرزمین  
رضوی یا غیر آن یا در ذی طوی؟».

ذی طوی نام کوهی در یک فرسخی مکه است که عبادتگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
بوده است ولی اکنون جزء شهر مکه قرار گرفته است و رضوی نام کوهی در  
اطراف مدینه است.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«صاحب این امر را چاره‌ای از کناره‌گیری نیست و در این دوران باید از  
نیروی برخوردار باشد؛ با داشتن سی نفر همراه، دیگر تنهایی و دل‌تنگی  
نخواهد داشت و طیبه جایگاه خوبی است».<sup>۱</sup>

در این روایت، مکان استقرار حضرت را طیبه می‌داند که منظور، همان  
مدینه طیبه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است.

#### ۵. مسجد جمکران قم

یکی از مکان‌هایی که به دستور حضرت مهدی علیه السلام بنا شده و حدود هزار  
سال است که مورد توجه عشاق قرار گرفته، مسجد صاحب الزمان است که در  
کنار روستای جمکران واقع شده و از نظر اهمیت، پس از مسجد سهله قرار  
دارد.

در مورد بنای این مسجد، حضرت فرمودند که «مردم نسبت به آن اشتیاق  
نشان دهند» و این توصیه چنان قداستی به مسجد بخشیده که آن را تبدیل

به میعادگاه عاشقان و شیفتگان مهدی علیه السلام در هر شب چهارشنبه و جمعه نموده است؛ انجام دو رکعت نماز تحیت و دو رکعت نماز امام زمان،<sup>۱</sup> موجب صفای روح و دست یابی به حوائج است.

مؤسس حوزه علمیه قم - حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله - وقتی از جهت پرداخت شهریه طلاب که مجموع آن ۷۵۰ تومان بود، به مشکل برخورد کرده بود، در جواب مرحوم شیخ محمد تقی بافقی که از وضع شهریه سؤال نمود، فرمود: جز توکل، چیزی در دست نیست؛ آقای بافقی شب جمعه به مسجد جمکران می‌رود و بعد از نماز مغرب، خطاب به حضرت عرضه می‌دارد: یا صاحب الزمان! مگر اینها شاگردان شما نیستند؛ چرا نفرستادی؟ بین الطلوعین همان روز، درب خانه مرحوم آیه الله حائری را می‌زنند؛ ایشان می‌بیند یک بازاری تهرانی می‌گوید این وجه را خدمت شما آوردم؛ وقتی می‌شمارد، می‌بیند که همان ۷۵۰ تومان است!

مطلب فوق را مرحوم آیه الله العظمی اراکی و آیه الله اشتهاردی نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>

این مسجد همواره مورد توجه بزرگان حوزه علمیه بوده و هست؛ بزرگانی چون آیات عظام سید محمد تقی خوانساری، بروجردی، حجت، گلپایگانی و... در این زمینه دست‌نوشته‌هایی وجود دارد که دال بر اهمیت موضوع است.

### ۶. مشهد مقدس

حضرت برای زیارت جد بزرگوارش - امام رضا علیه السلام - به مشهد می‌روند و در

۱. مفاتیح الجنان، نماز امام زمان.

۲. مسجد جمکران، تجلی‌گاه صاحب الزمان.

آن جا حضور می یابند؛ بعضی از تشریفات هم در آن جا صورت گرفته است.

#### ۷. سرداب غیبت، در سامرا

آن جا منزل مسکونی جد بزرگوار و پدر گرامی حضرت بوده و غیبت هم از آن جا آغاز شده؛ حضرت برای زیارت پدر و مادر معظم خود به آن جا تشریف می برند و برخی از دستگیری ها نیز در آن جا صورت پذیرفته است.

#### ۹- جزیره خضرا افسانه است یا واقعیت؟

برای روشن شدن موضوع بهتر است ابتدا سراغ اصل داستان جزیره خضرا رفته و سپس به پرسش فوق پردازیم؟

علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار<sup>۱</sup> می نویسد: رساله ای یافتم مشتمل بر داستان مشهور جزیره خضرا در آبهای سفید که خواستم آن را در این کتاب نقل کنم؛ زیرا مشتمل بر داستان کسی است که خدمت آن حضرت (مهدی علیه السلام) رسیده است؛ این داستان در کتاب های معتبر وجود نداشت؛ لذا آن را در بخش جداگانه ای آوردم؛ داستان این گونه است.

#### داستان جزیره خضرا

مرحوم مجلسی می نویسد:

در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف رساله ای خطی یافتم که مشهور به «داستان جزیره خضرا» بود؛ مؤلف آن رساله خطی، شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی امامی است؛ این مرد، داستان جزیره خضرا را از دو نفر به نام های شیخ شمس الدین و شیخ جلال الدین، در حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام در سال ۶۹۹ هـ ق شنیده است که آن دو نفر، داستان را از قول

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

زین الدین علی بن فاضل مازندرانی نقل کرده‌اند؛ پس او علاقه پیدا کرد که داستان را از خود علی بن فاضل مازندرانی بشنود و در صدد پیدا کردن او برآمد تا این که علی بن فاضل در اوایل ماه شوال همان سال، به شهر حله سفر کرد و مؤلف این رساله خطی او را در منزل سید فخرالدین ملاقات کرد و از او خواهش نمود که آنچه را برای آن دو نفر (شیخ شمس الدین و شیخ جلال الدین) نقل کرده است، برای او هم بیان کند و او چنین گفت:

«من در دمشق، خدمت شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدین علی اندلسی به تحصیل علوم اشتغال داشتم. شیخ زین الدین مردی خوش نفس و نسبت به شیعه و علمای امامیه خوش بین بود و به آنها احترام می‌گذاشت. مدتی از محضرش استفاده نمودم؛ پس چنین اتفاق افتاد که عازم سفر مصر شد و چون خیلی به یکدیگر علاقه داشتیم، تصمیم گرفت که مرا نیز به همراه خود به مصر ببرد؛ با هم به مصر رفتیم و در شهر قاهره اقامت گزیدیم؛ مدت نه ماه در آن جا به بهترین وجه زندگی کردیم؛ در یکی از روزها، نامه پدرش به دستش رسید که نوشته بود: شدیداً بیمارم و آرزو دارم قبل از مرگ، تو را ملاقات نمایم.

استاد از نامه پدر گریه کرد و تصمیم گرفت که به اندلس سفر کند؛ من در این سفر با او همراه شدم؛ هنگامی که به اولین قریه جزیره رسیدیم من شدیداً بیمار شدم به حدی که قادر به حرکت نبودم؛ استاد از وضع من بسیار ناراحت شد و مرا به خطیب قریه سپرد که از من پرستاری کند و خودش به سوی شهرش حرکت نمود؛ بیماری من سه روز طول کشید؛ سپس عالم رو به بهبود رفت؛ از منزل خارج شدم و در کوچه‌های قریه به گردش پرداختم؛ در آن جا قافله‌هایی را دیدم که از کوهستان آمده و اجناسی را با خود آورده بودند؛ از احوالشان جويا شدم؛ در جوابم گفته شد: اینها از سرزمین بربر



می آیند که نزدیک جزایر رافضی هاست؛ وقتی نام جزایر رافضی ها را شنیدم، مشتاق شدم که آن جا را ببینم؛ گفتند: از این جا تا آن جزایر، به اندازه ۲۵ روز راه، فاصله است که به مقدار دو روز از راه آب و آبادانی وجود ندارد؛ برای پیمودن آن مسیر دو روزه، مرکبی را کرایه کردم و بعد از آن، پیاده حرکت نمودم؛ رفتم تا به جزایر رافضی ها رسیدم.

اطراف جزیره، با دیوارهایی محصور بود و برج های محکم و بلندی داشت؛ وارد مسجد شهر شدم؛ مسجد بسیار بزرگی بود؛ صدای مؤذن را شنیدم که به روش شیعیان اذان می گفت و بعد از آن، برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دعا کرد؛ از خوشحالی گریه ام گرفت؛ مردم به مسجد آمدند و همانند شیعیان وضو گرفتند؛ مرد خوش سیمایی وارد مسجد شد و به سوی محراب حرکت کرد؛ همه مشغول نماز جماعت شدند؛ بعد از فراغ از نماز و تعقیبات، از احوال من جو یا شدند؛ شرح حالم را بیان کردم؛ گفتم عراقی الاصل هستم.

آنها وقتی فهمیدند که من شیعه هستم، مرا احترام کردند و در یکی از حجرات مسجد، جایی برایم معین کردند؛ امام مسجد نیز به من احترام می گذاشت.

در یکی از روزها به او گفتم: شما خوراک و آذوقه از کجا می آورید؛ من که در این جا زمین مزروعی نمی بینم؟! گفت: طعام اینها از جزیره خضرا که در بین بحر ابیض (دریای سفید) واقع شده است، می آید؛ غذای اینها هر سال در دو نوبت، به وسیله کشتی از جزیره وارد می شود. گفتم: چقدر طول می کشد تا کشتی بیاید؟ گفت: چهار ماه؛ من از طول مدت، ناراحت شدم ولی خوش بختانه بعد از چهل روز، کشتی ها وارد شدند؛ هفت کشتی - یکی پس از دیگری - وارد شد.

از کشتی بزرگ، مرد نیکو صورتی پیاده شد؛ به مسجد آمد و چون شیعیان

وضو گرفت و نماز ظهر و عصر را خواند؛ بعد از فراغ از نماز، متوجه من شد و سلام کرد و اسم خودم و پدرم را ذکر کرد؛ از این حادثه تعجب کردم؛ گفتم: شاید در سفر از شام تا مصر، یا از مصر تا اندلس، با اسم من آشنا شده‌ای؛ گفتم: نه، بلکه نام تو و پدرت و شکل و قیافه و صفاتت به من رسیده است؛ من تو را به همراه خود، به جزیره خضرا خواهم برد.

وی یک هفته در آن جا توقف کرد و بعد از انجام کارهای لازم، با هم حرکت نمودیم؛ بعد از این که مدت شانزده روز، در دریا حرکت کردیم، در وسط دریا، آب‌های سفیدی نظر مرا جلب کرد؛ آن شیخ که نامش محمد بود به من گفت: چه موضوعی نظرت را جلب کرده است؟ گفتم: آب‌های این نقطه، رنگ دیگری دارد؟ گفت: این جا دریای سفید است و این هم جزیره خضرا؛ چنین است که کشتی‌های دشمنان، اگر بخواهند به این نقطه، نزدیک شوند - به برکت صاحب الزمان علیه السلام - غرق می‌گردند.

مقداری از آب‌های آن نقطه را خوردم؛ مانند آب فرات، شیرین و گوارا بود. بعد از این که آب‌های سفید را پیمودیم، به جزیره خضرا رسیدیم؛ از کشتی پیاده و وارد شهر شدیم؛ شهری آباد و پر از درختان میوه که بازارهای زیادی داشت؛ پر از اجناس. اهالی شهر، با بهترین وجه، زندگی می‌کردند؛ دلم از دیدن چنین مناظر زیبایی، لبریز شادمانی شد.

رفیقم - محمد - مرا به منزل خودش برد و بعد از استراحت، به مسجد جامع بزرگ رفتیم؛ در مسجد، جماعت زیادی بودند و در بین آنها شخصی بزرگ و با ابهت بود که نمی‌توانم ابهت و جلالش را توصیف کنم؛ نامش سید شمس‌الدین محمد بود؛ مردم در نزد وی علوم عربی و قرآن و فقه و اصول دین را می‌خواندند؛ هنگامی که خدمتش رسیدم، به من خوش آمد گفت؛ نزدیک خودش نشاند؛ احوال پرسید و گفت: من شیخ محمد را به سراغ تو

فرستادم؛ سپس دستور داد در یکی از حجرات مسجد، جایی برایم تهیه کردند؛ در آن جا استراحت می‌کردم و غذا را با سید شمس‌الدین و اصحابش صرف می‌کردیم مدت هیجده روز بدین صورت گذشت.

در اولین جمعه‌ای که برای نماز حاضر شدم، دیدم که سید شمس‌الدین، نماز جمعه را دو رکعت و به قصد وجوب خواند؛ از این موضوع تعجب کردم؛ سپس به طور خصوصی، به سید شمس‌الدین گفتم: مگر زمان حضور امام است که نماز را به قصد وجوب می‌خوانی؟! گفت: نه، امام حاضر نیست؛ لکن من نایب خاص او هستم؛ گفتم: آیا تاکنون امام زمان علیه السلام را دیده‌ای؟ گفت: ندیده‌ام؛ لیکن پدرم می‌گفت: که صدایش را می‌شنیده ولی خودش را نمی‌دیده است؛ اما جدّم، هم صدایش را می‌شنیده و هم خودش را می‌دیده است.

گفتم: آقای من! علت چیست که بعضی افراد او را می‌بینند و بعضی نه! گفت: این لطفی است که خداوند متعال، نسبت به بعضی از بندگان دارد؛ سپس سید دست مرا گرفت و به خارج شهر برد؛ باغ‌ها و بوستان‌ها و نهرها و درختان فراوانی را مشاهده کردم که در عراق و شام، نظیرش را ندیده بودم. به هنگام گردش، مرد خوش‌سیمایی به ما برخورد نمود و سلام کرد؛ به سید گفتم: این شخص که بود؟ گفت: آیا این کوه بلند را می‌بینی؟ گفتم: آری؛ گفت: در وسط این کوه، مکانی زیبا با چشمه‌آبی گوارا در زیر درختان وجود دارد و در آن جا گنبدی است که از آجر ساخته شده است و این مرد با رفیق دیگرش، خادم آن قبه و بارگاه می‌باشند؛ من هر صبح جمعه به آن جا می‌روم و زیارت امام زمان علیه السلام را می‌خوانم و پس از خواندن دو رکعت نماز، کاغذی را می‌یابم که تمام مسائل مورد نیازم در آن نوشته شده است؛ سزاوار است تو نیز به آن جا بروی و امام زمان را در آن قبه، زیارت کنی.

پس من به سوی آن کوه حرکت نمودم؛ قبه را همان طور یافتیم که برایم توصیف نموده بود؛ همان دو خادم را در آن جا دیدم؛ خواستار ملاقات امام زمان علیه السلام شدم؛ گفتند: غیر ممکن است و ما اجازه نداریم؛ گفتم: پس برایم دعا کنید؛ قبول کرده و برایم دعا کردند.

سپس از کوه پایین آمدم و به منزل سید شمس الدین رفتم؛ او در منزل نبود؛ به خانه شیخ محمد که در کشتی با من بود رفتم و جریان کوه را برایش تعریف کردم و گفتم: آن دو خادم، به من اجازه ملاقات ندادند؛ شیخ محمد به من گفت: هیچ کس حق ندارد به آن مکان برود مگر سید شمس الدین؛ او از فرزندان امام زمان علیه السلام می باشد؛ بین او و امام زمان، پنج پدر فاصله است و او نایب خاص امام زمان می باشد.

بعد از آن از سید شمس الدین اجازه خواستم که بعضی از مسایل مشکل دینی را از او نقل کنم و قرآن مجید را نزدش بخوانم تا قرائت صحیح را به من یاد بدهد؛ گفت: اشکال ندارد؛ ابتدا قرآن را شروع کن؛ در بین قرائت، اختلاف قاریان را ذکر می کردم؛ سید به من گفت: ما اینها را نمی شناسیم. قرائت ما مطابق قرآن علی بن ابی طالب علیه السلام است. آنگاه داستان جمع آوری قرآن به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام را بیان نمود؛ گفتم: چرا بعض آیات قرآن، ربطی به ماقبل و مابعدشان ندارند؟ گفت: آری، چنین است و سپس جریان جمع قرآن به وسیله ابوبکر و نپذیرفتن قرآن علی بن ابی طالب علیه السلام را بیان نمود؛ به دستور ابوبکر قرآن جمع آوری شد و آیاتی را از قرآن حذف نمودند و از همین جهت می بینی که بعض آیات، با قبل و بعد، غیر مرتبط هستند.

از سید در حدود نود مسأله فراگفتم و آن را در یک مجموعه گرد آوردم که جز به خواص مؤمنین به کسی ارائه نمی دهم.

جمعه دوم - چون از نماز فارغ شدیم - از بیرون مسجد صدای داد و فریاد

عجیبی شنیدم؛ از سید پرسیدم؛ به من گفت: فرماندهان ارتش ما، در جمعه میانی هر ماه، با آمادگی کامل منتظر فرج هستند؛ از او اجازه خواستم آنها را ببینم؛ دیدم جمع زیادی هستند که تسبیح و تهلیل خدا می گویند و تعجیل فرج را خواستارند؛ سید گفت: آیا سپاه را دیدی؟ گفتم: بلی؛ گفت: شماره کردی؟ گفتم: نه؛ گفت: آنان سیصد ناصر هستند و سیزده ناصر مانده که خداوند در فرج ولی خود تعجیل کند.

به سید عرض کردم: از امام زمان علیه السلام احادیثی به ما رسیده که «هرکس در زمان غیبت کبری مدعی رؤیت شد، دروغ می گوید» این احادیث، چگونه سازگار است با این که بعضی از شما او را می بینید؟ گفتم: صحیح است؛ لیکن این مال آن زمانی است که دشمنان فراوانی از بنی عباس و دیگران داشت؛ اما در این زمان، این دشمنان، مایوس شده اند و شهرهای ما هم از آنها دور است و هیچ کس به ما دسترسی ندارد؛ ملاقات خطری ندارد.

گفتم: علمای شیعه، حدیثی از امام نقل می کنند که خمس را برای شیعیان، اباحه نموده اند؛ آیا شما هم این حدیث را از امام دارید؟ گفتم: امام، خمس را در حق شیعیان اباحه نموده است.

سید به من گفت: تو تا کنون دو مرتبه امام زمان را دیده ای، ولی او را نشناخته ای.

جناب سید فرمودند: بر درهم هایی که در جزیره خضراست نوشته شده: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، محمد بن الحسن القائم بامر الله، و پنج درهم از آنها را به من عنایت فرمود که برای برکت، آنها را حفاظت می کنم.

سید به من امر فرمود که در بلاد مغرب توقف نکن و هرچه زودتر به عراق برگرد؛ من به دستورش عمل کردم.

نظیر این داستان قصه دیگری است که علامه مجلسی در جلد ۵۳ بحارالانوار از کمال الدین ابن انباری نقل کرده که وی در سال ۵۴۳ حکایت را در نزد عون الدین یحیی بن بصیره وزیر شنیده است که مردی گفته است که در سفر دریایی دست تقدیر، ما را به جزیره خضراء برد؛ شهری زیبا و سرسبز و خوش آب و هوا و دارای آداب خوب اجتماعی و عبادت اول وقت و حاکمی به نام قاسم بن صاحب الامر و شهر دیگری در همان جزیره با حاکمی به نام هاشم بن صاحب الامر و شهر دیگری به زیبایی شهر نخست و حاکمی به نام ابراهیم بن صاحب الامر است؛ حاکمان این شهرها، فرزندان امام زمان بودند و در آن سالی که ما در آن جا بودیم، قرار بود که حضرت مهدی علیه السلام تشریف فرما شوند.

### بررسی داستان

این مدعیان در طلبش بی خبرانند آن را که خبر شد خبری باز نیامد هر چند که فضل بن یحیی - از علمای قرن هفتم - این داستان را از زبان زین الدین علی بن فاضل مازندرانی در کتابی به نام الجزیره الخضراء آورده و علمای بزرگی چون قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین و محقق ترکی و بحر العلوم در رجال خود و مقدس اردبیلی در حدیقه الشیعه و شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداة و میرزای نوری در النجم الثاقب نگاشته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که جنبه رمانتیک بودن آن بیشتر است؛ زیرا:

- ۱- قهرمان داستان، بیش از یک شخص نیست و این علی بن فاضل مازندرانی است و منبع همه آن کتب از جمله معاصرین وی همچون علامه حلی در کتاب رجالش از ذکر نام وی اهمال ورزیده است.
- ۲- این داستان، سند معتبری ندارد چنان که علامه مجلسی می‌نویسد:



«چون من این داستان را در کتب معتبر نیافتم باب جداگانه‌ای را به آن اختصاص دادم»<sup>۱</sup>.

۳- در متن داستان، تناقضاتی دیده می‌شود که عبارت است از:

الف - علی بن فاضل که در روایت مازندرانی خوانده شده، خود را عراقی الاصل می‌داند.

ب - علی بن فاضل، سعی می‌کند فضایی برای خود اثبات کند؛ از جمله این که می‌گوید: من یکی از بندگان مخلص آن حضرت هستم با این همه امام را ندیده‌ام؛ بعد سید شمس الدین می‌گوید: چرا، تو او را دو مرتبه دیده‌ای این در حالی است که هیچ یک از معاصرین علی بن فاضل او را توثیق نکرده‌اند.

ج - بین سید هاشم بحرانی (متوفی ۱۱۰۷ هـ.ق) و علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ هـ.ق) در نقل این داستان، تناقض‌ها و اختلاف‌های آشکاری وجود دارد.

۴- در داستان مذکور، عدم ارتباط آیات قرآن را به خاطر حذف بعضی از آنها در عهد ابوبکر می‌داند؛ اگر این مطلب را بپذیریم، معتقد به تحریف قرآن شده‌ایم که از نظر علمای شیعه مردود شناخته شده است؛ زیرا در قرآن هیچ تحریف و تغییری صورت نگرفته است و خداوند صریحاً فرموده است: **وَإِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ**؛ «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و هم او را حفظ خواهیم کرد»<sup>۲</sup>.

ادعای تحریف قرآن، توسط دشمنان دین و به قصد خدشه‌دار کردن قداست قرآن و افترای بر آن مطرح شده است.

۵- در روایت آمده بود که سیصد ناصر امام، در جمعه میانی هر ماه، منتظر

۲. سوره حج، آیه ۹.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

فرج هستند و تنها سیزده نفر دیگر باقی مانده است؛ اولاً طبق بعضی روایات، یاوران حضرت، در زمان ظهور، از بسترها و منزل های خود ناپدید می شوند و در مکه به آن بزرگوار می پیوندند که آن خلاف مطلب مذکور، مبنی بر اجتماع اصحاب، در دوران غیبت می باشد و اگر فرض کنیم که یاوران حضرت، اکنون به دنیا آمده اند، سؤالی که مطرح می شود این است که آیا تا وقت ظهور، عمر خواهند نمود؛ این عمر طولانی را - که اکنون هفتصد سال از آن می گذرد - چگونه توجیه می کنید؟ یا توجه به این که یک چنین عمرهای طولانی مخصوص خواص و نوادر از معمرین می باشد و عمر طولانی حضرت به مقتضای مشیت الهی از خصوصیت ویژه ایشان می باشد؛ حتی ابدال نیز از چنین عمر بلندی برخوردار نیستند و در دوره های مختلف، وقتی از دنیا می روند، جای خود را به دیگران واگذار می کنند؛ چنان که گذشت.

چرا تنها سیزده نفر مانده است؛ چرا آنها به دنیا نیامده اند تا با برادرانشان در حال انتظار فرج زندگی کنند؟ چرا تولد آنها این قدر به تأخیر افتاده است؟  
 ۶- مسأله مباح شدن خمس که در روایت آمده، با نظر فقهای شیعه مخالفت دارد.

به هر حال می توان گفت: داستان جزیره خضرا به طور رمانتیک تهیه شده؛ زیرا این که یک نفر از عراق - به قصد تحقیق - به شام برود و از آن جا به مصر و سپس همراه استادش به اندلس سفر کند، پس از طی این مسیر، مریض شده و پس از بهبودی با شنیدن جزیره رافضی ها با پیمودن راه دور و خطرناک به آن جا رود و در آن جا نام جزیره خضراء را بشنود و با این که بنا بود پس از چهار ماه گشتی بیاید، پس از چهل روز آمده و با کشتی به دریا برود و در وسط بحر ابیض، آب های سفیدی را ببیند که شیرین و گوارا است و در همه این مسیر با مردم مختلف و زبان های مختلف روبرو شود و با آنها



صحبت کند، عجیب و غریب به نظر می‌رسد؛ ولی آنها که این داستان را با وجود اشکالات مطرح شده و با این که با مبانی اسلامی سازگاری ندارد نقل کرده‌اند، از این جهت است که دیده‌اند پس از آن همه صبر و انتظار، سرانجام در عالم خیال، نشانی از دوست و علامتی از فرج یافته‌اند؛ حیفشان آمده که از اساس، آن را انکار کنند.

### ۱۰- آیا مثلث برمودا، همان جزیره خضراست؟

چندی است که این ادعا مطرح شده که جزیره خضرای که علی بن قاضل، در هفتصد سال پیش به آن سفر کرده، همان منطقه وحشتناک مثلث برمودا، واقع در اقیانوس اطلس است و بشقاب پرنده‌ها هم در اختیار فرزندان و یاوران حضرت مهدی است که در جزیره خضرا سکونت دارند؛ برای روشن شدن موضوع، لازم است آن را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم:

اقیانوس اطلس، بعد از اقیانوس آرام، بزرگ‌ترین اقیانوس جهان است و میان قاره آمریکا و دو قاره اروپا و آفریقا قرار دارد؛ ۸۲ میلیون کیلومتر مربع مساحت آن است؛ فعال‌ترین کشتی‌رانی جهان، در این اقیانوس است؛ در غرب اقیانوس، شش جزیره شناخته شده است که به آن، جزیره‌های خوش‌بختی می‌گویند؛ در امتداد شرق آن شش جزیره، در محاذات چین، جزیره‌هایی به نام سیلی وجود دارد که ساکنان آن، علوی‌هایی هستند که از دست بنی‌امیه فرار کرده و به آن جا پناه برده‌اند؛ جزیره‌های سیلی به خاطر هوای مطبوع و آب گوارا موجب می‌شود که هر کس وارد آن شد، هرگز نخواهد از آن جا بیرون رود؛ در این اقیانوس، جزیره آباد و سرسبز و خرمی است که چهار شهر مهم دارد و هر شهر برای خود، دارای پادشاهی است.<sup>۱</sup>

۱. نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۱، ص ۲۲۸؛ به نقل از کتاب جزیره خضرا افسانه یا واقعیت،

### ۱۱- مثلث برمودا چیست و در کجاست؟

در غربی‌ترین نقطه اقیانوس، منطقه اسرارآمیزی است که مدت زیادی توجه خبرنگاری‌ها و رسانه‌های گروهی جهان را به خود جلب کرده است؛ حوادثی که برای کشتی‌ها و هواپیماها روی داده، در هیچ نقطه جهان روی نداده است و بسیار جالب است و بیشتر شبیه افسانه است؛ این منطقه اسرارآمیز را مثلث برمودا می‌گویند.

مثلث برمودا در دهانه کارائیب، در مسیر جریان آبی «گلف استریم» قرار گرفته است؛ این منطقه، به صورت مثلثی است که رأس آن در جزایر برمودا و قاعده آن در جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا است.

دانشمندان تصریح کرده‌اند که آنچه در این منطقه می‌گذرد، در هاله‌ای از ابهام پوشیده است و کسی نتوانسته توجیه علمی برای آن پیدا کند.

در مثلث برمودا علاوه بر غرق شدن کشتی‌ها و هواپیماها، حوادث اسرارآمیز و شگفت‌آور دیگری نظیر نابودی بیش از هزار خلبان و ملوان نیز به چشم می‌خورد؛ وقتی ملوانان به آن نقطه نزدیک می‌شوند، عقربه‌های ساعت و قطب‌نما مختل می‌شود و بی‌سیم‌ها از کار می‌افتند.<sup>۱</sup>

یکی از حوادث ناپدید شدن هواپیماها در تاریخ پنجم دسامبر ۱۹۴۵ بود که پنج فروند هواپیمای جنگی آمریکا از فرودگاه فلوریدا برای یک عملیات اکتشافی پرواز کردند؛ در فراز مثلث برمودا، فرمانده پرواز، با برج مراقبت تماس می‌گیرد و مطالب زیر، رد و بدل می‌شود.

من چارلز تایلور هستم، وضع فوق‌العاده‌ای روی داده، ما تسلط خود را از دست داده‌ایم، ما بیچاره شدیم؛ راه را گم کرده‌ایم؛ زمین را نمی‌بینم؛ ما را

راهنمایی کنید!

برج مراقبت: کجا هستید؟ موقعیت خود را تثبیت کنید!

- ما نمی دانیم کجا هستیم؛ به نظر می رسد گم شده ایم.

- آیا به سوی غرب در پرواز هستید؟

- ما اصلاً نمی دانیم شرق و غرب کجاست.

در این جا ارتباط برج مراقبت با چارلز قطع می شود؛ پس از تلاش فراوان،

برج توانست تماس خود را برقرار کند؛

چارلز: قطب نما دیوانه وار به دور خود می چرخد؛ قطب نما خراب نیست

ولی سراسیمه می چرخد.

برج مراقبت: با استمداد از خورشید، به سوی شمال برگردید و به سمت

خورشید پرواز کنید!

- ما بر فراز جزیره کوچکی هستیم؛ جز آن، چیزی را نمی بینیم.

آخرین جمله ای که توسط برج مراقبت شنیده شد این بود: ما بر فراز

آب های سفیدی قرار گرفتیم.<sup>۱</sup>

آنها در حالت بهت زدگی قرار گرفتند؛ باد خزان بر بهار زندگی شان وزید و

بعد، دستگاه های هواپیما از کار افتاد.

آمار رسمی حوادثی که در مثلث برمودا روی داده، قابل شمارش نیست

ولی بیش از یکصد حادثه مهم هوایی - دریایی، که از ناپدید شدن یکصد

هواپیما و کشتی حکایت می کند، در سی سال گذشته در آمار رسمی کشورها

ثبت شده است.

حتی در بعضی موارد، کشتی ها روی آب رها شده، ولی سرنشینان آنها

۱. مجله الکفاح العربی، تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ میلادی؛ به نقل از جزیره حضراء افسانه یا

واقعیت، ص ۵۷.

به طور مرموزی ناپدید شده بودند.<sup>۱</sup>

عامل پیدایش حوادث شگفت‌انگیز، در مثلث برمودا چیست؟ آیا در این منطقه، یک قدرت تصمیم‌گیرنده است؟ آیا این نیروی تصمیم‌گیرنده، همان قوانین طبیعت همچون جاذبه قوی و نیروی مغناطیس است یا یک نیروی غیبی الهی است که در این منطقه اقامت دارد و به احدی اجازه نمی‌دهد که از حریم آبی و هوایی آن بگذرد. آیا آنچه در روایت علی بن فاضل آمده بود که گفت: از حکمت خدا و به برکت مولا و پیشوای ما - حضرت صاحب الزمان - کشتی‌های دشمنان ما هر قدر هم که محکم باشد در این آب‌ها غرق می‌شوند مؤید مطلب نیست و انطباق را اثبات نمی‌کند؟

آیا مثلث برمودا و بشقاب‌های پرنده، با هم ارتباط دارند؟ حدود چهل سال قبل - برای اولین بار - در اطراف زمین، یک شیء نورانی را دیدند که شبیه بشقاب بود و از آن به بعد اشیای پرنده ناشناخته را بشقاب پرنده نامیدند؛ در تعریفی دیگر گفته شده: آن اجسامی که در فضا دیده می‌شود و در صفحه نمایش رادارها مشاهده می‌شود ولی قوانین امروزی از تفسیر آن ناتوان است.

برخی دانشمندان اصرار دارند که در منطقه برمودا، بشقاب‌های پرنده زیادی در رفت و آمد است و آن‌جا مرکز این بشقاب پرنده‌هاست؛ به همین جهت هر کشتی و هواپیمایی که به آن منطقه نزدیک می‌شود، آن را نابود می‌سازد<sup>۲</sup>؛ بشقاب‌های پرنده در هر نقطه‌ای که دیده می‌شوند، موجب قطع کامل دستگاه‌های مخابراتی می‌شوند؛ سرعت سریع این بشقاب پرنده‌ها به

۲. التفكير الجديد، شماره ماه اوت ۱۹۷۷.

۱. مجلة الفبا، ۳۱، ۱۹۷۸، شماره ۵.

هفت هزار کیلومتر در ثانیه می‌رسد؛ از ارتفاع کم حرکت می‌کنند. تاکنون بیش از سه میلیون مرتبه، اشیایی نورانی مشاهده شده است، آیا ممکن است میان رویدادهای مثلث برمودا و بشقاب‌های پرنده، ارتباطی باشد؟

حقیقت امر را جز خدا کسی نمی‌داند؛ زیرا پژوهشگران در زمینه رویدادهای مثلث برمودا سالها مطالعه کرده‌اند و سرانجام به هیچ نتیجه قابل اطمینانی نرسیده‌اند؛ حتی آمریکا و شوروی سابق، گروهی کارشناس را مأمور تحقیق و بررسی علمی در مورد رویدادهای اقیانوس، گرداب‌های دریایی، امواج دریا، جاذبه و مغناطیس، حوادث جوی، چاله‌های هوایی و مسائلی از این قبیل نمودند ولی به نتیجه‌ای نرسیدند.

با وجود پیشرفت روزافزون دانش بشری، علت ناپدید شدن هواپیما و مرگ مرموز مسافران، کشف نشده است و همچنان مثلث برمودا با وجود گروه‌های اکتشافی به صورت منطقه غیر قابل نفوذ مانده و هیچ هواپیما و کشتی غول‌پیکری جرأت نزدیک شدن به آن منطقه را ندارد.

### جنبه‌های مشابهت جزیره خضراء و مثلث برمودا

آیا می‌توان گفت که مثلث برمودا همان جزیره خضراء است که برخی دانشمندان در هفتصد سال پیش به آن چارفته‌اند و اوصاف آن را بازگو کرده‌اند؟

تشابه و تناسب فراوانی وجود دارد؛ زیرا هر دو در اقیانوس اطلس قرار گرفته‌اند و هر دو با آب سفید رنگی احاطه شده‌اند و در هر دو مورد، نابودی کشتی و هواپیمایی که بخواهد به حریم آنها نزدیک شود به چشم می‌خورد.

## نقد نظریه انطباق

با این همه، آنچه به نظر می‌رسد این است که وجود مثلث برمودا، اگر درست باشد هم نمی‌تواند به عنوان دلیل بر صحت داستان جزیره خضرا باشد؛ چراکه ممکن است گروهی از افراد آن دوران، جریان مثلث را کشف کرده و خبر آن را به علی بن فاضل داده و او هم این قصه خیالی را ساخته باشد.

## تضادهای موجود، بین مثلث برمودا و جزیره خضرا

در روایت علی بن فاضل آمده بود که «کشتی‌های دشمنان وقتی داخل آب‌های سفید شوند، غرق و نابود می‌گردند و این به برکت مولای ما صاحب الزمان می‌باشد»؛ در حالی که در قضیه مثلث برمودا چنین نیست؛ زیرا گفته‌اند که در موارد زیادی ملوانان و مسافران، یا فقط ملوانان ناپدید می‌شوند و کشتی‌ها در حالی که خالی هستند و اثری از خشونت یا دزدی دریایی در آن دیده نمی‌شود برمی‌گردند.

و گاهی کشتی‌ها برمی‌گردند در حالی که ملوانان آن مرده‌اند و در صورت آنها آثار ترس دیده می‌شود؛ البته کشتی‌هایی در سال‌های ۱۸۷۲، ۱۹۲۴، ۱۹۵۱ و ۱۹۶۲ میلادی غرق شدند و هواپیماهایی در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۴، ۱۹۶۳، و ۱۹۶۵ مفقود شدند.

گاهی هم کشتی‌ها و هواپیماها از منطقه مثلث عبور کردند بدون این‌که دچار کمترین مشکل شوند؛ چنان‌که صدها کشتی و هواپیما از منطقه مثلث برمودا عبور می‌کنند و به تجسس می‌پردازند و هیچ اتفاقی برای آنها نمی‌افتد.

البته مواردی با حادثه مواجه شده که به دنبال عملیات تحقیقاتی گسترده

بوده؛ عملیاتی که صدها کشتی و هواپیما در آن شرکت داشته است. حتی موارد متعددی از عملیات تجسسی در مورد وسایل حادثه دیده در قلب مثلث برمودا انجام شده که طی آن، هیچ هواپیما یا کشتی جستجوکننده‌ای غرق نشده است؛ همچنین گروهی از محققان به منطقه مثلث وارد شدند و غرق نگشتند.

مضافاً که مناطق دیگری در جهان وجود دارد که گمان می‌رود خطرناک‌تر از مثلث برمودا باشد؛ نظیر منطقه‌ای در نزدیکی ژاپن که به اسم دریای شیطان معروف است و منطقه‌ای در نزدیکی مالزی که به آن هم دریای شیطان می‌گویند.

مناطق دیگری هم وجود دارد که حوادثی که در آنها اتفاق افتاده نظیر مثلث برموداست؛ وقایعی مانند این که همه افراد در کشتی می‌میرند و یا ناپدید می‌شوند و یا کشتی غرق می‌شود؛ چنان که در سال ۱۹۴۸ یک کشتی در دریای شیطان در نزدیکی مالزی غرق شد و همین‌طور در سال ۱۹۵۵ و ۱۹۷۶ و ۱۹۸۱ کشتی‌های دیگری غرق شدند ولی وسایل آنها باقی ماند. بنابراین آیا می‌توان گفت که در آن مناطق هم جزیره خضرای دوم و سوم وجود دارد.

این نکته قابل توجه است که حوادثی که برای کشتی‌ها و هواپیماها اتفاق افتاده، تنها برای کشتی‌ها و هواپیماها و زیردریایی‌های جنگی بوده است. علت بعضی حوادث را بدی آب و هوا و در مواردی خراب‌کاری ذکر کرده‌اند؛ بنابراین، انگیزه‌های جاسوسی و اطلاعاتی، از این که عامل را منحصرأً غیبی بدانیم، خارج می‌کند.

## ۱۲- بشقاب پرنده، افسانه است یا واقعیت دارد؟

انیشتین - مشهورترین فیزیک‌دان و صاحب نظریه نسبیت - می‌نویسد:



«بشقاب‌های پرنده، بدون تردید وجود دارد... گروهی که بشقاب‌های پرنده در دست دارند، یک تیره از انسان خاکی هستند که بیست هزار سال پیش، کره زمین را ترک گفته‌اند».<sup>۱</sup>

هیрман ادبرت - متخصص در امور موشکی - می‌گوید: «من معتقدم که در فضا مخلوقاتی هستند که از هوش و نبوغ خارق العاده‌ای برخوردارند و بشقاب‌های پرنده را برای مراقبت از اوضاع ما به کره زمین می‌فرستند».<sup>۲</sup>

بنابر این نظریات، بشقاب پرنده، یک افسانه نیست؛ تعداد سرسام‌آور بشقاب پرنده‌های دیده شده در کشورهای مختلف موجب شده که این مسأله در محافل علمی به طور جدی مطرح شود و حتی بعضی از کشورها از آن فیلم‌برداری کرده‌اند.

در این زمینه سمینارهای مهمی تاکنون در جهان برگزار شده است؛ از جمله سمیناری که با شرکت صدها دانشمند در ارمنستان شوروی سابق برگزار شد و در آن جا اعلام شد کشف اسرار بشقاب‌های پرنده دگرگونی شگرفی در زندگی انسان بر روی کره خاکی خواهد گذاشت.<sup>۳</sup>

البته نظر دیگری نیز اعلام شده مبنی بر این که بشقاب‌های پرنده، چیز تازه‌ای نیست؛ همواره مردم، اشیایی نورانی در آسمان می‌دیده‌اند و بعضی آن را افسانه و خیالات پنداشته‌اند.

به هر حال نتیجه این است که بشقاب‌های پرنده هم نظیر مثلث برمودا ناشناخته مانده است و تاکنون تفسیر قابل اعتمادی از آن وجود ندارد.



۱. مجله الاسبوع العربی، شماره ۱۰۰۷، ژانویه سال ۱۹۷۹.

۲. همان.

۳. مجله آخر ساعة، شماره ۲۳۹۵، اکتبر ۱۹۸۷، به نقل از جزیره خضرا افسانه یا واقعیت.



نجوا با مهدی علیه السلام

سلام بر آل یاسین!

سلام بر قرآن ناطق!

سلام بر تو ای پرچم افراشته!

سلام بر تو ای دانش انباشته!

سلام بر تو در همه شب‌ها و روزها!

سلام بر تو در همه لحظه‌ها!

سلام بر تو، آنگاه که نماز می‌گزاری!

سلام بر مهدی امت‌ها؛ سلام بر اتحاد ملت‌ها!

سلام بر بهار زندگی و روح پابندگی!

ای زاده طاهها و یاسین و ذاریات و عادیات!

ای زاده صاحب معراج و آورنده منهاج! آیا تو در کجا به سر می‌بری و در

چه سرزمینی زندگی می‌کنی؟!

چقدر دشوار است که همگان را ببینیم و تو را نبینیم؛ چقدر سخت است

که سخنان همه را بشنویم و سخن و صدای تو را نشنویم؟! تو از ما پنهانی؛

لکن بیرون از ما نیستی؛ تو از ما دور نشده‌ای.

تو آرمان مشتاقانی؛ تو سر لوحه شرف و عظمتی!

تو تندیس بزرگی و عزت و حریتی؛ ای عزیز مصر هستی!

ای مظهر اسماء خدای رحمان!

ای پیشوای دلسوز مهربان! تاکی در طلب تو سرگردان باشیم؟!!

تاکی تو را بجوییم و به دیدارت نایل نیاییم؛ تاکی در جستجوی تو از دیده

خون بیفشانیم؟!!

آیا شود که شام تار فراق، به صبح روشن وصال بدل گردد؟!!

آیا رسد روزی که تو پرچم نصر الهی را برافراشته باشی و ما گرداگرد تو را

گرفته باشیم؟!؟

تو امام باشی و ما بر تو اقتدا کنیم؛ نماز گزاریم؛ نماز کاملی با حماسه و عرفان؛ خون و قیام؛ عشق و ایثار؛ راز و نیاز و سوز و گداز؟!؟  
 آیا رسید روزی که بنگریم سراسر جهان را از عدل آکنده‌ای؛ دشمنان حق و عدل را خوار و ناتوان ساخته و ابرقدرتان را از صحنه روزگار برانداخته‌ای؟!؟  
 آیا می‌شود که چنین روزی را ببینیم و خدای را بر این نعمت سپاس‌گزار باشیم؟!؟

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقت است که بازایی

دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

دیشب گله زلفش با باد همی کردم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

صد باد صبا این جا با سلسله می‌رقصند

این است حریف ای دل تا باد نپیمایی

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد

کز دست بسخواهد شد پایان شکیبایی

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

پنجم شهریور ماه ۱۳۷۱ هـ.ش؛ برابر با ۲۷ صفر ۱۴۱۳ هـ.ق.

حوزه علمیه قم؛ سید حسین تقوی

- جهت آشنایی بیشتر شما خوانندگان عزیز از محتوای کتاب «حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی» تعداد ۱۱۰ سؤال مطرح شده است که عبارت است از:
- ۱- آثار وجودی حضرت، در زمان غیبت چیست؟
  - ۲- وظیفه دینی، در دوران پیش از ظهور چیست؟
  - ۳- چه قرائتی از دین، صحیح است؟
  - ۴- سکولارها چه می گویند و چرا با ولایت فقیه مخالفند؟
  - ۵- چه وظیفه‌ای نسبت به حضرت مهدی داریم؟
  - ۶- بهترین دعاها در ارتباط با حضرت مهدی کدام است؟
  - ۷- آیا با ظهور حضرت مهدی، همه چیز به سرعت درست می شود؟
  - ۸- حضرت مهدی در چه مکان‌هایی بیشتر حضور دارند؟
  - ۹- جزیره خضرا افسانه است یا واقعیت؟
  - ۱۰- آیا مثلث برمودا، همان جزیره خضراست؟
  - ۱۱- مثلث برمودا چیست و در کجاست؟
  - ۱۲- بشقاب پرنده، افسانه است یا واقعیت دارد؟
  - ۱۳- فیلم نوسترا داموس که در غرب بر روی پرده سینماها رفته و در مورد حضرت مهدی است توسط چه کسی ساخته شده و چه چیزی را نشانه گرفته است؟
  - ۱۴- تفاوت انتظار سازنده و ویرانگر در چیست؟
  - ۱۵- نظر امام خمینی در مورد انجمن حجتیه چیست؟
  - ۱۶- ژنرال هایزر آمریکایی چه مأموریتی در ایران داشت؟ آیا موفق شد؟
  - ۱۷- پیامبر گرامی در مورد فتنه فلسطین چه فرموده است؟
  - ۱۸- چرا فیلم سازان آمریکایی و اسرائیلی مسأله مهدویت را نشانه گرفته‌اند؟
  - ۱۹- شرایط با نشانه‌های ظهور چه فرقی دارد؟
  - ۲۰- وضع جهان در آخرالزمان چگونه است؟
  - ۲۱- وضع مسلمانان در آخرالزمان چگونه است؟
  - ۲۲- وضع زمامداران، قرآن، مساجد، علما و مؤمنان چگونه می شود؟
  - ۲۳- اوضاع اجتماعی آخرالزمان از دیدگاه امام صادق علیه السلام چگونه است؟

- ۲۴- اوضاع اقتصادی، اخلاقی و اعتقادی چگونه می‌شود؟
- ۲۵- وقایع عمومی قبل از ظهور چیست؟
- ۲۶- نشانه‌های حتمی ظهور حضرت کدام است؟
- ۲۷- فایده نشانه‌های ظهور چیست؟
- ۲۸- وقایع خصوصی قبل از ظهور چیست؟
- ۲۹- بزرگ‌ترین رویداد سیاسی در رابطه با مهدویت در عصر حاضر که در مکه واقع شد، چه بوده است؟
- ۳۰- مهدی‌های دروغین چه کسانی هستند؟
- ۳۱- نظریه مذاهب چهارگانه اهل سنت در مورد حضرت مهدی چیست؟
- ۳۲- مضمون آیاتی از قرآن کریم که درباره حضرت مهدی است چیست؟
- ۳۳- به گفته شهید صدر روایاتی که در مورد حضرت مهدی آمده به چه تعدادی است؟
- ۳۴- با فرود حضرت مسیح از آسمان و حکمیت ایشان، قرارداد صلح حضرت مهدی و مسیحیان به مدت چند سال بسته می‌شود؟
- ۳۵- چگونه شهرهای روم به وسیله حضرت مهدی آزاد می‌شود؟
- ۳۶- مضمون حدیثی که فرموده قم و ایران حجت بر ملت‌های مسلمان و مردم جهان می‌شوند چیست؟
- ۳۷- جنبه‌های ضرورت بررسی موضوع مهدویت چیست؟
- ۳۸- مؤلف کتاب منتخب الاثر چند روایت درباره حضرت مهدی از شیعه و سنی شماره کرده است؟
- ۳۹- نظر یهودیان و مسیحیان در رابطه با مهدویت چیست؟
- ۴۰- نشانه‌های یک سال قبل از ظهور چیست؟
- ۴۱- فتنه‌های سال ظهور را بیان کنید؟
- ۴۲- چرا زمان دقیق ظهور نامعلوم است؟
- ۴۳- امام زمان چگونه ظهور می‌کند و انقلاب وی در چند ماه کامل می‌شود؟
- ۴۴- محتوای صیحه آسمانی چیست؟
- ۴۵- حضرت در چه زمان و مکانی ظهور خواهند فرمود؟

- ۴۶ - تعداد اصحاب حضرت مهدی را بیان کنید؟
- ۴۷ - فرق اصحاب و انصار چیست؟
- ۴۸ - یاران حضرت از چه کشورهایی هستند؟
- ۴۹ - یاران حضرت از چه شهرهایی هستند؟
- ۵۰ - تعداد یاران حضرت مهدی هنگام خروج از مکه چند نفر می باشد؟
- ۵۱ - تعداد محافظان حضرت مهدی در قدس به چند هزار نفر می رسد؟
- ۵۲ - شخصیت های مشهوری که حضرت مهدی را یاری می کنند، چه کسانی هستند؟
- ۵۳ - صفات یاران حضرت مهدی را بیان کنید؟
- ۵۴ - سفیانی کیست؟
- ۵۵ - موضع گیری رومیان (غربی ها) را در برابر حضرت مهدی توضیح دهید؟
- ۵۶ - مشخصات دجال را ذکر کنید؟
- ۵۷ - آیا دجال واقعی است یا سمبلیک؟
- ۵۸ - پیروان دجال چه کسانی هستند؟
- ۵۹ - حامیان دجال کیانند؟
- ۶۰ - مشخصات ظاهری حضرت مهدی را ذکر کنید؟
- ۶۱ - دلیل کثرت القاب حضرت چیست؟
- ۶۲ - چرا حضرت مهدی را منتظر، بقیه الله، حجة الله و قائم می نامند؟
- ۶۳ - مادر حضرت مهدی کیست و چرا نام خود را تغییر داد؟
- ۶۴ - هنگامه میلاد حضرت مهدی را توصیف کنید؟
- ۶۵ - صفات بدنی حضرت مهدی را ذکر کنید.
- ۶۶ - آیا ملاقات و دیدار با امام زمان امکان دارد؟
- ۶۷ - نشانه هایی از وجود حضرت مهدی ذکر کنید؟
- ۶۸ - دوران غیبت صغری را توضیح دهید؟
- ۶۹ - توقیع چیست و اهمیت و تعداد توقیعات را ذکر کنید؟
- ۷۰ - دو نمونه از توقیعات حضرت را بیان کنید؟
- ۷۱ - چگونه حضرت مهدی عمر طولانی دارد؟

- ۷۲- غیبت طولانی چرا؟
- ۷۳- سه مورد از کتاب‌هایی که در شرح حال تشریف‌یافتگان است ذکر کنید؟
- ۷۴- شرط دیدار حضرت مهدی از نظر بزرگان چیست؟
- ۷۵- چرا به صابونی اجازه ملاقات ندادند؟
- ۷۶- قصه اسماعیل هرقلی چیست؟
- ۷۷- قصه ابوراجح را توضیح دهید؟
- ۷۸- داستان سید مهدی بحر العلوم در محضر حضرت مهدی چه بوده است؟
- ۷۹- دستور امام زمان به امام خمینی چه بوده است؟
- ۸۰- نحوه شرکت امام زمان در تشییع آیه الله گلپایگانی چگونه بوده است؟
- ۸۱- حضرت مهدی برای ناشناس ماندن خود هنگام دیدار چه برنامه‌هایی دارد؟
- ۸۲- چرا آیه الله بهاء الدینی دعای خود را تغییر داد؟
- ۸۳- چه اهدافی بر دیدارهای حضرت مهدی مترتب است؟
- آیا امام زمان، زن و فرزند دارد؟
- ۸۴- مشخصات معنوی حضرت مهدی چیست؟
- ۸۵- چه کسانی اکنون همراه حضرت مهدی هستند؟
- ۸۶- چگونه حضرت مهدی با ۳۱۳ نفر بر عالم پیروز می‌شود؟
- ۸۷- آیا حضرت مهدی با شمشیر قیام می‌کند؟
- ۸۸- حضرت مهدی در برابر دشمنان خود از چه سلاح‌هایی برخوردار است؟
- ۸۹- چگونه حضرت مهدی از نظر علمی و دینی بر جهان پیروز می‌شود؟
- ۹۰- آیا واقعاً دو سوم مردم جهان از بین می‌روند؟
- ۹۱- پیروزی حضرت مهدی از راه اسباب طبیعی است یا معجزه؟
- ۹۲- راه و روش فردی حضرت مهدی پس از ظهور چگونه است؟
- ۹۳- راه و روش اقتصادی و سیاسی حضرت مهدی چگونه است؟
- ۹۴- راه و روش مدیریتی حضرت مهدی را بیان کنید؟
- ۹۵- ذی طوی و رضوی کجاست؟
- ۹۶- مسجد جمکران چگونه پدید آمد؟

- ۹۷- نماز امام زمان در مسجد جمکران چگونه است؟
- ۹۸- در کتاب آمده است که نیروهای نظامی ایران به وسیله شعیب (فرمانده سپاه سید خراسانی) با حضرت مهدی بیعت می کنند، آیا نام سید خراسانی و شعیب سمبلیک است یا حقیقی؟
- ۹۹- ارتباط مسأله مهدویت و جهانی سازی چیست؟
- ۱۰۰- تفاوت اساسی در انتظار ظهور مصلح بین شیعیان با سایر ادیان چیست؟
- ۱۰۱- اولین سخن حضرت مهدی در کنار کعبه به هنگام ظهور چیست؟
- ۱۰۲- آیا ظهور نزدیک است؟
- ۱۰۳- نظریه صهیونیست ها در زمینه اعتقادات آخرالزمانی چیست؟
- ۱۰۴- ارتباط نبرد آرماگدون با حضرت مهدی چیست؟
- ۱۰۵- حضرت مهدی در دوران غیبت چه می کند؟
- ۱۰۶- سراینندگان شعر فارسی در رابطه با حضرت مهدی چه عناوینی را لحاظ کرده اند؟
- ۱۰۷- قصه تکرار بهشت چیست؟
- ۱۰۸- یاران همراه حضرت چه نامیده می شوند؟
- ۱۰۹- قصه ای که در رابطه با «رحلت یکی از ابدال و جایگزینی فرد دیگر» در عصر حاضر واقع شده را بیان نمایید؟
- ۱۱۰- جمله «مهم این نیست که ما امام زمان را ببینیم بلکه مهم آن است که امام زمان ما را ببیند» از کیست؟



## فهرست منابع، به ترتیب حروف الفبا

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آیت بصیرت، احمد لقمانی.
- ۳- اثبات الهداة، محمد بن حسن حرّ عاملی، متوفی ۱۱۰۴ هـ ق مطبعة علمیه، قم، ۳ جلد قطع وزیری، ۲۱۹۲ صفحه.
- ۴- احقاق الحق وازهاق الباطل، سید نورالله حسینی مرعشی، متوفی ۱۰۱۹ هـ ق با تعلیقات آیه الله مرعشی نجفی، مطبعة مکتبه، قم، ۲۰ جلد، قطع وزیری.
- ۵- ادیان و مهدویت، سید محمد بهشتی، چاپ تهران، یک جلد.
- ۶- ارشاد، شیخ مفید، متوفی ۴۱۳ هـ ق، مکتبه بصیرتی، قم، یک جلد، قطع وزیری، ۲۶۶ صفحه.
- ۷- استراتژی صلح کندی، یک جلد.
- ۸- اصول کافی، شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، متوفی ۳۲۹ هـ ق، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۸ جلد، عربی، قطع وزیری.
- ۹- اطلاعات هفتگی، شماره ۱۲۱۶.
- ۱۰- الامام المهدي، علی محمد علی دخیل، معاصر، دارالمرتضی بیروت، یک جلد، قطع رقعی، ۳۱۲ صفحه.
- ۱۱- التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، شیخ منصور علی ناصف، متوفی ۱۳۷۱ هـ ق، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۵ جلد، قطع رحلی، ۲۰۸۶ صفحه.
- ۱۲- الحاوی للفتاوی، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، متوفی ۹۱۱ هـ ق، دارالکتب العلمیه، بیروت، دو جلد، قطع وزیری، ۷۵۵ صفحه.
- ۱۳- الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، متوفی ۱۳۳۳ هـ ق.
- ۱۴- الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی، متوفی ۹۷۴ هـ ق، مکتبه القاہره، یک جلد، قطع وزیری، ۲۶۳ صفحه.



- ۱۵ - الغيبة، شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفی ۴۶۰ هـ ق، مکتبه نینوا، تهران، یک جلد، قطع وزیری، ۲۹۲ صفحه.
- ۱۶ - الغيبة، شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی، متوفی ۳۶۰ هـ ق، مکتبه صدوق، تهران، یک جلد، قطع وزیری، ۳۳۵ صفحه.
- ۱۷ - الفتن، ابو عبدالله نعیم بن حماد المرزوی، نسخه خطی، قطع رقعی، یک جلد، ۲۰۱ صفحه.
- ۱۸ - الفتوحات المکیه، محمد بن علی ابن عربی، متوفی ۶۳۸ هـ ق، بیروت، دار صادر، ۴ جلد، قطع رحلی، ۲۶۳۰ صفحه.
- ۱۹ - الفصول المهمه فی معرفة احوال الأئمه، علی بن محمد بن احمد المالکی مشهور به ابن صباغ، متوفی ۸۵۵ هـ ق، مکتب دارالکتب نجف، یک جلد، قطع وزیری، ۳۰۴ صفحه.
- ۲۰ - الکامل فی التاریخ، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکریم شیبانی معروف به ابن اثیر، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۷ جلد، قطع وزیری.
- ۲۱ - المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، متوفی ۴۰۵ هـ ق، دارالفکر بیروت، ۴ جلد، قطع رحلی، ۲۴۶۱ صفحه.
- ۲۲ - الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، علی بن موسی بن طاووس، متوفی ۶۶۴ هـ ق، منشورات رضی، قطع رقعی، ۲۲۴ صفحه.
- ۲۳ - الملل و النحل، احمد شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر، متوفی ۵۴۸ هـ ق، دو جلد، دارالمعرفه، بیروت، قطع وزیری.
- ۲۴ - المنطق، محمد رضا مظفر، دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، قطع وزیری، ۴۶۱ صفحه.
- ۲۵ - النجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان قم، یک جلد، قطع وزیری، ۶۷۴ صفحه.
- ۲۶ - امام المهدی عند اهل السنه، فقیه ایمانی، معاصر، قطع وزیری.

- ۲۷ - امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی، معاصر، نشر الهادی، وزیری، ۸۳۲ صفحه.
- ۲۸ - امام مهدی در قرآن، سید صادق شیرازی، ترجمه محمد رضا انصاری، نشر پیام اسلامی قم، قطع جیبی.
- ۲۹ - انتظار، فصلنامه علمی تحقیقی، ویژه امام مهدی علیه السلام ش ۱ و ۲.
- ۳۰ - انیس الاعلام، محمد صادق فخر الاسلام، چاپ پیام تهران، قطع وزیری، نشر ۱۳۵۸.
- ۳۱ - او خواهد آمد، نشریه دارالتبلیغ اسلامی قم، یک جلد، قطع جیبی.
- ۳۲ - بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، متوفی ۱۱۱۱ هـ.ق، طبع جدید، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۱۱ جلد، قطع وزیری.
- ۳۳ - بشارات عهدین، محمد صادقی، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۴ - بشاره الاسلام، سید مصطفی آل سید حیدر کاظمی، متوفی ۱۳۲۶ هـ.ق، مکتب نینوای جدید تهران، ۲ جلد، قطع وزیری، ۲۸۸ صفحه.
- ۳۵ - پادشه خوبان، سید عباس موسوی مطلق.
- ۳۶ - پاسخ ده پرسش، پیرامون امامت و خصایص حضرت مهدی، آیه الله لطف الله صافی.
- ۳۷ - پرنس دالگورکی، نوشته م. احمد - آ.
- ۳۸ - پیشگویی های نوسترا داموس، تحقیق از دکتر شرف الدین اعرجی، ترجمه یوسف عزیزی.
- ۳۹ - پیشوای دوازدهم؛ حضرت حجة بن الحسن المهدی، مؤسسه در راه حق.
- ۴۰ - تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر سید حسین افتخارزاده.
- ۴۱ - تفسیر برهان، سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل بحرانی، متوفی ۱۱۰۷، مطبوعه علمیّه، قم، ۴ جلد، قطع رحلی، ۱۹۹۱ صفحه.
- ۴۲ - تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، ۱۱۱۲ هـ.ق، دارالکتب العلمیه، قم، ۵ جلد، قطع وزیری.

- ۴۳- توجہات ولی عصر بہ علماء و مراجع، عبدالرحمن باقرزادہ.
- ۴۴- تہاجم یا تفاوت فرہنگی، دکتر حسن بلخاری.
- ۴۵- جزیرہ خضراء؛ افسانہ یا واقعیت، ترجمہ ابوالفضل طریقہ دار، نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۶- حدیقہ الشیعہ، مقدس اردبیلی، جزء دوم.
- ۴۷- حضرت مهدی، محمد محمدی اشتهاردی.
- ۴۸- حکومت عدل گستر، حسین حیدری، دفتر انتشارات جامعہ مدرسین.
- ۴۹- خصال صدوق، ابو جعفر محمد بن علی حسین بن بابویہ قمی، متوفی ۳۸۱ھق، جامعہ مدرسین قم، ۲ جزء در یک جلد، قطع وزیری.
- ۵۰- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
- ۵۱- دادگستر جہان، ابراہیم امینی.
- ۵۲- در جستجوی قائم، سید مجید پور طباطبایی، انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان، قم، قطع وزیری، یک جلد، ۵۰۳ صفحہ.
- ۵۳- در سنامہ تاریخ عصر غیبت.
- ۵۴- در سنامہ تاریخ عصر غیبت، مؤلفان، آقای، جباری، عاشوری و حکیم.
- ۵۵- در شناخت حزب قاعدین زمان، ع، باقی، نشر دانش اسلامی، چاپ اول، قطع رقی، ۳۵۲ صفحہ.
- ۵۶- دیباچہ ای بر رہبری، دکتر ناصر الدین صاحب الزمانی.
- ۵۷- دیباچہ ای بر رہبری، دکتر ناصر الدین صاحب الزمانی، مؤسسہ مطبوعاتی عطایی، یک جلد، قطع جیبی، ۵۴۲ صفحہ.
- ۵۸- دیوان ابن یمین.
- ۵۹- دیوان حافظ، خواجہ شمس الدین محمد؛ حافظ شیرازی، چاپ ہادی، کتاب فروشی فخر رازی، یک جلد، قطع جیبی.
- ۶۰- دیوان خاقانی.

- ۶۱- دیوان خواجهوی کرمانی.
- ۶۲- دیوان شاه نعمت الله ولی.
- ۶۳- رسالت تشیع در دنیا امروز، علامه سید محمد حسین طباطبائی.
- ۶۴- روش های تحقیق و چگونگی ارزش یابی آن در علوم انسانی، دکتر نادری و سیف نراقی، دفتر تحقیقات و انتشارات، یک جلد، قطع وزیری، ۲۶۳ صفحه.
- ۶۵- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، انتشارات سنایی، دو جلد، قطع وزیری.
- ۶۶- سلوک معنوی، اکبر اسدی.
- ۶۷- سیمای آفتاب، حبیب الله، طاهری مؤسسه انتشاراتی مشهور.
- ۶۸- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، متوفی ۶۵۶ هـ ق، دارالکتب العلمیه، قم، ۲۰ جزء در ۱۰ جلد، قطع وزیری.
- ۶۹- شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبائی.
- ۷۰- شیفتگان حضرت مهدی، احمد قاضی زاهدی.
- ۷۱- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام، تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۱ جلد، قطع وزیری.
- ۷۲- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ارتشبد فردوست، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، انتشارات اطلاعات، ۲ جلد، قطع وزیری.
- ۷۳- عصر ظهور، علی کورانی، مترجم عباس جلالی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۷۴- عقد الدرر فی الأخبار، یوسف بن یحیی بن المقدس سلمی شافعی، قرن هفتم هجری، مکتبه عالم الفکر، قاهره، یک جلد، قطع وزیری، ۴۶۸ صفحه.
- ۷۵- علائم ظهور، حسن قائمیان.
- ۷۶- عهد عتیق، دلیم گلن، ترجمه فارسی، طبع آدن برع، سال ۱۸۴۵ میلادی.
- ۷۷- فرهنگ عمید، حسن عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، یک جلد، قطع وزیری.
- ۷۸- فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی.
- ۷۹- قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، یک جلد.

- ۸۰- کشف الحق، محمد صادق خاتون آبادی، ناشر مؤلف، اصفهان، سال ۱۳۷۴ هـ.ق، قطع وزیری.
- ۸۱- کمال الدین، شیخ صدوق، متوفی ۳۸۱ هـ.ق، طبع جامعه مدرسین قم، دو جزء در یک جلد، قطع وزیری، ۶۸۶ صفحه.
- ۸۲- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.
- ۸۳- لطیفه‌ها و خاطره‌ها، رحیمی اصفهانی.
- ۸۴- مأموریت در تهران، خاطرات ژنرال هایزر، ترجمه رشیدی، انتشارات اطلاعات، یک جلد، قطع رقعی، ۳۲۰ صفحه.
- ۸۵- مثل‌ها و پندها، آیه الله حائری شیرازی.
- ۸۶- مجله حوزه، ویژه نامه حضرت مهدی علیه السلام، ش ۷۰ و ۷۱.
- ۸۷- مجله حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱.
- ۸۸- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، متوفی ۵۴۸ هـ.ق، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۵ جلد، قطع رحلی، ۲۸۰۰ صفحه.
- ۸۹- مردان علم در میدان عمل، سید نعمت الله حسینی، ج ۵.
- ۹۰- مروج الذهب و معادن الجواهر، ابی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی، متوفی ۳۴۶ هـ.ق، مطبعة السعادة، قاهره، ۴ جلد.
- ۹۱- مسجد جمکران تجلیگاه صاحب الزمان، سید جعفر میرعظیمی.
- ۹۲- مسند احمد بن حنبل، متوفی ۲۴۱ هـ.ق، دارالفکر بیروت، ۶ جلد، قطع رحلی، ۲۸۸۸ صفحه.
- ۹۳- معارف اسلامی (۲)، جمعی از نویسندگان، یک جلد.
- ۹۴- معجم احادیث الامام المهدی، تألیف و نشر مؤسسه الاسلامیه، قم، تحت اشراف شیخ علی کورانی، ۴ جلد، قطع وزیری، ۲۱۶۰ صفحه.
- ۹۵- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، یک جلد، قطع وزیری.
- ۹۶- مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی علی بن حسین بن محمد، متوفی ۳۶۵ هـ.ق، مکتبه حیدریه، نجف، یک جلد، قطع وزیری، ۴۷۵ صفحه.

- ۹۷- مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن مغربی، متوفی ۸۰۸ هـ ق، دارالفکر بیروت، قطع وزیری، ۵۱۸ صفحه.
- ۹۸- منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، معاصر، مکتبه صدر تهران، یک جلد، قطع وزیری، ۵۲۵ صفحه.
- ۹۹- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، دو جلد.
- ۱۰۰- مهدی؛ از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، دارمستر، ترجمه محسن جهانسوز، کتابفروشی ادب.
- ۱۰۱- مهدی؛ انقلابی بزرگ، آیه الله ناصر مکارم شیرازی، نشر مطبوعات هدف، یک جلد، قطع رقی، ۳۳۹ صفحه.
- ۱۰۲- مهدی منتظر، شیخ جواد خراسانی.
- ۱۰۳- مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار، علی دوانی، دارالکتب الإسلامیه، قطع وزیری، ۱۲۸۴ صفحه.
- ۱۰۴- نشانی از امام غایب، دکتر محمد مهدی رکنی.
- ۱۰۵- نوید امن و امان، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، قطع جیبی، یک جلد.
- ۱۰۶- نه‌ایة الحکمه، علامه طباطبائی، نشر دارالتبلیغ اسلامی، یک جلد، قطع وزیری، ۲۹۴ صفحه.
- ۱۰۷- نهج البلاغه امیرالمؤمنین.
- ۱۰۸- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ۲۰ جلد.
- ۱۰۹- هفت سؤال پیرامون مهدی، ترجمه کتاب حول المهدی، شهید سید محمد باقر صدر، ترجمه عباس مخبر دزفولی، نشر جامعه مدرسین قم، قطع وزیری، ۵۰ صفحه.
- ۱۱۰- ینابیع الموده، سلمان بن ابراهیم بن قندوزی حنفی، متوفی ۱۲۹۴ هـ ق، دارالکتب العراقیه، مکتبه محمدی، قم، قطع وزیری، یک جلد، ۵۲۷ صفحه.